۱۲۸

سجل بالقدس

از محرمات است

حرز الامان علی بن حسین کاشفی بخط سید عبد المهدی بن عبد الباقی حسینی سبزواری
موسوی شوشتری ۱۲۶۳ پدر علامه فقیه سید صدر الدین محمد واعظ صاحب [illegible] اصل
مؤلفات کثیره بوده و در الکلام البراهین ۷۹۶ گوید اجازه [illegible] سید عبد الله پدر ۱۲۵۷ [illegible]
و ظاهرا پدرش میر عبد الهادی بن میر عبد الباقی شوشتری مخلص
به مرعشی است که در وادی ایمن گفته در ۱۲۳۴ در شوشتر چاپ نگارنده
او ملاقات نموده و مقداری از اشعارش را آورده است

سید مهدی فارس
تهران ۲۱/۵/۶



[illegible]

۱۲۸

سبحة القدس

از مجموعه‌ها است

حرز الامان علی بن حسین کاشفی سبزواری بخط سید عبد المهدی بن عبد الباقی حسینی
موسوی شوشتری ۱۲۶۳ پدر علامهٔ فقیه سید صدر الدین محمد و ناصر صاحب ... اسم
مؤلفات کثیره بوده و در الکرام البررة ص ۷۹۶ گویا اجازه آسید عبدالله پدر ... ۱۳۵۷
و ظاهراً برادر میر عبد الهادی بن میر عبد الباقی شوشتری متخلص
به مرعشی است که در وادی ایمن که در ۱۲۳۴ در شوشتر جا نگارش یافته
او را ملاقات نموده و مقداری از اشعارش را آورده است

سید محمد ...

تهران ۴۱/۵/۱۶

دیون جدیده از ملا محمد حسن دفعه‌ای جهت [illegible]
۵ قران نقد

از آقا محمد جواد
یک [illegible] قران نقد

از کبلائی [illegible]
[illegible] قران نیم

دفعه‌ای الیه
۲ قران
نقد

از ملا فاطمه
۲ قران

از ملا زینب
۲ قران

از مادر معصوم
یک روپیه

از [illegible] فاطمه
یک قران
نقد

ایضا از ملا فاطمه [illegible]
یک قران نقد

ایضا از ملا فاطمه
یک قران

ایضا از ملا فاطمه
یک قران

ایضا از ملا فاطمه [illegible]
دو قران

یازده قران

حساب جدید سید عبد الباقی

ایضا از ملا زینب
[illegible]
هفت قران نیم نقد

شکر نیم وقیه | سکنجبین یک وقیه | چای یک [illegible] | سکنجبین یک وقیه | ایضا شکر نیم دفتر

ایضا چای نیم [illegible]

ایضا شکر [illegible]

چای یک [illegible]

ایضا چای یک [illegible]

شکر نیم وقیه

شکر نیم [illegible]

چای [illegible]

ایضا شکر نیم وقیه

چای [illegible]

ایضا شکر نیم وقیه

ایضا [illegible] نیم وقیه

چای [illegible]

سکنجبین [illegible]

چای نیم ربع

چای نیم ربع

ایضا شکر نیم وقیه

چای نیم ربع

ایضا شکر نیم وقیه

سکنجبین یک وقیه

جمع [illegible]

[illegible] شکر [illegible] شکر نیم وقیه [illegible]

سکنجبین [illegible]

جمع [illegible]

شنك بنك [illegible]
بر فرزين [illegible]

الفم چاهی
نغم ثانیه

الفم بهرام
شك نبیدو نشك
چهار رقوی

چاهی نغم ربع

الفم بهشم
شنك نغم
ونیه

بیت نغم نا[illegible]
نغم حقه

[illegible] ورنه
شك نبید [illegible]

وچون مباحث این کتاب از جلد علومی است که منسوبست به آل عبا وائمهٔ اثنی عشر علیهم السلم
لاجرم تمهیدات ومقالات وابواب انرا بر پنج که عدد آل عباست بنا نهاد وفصول ان ابواب را که در
اثنای کتابست تفصیل خواهد یافت بر دوازده باب که عدد ائمهٔ اثنی عشر است قرار داد وفهرست تمهیدات
ومقالات وابواب اینست **تمهید اول** در بیان منشأ تدوین علم حروف واستنباط معانی از ان
تمهید دوم در بیان شرف این علم وذکر طبقات علماء این فن واسماء کتبی که ماخذ این رسالتست
تمهید سوم در اثبات ارواح وحقایق حروف وخواص واثار ایشان **تمهید چهارم** در اثبات
اشباع حروف واسما وایات وسور فرقانی **تمهید پنجم** در بیان قواعد وضوابط عامه وخاصه
وآداب وشرایط کلیه وجزئیه که در اعمال این کتاب رعایت ان لازمست مشتمل بر پنج باب **باب اول**
در شرایط وآداب کلیه عامه که ملاحظه ان در مجموع اعمال حروفیه ضرورست **باب دوم** در شرایط
وآداب مداومت وکثرت که اول طریق کلامی خوانند ودوم را طریق کتابی **باب سوم** در ذکر
اختیارات سعیده **باب چهارم** در بیان اختیارات حکمیه **باب پنجم** در شرایط مخصوصه باعمال حروف
مقالهٔ ثانیه در خواص حروف مشتمل بر پنج باب **باب اول** در خواص حروف تهجی بتمام **باب دوم**
در خواص حروف مقطعهٔ قرانی **باب سوم** در خواص بعضی از فقرات حروف که باسما والقاب موسوم
وموصوفند **باب چهارم** در خواص حروف مزوجات از لوح مثلث که محتویست بر اعمال لطفیه
در خواص حروف مفردات از لوح مثلث که مشتملست بر اعمال قهریه **مقالهٔ ثالثه** در خواص اسماء حسنی

مقالهٔ اولی

در تفصیل اشباع حروف و اسما و ایات و سور قرانی

الهی مشتمل بر پنج باب باب اول در خواص اسماء مفرده الهی باب دوم در خواص اسماء ثنائیات باب سیوم
در خواص اسماء ثلاثیات باب چهارم در خواص اسماء رباعیات و مافوقات باب پنجم در بیان اسم
اعظم و اختلافی که علما در خصوصیت آن کرده‌اند و ایراد بعضی از خواص و آثار آن و ذکر دعوی
که جامع اسم اعظم است بقول بعضی از اهل تحقیق مقاله رابعه در خواص آیات قرآنی مشتمل بر پنج باب باب اول
در قبول نظر سلاطین و حکام و اصابت رای و اطفاء غضب ظالمان و ایمنی از همه آفات و حصول جاه و رفعت
و سعادت و حشمت و قبول قلوب خاص و عام و تسخیر نفوس کافه انام باب دوم در تحصیل فتح و نصرت بر
معاندان و تدمیر ظالمان و تفریق فاسقان و تخریب بیوت ایشان و دفع موذیات و ابطال سحر ساحران باب سیوم در تیسیر
و توسیع رزق و روزی و نیل خیرات و برکات و ایمنی در سفر بر و بحر و رجوع ابق و سارق باب چهارم در دفع
امراض دماغی و اعراض بدنی و حفظ حوامل و تسهیل ولادت و تعویذ اطفال باب پنجم در اعمال غریبه و افعال
عجیبه و اطلاع بر مخفیات و تسخیر جنیان مقاله خامسه در خواص سور قرآنی مشتمل بر پنج باب باب اول در تحصیل
جاه و دولت و تیسیر هر حاجت و قبول نظر سلاطین ایام و ایمنی و خلاصی از غضب و حبس حکام و سلاطین
از جمیع آفات و تسخیر نفوس جن و انس و سایر حیوانات باب دوم در تیسیر فتح و نصرت بر دشمنان و تفریق ظالمان
و تخریب منازل ایشان و ابطال سحرها و دفع موذیات جن و انس و طرد هوام باب سیوم در تسهیل و توسیع
رزق و دفع فقر و فاقه و اخراج دفاین و رجوع غایب و ابق و نیل خیرات و ضبط مخزونات و ایمنی مسافر در بر
و بحر و حفظ مال از قطاع الطریق و بازیافتن آن بعد از سرگشتگی باب چهارم در دفع امراض و اوجاع بدنی

و تسهیل

و تسهیل ولادت حوامل و تعویذ اطفال باب پنجم در تحصیل اخلاق حسنه و صفات مرضیه تمهید اول
در بیان منشاء تدوین علم حروف و استنباط معانی از آن و مبداء آن وفقک الله العمل بما فی هذا الکتاب
که علم جفر که مشتمل بر حقایق و خواص حروف و اسماء و آیات است مخصوص بائمه کرام اهل البیت است
علیهم السلام و واضع جفر و جامع که دو کتابند در این فن شریف حضرت مقدس شاه ولایت و دینا
اهل هدایت امیر المومنین و امام المتقین و یعسوب الدین اسد الله الغالب غالب کل غالب و مطلوب
کل طالب علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام بوده است و در بعضی اشعار اکابر که در منقبت آنحضرت
انشا کرده‌اند اشعار باین معنی واقع است آنجا که فرموده من مثل کان ذا جفر و جامعه له دون
عن الغیب تدوینا و بعد از آن حضرت یازده فرزند بزرگوار ایشان که ائمه معصومین و هداة
اهل حق و یقین اند صلوات الله علیهم اجمعین بطریق وراثت این علم شریف را مستحضر بوده‌اند
و از آن دو کتاب عزیز استخراج معانی غامضه میفرموده‌اند بتخصیص حضرت امام همام جعفر الصادق
علیه التحیة و السلام که صاحب جفر خاص بوده‌اند و ابو حامد محمد الغزالی رحمة الله علیه در مقدمه کتاب سر المصون
و الجوهر المکنون که مشتمل است بر خواص حروف لوح مثلث چنین آورده که [illegible]
یک دفعه از کتاب امام همام لیث بنی غالب امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام ج فرموده است در کتاب
مسمی بجفر جامع الدنیا و الآخرة و مطلع فتوح است بر کشف مخفیات که در آن کتاب شریف است از اسرار
نورانیه و انوار ربانیه منه عن حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام و واصل بمعرفت این علم شد قلیلی

وحضرت امام جعفر صادق ع این علم را شرح فرمود و ما بر کتب آنحضرت واقف شدیم بعضه از این علم معرفت
بعنا الله ولله الحمد علی ذلک تم کلامه ودر کتب معتبره مذکور است که حضرت امام جعفر صادق ع از کتاب جفر وجامع
صور حوادث یومیه ونوازل کونیه را قبل از اوان ظهوره استخراج مینموده اند واحیانا بعضی از محرمان
وخادمان عتبه علیه اطلاع میفرموده اند گویند روزی از اکابر ایام که ملازم آستان حضرت امام بود
دوازده بیت عربی در منقبت آنحضرت انشاد کرده بود بملازمت ایشان آمده خواست که آنرا بعرض
رساند حضرت امام کاغذی بدست وی دادند آن بزرگ دید که همان ابیات است بعینها که حضرت امام
بخط مبارک خود نوشته اند مضطرب ومتحیر شد مسوده خود را بیرون آورد وگفت که بر وجه حدت
که من دوش این ابیات را در سلک نظم در آورده ام و زاده طبع منست وکسی را از آن اطلاعی نیست
واین مسوده را هنوز هیچ آفریده ندیده این چگونه است حضرت امام تبسم کرده فرمودند که آری
همچنین است لیکن من امشب در کتاب جفر وجامع نظر میکردم دیدم که یکی از اصحاب ما دوازده بیت عربی
نظم کرده علی الصباح خواهد آورد ومن آن نقل یافته بودم که این ابیات استخراج کرده‌ام و منقول است که مامون الرشید
بحضرت امام الدین والدنیا ابی الحسن علی الرضا علیه التحیة والثنا در شهور سنه احدی ومائتین بیعت کرده عهدنامه
نوشت واز حضرت امام متن عهدنامه طلبید واخر عهدنامه حضرت که بر ظهر عهدنامه وی نوشته بودند
این بود که الجفر والجامعة یدلان علی ضد ذلک وما ادری ما یفعل بی ولا بکم ان الحکم الا لله یقص الحق وهو
خیر الفاصلین ولکن امتثلت امر امیر المؤمنین وآثرت رضاه والله یعصمنی وایاه وچون انداک ما

کرزند

٣

گذشت فضل بن سهل که وزیر مامون بود با جمعی دیگر از اشقیا اتفاق کرده وی را از عهد پشیمان کردند
وحضرت امام را بزهر شهید کردند صاحب کشف الغمه گوید که من در شهور سنه سبعین وستمائه
آن عهدنامه را بخط مامون وامام رضا ع دیدم و هم از این مقوله است استنباط فتح بیت المقدس در شهور
سنه ثلث وثمانین وخمسمائه از آیه کریمه الم غلبت الروم الی قوله تعالی فی بضع سنین وتفصیل این قصه
در باب دوم از فتوحات مکیه مذکور است ومعدن جواهر حکمت وقیاس عبدالله بن عباس رضی الله عنهما
روایت کرده است که مجمع مناقب ومظهر عجایب حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وقوع فتن
وحدوث انواع محن را دانسته بودند ودر تفسیر ثعلبی وبعضی رسایل قشیری مذکور است که چون آیة الحروف
نازل شد از دلالت آن عجایبی مبین حضرت رسالت صلعم مشاهده شد یکی از محرمان کیفیت حال را سوال کرد
آنحضرت فرمودند که مرا خبر دادند از بلاها که بر امت من در آخر الزمان نازل شود از خسف وقذف وفتنه
که ایشان در دریاها جمع کنند وبادی که ایشان را ابدا بیفکند وفتنه‌ها که بعد از خروج دجال وفتنه یاجوج
وماجوج وغیر آن از علامات قیامت است واین نکته روشن که کیفیت حدوث وقایع ووقوع حوادث در ضمن الحروف
مندرج است واز دوحه روضه رسالت ونبوت وثمره شجره ولایت وفتوت امام الثقلین امیر المؤمنین
ابی عبدالله الحسین علیه السلام سوال کردند که معنی کهیعص چیست ایشان فرمودند لو اخبرتکم به لمشیتم علی الماء کما
از این معنی آگاه گردانم هر آینه بر آب بگذرید وقدم شما تر نشود وغیر از این اخبار وآثار بسیار بر صحت این معنی
وارد است واستنباط امثال این حقایق ومعانی از حروف مقطعه وآیات قرآنی مخصوص بائمه اهل البیت علیهم الصلوة والسلام

و بعضی کمل و رثه از اکابر این امت بقدر مقتضی استعداد از ان فرا گرفته اند و بحصه از ان واصل شده اند والله اعلم بحقایق الامور

در بیان شرف این علم و ذکر طبقات علماء این فن و اسامی کتبی که ماخذ این رساله است

بدانکه علم حروف از جمله علوم کلیه است و بر بسی علمهای ارجمند که از جلایل علوم توان داشت اشتمال دارد و فواید بی نهایت و منافع بیحد و غایت بر وی مترتب و از وی حاصل است و علامت کرامت حروف همین بس که مخزن اسرار مکنونه الهی و مکمن معارف نامتناهی است و شیخ شرف الدین ابو العباس رحمه الله در کتاب شمس المعارف که حروف اعلام اعلام و اسرار احکام است و سر اعظم بوی ظاهر گردد و کلام مجید بوی شنیده شود و دو طایفه بزرگوار بدین علم شریف خود را منتسب ساخته اند یکی اهل حقیقت و دیگری اهل خاصیت اما بحث طایفه اول که اهل حقیقت اند و ایشان اعلی و اکبرند از حیثیت معانی و ارواح و حقایق حروف است و استخراج علوم غامضه از ان زیرا که هر حرفی از صنوف معارف و فنون علوم خواه متعلق بحضرت الهیه و خواه منتسب بمراتب امکانیه و انچه درین میان حادث شود جمله را از حروف استنباط میتوان نمود چنانچه بعضی از اکابر این فن حروف نام و لقب خاصیت صغیر و کبیر استخراج ساختند بر اکثر وقایع و سوانح احوال وی اطلاع یافته اند و اکابر این طبقه را درین علم شریف کتب و مصنفات است چون کتاب جفر کبیر و جفر جامع و جفر جامد و از رسایل متاخرین سجنجل و محبوب و دایره سینیه و کشف المعانی فی نسبه ادی حاتم و کتاب العین و غیران اما بحث طایفه دوم که اهل خاصیت اند و ایشان اکثر و اظهرند از حیثیت خواص حروف و کلمات و ارقام و اشکال ایشان است بحسب وجود لفظی که از طریق تکلم خوانند یا بحسب صورتی از صور رقمی که انرا طریق کتابی گویند و مدعای این طایفه انکه چون کسی بوصفی معین و عدد معلوم و زمانی خاص فلان حرف یا کلمه از اسماء را

چند بار

چند بار بخواند یا بنویسد و نگاه دارد یا محو کرده بیاشامد فلان خاصیت و منفعت از وی مشاهده نماید بحسب مراتب دنیوی یا مدارج اخروی و اکثر مردم که بدین علم توجه دارند غرض ایشان همین ادراک اعداد و خواص حروف و کلمات و ارقام و اشکال ایشانست از برای خیر و منفعتی یا دفع مضرتی و انچه درین رساله ایراد میابد از جمله مجربات اهل خاصیت است و از اعاظم این طایفه یکی شیخ کامل عارف شرف الدین ابو العباس احمد بن علی القرشی البونی است که صاحب کتاب شمس المعارف اکبر و اصغر و تعلیقه کبری و صغری و لمعه نورانیه و المعدو حانیه و خصایص سور قرانی و الواح الذهب و غیر انست و همه تصانیف وی در این فن معتبر و معتمد است بتخصیص کتاب شمس المعارف و خصایص سور قرانی که درین رساله مثل بسیاری از انجا ایراد خواهد یافت و دیگری از اکابر این طبقه شیخ واصل و محقق کامل ابو عبدالله محمد بن محمد بن یعقوب البونی المغربیست که صاحب کتاب تیسیر المطالب مبارک است و ان کتابی شریف و نفیس و معتبر است درین علم و از انجا مثل بسیار درین رساله مذکور خواهد شد و دیگری شیخ اعظم محی الدین محمد بن علی المغربیست که صاحب کتاب المدخل فی علم الحروف است و وی از کمال اهود و طبقه اهل حقیقت و خاصیت است و دیگری شیخ تقی الدین عبدالله بن علی الحسن التجیبی است که صاحب کتاب اللمعه است در حقایق و خواص حروف و دیگری شیخ ابو حامد محمد الغزالی است که صاحب کتاب سر المصون و الجوهر المکنون است در خواص حروف لوح مثلث و باب چهارم و پنجم از مقاله ثانیه این رساله ماخوذ از ان کتاب شریف است و دیگری شیخ عالم ابو السعادات عفیف الدین عبدالله بن اسعد الیمنی الیافعی که صاحب کتاب در النظیم است در خواص اسماء و ایات و اما قران و ان کتابیست بغایت معتبر و موثوق که اکثر مقاله چهارم و پنجم این رساله ماخوذ از انجاست و دیگری شیخ فاضل و حکیم کامل شمس الدین

محمد بن ابراهیم التمیمی الخازرونیست که صاحب کتاب خواص القرآن است و در مقاله چهارم و پنجم این رساله فصل بسیار از آنجا
ایراد خواهد یافت و دیگری شیخ عالم محقق و کامل مدقق فخر الدین که صاحب کتاب لوامع البینات است در شرح
اسماء حسنی و دیگری شیخ کامل مکمل مولانا یعقوب چرخی است که صاحب رساله خواص اسماء الله
و رساله دیگر که از آنجا فصل بسیار در این رساله ایراد خواهد یافت و کتاب سر الآیات که بعضی از تلامذه ابن عباس رض
از نتایج انفاس نفیسه وی در خواص آیات قرآن جمع کرده است و غیر از این کتب معتبره که مذکور شد رسایل و نسخ بسیار
چه از حکماء متقدمین و چه از علماء متاخرین که در این رساله از آنجا فواید و خواص نقل افتاده مثل کتاب
یغاریوس حکیم که مشتمل است بر ذکر تولدات و خواص حروف و وی از کبار تلامذه ارسطو بوده است و از جمله حکمای
اسکندر ذی القرنین و کتاب هیاکل و تماثیل ابن وحشیه که نزد اهل خواص بغایت معتبر است و دیگر
نسخ و رسایل مختصره سند المحققین سید حسین اخلاطی و از مقتبسات مشکوة حقایق ایشان بخصوص شیخ عالم
عارف محقق خواجه صاین الدین ترکه و کتاب دره مکنونه که مشتمل بر غرایب خواص حروف است و کتاب حل
جفر الکبیر و رساله کتاب تحفه علیه و مرصد اسنی فی استخراج الاسماء و لوایح القمر که تالیف خدمت والد است
روح الله روحه و در این مجموعه از کتبی که نام برده شد بسی شرایط و قواعد و منافع و فواید ایراد یافت و بدان
وثوق و اعتماد کلی حاصل شد و الحمد لله علی ذلک

۳ تمهید سیم

در اثبات ارواح و حقایق و طبایع حروف و خواص

و اما دلایل اثبات ارواح و حقایق و طبایع حروف بدانکه شیخ صدر الدین القونوی قدس سره در شرح حدیث
چهارم از کتاب شرح احادیث آورده که هر حرفی را از حروف مفرده پیش از ترکیب و بعد از ترکیب خواص

و منافع

٥

و منافع است که از ارواح ایشان ظاهر میشود و این همه تاثیرات و افعال ناشی از حقایق ایشان است
و بعضی از اهل تحقیق در شرح این سخن چنین فرموده اند که میشاید که ارواح حروف کنایت است از طبایع ایشان
باشد از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست و هر یک از طبایع را تعینی است نوعی و شخصی در صورت خاص و چون
روحانیت حرفی از حروف بر مبنی یاد در صورت مثال متمثل شود هر آینه صورتی خواهد بود خاص که ممتاز
باشد از سایر صور مثالیه هر حرفی از حروف تهجی و غیر ایشان صورتی است نوعی و هر فردی را از افراد این نوع
شخصی و صورتی شخصیه هر نوع از این انواع بیست و هشت که مصور شود واحد کل بر صاحب کشف در عالمی که آن برزخ
و مثال گویند ظاهر میشود و از این صور مثالی برزخی که ارواح و حقایق حروف است آثار کلی در عالم کون و فساد
بظهور میآید و تجربه ارباب علم حروف بر صحت این معنی شاهد عدل است و آن طبقه از حکما که خواص حروف را
شناخته اند این آثار را حواله بخاصیت حروف میکنند و میگویند عقل را استطلاع فکری در این باب مدخلی
نیست بلکه دریافت این معنی ورای طور عقل جزوی است چنانچه صاحب گلشن راز گفته که ورای عقل طوری دارد
انسان که بشناسد بآن اسرار پنهان و حکمای متکبر در ظهور آثار و خواص حروف بسیار و تجربه یکی از اسباب آن است و بعضی
دیگر از کبار علمای این فن گفته اند که ارواح حروف از جمله اعداد ایشان است و صور حروف هیاکل
و ارقام اجسام آن اعداد و در الواح وفق و غیر آن بواسطه قوای ارواح عددی حروف بسی خواص عجیبه و آثار
غریبه ظاهر میشود چنانچه نزد ارباب این فن روشن و مبرهن است شیخ شرف الدین بونی در کتاب الواح الذهب
آورده که در زمان ملوک فرس که کاوه آهنگر بسبب آنکه ضحاک پسر او را کشته بود و قصد دیگری داشت خروج کرد و ضحاک را

بگشت و فریدون را بجای وی در سریر سلطنت نشانیدند هم باستعانت خواص عدد و تأثیرات احتیاج حروف
بود که یکی از حکمای زمان برای وی لوحی از الواح وفقی وضع کرده بود آن را بر سر چوبی بسته پیش آمد و خلق
بلبنهات بروی جمع شدند و کارها مشکف ببرکت آن لوح عددی از پیش رفت و آن چوب را درفش کاویانی
نام کردند و اثر آن لوح بران درفش تا دو هزار سال در خانواده ملوک فرس باقی ماند اما اثبات خواص و تأثیرات
حروف پوشیده نماند که خاصیت و اثر حروف اوضح از آنست که بر هر که شامه تأمل او شمه از روایح
ریاض دانش و نکهتی از نفحات ریاحین بساتین انصاف و بینش استشمام نموده باشد مخفی باشد و ما احتاج
اظهار الدلیل علی الدلیل هیچکس برهان بجهت بر وجود آفتاب و وجود او ظهور او را دلیل روشن است و اگر منکری
از روی عناد نفی اینمعنی کند باری همین یک نکته را تأمل کند که میتواند شد که هر چه در عرصه ابداع و تکوین کسوت
ظهور پوشیده از بسایط علوی تا مرکبات سفلی هیچ بی خاصیتی و منفعتی نیست بلکه در هر ذره از ذرات موجودات
بخصوصها فایده و منفعتی مودع است که حضرت حکیم علی الاطلاق تعالی شانه بمقتضای حکمت بالغه و ارادت شامله
خود او را از خلوتخانه علم بمقتضای صحرای عین فرستاده تا مکنونات خزاین غیبی علی سبیل التدریج بحسب آن خواص
و خصوصیات که مظاهر را ثابت است از دشت اجمال بعرصه تفصیل میاید تا در رنگ و بوی آن بی رنگ
و بو آگاه شود هر گلی را در گلستان رنگ و بوی داد خاص و چون هیچ چیز از موجودات بی خاصیتی و منفعتی
نتواند بود چنانچه در تأثیر فطرات فواعل علوی و تأثر قوابل سفلی منتهی میشود در هر یک از موالید ثلاثه
چون معادن و نباتات و حیوانات انواع منافع و فواید و خواص و آثار در معالجات طبی محسوس و معلوم میگردد

و العیان

ع

و العیان لا یحتاج الی البیان پس حروف که احاطه آن جمیع موجودات را شامل است بلکه اشمل از هر عالم که تصور کنند
چه هر چه هست از عام و خاص بعلوم منکوبه میکرده و آثار و معلوم میشود که هر چیز را که قدم در دایره وجود نهاد
او اشکال امیکرد اند بضرورت باید او را آیه که خواص و آثار کلی باشد و چون لغو دهان منشاء خواص مجموع نباشد
و اگر محقق صاحب فطانت تصرف حروف کاف و نون را که بکلمه کن معبر شد در تکوین موجودات و ایجاد مکونات
تأمل و وافی کند هر آینه قوت اعانت حروف را در وجود هر مرتبه از مراتب کلی و جزوی مشاهده خواهد
نمود و اگر اینمقدمات بوضوح پیوست که چون هر حروف بعینها از جناب جلال و قدس لایزال که منبع قوت و مجمع تأثیرات
ملابس جهان آفرینش و میدان الامکان نزول فرموده مشتمله خواص کلی خواهد بود با آنکه بحسب تجربه از نگرار
حروف حاره زوال امراض بارده دریافته اند و بدر کار حروف یابسه تسکین ماده رطوبت معاینه دیده از
ترکیب بعضی حروف که حکما بهر جهت دفع مضرت هوا اهل وسلا ابدان از اثر لدغ عقارب و حیات و عزان ترتیب
داده اند و افسون نام نهاده اثر کلی ظاهر است و غیر مرة مشاهده افتاده و اکابر این فن چنین فرموده اند که حروف مفرده
ابجاد را بیشتر از ترکیب آثار عجیبه و خواص غریبه بسیار است و اگر کسی را اینمعنی مستبعد نماید باید که در حروف
مقطعه قرآنی که مجمع حقایق و معانیست نظر کند تا غبار شک و ریب از پیش دیده بصیرت وی برخیزد و مؤید
اینمعنی است قول حضرت رسالت صلعم که بحضرت مرتضی علی علیه السلام گفته اند که یا علی ویل لعالم لا یعرف تفسیر ابجاد و چون این
نکته محقق شد بباید دانست که همچنانکه اتحاد در معادن ظاهر میشود و از وی مفرده از جنس نباتات که در هر زمینی میروید
و اجزاء و اعضاء حیوانات از هر صنفی که میباشد از خاصیتی و منفعتی و فایده خالی نیست و در معالجات طبی معین و مقرر است

همچنین جواهر حروف نیز بشیهه از مثل این خواص خالی نخواهد بود و همچنانکه عقاقیر وابازیر وادویه مفرده را
حکما یونان وغیر ایشان طبایع اثبات کرده‌اند ومزاج هر یک اندازه‌ها را معلوم نموده‌اند واقفان موقف حروف نیز
برای هر حرفی طبیعتی ومزاجی خاص اثبات کرده بعضی را گرم یافته‌اند وبعضی را سرد وبعضی را خشک وبعضی را تر
وبعضی را مرکب القوی یافته‌اند از گرمی وخشکی وسردی وتری چنانچه در فصل هفتم وهشتم از باب
پنجم از مقاله اول سمت ایراد خواهد یافت **تمهید چهارم** در اثبات خواص اسمای الهی وفواید احصاء ان واثبات
منافع ایات وسور قرآنی اما خواص اسما وفواید احصای ان بدانکه بنا بر فحوای کریمه ولله الاسماء الحسنی
فادعوه بها ذکر اسمای حق سبحانه امری مرضی بل حتمی مقتضی تواند بود وبدلایل عقلی وبراهین نقلی تنزیه ذات
اقدس باریتعالی از صفات ناسزا ویاد کردن او باسمای حسنی وصفات علیا از جمله لوازم کما قال سبحانه فسبح باسم
ربک العظیم واحصای اسمای الهی مستلزم فیوض نامتناهی ومنکشف حقایق ارباب الاشیاء کما هی باشد چنانچه
مضمون حدیث صحیح من احصاها دخل الجنة اشارت بدان است اگرچه بعضی از اکابر علما احصا را بمعنی طاقت داشته‌اند
کما قال سبحانه علم ان لن تحصوه ای لن تطیقوه ومراد طاقت آوردن باشد در عمل بدین اسماء ومراسم ان قیام نمودن
تا بمرتبه تخلق وتحقق بان رسد وبحقیقت همچنان باید که قاری در هر اسمی بنصیبی خاص از مسمی محظوظ
ومشتغل گردد وبصفت وخلقی که ان اسم را مقتضی باشد متصف ومتخلق شود تا وقتیکه حقیقت ان اسم تجلی
کند وطالب صادق مظهر کمال ان اسم گردد ودر حیطه تصرف ان اسم وتربیت وی بقوت فعل وتاثیر وی
کارهای عظیم پیش برد کردد ومع ذلک تر بشر نکنجد واکر قاری را عروج بر مراقی اهتمام ووصول بحوالی این مرام دست

نذهد

نذهد باری باید که اناء اللیل واطراف النهار بر قرائت اسمای ربانی ودر کار صفات سبحانی مواظبت ومداومت نماید
که قرائت ان نیز مثمر فواید جزیله خواهد بود گرفتارم از شکر جزئیات همراهان بسی بدکرانده کام زهر
اسمای نسبت بعرش امد فرود پس عالی است پیش خالک طور وبرهمگنان روشن ومبرهن است که بعضی ازانها
میباشند که جمعی از حکمای هند برای دفع مضرت هلاهل ونفس حیات ولدغ عقارب وغیران ترکیب کرده‌اند
وطبایع مختلفه حروف ومزاجات متنوعه ایشان را در ان ترکیب بایکدیگر امتزاج داده واثران بکرات
ومرات مشاهده افتاده پس هرگاه که ترکیب کلمه که مفهوم ان بحسب وضع لغت معلوم نباشد این مرتبه
مفید است که اثار کلیه بران مترتب میشود هر اینه کلماتی که از روی لغت دلالت بر صفتی از صفات کمالیه الهیه
داشته باشد وازحیثیت وضع بحکم صاحب شریعت صلعم اسمی از اسماء الله باشد بی شبهه تلاوت وتکرار
ان منتج منافع ودافع مضار خواهد بود وشیخ شرف الدین بونی رحمه الله در کتاب شمس المعارف اکبر اورده
که اعلم ان الاسماء لله تعالی لها خواص ینفعل بها المنفعلات حال التلاوة بها والمداومة علیها وعلما
جزیه در بعضی از رسایل معتبره خود اورده‌اند که ضعف طالع وبی رونقی امور را جز باسماء الله تعالی
علاج نمیتوان کرد وقول حضرت رسالت صلعم موید این معنی باشد انجا که میفرماید الدعاء سلاح المومنین وجای
دیگر میفرماید لا یرد القضاء الا الدعاء ومقرر است که هیچ دعائی بی ذکر خدا صورت نه بندد اما اثبات منافع
ایات وسور قرانی بدانکه از مضمون کریمه ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین وایت وننزل من القران
ما هو شفاء ورحمة للمومنین معلوم میشود که هر خاصیتی که در جمیع افراد موجودات از علویات وسفلیات

وامر است اجمله در ضمن حروف و کلمات و آیات و سور قرآنی به بهترین وجهی و کاملترین نفعی موجود خواهد بود انچه خوبان
همه دارند تو تنها داری و مؤید همین قول است انچه شیخ شرف الدین بونی رحمه الله در تعلیقه اورده که بحکم
ما فرطنا فی الکتاب من شیء باید که هر چه طلبند از فواید ملکی و عواید ملکوتی مجموع ان در جامع مجید که لباس
اعجاز بطراز اعزاز تنزیل من حکیم حمید مطرز است بتصریح و تلویح مذکور باشد غایتش انکه ادراک دقایق
ان صعب المأخذ است و بمدد توفیق ربانی و مساعدت و عنایت تایید سبحانی اشراف بر اصناف و اطلاع بر انواع
ان میسر شود والا چه مطلوب جویند و کدام را مقصود بویند که در بیان کیفیت و شرح کمیت ان با جمیع مضافات
و منسوبات در طی کلام معجز نظام مندرج باشد ان نقد کدام است که در کنج تو نیست و هدا امکه بدلایل نقلی و براهین
عقلی ثابت و مقرر شده است که انکتاب شریف و خطاب لطیف اتم و اعظم کتب منزله و آیات او اکبر و اشهر صحف دیگر
و معجزات او اظهر از سایر معجزات و اسماء مذکوره در وی اعظم از انواع اسماء مسطوره در صحف متقدمه هر اینه
خاصیتهای او از خواص دیگر کتابها اکثر و انفع خواهد بود و بخواص وی تصرفات کلی در عالم کون و فساد
میسر خواهد شد و سر حدیث صحیح فاتحة الکتاب شفاء من کل داء و بر و اشفاء من کل داء الا السام بدان اشارتی است
صریح و قصه رقیه السلام بالملوک و تعاویذ از کلمات و آیات قرانی که حضرت رسالت صلعم بدان اشارت فرموده اند موجب تبیین
و توضیح والله تعالی اعلم **تمهید پنجم** در کیفیت استشفاع بحروف و اسما و آیات و سور فرقانی نماند که سالکان
مسالک طلب و قاصدان مقاصد ادب را در ادراک خواص حروف و اسما و آیات و سور و مشاهده آثار ان مرتبه اول
تعلق همت است باستجلاب امری که مقصد و مطلب ایشان است چه نفس ناطقه را تاثیر تمام و فعل قوی در جلب توجه

بمقصود

و معنوی و صوری

بمقصود و بعضی از ارباب ریاضت بمجرد توجه و جمع همت بی تلفظ و تکلم بمقاصد کلید دینی و دنیوی
فایز شده اند مرتبه دیگر انست که در لسان ظاهر شود و از قوه بفعل امده لباس وجود لفظی بپوشد و هر اینه
نفس در توجه بمقصود بسبب این وجود لفظی قوتی دیگر یابد مرتبه دیگر انست که این وجود لفظی صورت
رقمی نیز یابد و وجود رقمی با وجود لفظی متفق گشته ممد و معاون نفس شوند در توجه تام بمقصود
مرتبه دیگر انکه این وجود رقمی بوفق عددی متصف گردد در اینصورت بواسطه توافق و تعانق اعداد خواص
کلی و اثار عظیم ظاهر شود و هر اینه اینصورت در حصول نتیجه ابلغ و ادخل خواهد بود و بتشبیه نفس از اینصورت ترقیها
که مذکور شد قوت عظیم یابد و در تحصیل مقاصد بهتر شتابد و از مضمون تقریر معلوم شد که طریق استعاده
و استشفا از حروف و اسما و آیات و سور فرقانی منحصر در سه طریق باشد اول طریق توجه بارواح و حقایق حروف
و توسل بصورت مثالی ایشان که در عالم برزخ دارند دوم طریق تلاوت حروف و اسما و آیات و سور سیوم
طریق کتابت ان و رقم زدن صور و اشکال حروف و رقمی ایشان و اگر چه طریق اول اتم و اکمل است و ترتب اثار
در اینصورت اتم و اشمل زیرا که در طریق تلاوت و کتابت بصورت کلامی و کتابی حروف و کلمات متوسل میشوند
و اینجا توسل بمعانی و ارواح و حقایق حروف و اسما و کلمات میکنند لیکن روش این طریق که اعلی طرق استفادات
از حروف و اسما و آیات مخصوص باکابر دین و ارباب کشف و یقین است و عامه خلایق و مبتدیان ملکه صور سلطان
طریق حقایق را از ان حظی و بهره نیست لاجرم در این باب شروع نمینماید و مراد این مبحث راسخ جلیله
ابو عبد الله المغربی رحمه الله در کتاب سر المطالب داده و برای حروف ثمانیه و عشرین بیست و هشت خلوت معین

کرده و در هر خلوتی ادعیات و اوراد و اذکار مقرر فرموده و فواید و نتایج آن خلوت را بتفصیل باز نموده

پس اگر طالب عالی همت را ذوق طریق السلوک باشد باید بدان کتاب شریف رجوع نماید و چون طریق دعوت

و کتابت نسبت بطریق توجه اسهل و اشهر بود بایراد آن اقدام نمود و پوشیده نماند که طریق دعوت

مسلک انبیای کرام بوده است علیهم السلام و طریق کتابت منهج حکمای عظام شکر الله مساعیهم فی الاسلام

و هر یک از این دو طریق را قواعد و شرایط است که بی رعایت آن هیچ فایده در اعمال متفرع نمیشود لاجرم

در رساله در مقاله خمسه این کتاب تفصیل شرایط و قواعد وارد کرده سعی جمیل در ایراد آن بقدر وسع رسانیده میشود

و بالله التوفیق **مقاله اول** در بیان قواعد و ضوابط عامه و خاصه و آداب و شرایط کلیه و جزئیه که در اعمال این

کتاب رعایت آن لازم است مشتمل بر پنج باب **باب اول** در شرایط و آداب عامه کلیه که ملاحظه آن در مجموع

اعمال حروف ضروریست مشتمل بر دوازده فصل **فصل اول** در طلب استاد کامل و عالم و عامل و گرفتن اجازت

و تلقین از وی **فصل دوم** در اتخاذ ریاضات شاقه و اتصاف بصفات حسنه **فصل سوم** در توجه تام بشغل

اعمال **فصل چهارم** در ملاحظه استعمال معمول له **فصل پنجم** در تعلیل و تحلیت طعام و ادراک صوم و صدق

فصل ششم در ترک اکل حیوانات و بقولات کریهة الروایح **فصل هفتم** در طهارت کامل و تنظیف لباس و منزل

فصل هشتم در ملاحظه ازمنه شریفه و امکنه متبرکه **فصل نهم** در اختیار عزلت و خلوت و کیفیت جلوس در

حین عمل **فصل دهم** در سوختن بخورات لایق و بر بخور داشتن معمول **فصل یازدهم** در تکرار عمل و صبر بر تاخیر نتیجه

و کتمان عمل **فصل دوازدهم** در افتتاح و اختتام عمل بذکر و تسبیح و صلوات **فصل اول** در طلب استاد کامل و عالم عامل

و گرفتن اجازت و تلقین از وی باید که طالب صادق پیش از شغل باعمال ملازمت استاد حکیم کامل عامل

اختیار کند و بحکم خذوا العلم من افواه الرجال از قول و فعل وی طریق اشتغال باعمال اخذ کند و بتلقین

و اجازت وی در آن کار شروع نماید و حسب المقدور در ملاحظه شرایط و رعایت آداب سعی جمیل بتقدیم

رساند تا نتیجه تامه و فایده کامله مترتب شود و اگر بی اجازت و تلقین استاد کامل شروع نماید

با آنکه جمیع شرایط و ضوابط کما ینبغی رعایت کرده باشد هیچ خاصیتی و منفعتی متفرع نگردد و بیم آنکه

که اگر کسی بر اسه در آن خوض کند و اجازت عمل نیافته باشد و طریق شغل بدان از استاد کامل مشاهده نکرده بیم اختلال

عقل و فهم باشد و ممکن که دماغ وی چنان ضایع و پریشان شود که دیگر بهیچ جهتی اصلاح نپذیرد و همه حکما

و اطبا از معالجه وی عاجز آیند و مضطر شوند و از این جهت گفته اند نخست استاد باید و آنگهی کار

فصل دوم در اتخاذ ریاضات شاقه و اتصاف بصفات حسنه بدانکه از شرایط کلیه در اعمال ارتکاب ریاضات

و مجاهدات است و ریاضت منقسم میشود بدو قسم یکی ریاضت بحسب ظاهر از تشبث باعمال ظاهری مثل صیام

ایام و قیام لیالی و ترک فضول کلام و طعام و منام و عزلت از صحبت خواص و عوام و امثال آن و دیگری ریاضت

بحسب باطن از توسل باعمال باطنی مثل نفی خاطر و تصفیه محل و تخلق باخلاق ربانی و تنزه از صفات نفسانی

و شیطانی تا در وقت شغل باعمال لطیفه بمقتضای نفس و هوا در معاصی و شهوات شروع نکند و در زمان مشغولی

باعمال قهریه از روی عصبیت و نفسانیت در عداوت و دشمنی خلق خدا خوض ننماید بلکه اعمال قهریه را مرتکب نشود

الا از برای دفع ظالمی و فاسقی که عامه خلایق از دست و زبان او بیجان باشند و از قول و فعل وی مضطر و حیران

کسی خلاف این عمل کند و بهوای طبع و بمقتضای نفس در اعمال خیر و شر شروع نماید وبال عظیم و نکال جسیم
بر ان متفرع شود و زحمت کلفت نموده نفس و مال و اهل و عیال و ضیاع و عقار وی عرصه تلف شود و برکت
و جمعیت از خان و مان و رونق از روی برود و زیان زده دنیا و اخرت گردد نعوذ بالله من شرور انفسنا و من
سیئات اعمالنا **فصل سیوم** در توجه تام بشغل اعمال و این از اعظم شرایط است و صاحب تیسیر المطالب اورده که
صور حروف در عالم خلق عبارت است از تشکل انفاس ادمی در هوا که قرع سمع میکند و این تشکلات هوائی بمثابه
اجسام مثالی است و روح ان اجسام و قیوم ایشان توجه قاری و کاتب است بصور حروف و کلمات پس هر عاملی که
متوجه بمفهوم و مضمون ان نباشد ان کلمات اموات باشند قال الله تعالی الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح
یرفعه پس عمل صالح که رفع کلمه میکند عبارت از ان توجه تام است که روح کلمه و قیوم اوست و صعود کلمه بسبب
اوست و هر کلمه که او را روح نباشد صعود او ممکن نبود و بی صعود کلمه احاطه مرتب نشود و بی حصول اجابت
بعد از صعود کلمه چنانچه اهل کمال تحقیق کرده اند ان تواند بود که هر حرف و کلمه را بحسب حقیقت صورتیست
مثالی در عالم برزخ که بر سالک صاحب کشف ظاهر گردد و انصورتست مثال عبارات از روحانیت ان حروف و کلمه
که در ان هیات مثالی کشف میشود و چون سالک مرتبط گردد بروحانیت ان حرف و کلمه که در ان پیکر مثالی تجلی
کرده هر اینه اثر کلی بر ان ارتباط مترتب گردد و حقیقت ان اثر تواند بود که روحانیت ان حروف و کلمه در عالم
مثال بصورتیکه مناسب ان عالم است ظاهر گردد و در حضرت اسمی که مربی اوست در حضرات اسمایی ندا کند و باعث
شود بر سرعت اجابت و حصول انچه مقصود اوست و رب وی بجهت شفاعت وی انچه مراد و مطلوب سالک است افاضه نماید

فصل چهارم در ملاحظه

فصل چهارم در ملاحظه استحقاق معمول له و بنای او بر اعانت مسلمین و اعانت مظلومین است در تحصیل منافع و دفع مکاره سائلان
که در عبادات شروع عملی که برای جلب منفعت است نظر باستحقاق محتاج کند اعم از ان که احتیاج خود بود یا دیگری و در
ارتکاب عملی که برای دفع مضرتست ملاحظه حیثیت مظلوم کند اعم از ان که انمظلوم خود بود یا دیگری چه دفع
ستمکاران از ستم رسیدگان عملی است عند الخالق والخلایق مرضی و مستحسن و اگر در ان حق بجانب مظلوم نباشد هر چند
بحسب ظاهر ظلم نماید دفع ان موجب نکال و وبال عامل خواهد بود پس در هر عملی از اعمال لطیفه و قهریه باید که
بی شایبه اغراض نفسانی و امراض شیطانی شروع نماید و متصف بملکات ملکی و اخلاق الهی شود تا حد نفس
از این گذشته تا بواسطه علاقه مناسبت و رابطه جنسیت بروحانیات و مجردات از جانب ایشان در اعمال
مددهای کلی یابد و بر حصول مآرب و وصول مطالب عنقریب فایز گردد **فصل پنجم** در حلیت و تعلیل
طعام و ارتکاب صوم و صدقه باید که عامل قبل از شروع و بعد از ان چند روز خود را از لقمه شبهه
پاک نگاه دارد که اکابر دین فرموده اند که اثار کدورت و ظلمات لقمه شبهه تا چهل روز در باطن سالک
میماند و ضمیر او مکدر میدارد و با کدورت باطن دعا و تلاوت را هیچ اثر نخواهد بود صاحب درر النظم اورده
که بروایت صحیح ثابت شده که پیغمبر صلعم یکی از اصحاب را مخاطب ساخته فرمود اَطِب مَطعَمَکَ تُستَجَب دَعوَتُکَ
یعنی پاک و طیب گردان طعام خوردن خود را تا مستجاب شود دعای تو و از یوسف بن اسباط رحمه الله نقل کرده اند
که دعا فرو بسته میشود از رفتن باسمان بسبب سوء طعمه و هر چند لقمه حلال باشد باید که در تعلیل اکل کوشد و از خوردن
اغذیه مبخره اجتناب واجب داند چه بسیار خوردن طعام بخار ناک اینه قوای دماغی را تیره میگردانند و در حواس

و ادراکات کلال و ملال پیدا میکند و آن موجب کسالت و کدورت و غلبهٔ خواب میشود و باطن از آن جهة مکدر میگردد
و البته باید که در روز عمل روزه دار بود که روزه را در اجابت دعوات و حصول مرادات مدخل تمام است و در اخبار
وارد شده که دعای روزه دار مردود نمیشود و باید که قبل از شروع در عمل تصدق کند که آن را در انجاح مرام
مدخل تمام است چه ادخال سرور در دل شکستگان بحکم انا عند المنکسرة قلوبهم موجب خوشنودی حق سبحانه میباشد
و در استجلاب فیض الهی و رحمت نامتناهی اثر عظیم کند **فصل ششم** در ترک اکل حیوانی و بقولات کریهة الروائح باید
که چون مرتکب عملی شود از اعمال کلی که در آن اهتمام بلیغ داشته باشد ترک حیوانی کند از لحوم و شحوم و انچه از حیوانات
حاصل شود مثل شیر و روغن و بیضه و غیر آن و اگر بطعام چرب احتیاج داشته باشد بدهن الحل اکتفا نماید که از آن
بنان ما ترح یا ماش بیامیزد و فایده در این تواند بود که از خوردن حیوانات نفس و طبیعت قوت عظیم یابد
و دواعی شهوات بحرکت آید و از ترک آن نفس و طبیعت ضعیف شود و جانب روحانیت و قوت ملکی بر جسمانیت
غلبه کند و بعالم مجردات و بسایط مناسبت پیدا سازد و بقدر مناسبت استفاضه کند و باید که در اثنای
عمل خواه کلامی خواه کتابی خصوصا کلامی از تناول سیر و پیاز و گندنای خام و هر چه بوی ناخوش دارد
پرهیزد چه ملائکه از آن نفحات متاذی میشوند و ارواح علوی و سفلی متنفر میگردند و امداد و اعانت ایشان
بدان واسطه از عامل منقطع میشود و در احادیث صحیحه وارد شده که پیغمبر صلعم فرموده اند که چون کسی ازین چیزها
خورد باید که نزدیک مسجد حاضر نشود که ملائکه از بوی ناخوش کراهت دارند و از نفس کسی که آن بو ازو
آید متنفر و متوحش میشوند **فصل هفتم** در طهارت کامل و تنظیف لباس و منزل باید که قبل از شروع در عمل

وضوء کامل

وضوء کامل سازد و اگر غسل کند اولی بود و اگر قوت مزاج وفا کند به آب سرد بهتر بود والا گرم و بدن را
همیشه از اوساخ و نجاسات پاک نگاه دارد تا بحکم کریمهٔ و یحب المتطهرین ابواب فتوحات نوری بمفتاح طهوری
بر دل وی کشاید و باید چنان باشد که در حین عمل جامهٔ پاک خوشبوی در پوشد چه پاکیزگی لباس را در صفای باطن
مدخل تمام است و آیهٔ و ثیابک فطهر موید اینست و باید که آن لباس از وجه حلال سرانجام یافته باشد که اگر بافت
و رشتهٔ آن لباس نه از وجه حلال و وجه باشد دعای عامل در آن لباس بعز اجابت مقرون نشود و همچنانکه لباس مطیب
و معطر باشد باید منزلی که در وی بعمل شغل کرده از خس و خاشاک و نجاسات و قاذورات و روایح کریهه پاک و پاکیزه
و رفته و چیده باید و از مجموع امتعه و اسباب و آلات خانه مان خالی باید و در وی هیچ چیز نشاید و اولی آنکه همیشه
ببخورات لایقه مطیب و معطر باشد و باید آن منزل ملک مطلق باشد و غیر مغصوب و اگر در مساجد و معابد و بقاع
متبرکه بعمل مشغول گردد مجاز و مرخص بود و بالله التوفیق **فصل هشتم** در ملاحظه ازمنهٔ شریفه و امکنهٔ متبرکه باید که
عامل رعایت اوقات شریفه کند برای اجابت دعوات و نیل مرادات مثل وقت سحر و هنگام طلوع آفتاب و وقت نزول
باران و میان اذان و اقامت و وقت سجدهٔ تلاوت و بعد از ادای صلوة مفروضه و امثال آن و پوشیده نماند که آن اوقات که
علمای این فن برای اعمال مقرر کرده اند و آنرا اختیارات شرعیه گویند و انها غیر آنست که ارباب احکام نجوم تعیین نموده اند
و آنرا اختیارات حکمیه خوانند غیر از این اوقات و ساعات است که مذکور شد و ذکر آنها بعد از این در باب سوم و چهارم
بتفصیل خواهد آمد همچنانکه ملاحظهٔ ازمنهٔ شریفه ضرورت است رعایت امکنهٔ متبرکه نیز لازم است و انها مواضعیست که برای
اجابت دعوات از حضرت رسول صلعم بروایت صحیح ثابت شده است مثل مسجد الحرام بعد از نفیر عام و صفا و ملتزم

و عرفات و مشعر الحرام و حطیم و مقام ابراهیم علیه السلام و درون خانهٔ کعبه و بام خانه و صفا و مروه و مسجد اقصی و مسجد
حضرت پیغمبر و روضهٔ مقدسه و مقام سایر انبیا و مشاهد ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم اجمعین و سایر مشاهد و معابد
روی زمین **فصل نهم** در اختیار عزلت و خلوت و کیفیت جلوس در حین عمل باید که در حین عامل در وقت
اشتغال باعمال طریق عزلت و خلوت اختیار کند و ترک اختلاط اهل رسم و عادت نماید بتخصیص عوام الناس و نساء
و اطفال و ارباب ظلم و فسق و فجور و اصحاب عقول ناقصه چه بحکم تاثیر صحبت از کدورت و ظلمت اهل جهل و غفلت
باطن وی متاثر خواهد شد و فتور تمام بصفای باطن راه خواهد یافت و باید که در ان خلوت متوجه قبله نشیند که از حضرت
رسول صلعم چنین مشاهده افتاده است که در حین دعا روی بقبله می نشستند و دست مبارک بدعا بر میداشتند و چون دعا
تمام میکردند هر دو کف دست مبارک بر روی فرود می آوردند و میفرمودند که پروردگار شما شرمگین و کریم است
شرم میدارد از بندهٔ خود وقتیکه دست حاجت پیش او بردارد که ان را خالی باز گذارد و باید که در حین توجه بقبله
و مسکه مطریق کلاه عمل میکند مربع بنشیند که اکثر علما این فن بر آنند که در وقت دعا و تلاوت بر وضع مربع
نشستن در حصول نتایج انفع و ابلغ است چه دغدغهٔ طبیعت در ان صورت کمتر است و از حضرت رسالت صلعم بنقل
صحیح ثابت نشده است که بعد از ادای نماز بامداد که وقت ادعیه است چون بجای اقامت و اوراد اشتغال میفرمود
بطریق مربع می نشستند تا وقتیکه افتاب طلوع میکرد و بعضی از اکابر دین و محققین طریق دو زانو نشستن را
اختیار کرده اند و ان را در حفظ اداب تمامتر دانسته اند و طریق مربع نشستن را بان وقت معین کرده اند و میان
بامداد و طلوع افتاب مخصوص شناخته **فصل دهم** در بخور لایق سوختن و بر بخور داشتن معمول باید که قبل

از اشتغال

از اشتغال عمل خواه در طریق کلامی و خواه در طریق کتابت خصوصا کتابت بخوری مناسب انفعل بکار برد و بوی شنیده نماید
که برای هر عملی در هر روزی از ایام اسابیع و برای هر کوکبی از سبعهٔ سیاره بخوری خاص مقرر است که در اسامی بعض اعمال
ذکر خواهد شد و اگر اهتمام بلیغ در بخور مخصوص باعمال تسخیر کواکب سیاره و طبقات جن است اما در بعضی اعمال این کتاب
نیز بخور لایق سوختن و بر بخور داشتن معمول اجری مقرر شده و شرطی معین است و در جمیع اعمال خیر سوختن عود
و عنبر و عطرهای خوش بوی بکار بردن مناسب است و در جمیع اعمال شر سوختن کندر و سندروس و داروهای
گران بوی بر اتش نهادن لایق است و اعمال کتابت اگر از قبیل لطفیات است بعد از اتمام بر بخور خوشبوی باید داشت پس در هم
بپیچید و اگر از جنس قهریات است بعد از اتمام بر بخور بدبوی باید داشت پس در هم باید پیچید و ذکر ان در اثنای اعمال ایراد
خواهد یافت **فصل یازدهم** در تکرار عمل و صبر بر تاخیر نتیجه و کتمان عمل باید که عامل بیکبار که عمل کند اکتفا ننماید
و بادنی اثری که مترتب شود قناعت نکند و اگر اثر ظاهر نشود باید که ملول نگردد و قطع امید نکند چه بسیار میشود
که بواسطهٔ تقصیری در شرایط و ضوابط نتیجهٔ ان عمل در عقدهٔ تاخیر و تعویق افتد پس تکرار عمل ان تقصیر را تدارک
نماید و اگر در رعایت شرایط فرو گذاشتی نشده باشد ان تکرار موجب مزید نتیجه و قوت باشد در ظهور اثر و خاصیت
و باید که عامل ریاضت اعمال و مشقت انرا تحمل کند و از کلفتی که در عمل بطبع و نفس وی رسد ملول و نفور نگردد
و اگر مشاهدهٔ مقصود بزودی جمال ننماید ترک عمل نکند و بر لعان تام و عزم صحیح و ثابت قدم باشد تا وقتیکه بر مراد
خود فایز گردد و باید که در کتمان عمل از اشنا و بیگانه و محرم و نامحرم بتخصیص زنان و کودکان و اصحاب عقول ناقصه
و عوام الناس و ارباب فسق و فجور و ابنای روزگار تمام سعی جمیل بتقدیم رساند و قاعدهٔ استعینوا علی حوایجکم

بالکمال اینک دعا کند که اخفاء عمل موجب زیادتی نیل مقصود است **فصل دوازدهم** در افتتاح و اختتام عمل بذکر و تسبیح
وصلوات باید که عامل در جمیع اعمال کلامی و کتابی پیش از شروع ابتدا بذکر و تسبیح و صلوات باید که عامل کند چه در
در اخبار وارد شده که هر گاه که حضرت رسالت صلعم خواستی که دعا خواند اول گفتی سبحان ربی العلی الاعلی الوهاب
و در آثار آمده که آنحضرت فرمود که چون از خدای تعالی حاجتی طلبید بر من صلوات بفرستید که خدای تعالی از آن کریم
تر است که بنده از وی دو حاجت خواهد و او یکی را اجابت کند و دیگری را فرو گذارد و در کتاب ادب النظم آورده
که از بعضی اکابر اصحاب رضی الله عنهم مرویست که دعا موقوف میباشد و صعود قبول نمی یابد تا وقتی که بر حضرت
رسول صلعم صلوات فرستند و باید که عامل در جمیع اعمال همچنانکه قبل از شروع ابتدا بصلوات میکند بعد از اتمام نیز
ختم بصلوات کند تا عمل و دعای وی در میان دو دعا مستجاب واقع شود و صاحب ادب النظم از ابو سلیمان دارانی رحمه الله
نقل کرده که چون از حق تعالی سؤالی کنی باید که ابتدا بصلوات کنی پس حاجت عرض کنی بعد از آن ختم بصلوات کنی
که حق سبحانه و تعالی این دو صلوات را قبول میکند و از کرم الهی و لطف نامتناهی حق دور است که از میان دو عرض
کند اول و آخر را قبول کند و آنچه در میان بود فرو گذارد **باب دوم** در شرایط و آداب تلاوت و کتابت که اول طریق
کلامی خوانند دوم طریق کتابی مشتمل بر دوازده فصل شش فصل اول در طریق و آداب کلامی شش فصل دیگر در آداب
کتابی **فصل اول** در تقسیم تلاوت بجهری و اطلاقی **فصل دوم** در احضار خلوت و صفت خلوتخانه **فصل سوم** در حضور
دل و عذبان (?) و رعایت تجوید و ترتیل و خفض صوت **فصل چهارم** در ترک سجع و تکلف و تفهق و تشدق **فصل پنجم**
در حفظ عدد اگر تلاوت جهری بود و ترک ما لایعنی بین الوقتین **فصل ششم** در نفث که دمیدن نفس است

بکیفیتی خاص **فصل هفتم** در تقسیم کتابت بوسمی و وفقی **فصل هشتم** در تحقیق قلم و حد و الوان مداد **فصل نهم**
در رعایت اوراق و صفایح و جلود و اجزای آن که بر آن نویسند **فصل دهم** در توجه تمام بصورت خطی و امعان
نظر بر آن **فصل یازدهم** در اشتغال قوت خیال بامر کتابت **فصل دوازدهم** در ضبط محمول و حفظ
مکتوب بعد از اتمام **فصل اول** در تقسیم تلاوت بجهری و اطلاقی بدانکه قرائت حروف و اسماء و آیات و سور و دعوات
منقسم بدو قسم است اول جهری دوم اطلاقی اما جهری آنستکه نصاب قرائت را معین کرده باشد بعددی خاص و تا
عدد قرائت بدان نصاب نرسد فایده بر آن مترتب نگردد و اگر از آن نصاب در گذرد هم نتیجه ندهد همچنانکه کسیرا
بگنجی نشان داده باشند که از فلان موضع مثلا چهل گام بفلان جانب رود تا بسر گنج رسد پس اگر کسی سی گام
بآن جانب رود و تقصیر یا غلو کند هرگز بمطلوب نرسد و از مقصود دور افتد اما اطلاقی آنستکه تلاوتی بعددی خاص
اختصاص نیافته باشد بلکه لا علی التعیین چندانکه خواهد بتواند بخواند و قسم اول که بعددی خاص معین شده باشد
در خاصیت اتم و اکمل است چه خواص عدد و آثار منافع آن از تکلف شرح و بیان مستغنی است و عموم احتیاج
کافه انام را از خواص و عوام بعدد هست و شمول نفعی که افراد در فنون معاملات و مشارکات و صنوف حرف
و صناعات واقع است در کمال وضوح و ظهور است و الامر اوضح من نار علی علم **فصل دوم** در احضار خلوت
و صفت خلوتخانه بر عامل طالب لازم و واجبست که در اثنای عمل منزوی و منقطع از خلق بود و عزلت
و خلوت اختیار کند و تا عمل باتمام نرسد قدم از خلوتخانه بیرون ننهد مگر بحسب ضرورت اکل و شرب و وضو
و طهارات و خلوتخانه وی چنان باید که غیر وی اصلا و مطلقا کسی دیگر بر آن گذر نیابد بلکه باید که هیچ ذی حیاتی

را از ادمی و غیر ادمی که منع وی ممکن بود به احتیاط نگاه دارند و انجا غیر ذکر و تلاوت و نماز و انچه در عمل مقرر شده
باشد امر دیگری از وی صادر نشود و از اقوال و افعال اجنبی که در عمل دخل نداشته باشد بغایت مجتنب و محترز
باشد و باید که اصلا در ان خلوتخانه پهلو بر زمین ننهد و خواب نکند مگر بی اختیار در حین غلبه نوم
و چیزی نخورد و نیاشامد و باید که سعت ان خانه بمقدار ان قدر باشد که در وی بر پای تواند ایستاد و نماز تواند گزارد
و البته زیاده بر ان نباشد و باید که یک در داشته باشد و در وی دو روزنه و فرجه دیگر نباشد که باد و روشنی از ان جا
در اید و حواس از ان ممر متفرق شود و باید که ان خانه از مردم و ازدحام خلق دور باشد تا اواز مشغله
مردم نشنود و موجب توزع و تشویش خاطر نشود و باید که عامل در ان خلوت بر بالین ننشیند و میان وی
و زمین هیچ حایلی نباشد و اگر باشد حصیری باشد که از زمین روید مثل حصیر و بوریا و امثال ان و باید که ان خلوت
خانه همیشه بوی های خوش و عطرهای دلکش مطیب و معطر باشد و هر تلاوت و عملی که از روی شعور و حضور
در حین خلوت واقع شود اثر و ثمرات ان بر وجه کمال خواهد بود والله الموفق **فصل سیوم** در موافقت
دل و زبان و رعایت تجوید و ترتیل و خفض صوت اما موافقت دل و زبان باید که چون عامل اغاز تلاوت کند
دل خود را حاضر کند و هر چه بر زبان میگوید معنی ان در دل می اندیشد و خود را بدیگر خواطر راه ندهد و جای ندهد
و این وقتی است که عالم باشد بمعنی انچه میخواند و اگر عالم نباشد باید که در وقت تلاوت قران اندیشه نماید که کلام حضرت
خداوند است و در ذکر اسماء الهی ملاحظه نماید که تفکر در صفت کمال اوست و در قرائت دعوات اندیشه کند که مناجات
و عرض حاجات در حضرت رفیع الدرجات است تا بواسطه این اندیشها عظمت و ابهت حق تعالی در دل وی جای

خاطر وی

خاطر وی از پریشانی خلاص شود و اثار کلی بر جمعیت باطن وی مترتب گردد و اگر زبان وی بر اسماء و ایات
جاری باشد و دل از معانی ان غافل هیچ فایده مترتب و متفرع نشود و اوقات ضایع باشد بلکه در بعضی اوقات
حرف رجعت باشد و ایه فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله موید اینست چه بعضی از اکابر قلب قاسی
ان را گویند که در اثنای ذکر از مفهوم ان ذاهل باشد اما رعایت تجوید باید که هر حرفی و کلمه که بر زبان راند
رعایت تجوید را در ان لازم داند یعنی هر حرفی را از مخرج وی ادا کند چه بسیار بود بواسطه قرب مخرج در کلمه
حرفی از غیر مخرج وی ادا کند و بدان سبب تغیر تام بمعنی ان کلمه راه یابد مثلا در اسم الظاهر و القوی
اگر حرف ظا بحرف زا مبدل شود و قاف بغین تبدیل گردد ظاهر زاهر شود و قوی غوی و در معانی ان
تفاوت فاحش پدید اید و بدان سبب عمل بیفایده گردد بلکه نتیجه بعکس دهد و بیم رجعت بود اما رعایت
ترتیل باید که ملاحظه ترسل را در قرائت و اشنا و ترسل ان بود که کلمات و حروف را بتجرید روشن ادا کند بی سرعت
و شتاب زدگی تا الفاظ و کلمات شکسته نشود که از شکست لفظ شکست بمعنی راه یابد و حضرت واعظ علیه الرحمه در تفسیر
مواهب علیه در معنی ایه و رتل القران ترتیلا چنین اورده اند که حضرت مرتضی علی فرموده اند که ترتیل حفظ
وقوف است و ادای حروف اما خفض صوت باید که در اثنای تلاوت ملاحظه خفض صوت کند میان مخافت و جهر
یعنی اواز خود را فرود ارد میان نرم خواندن و بلند خواندن کما قال سبحانه و لا تجهر بصلوتک و لا تخافت بها و بعضی
از مفسران اینجا صلوة را بمعنی دعا دانسته اند و در خبر صحیح امده که حضرت رسول صلعم از سفری مراجعت کرده بود و چون بمدینه
امدند چون نظر صحابه بر سواد شهر افتاد بر اواز بلند تکبیر گفتند انحضرت فرمود که [illegible] شما را کسی را

میخواستیم که اصح نیست بلکه کسی را میخوانید که سمیع است و نزدیکتر است ازشما از رگ گردن شما فصل چهارم در ترک

سجع و تکلف و تفیهق و تشدق اما ترک سجع و تکلف بدانکه یکی از شرایط عمل در طریق کلام ترک سجع

و تکلف است در دعا و مناجات پس باید که چون مراد خود را بحق تعالی عرض کنند در آنوقت از ادای سجع سازی

و تکلف عبارت پردازی اجتناب و احتراز نماید چه در مقامیکه خشوع و خضوع و تضرع و نیاز مطلوبست

تکلف و سجع و عبارت بغایت نامرغوبست و البته باید که در حین عرض حاجت از تکلف عبارت و تعمل استعارات

پرهیزند زیراکه در دعا بحکم ایه کریمه ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا یحب المعتدین تضرع و زاری باید نمود

و تضرع منافی تکلف است و مفسران در این چنین گفته اند که معتدین انطایفه اند که در دعا تکلف کنند و سجع

و قافیه را مرعی دارند و در اخبار صحیح وارد شده که حضرت رسول صلعم فرمودند که زود باشد که پیدا شوند قومی که در دعا

تکلف کنند اما تفیهق و تشدق باید که عامل در وقت قرائت دعا ترک تفیهق نماید که آن از جمله معایب کلام است

و تشدیق عبارت و کنایت از توسعت و در کلام بنا بر اظهار فصاحت و دعوی بلاغت پس باید که عامل در حین

مناجات و عرض حاجات دعا و مدعای خود را بادنی عبارتی دل او بین و اشارتی مرحمت انگیز ادا نماید و از تطویل

کلام و تفصیل مرام احتیاط تمام نماید که بهترین کلام آن بود که الفاظ آن کم بود و دلالت او بر معانی بسیار و این

در منع الحاح است بلکه بحکم حدیث ان الله یحب الملحین فی الدعاء الحاح در دعوات و مناجات از جمله مستحبات و ثابت

و حد الحاح سه بار مکرر کردن حاجت است و زیاده بر آن الحاج و تشدق عبارت از لب و دهان کژ کردن است

در حین تلاوت و تکلم چنانچه بعضی از جهال قرا بجهت مبالغه در تجوید و اهتمام در ادای حروف از مخارج

اه بر

آن لب و دهان کج کنند و حضرت رسول صلعم در بعضی از احادیث متشدقین را مذمت فرموده

در حفظ عدد ذکر یا تلاوت حصری بود و ترک ما لا یعنی بین الوقتین و این از اعظم شرایط است در طریق کلام

دعوا که در ضمن اعداد خواص عجیبه و اثار غریبه مندرجست و شیخ شرف الدین بونی در شمس المعارف اورده

که ان للاعداد لها اسرار کما ان للحروف اثار المذاهب جمعی از مجامع ارباب دین و دنیا از او نقلست

چه مواقیت ارکان طاعات و عبادات و امور کلیه از شرعیات و عرفیات همه وابسته بعددست و چون این نوع مناسبات

و روابط که امور کلیه و جزئیه عالم بدان منوط و مربوط شده است پیدا است عدد و افراد و ازواج وی مصون

مخفیست پس اگر طالب صادق در قرائت حروف و اسما و ایات و سور و دعوات دست توسل بدامن عدد زند

در امید من اهتمامی او هر چند زودتر بمنزل مراد خواهد رسید و از اینجاست که اوضاع شرع هر یک را

عددی خاص مبتنی گشته و قرائت بعض اذکار و تسابیح و ایات و سور قرانی با عداد معینه مخصوص

از وضع صاحب شریعت صلعم در مواضع کثیره بنقل صحیح ثابت شده است پس در اعمال کلام اصول تلاوت

حصری بود و عدد وی چنان معین شده باشد که سکتا در روی یا شبی تمام شود اند کردن ابواب و اوقات

قسمت نماید و در وقت فراغت بین الوقتین باید که از چهار چیز احتراز کند اول ازکثرت کلام دوم بسیاری

منام سیوم اکثار طعام چهارم اختلاط اطفال و نسا و عوام و بعضی از علما این فن برآنند که ذکر یا تلاوت حصری

بود تا العدد را تمام نرسد و نصاب معینه تلاوت نشود تکلم جدا در وجوه در ان اثنا سخن گفتن جایز نیست

نه بضرورت و نه بغیر ضرورت و اگر ناگاه اتفاق افتد و عمل از قبیل قهریات بود خوف رجعت باشد و اگر از قبیل

لطفیات باشد انعمل باطل شود لیکن غایله مفرع نگردد و بر هر تقدیر اگر خیر بود و اگر شر البته عمل از سر باید
گرفت اما اگر بلاوات اطلاقیم بود بحسب صرفه سخن توان گفت لیکن اثری معتد به بران مترتب نشود و اگر عمل
از سر کرده بهتر بود و صاحب عمل باید که همیشه زبان از کذب و غیبت و بهتان و نمیمه فرو بندد و از فحش
و شتم و کلمات شنیع و سخنان مالا یعنی و گفتگوی رسمی و عرفی و روز جمعه ساکت بود خصوصا اوقات عمل و باید که اصلا
و قطعا سخن نگوید الا بقدر ضرورت و اکثر اوقات بذکر و فکر مشغول باشد در نفث که دمیدن نفس است
بکیفیتی خاص و آن بعد از تلاوت و قرائت حروف و اسما و آیات و سوره و دعوات باشد و کیفیتش چنانست که از مخرج حرف
ثاء مثلثه با ضم شفتین بر وجهی که در حین تلفظ حرف واو باشد نفسی نرم در دمد و از حضرت رسالت صلعم
بر این وجه مرویست و در احادیث صحیحه ثابت شده که کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اذا مرض احد من
اهله نفث بالمعوذات و مثل این از کبار مشایخ و فحول منقولست و حکمت در این آنست که باطن منطوی بر معانی الفاظ جاریه
بر لسان و هر معنی محتویست بر سری از اسرار الوهیت که معبر میشود بروحانیت آن و چون نفث آن روحانیت
میکند بر بسط آن در نفس و ارسال آن بحسب صورت هوا سبب فایده کلی بر آن مترتب خواهد شد والله اعلم بالحقایق

در ترتیب کتابت بر رسمی و وفقی بدانکه کتابت حروف و اسما و آیات و غیر مثل تلاوت منقسم بدو قسمست الامونه
اول رسمی دوم وفقی اما رسمی آنست که بقلمی خاص چون قلم طبیعی و جزعی و عربی و غیر آن نوشته شود اما وفقی
آنست که حروف اسما و آیات و امثالها با اعداد ایشان یا مجموع آن را در مربعات وفقی بر وجهی که در علم اعداد و فق
مقررست درج کنند و اکثر اعمال کتابت انفذ و دوام از اعمال کلامی زیاده است زیرا که در طریق تلاوت اگرچه [illegible]

وفاید

١٤

واضحات و فاید عاجل بزودی حاصل آید اثر آن لیکن بقای آن نیست و دوام ندارد و در طریق کتابت بواسطه ثبات حروف
و ارقام بر اوراق و الواح بقای اثر و دوام خاصیت اکبر و اکثر است و باز از این دو قسم رسمی و وفقی قسم وفقی
بجهة هیات اجتماعی و انتساب حقایق اعداد که موجب تاثیرات تامه است اکمل و اقوی در انشاء آثار و بقای خواص
کما لا یخفی علی اهل الاختصاص و باز قسم وفقی منقسم است بتصحیح و تکسیر و ارباب علم حروف قسم تکسیر را اعتبار
نموده اند و قسم تصحیح را بالکل الا روی خاصیت در این فن مدخلی میتواند بود علیحده فنی دارد ان شاء الله و وقوف بر تفاصیل آن
بکتب اعداد باخصوص کنه المرام که در گلستان علم اعداد بدایع کمال و جمال کل شکفته است هر که از این چمن گلی
باید گو تماشای آن گلستان کند در عمل الخط قلم حدید و الوان مداد اما قلم حدید عامل باید که
چون از اعمال کتابی اقدام نماید اول قلمی نو اختیار کند که هنوز هیچ کتابت بدان نشده باشد و حرفی ننوشته و قلمی
که یکبار تراشیده باشند و بدان حرف ترقیم اصلا و قطعا روا نباشد که حرمت اعمال کتابت بدان بنویسند و اگر
قلم پولاد نقش خواهد کرد باید که همین نکته را مرعی دارد و آن قلم حدید باید که از وجه حلال حاصل کرده باشد
که اگر مغصوب یا دزدیده باشد یا از وجه حرام خریده باشد در کتابت اعمال خیریه خوف رجعت بود و در اعمال التخلیص هیچ
اثر مترتب نشود اما مداد باید که عامل مناسب هر عملی از اعمال خیر و شر برای کتابت لونی خاص اختیار کند
مثلا در اعمال محبت لونی بکار برد که تعلق بکواکب سعد میدارد و چون سفید و سبز و زرد و در اعمال عداوت
دیگر کار فرماید که تعلق بکواکب نحس میدارد چون سیاه و کبود و سرخ تا بسبب مناسبت فایده و نتیجه متفرع
گردد و باید که مداد صاحب حلیت مداد که از وجه حلال سرانجام شده باشد نه از شبهه و حرام و الا اثر تمام نبود و اگر صحت نکند

موجب ضیقت وقت باشد در رعایت اوراق وصفایح وجلود وانچه بران نویسند عامل باید که ملاحظه
مکتوب علیه نماید زیرا که بعضی اعمال ازان قبیل است که بر کاغذ رقم باید زد وبعضی بر حریر وبعضی بر ورق اهو
وبعضی بر جلود سباع وبهایم مثل شیر وپلنگ وگرگ وحمار وبعضی برای ثبات وبقا بر صفحه سرب ونحاس
وفضه وذهب وامثال ان باید کنند وبعضی برای محو کردن واشامیدن یا نوش کردن بر جام زجاج وظرف
چینی وبلور وقدح زرین وسیمین وطشت مسین وامثال ان باید نوشت که مداد را در ان نفوذ وتصرفی
نباشد وباید که ان اوراق وصفایح وجلود وظروف از وجه حلال پیدا شده باشد واز غصب وسرقت وامثال ان
پاک وپاکیزه باشد تا اثر اعمال بر او مرقوم شود منتجه در اسرع اوقات بر احسن وجهی بظهور اید واگر این نکته را
مرعی ندارند در اعمال قهریه خوف رجعت بود ودر اعمال لطیفه اوقات ضایع باشد وباید که بر هر پوستی که کتابت کنند
مدبوغ باشد وخوشبوی ومعطر واگر ان حیوان که بر پوست وی کتابت کنند بخود مرده باشد یا ماکول اللحم بود خواه نبود
البته بر وی باید که مدبوغ باشد وپوست خوک وسگ اصلا صحیح نبود که کتابت از حروف واسما وایات وسور ودعوات
بر وی روا نباشد اگر چه بعضی العلما جایز داشته اند وپوست انها دباغت پذیرد اما اگر در اعمال قهریه حربی را ارقام هندسی
بران نویسند جایز بود واگر حیوان ماکول اللحم باشد واو را ذبح کرده باشند بر پوست غیر مدبوغ ان کتابت کردن رواست مشروط
انکه بد بوی نباشد واگر بپید باعث ازالت بوی بد میسر شود کتابت کردن رواست انشاء الله در توجه تام بصورت خطی
واعمال نظر بران باید که عامل در حین کتابت متوجه باشد بصورت خطی وهیات رقمی مخطوط وارقام بر طبق
وضع اصلی خود واقع شود ونقصانی بحرف ورقم راه نیابد یا چیزی بر وضع اصلی نیفزاید که هر دو در حصول مقصود

مضر است وباید که در حال کتابت باعمان نظر وگماشتن خامه بصر بر صورت خطی مقید باشد وچشم
ازان پوشیده بر ندارد ودیده بران گمارد واگر فرضا چشم پوشیده حرفی وکلمه نویسد
یا رقمی زند ان اثر وفایده نخواهد داد که دیدها بران دوخته باشد وچراغ بصر بر افروخته
ومقصود ازین تاکید کمال توجه توجه نفس است بشغل کتابت که اثر کلی بران توجه متفرع است
در اشتغال قوت جامع کتابت اگر عامل در حین کتابت بحسب خیال واندیشه از
شغل کتابت وتسطیر خطوط باز ماند ودر تحریر ارقام غافل وذاهل باشد بر وی که دست
حرکت میکند وقلم بدستور جاری میشود ولیکن خیال واندیشه وی مصروف امری دیگر است هر
چند چشم بران داشته باشد ونظر بران گماشته اما چون خواطر بجایی دیگر مشغول است ان کتابت
حکم تلاوتی دارد که زبان حرکت میکند ودل ازان غافل است بر چنین کتابت وتلاوت هیچ فایده مرتب
نشود واز عمل خود هیچ بهره وحظی نیابد ودر اعمال قهریه بیم رجعت باشد در ضبط وحفظ
مکتوب ومعمول بعد از اتمام پوشیده نماند که بعد از اتمام اعمال کتابی احاطه وضبط فواید ان بیکی
از سه وجه تواند بود اول انکه ان نوشته را در خرقه پاک بپیچد ودر میان موم پاکیزه صافی
کافوری گرفته با خود نگاه دارد دوم انکه معمول را اگر از اعمال خیر است در موضعی پاکیزه چون مساجد
معموره ومنازل نورانی وحوالی انهار جاریه وبساتین وباغهای خرم وتازه مدفون سازند
واگر از اعمال شر است در مواضع خراب شده ومنازل تاریک وتیره مثل مقابر قدیمه وغیران دفن کنند

بشرطی که از نجاسات و قاذورات پاك باشد سیوم آنکه آن مکتوب را که بجهة محو کردن بر ظرف زجاجی
یا چینی نوشته باشند به آب باران وگلاب یا غیر آن بشویند وبیاشامند یا بر دیوار خانه یا بر زمین
پاك رش کنند و بپاشند یا ببعضی روغنهای خوشبوی محو سازند بر جبهه وجبین مالند
وابن صورت شستن معمول و آشامیدن و مالیدن و رش کردن آن اگرچه از حکماء متقدمین مروی
نیست لیکن اکابر متاخرین آنرا تجربه کرده اند و خواص بران مترتب یافته والله اعلم دوازده
اختیارات شرعیه مشتمل دوازده فصل **فصل اول** در صفت اختیارات شهور و ایام و لیالی و ساعات
و تعیین آن در فصول اربعه **فصل ٢** در اختیارات شهور اثنی عشر **فصل ٣** در اختیارات ایام اسابیع
فصل ٤ در اختیارات ایام فاضله **فصل ٥** در اختیارات روز عرفه چون موافق یکی از ایام اسابیع افتد
فصل ٦ در اختیارات لیالی از اسابیع **فصل** در اختیارات لیالی متبرکه **فصل** در اختیارات شب قدر
چون مطابق یکی از لیالی اسابیع افتد **فصل ٩** در اختیارات ساعات منشطه نهار بقول علماء شارقه
ومغاربه **فصل ١٠** در اختیارات ساعات منشطه لیل بقول مشارقه ومغاربه **فصل ١١** در اختیارات
ساعات مرقسمه از ایام وان نه ساعت است **فصل ١٢** در اختیارات ساعات مرقسمه از لیالی وان نیز
نه ساعت است **فصل اول** در صفت اختیارات شهور و ایام و لیالی و ساعات و تعیین ان در فصول
اربعه بدانکه وقت و زمان را در سرعت اجابت مدخلی تمام است و شیخ شرف الدین بونی رحمه الله در کتاب
لمعه نورانیه ولمحه روحانیه که مشتمل است بر شرح حدیث ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات الا فتعرضوا لها

چنین میفرماید که النفحات من مصادفة الوقت اللائق بالمطلب وبالاسم المطابق للمقصد والله
علیه الرحمه در کتاب لوائح القمر آورده اند که حکماء متقدمین بنای دعوات و عزایم و طلسمات ابرا خصار
اوقات وساعات که با وضاع افلاك وانظار کواکب ارتباط داشته باشد نهاده اند و حکمای اسلامی
اذکار و اوراد وادعیه را در اوقات شرع وضع کرده اند و دلیل ایشان انست که اولو العزم از
رسول صلوات الله علیهم اجمعین که ارباب شرعند وظایف دعوات مثل جمع طاعات و عبادات
را بر اوقات شرعیه مرتبط کردانیده اند چنانچه در شریعت مطهره حضرت خاتم النبیین صلی الله
علیه واله وسلم از مواقیت صلوات ومناسك حج وصیام رمضان و غیر آن مفهوم میکردد پس تتبع
اطوار و اقتضای آثار ایشان منتج سعادات کلیه خواهد بود و خواص آثار بر اختیارات ایشان زیاده
از اختیارات اهل حکمت مترتب خواهد بود چه نظر حکما از اوج فلك اعظم در نکذشته و جز بر احوال مؤثرات
علوی و متاثرات سفلی بقدر حال وقوفی نیافته اند الحق از معرفت خاصیت هر زمان و مکان
بغایت عاجز ند اما باصره بصیرت انبیا به دستیاری وحی الهی و پای مردی فیض نامتناهی بعوالم دیکر
غیر الحجه محسوس و مشاهدات رسیده و بر خواص ازمنه و امکنه کما ینبغی اطلاع یافته اند بخصوص حضرت
ختمیت صلعم که دیده همتش بکحل الجواهر ما زاغ البصر و ما طغی مکحل کشته همواره مشاهده انوار
الم تر الی ربك میبود ولهذا باجابت دعوات ادنا الاشیا کما هی اختصاص یافته هر چه از خواص
زمانها و فواید مکانها در حیز امکان بود بنظر وقوف الحضرت در امد و بعضی از شهور و ایام

ولیالی وساعات جهت طالبان مصادفه ونجات وقاصدان مطالب حاجات وحصول مرادات اختیار فرموده اند

وبعضی را جهت وظایف عبادات وطاعات معین ساخته وچون این مقدمه بوضوح پیوست اکنون علمای

این فن هرچه واختیار شرعی وحکمی را در اعمال مرعی داشته اند وگاه بین الاختیارین جمع فرموده وما شمه

از هر اختیار بروجهی که حضرت والد علیه الرحمه در کتاب بحر علیه ولوامع القمر اورده اند ایراد نمائیم

تا عامل طالب که بنای اختیارات شرعی دارد از آن بهره مند شده شرایط آن اقدام نماید ودر اعمال

ملاحظه تمام فرماید و پوشیده نماند که قرار اختیارات شرعی بر چهار زمانست شهور وایام ولیالی وساعات

اما شهور بدانکه چهار ماه از آن اشهر حرم اند که همیشه مخصوص بوده اند بحرمت وآن ذی القعده است

وذی الحجه ومحرم ورجب است وماه رمضان بطاعتی خاص اختصاص دارد وحکمای اسلامی هر یک از شهور

اثنی عشر را بامری تخصیص داده اند وشیخ ابو القاسم بخاری علیه الرحمه در شرح لمعه نوع ایشه خاص

ذکر کرده که چون در وقت رویت هلال از هر ماهی بعددی خاص یکی یا بیشتر از اذکار خمسه که

کلمات تامات است سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

ملگویند واز اسما حسنی انچه خاص باشد بدان ماه بعددی معین بخوانند هر عملی که منسوب بدان ماه

باشد چون در آن ماه بدان اشتغال نمایند زود از پیش رود واثار کلی ظاهر شود وخواص ومنافع آن

باسرع اوقات مترتب گردد وفصل دوم از این باب مشتمل است بر ذکر شهور واذکار واسما واعمال

مخصصه بدان الحاح اما ایام بر دو گونه است اسابیع وغیران واز روزهای هفته نیز هر روزی مخصوص

بعملی وذکری خاص است که چون در اول بعددی معین خوانده شود هر چه از اعمال مخصصه آن روز کنند اثر منفعت

زود تر بظهور پیوندد وذکر آن در فصل سوم ایرادی باید اما غیر اسابیع هفت روز دیگرست که افضل ایام

سنه اند سوای روز عرفه وذکر آن در فصل چهارم خواهد آمد اما روز عرفه که نسبت او با ایام

چون نسبت عقلست با بدن ودر اجابت دعوات او را خاصیتی بغایت عجیب است چنانچه در احادیث صحاح

وارد شده ودر اول روز اکابر این علم ادعیه واذکار مقرر فرموده اند که موافق هر روز از ایام اسابیع

که واقع شود مواظبت فرمایند وبمهمات واعمالی که بدان روز منسوبست اشتغال نمایند تا باسرع اوقات بعز

اجابت مقرون گردد وفصل پنجم بر ذکر وی اشتمال دارد اما لیالی وآن نیز بدستور ایام منقسم شده بلیالی

اسابیع وغیران ودر شبهای هفته نیز بدستور روزها عمل وذکر مقررست وفصل ششم بر ذکر آن مشتملست

اما غیر لیالی اسابیع هفت شب دیگرست که اشرف لیالی سنه است سوای لیلة القدر ودر آن نیز اعمال واذکار مخصوصه هست

وفصل هفتم متضمن ادای انست اما شب قدر نسبت او بلیالی چون نسبت روح است بجسم ودر لیلة القدر اختلاف

بسیارست واکثر علما از ابتدای رمضان اعتقاد کرده اند واغلب در دهه اخری دانسته اند وائمه این علم از اهل مغرب

این شب را بر سبیل جزم در ماه رمضان دانند اما اختصاص بدهه اخیر نمیدهند بلکه میگویند در تمام ماه دایرست

ودر هر سه دهه میان ماه در لیالی افراد وگاه در لیالی اشفاع وعلمای ایشان قانونی نهاده اند در معرفت

شب قدر ومجملش انست که اگر غره رمضان یکشنبه باشد شب قدر در لیالی افراد دهه اخیره واگر چهارشنبه بود در

اشفاع دهه اول واگر پنجشنبه بود در اشفاع دهه دوم واگر جمعه بود در اشفاع دهه اخرا واگر شنبه بود

در هر سه دهه باید طلبید لیکن در افراد و در رساله مکنون که در شرح مضمون نوشته‌اند جزم کرده است به آنکه
لیلة القدر شب بیست هفتم رمضان است و دلایل بسیار در آن باب ایراد فرموده و هر شبی از لیالی هفته که موافق
عدد مذکور باشد اما از ماه رمضان علی و ذکری تعیین نموده‌اند و در فصل هشتم مذکور میشود اما ساعات دو نوع است
منتظم و دو قسم اما منتظم عبارت از ساعات معوجه است که روزی دوازده و شبی دوازده باشد و هر ساعتی از شب و روز
علی التساوی غیر آن که منجمان گویند و در فصل نهم ساعت منتظمه نهار مذکور خواهد شد و در فصل دهم منتظمه لیل
میگردد اما دو قسم آن باشد که از روزی یا شبی معینی ساعتی مخصوص را ذکر کنند و آن در عملهای خاص باز نموده‌اند
چون بعضی و در فصل ساعتها از روز جمعه و عرفه و عیدین و غیر آن و در فصل یازدهم ساعات مستمره نهاری ایراد شود
و در فصل دوازدهم ساعات مستمره لیلی مرقوم میشود و بالله التوفیق **فصل ۲** در اختیارات شهور اثنی عشر
ذکر وی الله اکبر واسم وی یا خیر المنزلین و عمل وی شجاعت و ثبات عزم و صولت و ظفر
جستن بر خصم و سفر در اواسط ماه ذکر وی الله اکبر واسم وی یا مقلب اللیل و النهار
و عمل وی دفع سحر و چشم زخم و طرد موذیات و طلب ایمنی از شر دیو و پری ذکر وی الله اکبر
واسم وی یا قادر یا مقتدر و عمل وی زیاده کردن آب در چشمه و کاریز و دفع آفات از مزروعات
ذکر وی الله اکبر واسم وی یا ارحم الراحمین و عمل وی حفظ اطفال و نمو نباتات و سود
یافتن از معاملات و غلبه کردن بر اعادی ذکر وی الله اکبر واسم وی یا حق و عمل وی
حفظ حوامل و طلب اولاد و ولادت و پرورش اطفال ذکر وی الله اکبر واسم وی یا مفیض النور

و عمل وی تحصین بلاد و قلاع از اعدا و دفع زلزال و قحط و وبا و سایر بلیات
ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد واسم وی یا وتر یا احد و عمل وی دفع سموم و سحر
و تسکین دادن خشم و ایمنی از قهر ملوک و زوال خوف ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله
بهمان عدد واسم وی یا علیم یا حفیظ و عمل وی تاسیس مصالحات و زوال بغض و نرم ساختن
دلهای سخت و اصلاح سودا ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و لا حول
و لا قوة الا بالله بهمین عدد واسم وی یا حی یا قیوم و عمل وی تقویت حافظه و دفع نسیان و حفظ
علوم و کشف مشکلات و دفع کسل در طاعات ذکر وی الله اکبر واسم وی یا منور یا ملهم
الرشد و عمل وی طلب سارق و آبق و رام کردن مرأة ناشزه و نفاذ کلام و قبول
قلوب ذکر وی الله اکبر واسم وی یا منعم یا مجمل یا محسن یا مفضل و عمل وی هلاک
ظلمه و خرب بیوت ایشان و تخلیص مظلوم و نجات محبوس ذکر وی الله اکبر و سبحان الله
و الحمد لله بهمین عدد و لا حول و لا قوة الا بالله بهمین عدد واسم وی یا حفیظ یا رقیب یا حسیب
و عمل وی حفظ اموال از دزدان و خاینان و راهزنان و محافظت جوبات غازیه و دفع
خوابهای مدهشه **فصل ۳** در اختیارات ایام اسابیع ذکر وی لا اله الا الله الحی القیوم
واسم وی یا حی یا قیوم و عمل وی ساختن عمارات عالیه و ابتدا اعمال کلیه و طلب کنوز
و دفاین ذکر وی لا اله الا الله ذو الجلال و الاکرام واسم وی یا رحمن یا رحیم

وعمل وی تهیه اسباب سفر و معاملات و دفع قطاع الطریق و ایمنی از دزدان   ذکر وی لا اله الا الله
القدوس الجبار   واسم وی یا ملک یا قدوس   وعمل وی مناظرات علمی و کشف حقایق و دفع خصمان
و دفع بلیات و آفات   ذکر وی لا اله الا الله الرحمن الرحیم   واسم وی یا علی یا عظیم
وعمل وی معالجات بدنی و ساختن ادویه و اشربه و امثال آن   ذکر وی لا اله
الا هو   واسم وی یا کبیر یا متعال   وعمل وی طلب مرادات و حاجات از اکابر و طلب رزق و دفع
تنگدستی   ذکر وی لا اله الا هو الاول والآخر والظاهر والباطن   واسم وی یا باقی
یا غنی   وعمل وی اجابت جمیع دعوات و تمام اعمال خیریه روی معتبرات و نسبت این روز با ایام هفته نسبت
دلست بتن و فضائل وی بسیارست   ذکر وی لا اله الا الله ولی العافیه   واسم وی یا فتاح
یا رزاق   وعمل وی در اوایل روز مصالحه میان اثنین و در آخر روز دفع ضرر اعادی   فصل ۴
در اختیارات ایام فاضله و این ایام را اذکار و اعمالست و اسماء آن در اذکار مندرجست و آن هفتم روزست
و ذکر وی لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله   وعمل وی قوت مشی و اثبات
عزیمت و وقت زوال این روز محل اجابت دعوات و در آن وقت هر دعا که کند بعز اجابت مقرون شود
ذکر وی سبحان الله من لا ینبغی التسبیح الا له   وعمل وی طلب فتح و وسعت رزق و رد
مکاید خصم و نکبت دشمن   ذکر وی ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین
وعمل وی جستن دفاین و خبایا و دفع جوع و عطش   ذکر وی سوره فاتحه

۱۸۱ و ۱۸۲

سوره فاتحه   وعمل وی انهزام عدو و متفرق شدن و مطلع شدن بر امور خفیه   ذکر وی
والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم   وعمل وی دفع هموم و غموم و کشف احوال و طرد شیاطین
ذکر وی ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انک علی کل شیء قدیر   وعمل وی جمعیت
خاطر و بصلاح آوردن کارها و تنشیط کسالت در عبادات   ذکر وی الله اکبر من کل کبیر
والحمد لله علی التوفیق   وعمل وی هلاک اعدا و رفعت شان احباب و حفظ عشایر از آفات
در اختیارات روز عرفه چون موافق یکی از ایام اسابیع افتد   ذکر وی لا اله
الا الله الواحد الاحد الفرد الوتر الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
واسم وی یا رحمن یا رحیم   وعمل وی طلب امان از خوف و نفس و طرد دد و دفع فتن و انقلاب
دهر و دفع ظلم و غلبه شهوت و جهد در اکتساب مکارم   ذکر وی لا اله الا الله جامع الناس لیوم
لا ریب فیه   واسم وی یا دائم یا قائم یا باعث یا وارث   وعمل وی دفع خوف و خلاص از
مهالک و باز یافتن امانت و صلح میان الاضداد و غلبه بر خصم و اکتساب اخلاق حسنه   ذکر وی
لا اله الا الله اعظم الصفات رحمن الارض والسموات   واسم وی یا قادر یا مقتدر   وعمل وی
تسخیر ارواح و دفع دشمن و تصرفات کلی در عالم   ذکر وی لا اله الا الله ذو الطول العظیم و المن
القدیم   واسم وی یا جواد   وعمل وی دفع شر دشمن و جن و انس و چشم زخم و زبان بند
و کفایت مهمات و خبر از غایب و حفظ ودایع و استمالت خواطر و نکبت حاسدان و ظالمان   ذکر وی

لا اله الا الله مجیب الدعوات و مقیل العثرات   واسم وی منزل البرکات   و عمل وی محبت دلها و مهمات
نزد خلایق و دفع وساوس و توهمات و تصرفات در امور کلی   ذکر وی لا اله الا الله ملجا
المضطرین و ارحم الراحمین   واسم وی الله صلوات فرستد بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله   و عمل
وی توسیع رزق و تحصیل علوم و یافتن کنوز و ابقاء ذکر جمیل و دفع سحر و تاسیس عمارات و توفیق
طاعات   ذکر وی لا اله الا الله علام الغیوب کاشف الکروب   واسم وی یا ساتر العیوب
و عمل وی اخفای امور و قوة همتی و نهان شدن از خصم و خلاص از سجن و محفوظ ماندن از دستور و امثال
در اختیارات لیالی از اسابیع   ذکر وی الحمد لله قبل کل احد والحمد لله بعد کل احد والحمد
لله یبقی ربنا و یفنی کل احد   واسم وی یا صاحب کل نجوی   و عمل وی خبر یافتن از ما فی الضمیر
نائم و حبس دفاین   سبحان الله ملء السموات والارض و ملء العرش العظیم   واسم وی یا اکرم
و عمل وی ازاله خوابهای موحشه مدهشه و دیدن خوابهای صحیح   ذکر وی الله اکبر ولا حول
ولا قوة الا بالله   واسم وی یا شهید   و عمل وی دفع تدبیرات خصم و روان بر ایشان
ذکر وی سبحان ربی العظیم   واسم وی یا مبدئ البرایا   و عمل وی معالجات عاین و اذن
و دفع خفقان و ذات الریه و شر حاسدویه   ذکر وی استغفر الله ربی و اتوب الیه   واسم
وی یا محب المحسنین   و عمل وی تسهیل مجاهدات و عبادات بر قیام لیل و تقویت قلوب و ارواح
ذکر وی اللهم صل علی النبی الامی محمد صلعم   واسم وی یا مالک یوم الدین   و عمل وی

دو بر کرن

رویت حضرت رسالت صلعم در خواب و مشاهده روحانیات   ذکر وی لا اله الا الله وحده
لا شریک له محمد عبده و رسوله   واسم وی یا منعم   و عمل وی تصرف در امور ملکی و اظهار
عجایب حالات و فهم علوم غریبه   در اختیارات لیالی متبرکه و این لیالی را همین اذکار و اعمال است
چنانچه ایام فاضله را و اسمای ان نیز در ان اذکار مندرج است   ذکر وی سبحان ذی الملک
والملکوت   و عملش دیدن انبیا و ائمه علیهم السلم در منام هر کرا خواهد از اولیا و صلحاء کرام
ذکرش تبارک الله رب العرش العظیم   و عملش طلب قبول جاه و حرمت نزد ملوک و نفاذ
امور و رفعت درجات   ذکرش الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی   و عملش احضار روحانیات
و دفع وساوس و خیالات و طرد هوام و سباع   ذکرش سبحان ربی العلی الاعلی الوهاب
و عملش ازاله اخلاق ردیه چون حسد و حقد و بخل و اکتساب فضایل نفسانی   ذکرش سبحان الملک
القدوس   و عملش طلب علوم خفیه و وسعت رزق و اطلاع بر دقایق اعمال غریبه و عجیبه
ذکرش الله اکبر و لله الحمد   و عملش طلب شفا و حفظ صحت و ازاله امراض و اوجاع و دفع خوف و خشیت
و دهشت   در اختیارات شب قدر چون مطابق یکی از لیالی اسابیع افتد   ذکرش
سوره اخلاص   واسمش یا فرد یا وتر   و عملش طلب راحت و وسعت رزق و یافتن مراتب و دفع
شر ظالمان و خلاصی از آفات   ذکرش سبوح قدوس رب الملئکة والروح   واسمش یا خالق
یا مصور   و عملش وقایه اهل و ولد و یافتن عزت و حرمت و جذب قلوب و فرمان روای

ذکرش لا اله الا الله الواحد القهار لا اله الا الله الملک الجبار واسمش یا مقلب القلوب
وعملش دفع آلام ظاهری و باطنی و شفا از امراض مزمنه و مغلوب ساختن اعدا و ترتیب دواب
ذکرش سبحان مقلب القلوب والابصار صد بیست و یک واسمش یا کاشف الغم وعملش
صید قلوب رمیده و دوست کردن دشمنان و تسخیر قلاع و حصار ذکرش لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین واسمش یا علیم یا رقیب یا حفیظ وعملش استدامت دولت و مکنت و عملهایی
که تعلق بمشایخ دارد و بر ارباب مناصب ذکرش الله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
واسمش یا متکلم یا جلیل یا قدیر وعملش تسخیر قلوب سلاطین و افزودن اعتبار و جاه و جمع اعمال
خیر دروی ابی است ذکرش الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین واسمش
یا علام وعملش منع زهرها و دفع ضیق النفس و فکرهای ردی و فرج یافتن و دفع اندوه
وموفق شدن بکشف و الهام در اختیارات ساعات مشطه نهار بقول علمای مشارقه و مغاربه
و نزد ایشان هر ساعتی را نامی است و در هر یک عملی مقرر است اما قول مشارقه در ساعات مشطه نهار اول
ابی است برای اعمال الفت و محبت نیک است یا نور برای دفع خشم و زخم است لنسوه برای طلسم شکار مرغ
و ماهی است سلخ برای دفع حیات و عقارب است سعلا برای دفع سباع و وحوش است
نیمور برای خلاصی محبوس و معالجات است بدور برای تصرفات ملکی و صلح ملوک است یفرق برای
دفع ظلم و زجر فسقه است یدون برای منافع سفر و ایمنی از دزدان است یمون برای دخول

و لبعض

بر سلاطین و حکام است جبر برای طلب اعمال کلمه و محبت است صیلون برای بستن زبان خصم
وکشادن نطق است اما قول مغاربه در ساعات مشطه نهار برای جلب رزق و منافع و فصد
وصید است برای وصل و صلح و موافقت است برای قتل و دفع اعدا و تفریق و تخریب است برای ضرب
و ظفر و خلاصی حامله است برای اعمال خیر و نجات محبوس است برای اعمال محبت و جذب قلوب است برای تفریق
و تسلیط است برای حرب و مناظره و غلبه بر اعدا است برای امور سلطان و متعلقات است
~~برای ضرب و ظفر و خلاصی حامله است برای اعمال خیر~~ برای مصالحات و تالف و تودد است برای زبان بند
و تلیین قلوب است در اختیارات ساعات مشطه لیل بقول علمای مشارقه و مغاربه و نزد ایشان
هر ساعتی را نامی است و در هر یک عملی مقرر است اما قول مشارقه در ساعات مشطه لیل حولم است برای عقد اللسان
و اعمال خیر نیک است تنتول برای اعمال حیوانات ابی است تهورش برای اعمال نارنجات است جانن
برای اعمال اکسیر است برای انگیختن سحاب و امطار است زرور برای دیدن مطلوب است در خواب
یاقون برای روا شدن حاجت از امرا و سلاطین رقنه برای اعمال مزروعات است سفعر
برای حفظ امتعه و نقود است ملحو برای اعمال لشات است غلوطفا برای معاملات و تجارت است سنسلم
برای اعمال صبر و سکون و وقار است اما قول مغاربه در ساعات مشطه لیل برای فکرهای صحیح و دفع
اضداد است برای صید سمک و دفع ضفدع است برای تسخیر جن است برای اعمال نارنجات است
برای طلسمات طیور است برای طرد حیات و هوام است برای کشف قبور و اطلاع بر کنوز است

برای محافظت اموال است برای تسخیر ارواح است برای جذب قلوب و محبت نزد ملوک است ساعات اجابت
دعوات برای الفت و محبت و صلح و بذل مراد است در اختیارات ساعات مرتسمه از ایام
وان نه ساعت است ساعت اول از غره محرم برای افتتاح امور و ابتدای اعمال خیرات است ساعت اول
روز جمعه است برای الفت و مودت و نوشتن حرزها است ساعت اخر از روز جمعه برای طلب قبول و
وجاهت و احترام است بین الاذان والخطبه از روز جمعه است برای خواندن ادعیه ماثوره و طلب
مغفرت و عافیت است ساعت اول از روز عرفه برای تسلیه قلوب و تصفیه بواطن است نصف
النهار از روز عرفه برای طلب فیض صوری و معنوی است بتضرع و زاری ساعت اخر از روز عرفه برای
علمی است که از ان نفع عام منظور باشد ساعت سیوم از روز عید اضحی برای دفع متمردان و رام کردن
سرکشان است ساعت اول از روز عید فطر برای مصالحه و موالفت بین الاضداد است در اختیارات
ساعات مرتسمه از لیالی وان نیز نه ساعت است ساعت اول از شب اول محرم برای اعمالی که تعلق بجلب رزق
دارد ساعت اول از شب جمعه برای مهماتیست که بر جمیع منافع مشتمل است ساعت اخر از شب جمعه برای
حل مشکلات و کشف وقایع ساعت اول از شب اول رجب برای اعمالیست که جهة ترقی و نشو و نما کنند
ساعت ششم از شب برات برای کارهائیست که تعلق بامور اخرت دارد ساعت اول از شب اول رمضان
برای مهمات سلاطین و ارباب اختیار است ساعت اول از شب عید فطر برای خلاصی از حبس و جمعیت خاطر
ساعت اول از شب عید اضحی برای دفع شر مرده جن و ایمنی از مخاوف و مهالک در بیان احادیث

حکیمه مشتمله

حکیمه مشتمله بر دوازده فصل در تقسیم اختیارات و تعیین ان در فصول اینده در بیان مشروطات
و محذورات اهل احکام در اختیارات بر حالات خاصه قمر و اتصالات وی بکواکب در اختیارات
بر حلول قمر به بروج و منازل در اختیارات بر طلوع صور بروج اثنی عشر در اختیارات
بر طلوع درجات مخصوصه از بروج در اختیارات بر حلول کواکب در حدود یکدیگر و جدول حدود
کواکب در اختیارات بر کون کواکب در وجوه یکدیگر و جدول وجوه کواکب در اختیارات
بر اتصالات و نظرات کواکب سوی قمر در اختیارات ایام فرس و ایام اسابیع و اختیارات ماموفی
در اختیارات بر ارباب ساعات در ایام و لیالی و اختیارات بر ساعات روز و شب کواکب
در ذکر نکته چند از قوة و ضعف کواکب و طبایع و مراتب بروج و سعادت و نحوس منازل که عامل را معرفت
در ان اختیارات حکمی ضرورت است در تقسیم اختیارات و تعیین ان در فصول اینده بدانکه اختیار
عبارت از طلب وقتی است مسعود موافق مقصود و صاحب کفایة التعلیم اورده که اختیار طلب کردن مزاج
اسمانی است برای اغاز کارهای زمینی تا حکم ان مزاج حاصل گردد و اختیارات حکمی دو نوع است مرکبات و مفردات
اما مرکبات دو نوع است مجمل و مفصل اما مجمل عبارت است از شروط کلیه که در هر نوع از اختیارات ابد
وان نیز منقسم بدو قسم است یکی انکه ارتکاب ان لازم است وانرا مشروطات گویند دوم انکه اجتناب از ان واجب
بود وانرا محذورات خوانند اما مفصل انستکه هر عملی از اعمال جزئیه عالم مشروطات و محذورات [illegible]
کرده اند چنانچه در کتب احکامی مشروح و مثبوت و مبسوط است و مشروطات و محذورات کلیه عامه در اعمال

خیر و شر و مشروطات و محذورات جزئیه خاصه در ایجاد دعوات و مشروطات و محذورات برای جر منافع و مطالب
و سایر اعمال لطیفه و دفع مضار و مکاره و سایر اعمال قهریه در فصل دوم ایراد میباید اما مفردات عبارت
از انستکه یکی از اختیارات جزئی قناعت کرده متعرض مشروطات و محذورات نشوند وان دو نوع است اول انکه
تعلق بقمر داشته باشد وان سه قسم است اول انکه حالتی باشد از حالات خاصه وی دوم انکه نظر و اتصال وی
بود بیکی از کواکب سیاره و مضمون این دو قسم در فصل سیوم ایراد میباید و قسم سیوم حلول قمر است در
بروج اثنی عشر یا منازل ثمانیه و عشرون و این قسم در فصل چهارم خواهد امد و نوع دوم از قسم مفردات
انستکه قمر را دران مدخلی نباشد وان تعلق بفلک داشته باشد چون طلوع صور بروج و بیان ان در فصل پنجم
ایراد خواهد یافت و چون طلوع درجات مخصوصه بروج ذکر ان در فصل ششم خواهد شد و یا تعلق بکواکب
سیاره داشته باشد چون نزول ایشان در حدود یکدیگر و شرح ان در فصل هفتم خواهد امد و چون
نزول ایشان در وجوه یکدیگر و بیان ان در فصل هشتم مذکور خواهد شد یا نظرات کواکب با یکدیگر
غیر قمر و ذکر ان در فصل نهم تحریر خواهد یافت یا تعلق بزمان که شهور و ایام و لیالی و ساعات داشته باشد
و ذکر ایام پارسیان و ایام اسابیع و ایام سعد و نحس که انرا اختیارات ما صوفی کویند در فصل دهم سمت
ایراد خواهد یافت و ذکر اربات ساعات در ایام و لیالی در فصل یازدهم مرقوم خواهد شد و بیان ساعات مختصه بکواکب
در فصل دوازدهم مسطور خواهد گشت ان شاء الله تعالی   در مشروطات و محذورات اهل احکام
وان چهار قسم است   مشروطات و محذورات کلیه عامه در جمیع اعمال خیر و شر اما مشروطات وان هفت است

اصلاح ۹

صلاح قمر که مدار علیه در اختیارات اوست وان حصول سعادت و عدم نحوست   صلاح بیتی
که قمر دران بیت است بسقوط نحوس و نظر سعود   صلاح حال صاحب ان بیت که قمر در اوست   صلاح
حال طالع وقت یعنی برای کارهای منقلب برج منقلب اختیار کند و برای ثابت ثابت
صلاح حال صاحب طالع بوجود سعادت و عدم نحوست   صلاح حال کوکب الغرض نیز بوجود
سعادت و نقصان نحوست است   صلاح بیت الغرض وان خانه ایست که تعلق بمهم مقصود داشته
باشد چنانچه رابع مقام را و تاسع سفر را و صلاح ان خانه نیز بنظر سعودات و سقوط نحوس است اما
محذورات وان نیز هفت است اول زمان اجتماع و استسرار که دران شبا روز هیچ عمل از خیر و شر
نشاید کردن دوم ایام نحیسه وان هفت روز پیش از کسوفات و هفت روز بعد از ان و سه روز
پیش از خسوف و سه روز بعد از ان   ایام مکروهات وان اتساع ماه عربی است یعنی نه و هیجده و بیست و هفت
ایام مذمومات وان اسباع شهور عربیست یعنی هفت و چهارده و بیست و یک و بیست هشت   ایام
منحوسه وان هفت روز است از ماه فارسیان که سه و پنج و سیزده و شانزده و بیست و یک و بیست چهار و بیست پنج
میباشد ساعات ثبت افتاب که انرا ساعات محترقه خوانند و در تقاویم در اخر صفحه قمری جدولی برای ان
مقررات   ساعات کاسفات وان مراکز کاسفات است که چون قمر بدان درجه رسد نحوسی در زمان پدید اید وان هشت
کاسفات است و با اجتماع و استقبال ده میشود و مدار ان بر بعد قمر است از شمس بعد از نقطه اجتماع
دوازدهم درجه باشد   ۴۵ ۹۰ ۱۳۵ ۱۸۰ و مدار ان نقطه استقبال است که بعد از نقطه استقبال

مشروطات و محذورات   ٤٥ ٩٠ ١٣٥ ١٦٨ ١٨٠ که بنقطه اجتماع باز رسد

حتی بیه خاصه در اجابت دعوات اما مشروطات وان دوازده است   نوزده درجه سرطان یا

درجه اسد   سعدی که در طالع باید و دیکری در عاشر یا رابع یا سابع   قمر بکوکب

الغرض بنظر سعد متصل باشد   مشتری با راس باشد و دران حال اکر راجع بود بهتر

قمر از صاحب طالع منصرف باشد و بمشتری متصل   صاحب وسط السما ناظر باید به بیت خود

صاحب طالع در وسط السما باشد یا ناظر بکوکبی که در عاشر بود   کوکب الغرض در شرف

یا حد یا وجه یا بیت خود باید و بهر وجه قوی حال باشد   مشتری باید مشرقی باشد و زهره مغربی

قمر از مشتری منصرف باید و براس متصل   قمر یا عطارد با کف الخضیب که ستاره سعد است و در اجابت

دعوات مدخل تمام دارد   اکر راس با کف الخضیب بود فی الحال دعا مستجاب کردد اما محذورات وان نیز

دوازده است   قمر از تحت الشعاع دور باشد   قمر از اتصال زحل دور باشد   قمر از اتصال مریخ ساقط باید

نشاید که مشتری راجع باشد یا ممنوع با راس بود   نشاید که زهره راجع بود   نشاید که مشتری بزحل ناظر

بود   نشاید که زهره بزحل متصل بود   نشاید که مشتری بمریخ ناظر بود   نشاید که زهره

بمریخ متصل بود   نشاید که زحل با کف الخضیب بود   نشاید که مریخ با کف الخضیب مقارن یا ناظر

بود   نشاید که شمس در درجه کف الخضیب بود   مشروطات و محذورات برای جمع منافع

و مطالب و سایر اعمال لطیفه اما مشروطات وان دوازده است   طالع برج ذو جسدین باشد   ساعت مشتری باشد

خاصه شب و روزی   ساعت زهره باشد خاصه شب و روزی   نظر مشتری بطالع باشد یا صاحب

طالع   نظر زهره بطالع باید یا صاحب طالع   طالع در حدود سعود باید   اصلاح حال عطارد

البته واجب است   قمر در اخر سرطان یا اول ثور یا میانه سنبله باید   افتاب مع راس نهایت پسندیده

است   قمر در یکی از حد سعدین خوبست   اتصال قمر بمشتری مناسبست   سعود در اوتاد طالع

اصلی تمام دارد اما محذورات وان نیز دوازده است   حذر کند از ساعت زحل   حذر از شب و روز

زحل   حذر از ساعت مریخ   حذر از شب و روز مریخ   حذر از نظر زحل بمشتری   حذر از

نظر زحل بزهره   حذر از نظر مریخ بمشتری   حذر از نظر مریخ بزهره   حذر از اتصال عطارد

بنحسین   حذر از کون زحل در اوتاد   حذر از کون مریخ در اوتاد   حذر کند از انکه طالع

برج معوج الطلوع باشد   مشروطات و محذورات برای دفع مضار و سایر اعمال قهریه اما مشروطات

وان دوازده است   طالع برج منقلب و معوج الطلوع باید   قمر در برج منقلب باشد   نظر یکی از نحسین

بقمر لایق است   نظر یکی از نحسین بعطارد مناسب است   ساعت زحل باشد خاصه در شب و روزی

ساعت مریخ باید خاصه در شب و روزی   نیرین از یکدیگر ساقط باید و بعضی کفته اند مقابله

جایز است   طالع در حدود نحسین باید   صلاح عطارد در جمیع اعمال خیر و شر ضرورست   بعضی

کفته اند که قمر با راس در اعمال قهریه بغایت نیک است   قوت انکوکب نحس که تعلق عمل باو میباشد مهمست

صاحب طالع باید که بنحسی که مطلوب اوست ناظر بود   اما محذورات وان نیز دوازده است   حذر کند

انساعت مشتری   حذر کنند از ساعت زهره   حذر از روز و شب مشتری   حذر از شب و روز
زهره   حذر از اتصال سعدین براس   حذر از نظر مشتری بزهره   حذر از نظر مشتری بقمر
حذر از نظر مریخ بعطارد   حذر از نظر قمر بعطارد   صلاح عطارد بهمه حال   حذر
کنند از آنکه طالع برج مستقیم الطلوع باشد   در اختیارات بر حالات خاصه قمر و اتصال وی بکواکب اما
حالات خاصه قمر و آن هشت است اول   برای کشف ارواح و تسخیرات و مهمات بنا و معاملات نیک است دوم
برای طرح عمارات عالیه و یافتن سودها و مدد رسانیدن بمظلومان سوم   برای سلامتی اسفار
و خوبی معاملات و اصلاح حال فاجران و دیدن خوابهای نیکو چهارم   برای قصد دشمن و دفع
ظلم و تخریب بیوت فسقه و منع ستم و فجور پنجم   برای هلاک دشمن و خرابی خانهای ظالمان
و دفع ایشان ششم   برای دفع دزدان و قطاع الطریق و منع لشکر بیگانه از شهر و ولایت هفتم
برای قصد دشمن مناسب است دیگر هیچ کاری نشاید هشتم   هیچ کاری روا نشاید اما
اتصالات قمر بکواکب سبعه   که عبارتست از قران در آن اعمال ملوک را شاید   که عبارتست از تسدیس
اعمال سعادت انگیز است   که عبارتست از تثلیث مهماتی که تعلق بمشایخ و اهل کشف دارد لایق است   که عبارتست
از مقابله در آخر ماه و آخر روز هیچ کاری روا نشاید   مهماتی که تعلق بغزوات دارد مناسبست   طلب غنا
و سلامتی اسفار را نیکست   طلسم دام ساختن حیوانات و بنای خیر خوبست   معاملاتی که سود داده درویست
اکابر در منام لایق است   طلب حاجت و اشتغال بمعالجات نیک است   در حوت طلب حاجات نیکست

مهمات لشکر

مهمات لشکرها و طلب فتح و ظفر لایق است   خلوت و فراغت اولیست خصوصا که قمر در میزان یا دلو باشد
تسخیر قلاع و بلاد و طلسمات صید را مناسبست   در اول ماه و اول روز هیچ کاری روا نشاید
در میزان مهمات علمی را مناسبست   امور عظما و طلب جاه و رفعت   هیچ کاری روا نشاید خاصه
که قمر در میزان بود   مهمات سلاطین و تسخیر قلوب را لایق است   اعمال قهریه مناسبست
اعمال محبت را خوبست خصوصا در ثور و حوت   مهمات خواتین و اصلاح ازواج و شرکا
نیکست   مهمات سفر و ایمنی طرق و اعمال محبت را لایق است   عمارات و طرح بساتین و اندیام
عمارت نیکست   طلسم سندکان و مهمات تزویج را مناسبست   مهمات وزرا و دبیران و حکما و فضلا
خوبست   امور علمی و کفایت و زیادتی عقل و تدبیر نیکست   معالجات و مناظرات و طلسم دریا
و کشتی لایق است   عزایم و تسخیرات و کشف ارواح و رویت جن مناسبست   مناظرات
و معالجات و تعلیم و تعلم را نیکست   در اختیارات بر حلول قمر در بروج و منازل ایشان اما حلول قمر
در بروج   اعمالی که تعلق بسلاطین دارد و مهم اسفار   اعمال تزویج و بناها و بساتین
اعمال دبیران و اهل فضل   اعمال معالجات   تصرف در امور ملکی و طلسمات صید و تسخیر سباع
مهمات مبایعه و معامله و شرکت و حفظ ودایع   اعمال دین و ملت و میل دادن طبایع
بصدق و راستی   قصد اعدا و دفع ظلمه و فسقه و طلسمات عداوت و تفریق   تعلیم علوم و طلب جودت
ذهن و صفای فهم   مهمات زراعات و قنوات و دفع سحر و اندیشه مکر و غدر   بستن عهد و پیمان

وعمارت حصون وحفظ قلاع   اعمال خیر وصلاح ومصالحه بین اثنین وطلسمات محبت ومودت
اما حلول قمر در منازل   طلسمات دشمن واعمال کیمیا وسیمیا   ابتدای اعمال وطلب حاجات
ومعاملات   خواندن ادعیه ودر دوم در جدول عمل محبت بغایت لایق است   مهمات ملکی وطلب
مال وطلسم حرب   عمل شر وتخریب وعقد الرجال   معالجات وسفر دریا   طلب فتح
ونصرت ومصالحات ودیدن اکابر   تفریق وتخریب ودفع سموم وتسلیط   قطیعت
وعداوت وطلسم طیور   ابطال سحر وطلسم حیات وعقارب   مهربانی ملوک وصید قلوب
وجر منافع   عبادات وطاعات وخلوت اولیا   اعمال دوستی ومهمات ملکی   اعمال دشمنی و
تفریق   اکثر اعمال را شاید خصوصا مودت را   دفع مکاره وابطال سحر سموم   ادهم
اعمال الحذر اولی   اعمال خیر وعقد اللسان وعقد الشهوه   تسخیر قلاع وتهییج محبت یا عداوت
نیرنجات محبت ودعوات وابتداء امور   دفع ظلمه وفسقه وایمنی از خوف   اشتغال بذکر
دعاء بد در حق ظالمان وفاسقان   دفع اکثر اعمال را شاید خصوصا عداوت   دفع امراض
وسلامتی از آفات واعراض   اعمال باغ وبستان وچشمه وکاریز   در اختیارات
بر طلوع صور بروج اثنی عشر   وجداول یعنی ده در جداول برای دفع اعدا وتصرف در امور
ملکی وجدول دوم برای طلب تصرف ودفع دزد وازدیاد مال وبرکت ورزق وجدول سوم برای هلاک
دشمن وتخریب دیار ظلمه ویافتن کنوز وغلبه در حرب   وجداول برای مهم باغ وبستان و

میوه ودام ساختن سرکنان واصلاح حال بدان وجدول دوم برای اعمال مهربانی ودفع قحط وغلا
ومهمات عمارت وتسلیط مرض بر خصم وجدول سوم برای خواری اعدا وخبر یافتن از اسرار وکشف مهمات
وزرع وضوات وعیون   وجدول اول برای حفظ اطفال واعمال سفر ومهم عشق ومحبت وغلبه
وشجاعت وجدول دوم برای طلسمات دشمنی وتفریق وبا وغلا وماندن وجدول سوم برای حفظ اخبار
وضبط اموال ومنع سفر وفرار از دشمن   وجدول اول برای استجابت دعوات وقوت حافظه
وافزونی علم وحکمت وجدول دوم برای طلسمات صید ومهربانی ملوک وجاه ورفعت وغلبه فرح وسرور
وجدول سوم برای اعمال دوستی وقبول خلق ورواج سخن وقوت مباشرت   وجدول اول
برای حصول حشمت وجاه وشفا از امراض وجدول دوم برای دفع رنج واندوه وازاله قحط
وطاعون ومغلوب شدن خصم وجدول سوم برای اعمال شر وقطیعت واکثر اعمال را شاید
وجدول اول برای تقویت دین وقوت دعوات وازدیاد برکت در بکا ومزارع وجدول دوم برای صحبت
وقبول خاطر ومهمات تزویج وطلب فرزند وجدول سوم برای تعلیم وتعلم وحفظ کشتی وایمنی از غرق
وربح در معاملات   وجدول اول برای اسیر شدن خصم واطلاع بر کنوز ودفاین وازدیاد قدر
وجاه وجدول دوم برای عمل سلاطین ووعظ وطلب سعادات اخروی وحصول مهمات وجدول سوم مکارم اخلاق
ودفع حدت وسبکساری   وجدول اول برای اعمال اکسیر وسوء حال اعدا وکثرت اولاد واموال
ونفاذ قول وجدول دوم برای شرف وبنه کوبی وفهم خط واعمال محبت وتسخیر اکابر وخلل کار اعدا

وجه سیوم برای دفع بلاها و جن منفعتها خصوصا درانچه تعلق باشراف دارد وجه
اول برای زیادتی قوت و غلبه در حروب و تسلیط زلزله بر دیار ظلمه وجه دوم برای اعمال و مهم باغات
و زراعات وجه سوم برای غلبه بر اعدا و ظفر در مناظرات و محبت ازواج وجه اول برای
اعمال کلیه و صیانت مال و ناموس و حصول بهجت و سرور وجه دوم برای شاد کردن دوستان و غمگین
کردن دشمنان و حصول سکینه و وقار وجه سوم برای اظهار عجایب و غرایب و یافتن مرادات و فهم
علوم غامضه و حل مشکلات وجه اول برای حبس دشمن و رهائی از خصم و تغلیب خوف بر اعدا
وجه دوم برای سعت رزق و کفایت امور و باز اوردن غایب از سفر وجه سیوم برای دفع امراض
دوستان و تسلیط مرض بر دشمنان وجه اول برای غلبه در مجادله و دفع کسالت در طاعت و زیادی
مال و ولد وجه دوم برای عبادات و ذکر و اعمالی که تعلق به تبدیل اخلاق دارد وجه سوم برای
دفع مکر و فریب و بطلان سحر و فتور حال خصم و سلامتی در سفر در اختیارات بر طلوع
درجات مخصوصه بروج درجه دفع دشمن دعوات طول عمر و خوشی عیش اصلاح میان دو
تن محبت و عنایت سلاطین و اکابر دفع الام حل مشکلات نومید اعدا
انتقام کشیدن از دشمن دفع سحر و زبان بند و امثال ان یافتن دفاین هزیمت لشکر
دشمن تسخیر بلاد و قلاع درجه برکت در زراعت و باغ غلبه در حرب
تسلیط فتنه بر دیار ظالمان حصول فتح و سرور عمل دوستی و مهربانی دفع رنج و ماندگی سفر

عمارت

عمارت مواضع تمریض اعدا و نکبت ایشان حصول عفت و صلاح خرابی اساس
خوبی کشت و محصولات زیاده شدن اب در کاریز و چشمه ازدیاد قوت و شجاعت دفع
افت از اشجار دشمنی انگیختن میان زن و شوهر دفع مرض و حصول برکت کثرت
اب در چشمه و کاریز اعمال تفریق دفع وبا و بلا حفظ اخبار و اسرار اعمال
محبت منع سفر هر که خواهد حصول شرم و اندم اعمال فرار از دشمنان
درجه استجابت دعوات زیادتی علم و حکمت تسلیط غم و مرض کشادن بخت و دولت
اساعت خلق نسبت بوی تسلیط اب هر جا که خواهد بقاء نعمت و دولت
ضعف دل و خوف خصم تخریب منازل فسقه و فجره ازدیاد قوت مباشرت ازالهٔ
حقد و حسد تسلیط وسوسه بر دشمن درجه حصول عزت و هیبت تسلیط قحط بر
بلاد ظلمه و فسقه طلسمات خفا ایمنی از تب قتل اعادی جنگ و خصومت میان اعدا
ایمنی از طاعون قطع نسل ظلمه و فسقه اسانی کارها دفع غم و بدبختی ادای
دین زیادتی معاش و برکت درجه متابعت شرع و سنت خرابی اساس از غاصب
حصول برکت در زراعات دوستی ازواج غلبه خوف بر خصم انگیختن باد و باران اعمال عشق
و محبت سلامتی از عیوب کثرت مال سلامتی سفر دریا مدد یافتن در سفر تسلیط جنون
بر خصم درجه مغلوب شدن خصم اطلاع بر دفاین حفظ مال و ولد و خوبی معاملت

تسلیط احتیاج بر دشمن طلب سعادات عقبی تسلیط خوف بر دشمن سلامتی از آفات
دفع بلا از هر که خواهد صحت و عافیت دوست ساختن دشمنان توهیم دشمن
عمارت منازل درجه عمل اکسیر و تسخیر ارواح نفاذ قول نزد سلاطین قتل ظلمه و فسقه
وقوف بر حقایق اسرار شرف رفعت و ازدیاد جاه تسخیر ملوک و عظما خلل اعضای
اعدا دفع سموم تسلیط فتنه بر اضداد اعمال شر و تفریق کثرت مال و حفظ آن اخراج
کنوز و دفاین درجه حصول قوت و جرأت اعمال عداوت حصول عیش استجابت
دعوات ظفر بر دزدان اعمال محبت قتل اعدا بسهولت محبت میان زوجین دفع آفات قتل
اعدا حفظ کشتی تسلیط رنج بر ظلمه درجه معرفت طلسمات و علوم غریبه حفظ صحت
و مال و ولد اعمال صلح و محبت طلب عافیت و نیکنامی سرور و فرح و فراغت مذلت اعدا
اجابت دعا استواری عهد و پیمان مودت اعدا حصول عفت و ورع دفع امراض عظیمه
زوال ملک ظالمان درجه سوم نکبت اعدا تسلیط مرض بر خصم طلب کنوز و علم خفیه
تخریب بیوت ظلمه تسلیط فقر بر خصم تسلیط مرض بر دشمن سعت رزق و حصول مال خوبی زراعات
و محصولات آوردن غایب بوطن خلاصی زن حامله دفع تب ربع حفظ صحت و قوت درجه
حصول صبر و ثبات کثرت مال و حفظ اولاد حصول وفا و امانت وقار و سکینه و حکمت
تحصیل مکارم اخلاق وقوف بر علوم خفیه حبس اعدا تسلیط بلا بر دشمن عمل محبت

دفع مکر اعدا

دفع مکر اعدا قتل و حبس اعدا خوبی سفر در اختیارات در حلول کواکب بحدود یکدیگر
و حدود حدود کواکب در حد خود اعمال سلطانی و دیوانی و در حد مشتری مهماتی که تعلق بدین و ملت
و در حد مریخ ابتدا امور و طلب حاجات و در حد زهره مهمات مال و اولاد و باغ و زراعت و در حد عطارد مهمات
که تعلق بدیوان دارد و حفظ اموال در حد زحل اعمال تسلیطات و دفع مکاره و در حد خود معاملات و تجارات
و کنایات و طلب غنا و در حد مریخ اعمال تفریق و تخریب و در حد زهره اعمالی که تعلق بمناکحات دارد
و در حد عطارد اعمالی که منسوب بعلم و فهم و حکمت است در حد زحل اعمال عداوت و طلب انتقام در حد
مشتری مناظرات و طلب نصرت و در حد خود مهمات امرا و اهل عسکر و در حد زهره اعمال تفریق و قطیعت و در حد
عطارد مهماتی که تعلق بمجادلات دارد در حد زحل اعمال عمارات و طلب مال و ولد و در حد مشتری مهمات
و طلب حاجت و سعت رزق و در حد مریخ اعمال شر و تفریق و تخریب و در حد زهره اعمال زنان و
مصالحه و در حد عطارد مناظرات و طلب دفاین در حد زحل مهمات زرع و محصولات و در حد مشتری
جمیع اعمال خیر مناسبست و در حد مریخ دعا و عبادات و خلوت و در حد خود طلب جاه و تحصیل سرور و در حد
عطارد اعمال کشتی و دریا بد است و باقی اعمال را نیک است در حد زحل طلب اموال و احضار جن و تسخیرات
و در حد مشتری دفع جوع و عطش و حفظ ودایع و در حد مریخ دفع دزدان و قطاع طریق و صیانت ناموس
و در حد زهره طلب دفینه و امور علم اکسیر و در حد خود زیادتی فهم و حکمت و فصاحت و قبول قول
در حد زحل طرد هوام و دفع جن و در حد مشتری تسهیل امور صعب و ازدیاد مواشی و در حد مریخ عمل تفریق

فاجران و غلبه بر دشمنان و در حد زهره تکثیر ثمرات و البان و میاه و در حد عطارد دفع کسل و سعت رزق

و مدد طاعات و عبادات والله تعالی اعلم و جدول حدود کواکب خمسه متحیره بقول مصریان اینست که نموده میشود

در اختیارات بر کون کواکب در وجوه یکدیگر و جدول وجوه کواکب　　در وجه خود اعمال

مشایخ و در وجه مشتری طلب کشف علوم و در وجه مریخ غلبه بر خصم و در وجه شمس دفع امراض و در وجه

زهره تذلیل نسوان و در وجه عطارد طلب حکمیات و در وجه قمر عقد اللسان　　در وجه زحل عقد

النوم و در وجه خود طلب مناصب و در وجه مریخ اعمال اکبری و در وجه شمس طلسمات ملوک و در وجه زهره

نیرنج محبت و در وجه عطارد طلب مرادات و در وجه قمر مهم غایب　　در وجه زحل نیرنج عداوت

و در وجه مشتری دفع چشم زخم و در وجه خود نزهه و قطیعت و در وجه شمس دفع سحر و در وجه زهره دفع لشکر

دشمن و در وجه عطارد مناظره با عدو و در وجه قمر اوراد کی ظلمه　　در وجه زحل غلبه بر ظالم و در وجه مشتری

مهم اعاظم و در وجه مریخ حروب دشمن و در وجه خود طلب مناصب و مراتب و در وجه زهره طلسمات محبت و مودت

و در وجه عطارد تعلیم و تعلم و در وجه قمر امور مسافران　　در وجه زحل دفع فسق و در وجه مشتری

اعمال خیر و در وجه مریخ مصالحه اضداد و در وجه شمس صلح زوجین و در وجه خود استجابت دعا و در وجه عطارد

زیادتی فهم و در وجه قمر استخبار اسرار　　در وجه زحل تسخیر کواکب و در وجه مشتری تسخیر ارواح

و در وجه مریخ دفع خاینان و در وجه شمس تلیین قلوب و در وجه زهره خواندن عزایم و در وجه خود طلسمات

علوم و در وجه قمر استخبار از نایم　　در وجه زحل دفع مکر و سحر و در وجه مشتری طلب دفاین

و در وجه مریخ دفع دزدان و در وجه شمس مهربانی ملوک و در وجه زهره تحصیل سرور و فرح و در وجه

عطارد تعلیم سیمیا و در وجه خود صد عوام و هوام والله اعلم و جدول وجوه کواکب اینست که نموده میشود

در اختیارات بر اتصالات و نظرات کواکب سوی قمر　　اما بمشتری اعمال کلیه

مهم زراعات　تفریق ظلمه　اصلاح قلوب　آواره کردن اضداد　اما بمریخ　اعمال شر　صلح

با خصم　تخریب بیوت　تسخیر قلاع　حروب　اما بشمس　قصد خصم　مهم مشایخ　دفع فسق

صلح سلاطین نکبت اما بزهره عمل تسخیرات صلح ازواج عقد اللسان خواندن عزایم

عقد النوم اما بعطارد طلب کرامات طلب علوم تقویت حافظه دفع مکاید

اما بمریخ دفع کید دفع حدت تسلیط مرض مهم اموال دفع دشمن

اما بشمس امور کلی اعمال خیر دفع سحر تسخیر قلوب مناظرات اما بزهره

اعمال خیر طلب غنا کفایت مهم طلب دفاین حفظ ودایع اما بعطارد خواندن عزایم

طلب کشف زبان بند طلب قضاء حاجت طلب صلح اما بشمس حرب و مناظرات

مهم عساکر غلبه بر عدو تسخیر بلاد غلبه بر خصم اما بزهره دفع حیل مهم جانان

طلسم صید نیرنج محبت استخبار اسرار اما بعطارد نکبت عدو مهم ایلچیان

بطلان سحر نفاذ قول عمر تیغ خصم اما بزهره مصالحات ایضا

ایضا ایضا ایضا تسخیر جن اعمال محبت ایضا ایضا

ایضا در اختیارات ایام فرس و ایام اسابیع و اختیارات اما فی اما اختیارات ایام فرس از

قول حکما بابل و ان سی روزست طلب غنا و سعت رزق اکثر کارها را شاید جز ذکر و

خلوت نشاید عمارات و مصالحات و عمل محبت جز عمارات هیچ کار نشاید مناظرات و دفع خصوم

مهم رسولان و معالجات تجارات و طلب حاجات مهمات ملوک و تسخیر بلاد زیاده کردن

اب در کاریز و چشمه طلسمات صید و طرد هوام همه اعمال خیر نیکست جز خلوت و ذکر هیچ

کار نشاید

کار نشاید اعمال شر و قطیعت بغایت بد بود و بشیمه ندهد دفع الام و اسقام نیکست روز

نحس مستمرات و اعمال شر را لایقست دعا و خلوت و طلب حاجات امور زراعات و بساتین مهمات

سفر و طلسم صید طیور امری تعلق بمناکحات دارد خلوت و ذکر بهتر دفع مکر خصم و مناظره

با اعدا اعمال خیر تمامی نیکست خلوت و ذکر و فراغت نشریق و تخریب نیکست مهمات

بیع و شری مناسبست امری تعلق بسفر دارد معالجات و مداوات مهم اشراف و عظما امور زراعت

و عمارت اما اختیارات ایام اسابیع امور یکه تعلق بجاه و رفعت و مهمات ملکی دارد

امور مسافران و خبر یافتن از غامیان و منع دزدان اعمال شر و تخریب بیوت ظلمه و

تفریق و قطیعت معالجات و دفع امراض و اسقام طلب حاجات از اکابر و اشراف

مهم ازواج و اعمال محبت و مودت امور غریبه خفیه در تحصیل اسرار و غیران

اما اختیارات ما فی جهت شناختن سعادت و نحوست ایام بغایت نیکوست به بینند تا از نوروز

سلطانی چند روز گذشته از ان جمله ۳۰ ۳۰ طرح کنند تا ۳۰ یا کمتر از ان بماند پس العدد را در این

جداول ثلثه باز جویند اگر در جدول سعد بود هر کار که

ابتدا کنند نیکو اید و اگر در جدول ایام نحس باشد بد بود

و اگر در وسط باشد میانه بود و جدول اینست که نموده شد

فصل در اختیارات بر ارباب ساعات در ایام و لیالی

واختیارات بر ساعات روز و شب کواکب اما اختیارات بر ارباب ساعات در ایام و لیالی از روز یکشنبه و شب
اول و هشتم شمس راست مناسبت اعمال ملوک دوم و نهم زهره راست نیکست تعلیم و تعلم چهارم و یازدهم قمر راست
لایقست اعمال صالحه پنجم و دوازدهم زحل راست مناسبت اعمال زراعات ششم مشتری را شایسته است طلب رزق
هفتم مریخ راست مناسبت مهمات برده دستور را دوشنبه و شب اول و هشتم قمر راست اصلاح امور نیکست
دوم و نهم زحل راست عمارات مناسبت سوم و دهم مشتری راست اعمال اشراف لایقست چهارم و یازدهم مریخ راست
مهم محاربه نیکست پنجم و دوازدهم شمس راست طلب رفعت شایسته است ششم زهره راست مهم تحصیل فرح را
مناسبت هفتم عطارد راست طلب علم و حکمت خوبست سه‌شنبه و شب اول و هشتم مریخ راست
تصرف در امور ملکی لایقست دوم و نهم شمس راست رام ساختن ملوک نیکست سوم و دهم زهره راست اعمال
محبت را شایسته است چهارم و یازدهم عطارد راست طلب دعا و حاجات را مناسبت پنجم و دوازدهم قمر راست
عمل مهابت نیکست در نفوس خلق ششم زحل راست مهم محصولات خوبست هفتم مشتری راست طلب غنا لایقست اعدا
از عم چهارشنبه و شب اول و هشتم عطارد راست طلب ربح در معاملات خوبست دوم و نهم قمر راست اصلاح
اضداد مناسبت سیوم و دهم زحل راست کشف حقایق نیکست چهارم و یازدهم مشتری راست تسخیر وزرا
خوبست پنجم و دوازدهم مریخ راست عمل استیلا بر خصم نیکست سیم ودم شمس راست دفع قهر ملوک لایقست
چهارم و یازدهم زهره راست تسخیر خواتین خوبست پنجم و دوازدهم عطارد راست خواندن عزایم لایقست ششم
قمر راست عمل قبول عوام شایسته است هفتم زحل راست اعمال صید و شکار لایق پنجم و دوازدهم مشتری راست اعمال

اعمال مشایخ و زراعات مناسبت جمعه اول و هشتم زهره راست تسلیط فرح
و سرور و شادمانی را مناسبت دوم و نهم عطارد راست عمل قوه حافظه و فهم نیکست سیوم و دهم قمر راست
سفر دریا خوبست چهارم و یازدهم زحل راست اعمال صید و شکار لایقست پنجم و دوازدهم مشتری را
باختن کشتی نرد و فاین خوبست ششم مریخ راست تسخیر امرا مناسبت هفتم شمس راست مهمات ملکی شایسته است
شنبه اول و هشتم زحل راست حصول کرامات مناسبت دوم و نهم مشتری راست
طلب منافع کلیه خوبست سیم و دهم مریخ راست عمل تخریب بیوت ظلمه نیکست چهارم و یازدهم
شمس راست طلب حاجت از ملوک لایقست پنجم و دوازدهم زهره راست عمل دفع سموم شایسته است
ششم عطارد راست تسخیر جن مناسبت هفتم قمر راست عزم سفر نیکست اما اختیارات بر ساعات
روز و شب کواکب بقول ابی الطیب تبریزی و این اختیارات بغایت پسندیده است و نزد علمای
حروف و ارباب طلسمات و دعوات اعتباری تمام دارد و در این فن اصلی کلی است و انرا بپوشیده
منظور باید داشت و حکما در اخفای این اصل از مردم نااهل مبالغه تمام دارند
ساعت زحل طرد جمعی از اهل ظلمه چنانچه هیچ جا آرام نتوانند کرد و ساعت مشتری
عقد النوم و تسلیط وساوس و ساعت مریخ خرابی دیار ظالمان و تفریق جمع ایشان و ساعت شمس
ابطال سحر و دفع چشم زخم و ساعت زهره تکثیر ثمار و خوبی زرع و ساعت عطارد تفریق جمعی از
اوطان و ساعت قمر تسلیط مرض بر خصم خصوصا کودکی ساعت زحل

شریر جمعی که زود باز آیند وساعت مشتری طلب معیشت و سعت رزق وساعت مریخ ابطال
سحر و دفع خصم وساعت شمس ایجاد محبت در قلوب سلاطین و حکام وساعت زهره محبت
وصلح و پاکی عقیدت وساعت عطارد معاینه دیدن اشخاص روحانی وساعت قمر طلب فتح و نصرت

ساعت زحل انگیختن خصومات و اعمال قطع وساعت مشتری هیجانات و تحریکات
فتن و آفات وساعت مریخ قتل و هلاک اعدا و تو صید و تمریض ایشان وساعت شمس قبول
نزد امرا و اهل اختیار وساعت زهره مهابت در نظر خلق وساعت عطارد تهییج فتنه و خصومات
وساعت قمر دفع اعدا و زبان بند ایشان ساعت زحل قتل اعدا و غلبه بر
اضداد وساعت مشتری کفایت کردن شر پادشاه ظالم وساعت مریخ ازدیاد جرات و شجاعت
وساعت شمس هیبت در نظر مردمان و قبول خاطر ملوک وساعت زهره قبول و اجلال و تعظیم خلق وساعت
عطارد تمریض اعدا و رام کردن بنده وساعت قمر اخراج دفاین و ودایع و دفع آلام

ساعت زحل تذلیل زنان سرکش وساعت مشتری ادای دین و سعت رزق وساعت مریخ
مبتلا کردن بعشق وساعت شمس اعمال خواتین مخدومه وساعت زهره طلسمات محبت و اعمال مصالحه
وساعت عطارد ازدیاد جاه و حرمت و نفاذ قول وساعت قمر دوستی افکندن میان دو کس

ساعت زحل دفع اعدا و غلبه نکبت ایشان وساعت مشتری عقد اللسان دیار نکست
وساعت مریخ تسلیط مرض بر اهل ظلم و فسق وساعت شمس اعمالی که تعلق باهل دیوان دارد

وساعت زهره استمداد از امراء نایبه وساعت عطارد معالجات کلیه و دفع آلام وساعت قمر
مشاهده غیبیات و کشف قبور ساعت زحل عقد شهوات و دفع فریب و حیله اعدا
وساعت مشتری میل دادن طباع عاصیه بطاعات وساعت مریخ قوت مباشرت و تحصیل اولاد وساعت
شمس جذب قلوب و استیلا بر خلایق وساعت زهره هیجان محبت و غلبه عشق و مودت وساعت عطارد
مطلع و مطیع ساختن جان و تسخیر ارواح وساعت قمر اعمال محبت و سرعت نتیجه در آن

در ذکر نکته از قوه و ضعف کواکب و طبایع و مزاجات بروج سعادت و نحوست منازل که عامل
معرفت آن در اختیارات احکامی ضرورست و آن هفت است اول معرفت بیت و وبال کواکب دوم شرف
و هبوط ایشان سوم فرح و ترح و خیر ایشان چهارم معرفت مزاجات و طبایع ایشان پنجم معرفت مزاجات
و طبایع بروج ششم معرفت منازل سعد و نحس و نسبت ایشان بکواکب هفتم معرفت سوف دوازده کانه طالع
وقت اما معرفت بیت و وبال کواکب بیت زحل جدی و دلو است و بیت مشتری قوس و حوت و بیت
مریخ حمل و عقرب و بیت شمس اسد و بیت زهره ثور و میزان و بیت عطارد جوزا و سنبله و بیت قمر سرطان
و وبال هر کوکبی مقابل خانه اوست اما معرفت هبوط و شرف زحل ۲۱ درجه میزان و شرف مشتری
۱۵ درجه سرطان و شرف مریخ ۲۸ درجه جدی و شرف شمس ۱۹ درجه حمل و شرف زهره ۲۷
درجه حوت و شرف عطارد ۱۵ درجه سنبله و شرف قمر ۳ درجه ثور و شرف راس ۳ درجه جوزا
و شرف ذنب ۳ درجه قوس و هبوط هر کوکبی مقابل شرف اوست اما فرح و ترح و خیر کواکب بدانکه

فرح وترح ایشان در طالع وسایر بیوتی باشد که بعد از طالع واقع است فرح زحل در دوازدهم است
وفرح مشتری در یازدهم وفرح مریخ در ششم وفرح شمس در نهم وفرح زهره در پنجم وفرح
عطارد در طالع وفرح قمر در سیوم وترح هر کوکبی مقابل فرح اوست وبدانکه بودن کواکب
نهاری را که زحل ومشتری وشمس است در روز فوق الارض ودر شب تحت الارض وبودن کواکب لیلی را که
مریخ وزهره وقمر است بروز تحت الارض وبشب فوق الارض خیر گویند واین سبب قوة کوکب بود اما
معرفت مزاجات وطبایع کواکب   زحل ومشتری ومریخ وشمس است   زهره وقمر است
زحل ومشتری وشمس است چنانچه در بیان خیر گذشت   مریخ وزهره وقمر است چنانچه
شد   زحل است   مریخ وشمس است   مشتری وزهره است   قمر است
وعطارد هر کوکبی که رسد مزاج وی گیرد با نهاری نهاری است وبالیلی لیلی با مذکر مذکر است وبا مؤنث مؤنث
ودر گرمی وخشکی وسردی وتری وجمیع احوال بر این منوال است اما معرفت مزاجات وطبایع بروج
حمل واسد وقوس است   جوزا ومیزان ودلو است وارباب این مثلثه بروز زحل وعطارد ومشتری است وبشب
عطارد مقدم   سرطان وعقرب وحوت است وارباب این مثلثه بروز زهره ومریخ وقمر است
وبشب زهره ومریخ مقدم   ثور وسنبله وجدی است وارباب این مثلثه بروز زهره
وقمر ومریخ است وبشب قمر بر زهره مقدم

وارباب این مثلثه بروز آفتاب ومشتری وزحل وبشب مشتری وآفتاب مقدم

اما معرفت منازل سعد ونحس ونسبت ایشان ونسبت ایشان بکواکب خواجه نصیر الدین طوسی
رحمه الله در قطعه منازل نحس را نام برده واین ابیات از منازل که بر این جمع بر بین دارد ما انجد بنحس است
همین آنکه گفتم حاشا   شوله واخبیه ونثره وطرف دبران   بلده ذابح واکلیل زبانا وسماک
وانچه غیر اینست از منازل بیست هشتگانه سعد است واستاد ابوریحان رحمه الله منازل را بر سیارات قسمتی بیان
کرده وفرموده که اگرچه ما را حقیقت این قسمت معلوم است اما در فن نجوم امثال این بسیار است واصطلاحات ظاهر است

واما معرفت بیوت دوازده گانه طالع وقت   آن برج ودرجه که از مشرق طلوع کند در هر زمانی
آنرا طالع گویند وآن خانه جان وتن است وعمر واسبابی امور تعلق بوی دارد   خانه مال ومعیشت ویاران
واخوان است   خانه برادران صلبی وخواهران وخویشان ونقل وتحویل است   خانه پدران واملاک وعاقبت

لعورات وانرا وتد الارض گویند   خانه فرزندان وشادمانیها وهدایاست   خانه بندگان وخادمان
ومرضها وستوران خرداست   خانه زنان ودشمنان وشرکاست در نظر طالع است وانرا وتد غارب گویند
خانه مرگ وترس ونکبت ومیراث بود   خانه سفر وعلم ودین باشد   خانه عمل وسلطان وامهات
بود وانرا وتد السما گویند   خانه امید وسعادت ودوستان ویاران است   خانه اعدا وبدبختی
وستوران بزرگ باشد   وازهمه خانها قوی‌تر طالع وعاشر بود پس هفتم پس چهارم پس یازدهم پس
پنجم پس نهم پس دوم پس هشتم وضعیف‌ترین خانها دوازدهم وششم بود واز خانهای طالع هر
کدام که طاق بود مثل ۳ و ۵ تا آخر مذکر بود وهرکدام که جفت باشد مثل ۲ و ۴ تا آخر مونث بود
والله العالم   در شرایط مخصوصه باعمال حروف مشتمل بر دوازده فصل هشتاد الی در
شرایط حروف ثمانیه وعشرین وچهار دیگر در قواعد حروف سعد لوح مثلث   در قسمت
حروف بر افلاک سعد وکواکب سبعه   در قسمت حروف بر منازل بیت هشتگانه فلک البروج
البروج   در تاثیرات حروف وقت حلول قمر بمنازل واستیلای ایشان بر جوانات اقالیم سبعه
در ذکر اسماء الله که تعلق بحروف بیت هشتگانه دارد   در بیان اذکار وایات
حروف   در اسماء ملئکه که اعوان بروج وکواکب وحروفند   در بیان طبایع
بسیطه حروف   در ذکر طبایع مرکبه حروف   در معرفت وصفت لوح مثلث
وحروف مزوجات ومفردات   در کیفیت رقم زدن حروف وکلمات واسما در داخل وخارج لوح

لوح هفتم

لوح   در قرائت وکتابت ایات عزیمت ووفاق محبت وعداوت بر این لوح   در اسماء
ملائکه ایام اسابیع وکواکب وحروف واشکال ایام   در قسمت حروف بر افلاک سبعه وکواکب سبعه
اما قسمت حروف بر افلاک بدانکه شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمه الله در بعضی از رسایل خود حروف
جمل مشارقه واکثر جمل مشهور است وذکر ان باجمل مغاربه در فصل هفتم ازاین باب خواهد امد بر افلاک سبعه قسمتی
کرده است وهر حرفی را بفلکی نسبت داده تا عامل حروف در اثنای عمل ملاحظه ان فلک وکوکب ومنزل وی کرده
بر بصیرت کامله شروع کند ورعایت سعادت ونحوست ایشان نماید واز ارواح واعوان ان افلاک استمداد واستعانت
جوید بر حصول انچه مقصود او است تا اثار ونتایج کلیه مترتب گردد وطریق ان قسمت انیست که هر حرفی که بحسب عدد
مرتبه اول دارد از احاد وعشرات ومات والوف یعنی ا ی ق غ متعلق بفلک الافلاک است وهر حرفی که مرتبه دوم
دارد از احاد وعشرات ومات یعنی ب ک ر متعلق بفلک البروج است وهر چه مرتبه سوم دارد یعنی ج ل ش متعلق
بفلک زحل است وهر چه چهارم دارد یعنی د م ت متعلق بفلک مشتری است وهر چه مرتبه پنجم دارد یعنی ه ن ث
متعلق بفلک مریخ است وهر چه مرتبه ششم دارد یعنی و س خ متعلق بفلک شمس است وهر چه مرتبه هفتم
دارد یعنی ز ع ذ متعلق بفلک زهره است وهر چه مرتبه هشتم دارد یعنی ح ف ض متعلق بفلک عطارد است
وهر چه مرتبه نهم دارد یعنی ط ص ظ متعلق بفلک قمر است اما قسمت حروف بر کواکب ودر این قسمت دو قول است
از صاحب کتاب حل قواعد جفر الکبیر است که کتابی معتبر است واین قول مشهور است ومعروف در میان علما این فن وذکر اهل
خاصیت بر این قول عامل اند وانچنان است که از حروف جمل مشارقه ا ب ج د تعلق بزحل دارد ه و ز ح تعلق بمشتری

دارد ط ی ک ل تعلق بمریخ دارد م ن س ع تعلق بشمس دارد ف ص ق ر تعلق بزهره دارد ش ت
ث خ تعلق بعطارد دارد ذ ض ظ غ تعلق بقمر دارد قول دوم از بطلمیوس حکیم است و اگر چه این قول در شهرت
درجه قول اول ندارد لیکن نزد محققان این سخن نیز معتبر است و رعایت آن مثمر نتایج کلیه است و آنچنانست که
نون و دال مهمله و خاء معجمه و غین معجمه بزحل منسوب است و ظاء معجمه و قاف و کاف و ضاد معجمه بمشتری منسوب است
والف و تاء مثناة فوقانیه و میم و راء مهمله بمریخ منسوب است و حاء مهمله و هاء و عین مهمله و یاء مثناة تحتانیه
بشمس منسوب است و شین معجمه و واو و صاد مهمله و ثاء مثلثه و ذال معجمه بعطارد منسوب است و جیم و لام و سین مهمله
و فاء بقمر منسوب است پس چون عامل بر این علامتها و نسبتها اطلاع یابد در عمل هر حرفی از اعمال خیر و شر بازگشت
بکواکب آن نموده ملاحظه سعادت و نحوست و نظرات سعد و نحس خواهد نمود تا در عمل خطائی واقع نشود در قسمت
حروف بر منازل بیست و هشتگانه فلک البروج بطریق جمل مغاربه که در فصل هشتم از این رساله شرح خواهد شد و عامل این
حروف را اطلاع بر معنی ضروریست تا ملاحظه نماید که هر حرفی تعلق بکدام منزل دارد از منازل سعد و نحس تا در اعمال
خیر منازل سعد اختیار کند و در اعمال شر منازل نحس را و در قسمت حروف بر منازل دو قول است اول قول شیخ شرف الدین بونی
دوم قول شیخ محی الدین بن العربی قدس سرهما اما قسمت حروف بقول بونی بطریق جمل مغاربه فلها که در کتاب شمس المعارف
آورده که حروف اصلیه بیست و هشت است و منازل فلکیه نیز بیست و هشت است و هر حرفی تعلق بمنزلی دارد و قسمت آن بطریق جمل
مغاربه که نزد علما حروف معتبر است بر این وجه است که تعلق بشرطین دارد که دو کوکب است تعلق به بطین دارد
که سه کوکب است ثریا که شش کوکب است دبران که یک کوکب است هقعه که سه کوکب است هنعه که دو کوکب است

بنثره که دو کوکب است

بذراع که دو کوکب است بطرفه که دو کوکب است بجبهه که چهار کوکب است بزبره که دو کوکب است
بصرفه که یک کوکب است بعوا که پنج کوکب است بسماک که یک کوکب است بغفر که سه کوکب است بزبانا
که دو کوکب است باکلیل که سه کوکب است بقلب که یک کوکب است بشوله که دو کوکب است بنعایم
مهمله ببلده که خالی از کوکب است بذابح که دو کوکب است ببلع که دو کوکب است بسعود که دو کوکب است
باخبیه که چهار کوکب است بمقدم که دو کوکب است بمؤخر که دو کوکب است برشا
که یک کوکب است اما قسمت حروف بقول ابن العربی بطریق جمل مشارقه و در این طریق قسمت شیخ ابو عبدالله
مغربی که صاحب تیسیر المطالب است با شیخ موافق است و بر وجهی که شیخ در کتاب مدخل الحروف آورده این جدول مرقوم است

فصل در تاثیرات حروف وقت حلول قمر بمنازل و استیلای ایشان بر حوادثات اقالیم سبعه اما تاثیرات حروف وقت
حلول بمنازل صاحب شمس المعارف آورده که چون قمر بیکی از منازل ۲۸ گانه حلول کند روحانیت آن حروف که تعلق
بآن منزل دارد از درجات عالیات متجلی میشود و تاثیر خود را در مراتب سفلیات ظاهر گرداند و شیخ محی الدین ابن العربی

در بعضی از مواضع فتوحات آورده که ارواح حروف از فلک منازل در ما تحت خود متصرفند اما در مافوق این فلک
ایشان را تاثیری نیست و بیان تاثیر و تصرف ایشان چنانچه در شمس المعارف ایراد نموده برین وجه است که چون قمر در سرطان
باشد قهر و غضب احداث کند و در بطین لطف و رحمت ایجاد کند و در ثریا سعادت متوسط بخشد
و در دبران ملال و فتنه انگیزد و در هقعه ممتزج بود میان سعد و نحس و در هنعه سعادت و دولت بخشد
و در ذراع سعادت ایجاد کند و در نثره نحوست و شقاوت انگیزد و در طرفه بلیت و محنت افزاید
و در جبهه حرکت متوسط انگیزد و در زبره خیر و برکت افزاید و در صرفه ممتزج بود میان خیر
و شر و در عوا مدد سفر دریا بود و در سماک شور و شر انگیزد و در غفر سعادت با کمال بخشد
و در زبانا ممتزج بود و خیر غالب و در اکلیل نحوست و بلا انگیزد و در قلب سعادت احداث کند
و در شوله ممتزج است و شر غالب و در نعایم سعادت عظمی ایجاد کند و در بلده نحوست کبری ظاهر گرداند
و در ذابح ممتزج است و شر غالب و در بلع نحوست عظیم و فتنه انگیزد و در سعود سعادت معتدل پیدا
کند و در اخبیه هم سعادت بخشد و در مقدم سعادت نامه نمایند و در موخر ممتزج بود میان خیر و شر و در رشا
سعادت افزاید اما استیلای حروف بر هوای اقالیم و آن اصلی کلی است در اعمال و نیقادیوس حکیم در کتاب خود انجا
که بیان تولد حروف کرده تحقیق این استیلا برین وجه نموده در اقلیم سوم که تعلق بمریخ دارد مستولیست بر طیور وی
در اقلیم ششم که تعلق بعطارد دارد مستولی است بر طیور وی در اقلیم هفتم که تعلق بقمر دارد مستولیست بر انس وی
در اقلیم اول که تعلق بزحل دارد مستولیست بر طیور وی در اقلیم چهارم که تعلق بشمس دارد مستولیست بر دواب

مائی وی

مائی وی در اقلیم پنجم که تعلق بزهره دارد مستولی است بر طیور وی دیگر اقلیم پنجم است که
مستولیست بر دواب مائی وی در اقلیم چهارم است مستولیست بر طیور وی در اقلیم چهارم است مستولیست
بر وحوش وی در اقلیم دوم که تعلق بمشتری دارد مستولیست بر انس وی در اقلیم هفتم مستولیست بر دواب
مائی وی در اقلیم سوم مستولیست بر انس وی در اقلیم اول مستولیست بر انس وی در اقلیم
هفتم مستولیست بر وحوش وی در اقلیم ششم مستولیست بر وحوش وی در اقلیم دوم مستولیست بر طیور وی
در اقلیم سوم مستولیست بر دواب مائی وی در اقلیم پنجم مستولیست بر انس وی در اقلیم سوم مستولیست
بر وحوش در اقلیم ششم مستولیست بر دواب مائی وی در اقلیم اول مستولیست بر وحوش وی در
اقلیم ششم مستولیست بر دواب مائی وی در اقلیم دوم مستولیست بر دواب مائی وی م در اقلیم دوم
مستولی است بر وحوش وی در اقلیم اول مستولیست بر دواب مائی وی در ذکر اسماء الله که تعلق بحروف
۲۸ گانه دارد شیخ ابو عبدالله مغربی رح در کتاب سر المطالب آورده که روحانیت هر حرفی از حروف تمامه و
مظهر اسمی است از اسماء الهی و تاثیر و تصرف حروف در عالم بواسطه قوت آن اسماست که از مظاهر ایشان ظهور کرده و شیخ
در بعضی مواضع برای هر حرفی یک اسم تعیین کرده و در بعضی زیاده تا دوازده اسم که عامل حروف در اثنای
شغل باعمال باید که متذکر آن اسماء باشد تا فایده بر عمل مترتب گردد و آن اسما بر ترتیب حروف جمل این است ا اسم
الله الواحد الاول الخبیر ب و آنرا اسم است بادی باطن باعث بالغ امر بدیع بصیر ج و آنرا هفت اسم است جابر جاعل
جامع جبار جلیل جمیل جواد د و آنرا چهار اسم است دایم دلیل دیان ه و آنرا دو اسم است هو ادحیثیت باطن و ال

صنا حال شهی او هادی از حیثیت ظاهر وان لا الو حال عبد است و بعضی گفته اند که اسم وی در اعمال هادی است و در اعمال خیر
هلکست و دا دوازده اسم است واحد واجد وارث واسع والی وفی ودود و تر وفی وکیل ولی وها اسم است ک
اسم است وا رابع قال الله تعالی ام نحن الزارعون و بعضی گویند زکی و صاحب النظم آورده که اسم وی ذالطول است واند
حسیب حفیظ حق حلیم حکیم حلیم حمید خالق و صاحب النظم خالق را داخل نموده و فرموده که اسماء وی هشت است بعدد مجالوی
ط رابع اسم است مطهر و صاحب النظم آورده سه اسم دیگر غیر از این وان طاهر و طاهر و طالب نیست یک اسم است امیر و بعضی
که اسم وی مخفیست از عاشقی تنزل که وی است و لهذا نهانست و اینست حرف تهجی و لعدد از حروف واقع که الف نیست
بمذهب ایشان که لا ار یکی از حروف دانسته اند و صاحب النظم فرموده که حرف یا را اسم اعظم دانند بزبان عبری که یهوه است یا
وفتح واو مشدده وها و بنی اسرائیل تاویل تا این زمان ندانسته اند که چهار اسم است کافی کبیر کریم کفیل که را رابع است
لطیف ن راده اسم است بقول صاحب النظم ماجد مالک الملک مانع مبین مجید ملک ملیک ممیت منان مهیمن
۴۳
و صاحب النظم آورده و برای سه اسم است و هر اسمی که جزء اول وی میم است در انفرد است ساده اسم مذکور شده
دیگر انیست مبدی متعال متکبر متین محیب محصی محیی مذل مصور معز معطی معید مغنی مقتدر مقدم مقسط
مقیت منتقم منزل منشی مؤخر مؤمن مهلک است چهار اسم است ناصر نافع نصیر نور و رابع است سیع سلام سمیع سند
و صاحب النظم گوید که سبوح نیز اسم دیگر است و مطلع را هشت اسم است عالی عدل عزیز عظیم عفو علام علی عظیم را
ده اسم است فایق فالج فارق فاضل فاصل فالق فتاح فرد فعال مفرق داچهار اسم است صادق صانع صبور صمد را
دوازده اسم است قابض قابل التوب قادر قاهر قائل قائم قدوس قریب

قریب قهار قوی قیوم در کتاب در النظیم آورده که قایم را برابر این وجه گوید که قایم علی کل نفس بما کسبت و
فرموده اند که قدیم نیز اسم دیگر است برای این حرف ر را ده اسم است رازق رافع رب رحمن رحیم رزاق رشید
رفیع الدرجات رقیب رؤف س ش را چهار اسم است شافی شدید شکور شهید و صاحب النظم آورده که
شاهد نیز اسم دیگر است برای این حرف و فرموده که شدید مفرد نگویند بلکه شدید العقاب گویند و برای این قیاس
در حق سین سریع را نیز مفرد نباید گفت بلکه سریع الحساب باید گفت و در حرف فا فعال را فعال لما یرید
باید گفت ت را یک اسم است تواب ث را یک اسم است مثبت قال الله تعالی یثبت الله الذین امنوا بالقول الثابت
و صاحب النظم آورده که اسم وی ثابت الوجود است خ سه اسم است خافض خالق خبیر ذ را نه اسم است ذوا انتقام
ذو البطش ذو الجلال و الاکرام ذو الطول ذو العرش ذو الفضل ذو القوة المتین ذو المعارج
ذو المن ض را یک اسم است ضار ظ را یک اسم است ظاهر و گویند مظهر نیز اسم دیگر است غ را هفت اسم است
غافر غالب غفار غفور غنی مغنی غیاث المستغیثین و اکثر بعضی اسماء مذکوره از آن قبیل که در اطلاق
شرعیه ملحق مستعمل است لیکن چون اکابر این فن شریف در کتب معتبره خود ایراد نموده اند بذکر آن اقدام رفته تا آن
خواص و منافع اکثر این اسماء در مقالة الثالثة مذکور خواهد شد و الله الموفق و المعین فصل پنجم در بیان اذکار و آیات
حروف تعیین کرده و فرموده که چون طالب صادق یکی از اعمال حرفی شغل کند باید که خلوت اختیار کند و بیشتر در روح
و بعد از شروع بر اسمی و ذکری و آیتی که تعلق دارد بآن حرف مداومت نماید و مواظبت فرماید تا زود تر بمقصود فایز گردد
و آن اسماء اذکار و آیات اینست ا یک ذکر است و ان الله سمیعا و آیت الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و سوره اخلاص

[illegible]

والخبر شامل معنی توحید وتنزیه است ب دایك ذکر است وان المبدع میباشد وآیتش اذ برا سبدیا مبدع السموات
والارض فاذ ابرای منتهیات بسم الله الرحمن الرحیم است ج دادو ذکرا است وان الجلیل والجلیلست وآیتش جاء الحق
وزهق الباطل د رایك ذکر است وان الدائم میباشد وآیتش شهد الله انه لا اله الا هو وعنده مفاتح الغیب الایه
ه دایك ذکرا است وان هو میباشد وآیتش هو الاول والاخر الایه و داسه ذکر است وان الواحد الولی الولی و آیتش
ان الدین عند الله الاسلام ومن عملا بخرفه صلوات ببابا بابا یا شاه ح داسه ذکرا است وان الحی الحفیظ الحلیم است
وآیتش فقل نضربوه ببعضها الایه ط دادو ذکر است وان سبوح قدوس وآیتش طه ما انزلنا الی قوله
الحسنی ویس والقرآن الحکیم الی قوله الکریم ی داذکر ظاهری فیست اما آیتش وما انزل الامام
ک دادو ذکر است وان الکافی والکفیل است وآیتش انما امرنا الی قوله ترجعون ل دامد ذکر میباشد
وان اللطیف است وآیتش الم الله لا اله الا هو الی قوله الفرقان م دادو ذکر است وان مالك الملك
المجیب است وآیتش مالك الملك الی قوله قدیر ن دایك ذکر است وان النور است وآیتش الله نور السموات
والارض الایه س داذکر اینست که سبحان السید الکلام سبحان السمیع العلیم وآیتش سلام قولا من رب رحیم ع دا
سه ذکر میباشد وان العالم العلیم العلام الغنی است وآیتش قد احاط بکل شیء علما واحصی اذا آیات شملة معنی
احاطه علمی ف دامذکر میباشد وان الفتاح است وآیتش نصر من الله وفتح قریب وسوره اذا جاء نصر الله
وانا فتحنا ص دامذکر وان الصمد است وسوره قل هو الله احد ق دادو ذکر است وان القدیر القیوم
وآیتش وعنت الوجوه للحی القیوم وایت وهو علی کل شیء قدیر ر دادو ذکر میباشد وان الرحمن الرحیم است

ز دایك ذکر است وان ... وآیتش ... السموات والارض ... الله الذی ...

وآیتش فاما

وآیتش فاما ان کان من المقربین فروح وریحان وجنة نعیم ش دایك ذکر است وان الشهید است وآیتش
شهد الله لا اله در اعمال خیر وایت وکذلك اخذ ربك الی قوله تعالی شدید در اعمال شر ت دایك ذکر است
وان التواب است واسمش والیه یرجع الامر کله ث دایك ذکر است وان الخبیر است وآیتش ابجد منتهی باسم خبیر است خ دایك
ذکر است وان الله است وعدد قرائت او هر بار هفتصد نوبت است وباید که هر بار که عدد تمام شود در عقب آن
بگوید اللهم انی ذکرتك بصفة نفسی فاذکرنی بجلالك فانت خیر الذاکرین واسم ابجد را تا کند بر معنی
توحید ض دایك ذکر است وان الضار است وآیتش یضل الله الظالمین ویفعل الله ما یشاء ظ دادو ذکر است وان
الله مع الله ناظر الی الله شاهدی وآیتش وهو معکم اینما کنتم غ دایك ذکر است وان الغنی واسمش وهو
الغنی الحمید وان الله لغنی عن العالمین نسبت بحال مبتدی ونسبت بحال منتهی لا هو الا هو فصل ششم در اسماء
ملائکه که اعوان بروج وکواکب وحروف اند اما اسماء ملائکه که اعوان بروج اند پوشیده نماند که بروج اثنی عشر
دوازده ملك مقرب موکلند که مدد ومعاون روحانیات بروج اند چون عامل چون تجلی از اعمال حروف شغل کرد
باید که ملاحظه نماید تا آن حرف بکدام برج ومنزل منسوب است پس ملکی که بران برج موکل است توسل جوید ونام وی بوده
از وی استمداد واستعانت جوید بر حصول مقصود که از آن اثرهای عظیم است بر هر عبت احاد ونوبت نتیجه واسماء اعوان
بروج بر وجهی که در کتاب درة مکنونه مصحح کرده اینست ملك حمل شراحیل ملك ثور عزریل ملك جوزا
اسرائیل ملك سرطان همفائیل ملك اسد شراطیل ملك سنبله شمهکیل ملك میزان سهراکیل ملك عقرب
صرصائیل ملك قوس سربطائیل ملك جدی شمکائیل ملك دلو صمهکائیل ملك حوت فقبیائیل

دایك ذکرا است وان ... وآیتش ربنا افرغ علینا صبرا ... ربنا آمنا ... علی القوم الکافرین ظ

اما اسماء ملئکه که اعوان کواکب سبعه اند پوشیده نماند که هفت ملك مقربند که محمد و معاون ارواح سبعه

سیاره اند پس چون عامل بعمل حرفی شغل کرده باید که نظر کند تا آن حرف بکدام کوکب تعلق دارد پس بملکی

که بران کوکب مشرف و مستولی است توجه کند و بوی توسل نماید تا مقصودی بزودی حاصل شود و اسماء

اعوان سبعه سیاره چنانچه در کتاب در مکنونه تحقیق کرده با اسماء افلاك ایشان اینست ملك

زحل قربیائیل و نام فلك وی عجوسا و ملك مشتری سمحائیل و نام فلك وی بریقا و ملك

مریخ کاکائیل و نام فلك وی رتقا و ملك شمس صاصائیل و نام فلك وی افلوں و ملك

زهره سندبائیل و نام فلك وی ماعون و ملك عطارد میخائیل و نام فلك وی برصدور

و ملك قمر اسماعیل و نام فلك وی برقیقا اما اسماء ملئکه که اعوان حروف تهجی اند پس بدانکه

بیست هشت ملك مقربند که بر بیست هشت حرف جمل مشرف و موکلند و مدد و معاون روحانیت

حروفند پس عامل را از دانستن اسماء ایشان گریز نیست تا در هر عمل حرفی بملك وی توسل جوید و از وی

مدد خواهد تا مرادی که دارد بمیامن توجهات ایشان بر وجه اسهل و وجوه میسر شود و اسماء اعوان حروف چنانچه

در کتاب در مکنونه مقرر فرموده اینست که ملك ا اسرافیل است و ملك ب جبرائیل است و ملك ج کلکائیل است

و ملك د اهراطیل است و ملك ه دوریائیل است و ملك و دقیائیل است و ملك ز سرفیائیل است و ملك

ح بکتائیل و ملك ط اسماعیل و ملك ی تشراکیطائیل و ملك ك جذور و ملك ل طاطائیل

و ملك م دودیائیل و ملك ن حولا و ملك س همراکیل و ملك ع لوما و ملك ف سرحاکیل

و ملك ق فصل ۹

و ملك ق اجمکائیل و ملك ر عطرائیل و ملك ش اهواکیل و ملك ت مرالحیل و ملك ث

عزرائیل و ملك خ میکائیل و ملك ذ سمهکیائیل و ملك ض ارداسیل و ملك ظ عطکائیل

و ملك ض لوظا و ملك غ لوخا ۱۰ فصل در بیان طبایع بسیطه حروف پوشیده نماند که میان علمای مشارقه

و مغاربه در طبایع بسیطه بعض حروف اختلافست بنا بر اختلافی که در ترتیب حروف جمل و تهجی ایشان واقع است

پس طبایع بسیطه حروف جمل و تهجی هر دو طایفه مذکور میشود تا عامل مزاج و طبیعت هر حرف بر اهل مذهبی براند

و از روی بصیرت تامه در اعمال شروع کند اما حروف جمل و تهجی نزد علمای مشارقه همین ابجد و ابتث

مشهور است و قسمت حروف جمل و تهجی بر طبایع اربعه که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت است

بر این وجه است که گویند حرف اول خواه از جمل و خواه از تهجی حاره یابس است و حرف دوم بارد و حرف سوم یابس

و حرف چهارم رطب باز حرف پنجم حار است همچنین تا آخر چنانچه در این دو جدول مرقوم شد آنست

جدول طبایع حروف جمل بقول علمای مشارقه

حاره ناری	بارده ترابی	یابسه هوائی	رطبه مائی
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ك	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

جدول طبایع حروف تهجی بقول علمای مشارقه

حاره ناری	بارده ترابی	یابسه هوائی	رطبه مائی
ا	ب	ت	ث
ج	ح	خ	د
ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط
ط	ع	ع	ف
ق	ك	ل	م
ن	و	ه	ی

واما حروف جمل وتهجی نزد علماء مغاربه ترتیبی دیگر است ومیان ایشان وعلمای مشارقه در تقدیم وتاخیر
بعض حروف تفاوتی واقع است وحروف جمل ایشان بدین ترتیب است ا ب ج د ه و
ز ح ط ک ل م ن ص ع ف ض ق ر س ت ث خ ذ ظ غ ش
وحروف تهجی ایشان باین ترتیب ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ط ظ ک ل م ن
ص ض ع غ ف ق س ش ه و ی وقسمت حروف جمل وتهجی بر طبایع اربعه نزد ایشان نیز همان
نوع است که در قسمت مشارقه گذشت وان نیز در این دو جدول مرقوم است

جدول طبایع حروف جمل بقول مغاربه

حاره ناری	بارده ترابی	حاره هوائی	رطبه مائی
ا	ب	ج	ک
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ط	ث	خ
ذ	ت	غ	ش

جدول حروف تهجی بقول مغاربه

ا	ب	ت	ث
ج	ح	خ	د
ذ	ر	ز	ط
ظ	ک	ل	م
ن	ص	ض	ع
غ	ف	ق	س
ش	ه	و	ی

فصل در ذکر طبایع حروف مرکبه ودران دو قول است اول قول شیخ شرف الدین بونی رحمه الله دوم شیخ

محی الدین بن العربی قدس سره اما قول بونی آنست که حروف ناری جمل مغاربه یعنی ا ه ط م ف ش ذ
مرکب است از ناریت حرارت ویبوست وحروف ترابی ایشان یعنی ب و ی ن ص ت ض مرکبست از حرارت
ورطوبت وحروف هوائی جمل ایشان یعنی ج ز ک س ق ث ظ مرکباست از حرارت ورطوبت وحروف مائی جمل
ایشان یعنی د ح ل ع ر خ غ مرکب است از برودت ورطوبت اما قول ابن العربی چنانچه در کتاب المدخل
آورده آنست که نه حرف از حروف بیست وهشتگانه مرکب القوی است اول ه وان ترابی وهوائیست
وتقدیم ترابی جهت آنست که حیثیت ترابیت در وی اقوی است دوم ح وان هوائی وترابیست سیم ط
وان مائی وهوائیست چهارم ی وان ناری ومائیست پنجم ل وان ناری وترابیست ششم س وان مائی وهوائیست
هفتم ف وان نیز مائی وهوائیست هشتم ق وان ناری ومائیست نهم خ وان ترابی وناریست فصل در معرفت
در معرفت وصفت لوح مثلث وحروف مزوجات ومفردات وی اما معرفت وصفت لوح
مثلث بدانکه لوح سه در سه منسوبست بزحل وانرا علمای این فن لوح زحل گویند واگر چه زحل
نزد همه علما سوای طوایف جوکیه هند نحس اکبر است اما لوح وی مشتمل است بر اعمال متضاده از نفع وضرر
وخیر وشر بعضی از اعمال وی سعادت عظمی احداث کند وبعضی نحوست کبری ایجاد نماید واین لوح مشتمل است
بر نه خانه مستوی است از اضلاع ومستوی البیوت وهر خانه مشتمل بر حرفیست از حروف نه گانه مرتبه
احاد یعنی ا ب ج د ه و ز ح ط وعدد که در بیوت مثلث مرقوم میشود ٤٥ است موافق عدد اسم آدم وعلیه
حروف هر ضلعی از این مثلث ١٥ است مطابق اسم حوا وصورت اصل لوح مثلث اینست که دیده میشود.

۸

اووذ

هـ	ط	ب
ج	ه	ذ
ح	ا	و

و ابو حامد محمد الغزالی قدس سره در کتاب سر المصون در صفت این لوح
که وفق زحل خاتم الکرم و در روی میباشد سراقة الاعظم والناموس الاکبر
والتریاق الانفع والکبریت الاحمر و دراو میباشد صحف الحات و سف
ادم و صحف ادریس و اسرار خاتم و در او است سم قاتل و سیف قاطع و خنف
اعدا و قتل ظلمه و تفریق جمع فسقه و تخریب دیار فجره و عجایب خواص این لوح بسیار است و غرایب آثار
وی بیشمار اما معرفت حروف مزوجات و مفردات این لوح بدانکه چهار حرف این لوح از قبیل مزوجات است
که بدوح است و انرا بدوح گویند و چهار حرف دیگر از مفردات که انرا اجزط و طزجا خوانند و حروف
مزوجات از برای اعمال خیر است و حروف مفردات از برای اعمال شر و هرگاه که بعضی بیوت لوح مثلث مشتمل حروف
مزوجات باشد و بعضی بیوت خالی از مفردات مخصوص باشد باعمال لطیفه از تالیف و تحریکات محبت و قبول قلوب
و تسخیر نفوس و کشف ارواح ملک و جن و امثال ان از تصرفات کلیه بطریق لطف در عالم و هرگاه بعض بیوت
این لوح محتوی باشد بر حروف مفردات و بعضی خالی از مزوجات مخصوص بود باعمال قهریه از قتل و تدمیر اعدا و برای
جمع ظالمان و تخریب منازل ایشان و امثال ان از تاثیرات عظیمه بر وجه قهر در عالم باذن الله تعالی **فصل اول**
در کیفیت رقم زدن حروف و کلمات و اسما در داخل و خارج این لوح اما رقم زدن حروف در بیوت این لوح
و اعیان انکه اگر کسی باعمال خیر شغل کند حروف مزوجات را در بیوت مفردات رقم زند یعنی ان بیوت طزجا
در روی ثبت است وان دوم و چهارم و ششم و هشتم است چنانچه از لوح مثلث که در فصل سابق مرقوم است معلوم شود

بدوح ... این صورة است

د		ب
	ه	
ح		و

بعض حروف ... طزجا بیت دوم
بیوت اجهد
۲ و ۴ و ۶ و ۸ ... است

۴۳

وصورتش اینست و اگر با اشکال حرف ارقام عددی نیز نوشته ابلغ بود و اگر باعمال شر مشغول شود
حروف مفردات را در بیوت مزوجات ثبت نماید یعنی ان بیوت که حروف بدوح در روی مرقوم است
وان یک و سه و هفت و نه میباشد چنانچه در فصل گذشته از لوح مثلث مفهوم میگردد و صورتش
اینست اما رقم زدن حرف ها در بیت وسط این لوح مفرد است و اگر چه
این حرف در نفس الامر از قبیل حروف مفردات است اما مشترک است میان اعمال
مزوجات و مفردات و مخصوص بهیچ کدام نیست و عدد وی پنج است و خانه وی

ج	ب	ا
و	ه	د
ط	ح	ذ

نیز پنج است و این خانه اصلی اوست چنانچه در لوح مزوجات هشتم خانه اصلی حاست که عدد
وی هشت است و در لوح مفردات نهم خانه اصلی طاست که عدد وی نه میباشد و از این جهة خانه
پنجم در وسط لوح واقع است از اغلب لوح گویند و انخانه بسیار مبارک است و لهذا موضع اسم طالب
و اسم مطلوب و مادرش انخانه است در جمع اعمال خیر و شر اما رقم زدن کلمات و اسما بر خارج این لوح
و انچنان است که چهار کلمه از کلمات قرانی بر اضلاع اربعه این لوح باید نوشت و این کلمات این است

ج	ب	ا
و	ه	د
ط	ح	ذ

قوله الحق وله الملک و بر این صورت باید نوشت
و ابو حامد محمد الغزالی قدس سره در کتاب سر المصون فرموده
که اگر این کلمات متعدد اربعه را بر وجهی نویسند که هر یک بجای
ضلعی از اضلاع اربعه این لوح نشیند بغایت پسندیده باشد و در حصول مقصود و وصول

بمطلوب معظم نافع بود وسریع المنتجه باشد وصورتش اینست

و پوشیده نماند که بر هر کلمه از این کلمات اربعه مذکوره ملکی مقرب

موکل است که اسم وی با آن کلمه باید نوشت اما بر کلمه قوله که اشارت

بامر و نهی الهی است جبرئیل ع موکل و نام وی بالای این کلمه که ضلع اول است باید نوشت اما بر کلمه الحق که اشارت

بموت وان الحق حیاتی است عزرائیل علیه السلام موکل است و نام وی بالای این کلمه که ضلع دوم است باید نوشت

اما بر کلمه وله که کنایت از ملک و خزانه عطا و بسط رزق الهی است میکائیل ع موکل است و نام وی بالای این

کلمه که ضلع سیوم است باید کرد اما بر کلمه الملک که عبارت از مضمون الملک یومئذ لله میباشد

اسرافیل ع موکل است و نام وی بالای این کلمه که ضلع چهارم است رقم باید زد و پوشیده نماند که جبرئیل

و اسرافیل را خادمی است از ملئکه مقربین که اسم وی شمکاسیل است و این اسم را بر ضلع ایمن لوح میان اسم

اسرافیل و جبرئیل باید نوشت و عزرائیل و میکائیل را خادمی است از فرشتگان مقرب که نام وی نوائیل است

و این نام بر ضلع ایسر لوح میان اسم عزرائیل و میکائیل کتابت باید کرد و حروف کهیعص را بر یمین لوح

و حمعسق را بر یسار لوح رقم باید زد چنانچه احاطه بجمیع کلمات کند و اینست صورت که نموده میشود

در قرائت و کتابت آیات عزیمت و آیات محبت و عداوت

بافتد در عالم فراموش حولک محرز

این لوح اما قرائت کتابت آیات عزیمت مدامکه این وفق شریف را بر عزیمتی است از کتاب الله که بعد از هر عملی از

اعمال مزوجات و مفردات البته ۴۶ بار تلاوت باید کرد بعدد حروف این لوح و بعد از تلاوت در ذیل ان یا

ظهران

۱۴۴

بر ظهران کتابت باید کرد و این عزیمت پنج آیت است که حروف اوایل ان کهیعص است و حروف اواخر ان

حمعسق که در حین تلاوت در اول و آخر هر آیتی ان حروف علیحده باید گفت و آن عزیمت این آیت است

کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح ک هو الله الذی لا

اله الا هو الرحمن الرحیم ه یوم الازفه اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم ولا

شفیع یطاع ع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس ص ص والقران ذی

الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق ق و طریق تلاوت این پنج آیت بکیفیتی خاص در فصل دوم

از باب دوم از مقاله ثانیه که مشتمل بر خواص کهیعص و حمعسق مذکور خواهد شد اولی آنکه عامل در

تلاوت این عزیمت این طریق را مسلوک دارد که در حصول مقصود ابلغ و اکرم و صاحب اسعاد المحصول

نموده اما قرائت و کتابت آیات محبت و عداوت ایضا آنست که در اعمال مزوجات بعد از اتمام ان

آیت و القیت علیک محبة منی و ان یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله و اما یحبهم و یحبونه

و آیت قد شغفها حبا و امثال ان را تلاوت باید خصوصا آیت اول را که بیست بار باید تلاوت کرد و بعد از

ان بر ظهر معمول باید نوشت و در اعمال مفردات بعد از اتمام ان آیت و القینا بینهم العداوة و البغضاء

و بعضی از سورة زلزال و الهاکم و آیت فقطع دابر القوم الذین ظلموا و امثال ان را قرائت باید کرد

سیما آیه اول را که البته بیست بار تلاوت باید نمود و بعد از ان بر ظهر لوح نیز کتابت باید کرد و در

بعضی اعمال مزوجات و مفردات سور و آیات غیر انچه مذکور شد تلاوت و کتابت باید نمود و در اثنای

ایراد هر عملی اشارت بان خواهد رفت وبالله التوفیق **فصل دوازدهم** در اسماء ملائکه امام اسابیع وکواکب وحروف
واشکال ایام اما اسماء ملائکه امام صاحب الملصق اورده که بر هر روزی از ایام هفته دو فرشته مقرب موکلند
ملکی علوی سماوی وملکی سفلی ارضی وعامل این لوح لازم است که در هر روزی که بعملی از اعمال مزوجات ومفردات
شغل کرده اول از آن دو فرشته استمداد تمام استمداد واستعانت جوید وبعد از اتمام عمل اسم ایشان را در ذیل معمول ها در
ظهر لوح نیز رقم زند تا ببرکت الفاظ ایشان مقصود حاصل شود وبدان وجه میسر گردد **یوم الاحد** ملک علوی آن روز
است بغا ودر بعضی نسخها قنعاف وملک سفلی آن ابو عبدالله الحارث المذهب **یوم الاثنین** ملک علوی آن جبرئیل است
وملک سفلی ابو عبدالله الحارث **یوم الثلثا** ملک علوی آن سمسائیل است وملک سفلی آن الاحمر **یوم الاربعا** ملک علوی آن
میکائیل است وملک سفلی آن دوقام دادد روقیه ویوقان **یوم الخمیس** ملک علوی آن صرفیائیل است بغا ودر بعضی نسخها
مناف وملک سفلی السید شمهورش **یوم الجمعه** ملک علوی آن عینائیل است وملک سفلی آن السید عبد الحق ولقب وی
ابیض **یوم السبت** ملک علوی آن صعفیائیل است بغا ودر بعضی نسخها اشاف وملک سفلی آن ابو نوح میمون السحاب ایلم اما کواکب
امام بدانکه هر حرفی از حروف این لوح منسوبست بکوکبی از کواکب سبعه وهر کوکبی منسوبست بروزی از روزهای هفته
پس عامل در هر روزی که عملی خواهد کرد بایدکه ملاحظه سعادت ونحوست آن روز را وان کوکب را لازم دانسته اگر عمل از قبیل
مزوجاتست روز نحس را با اتصالات نحوست انگیز اختیار کند واگر از مفردات است روز سعد با نظرات سعد نحس اختیار کند
ونسبت حروف وکواکب وایام بدانکه بکر براین وجه است که **ا** تعلق بزحل وروز یکشنبه دارد ویکشنبه منسوب بافتاب است
ب تعلق بمشتری دارد وروز دوشنبه ودوشنبه منسوب بقمر است **ج** تعلق بمریخ دارد وبروز سه شنبه وسه شنبه منسوب

بمریخ است **د** تعلق بشمس وبروز چهارشنبه دارد وچهارشنبه منسوب بعطارد است **ه** تعلق بزهره وبروز پنجشنبه دارد
وپنجشنبه منسوب بمشتری است **و** تعلق بعطارد وبروز جمعه دارد وجمعه منسوب بزهره است **ز** تعلق بقمر وبروز
شنبه دارد وروز شنبه منسوبست بزحل **ح** تعلق براس دارد وبروز یکشنبه ومنسوب بافتاب است چنانچه ذکر شد
ط تعلق بذنب وبروز سه شنبه دارد وسه شنبه منسوب بمریخ است چنانچه مذکور شد اما در حروف واشکال
ایام بدانکه همچنانکه برای روزهای هفته اعوان علوی وسفلی معین است حروف واشکال نیز مقرر است که در هر روز
که عامل شغل عملی مشغول گردد در ذیل معمول حروف واشکال آن روز را رقم زند که اثر او در ترتیب آثار مدخل تمام آوان
امینست **لیوم الاحد** لحہ حه لاه ▯ **لیوم الاثنین** محہ محہ ⊥ محد **لیوم الثلثا**
I I ملہ ٦ حح ⊥ اها **لیوم الاربعا** فم ـسوح اما صلی لحہ کہ
لیوم الخمیس هلد ▯ طا فم ▽ حح **لیوم الجمعه** دسع محه ▯ فو فو
لیوم السبت له لحح ⊥ ٧ ⊥ **مقاله ثانیه** در خواص حروف مشتمل بر سه باب
باب اول در خواص حروف تهجی بتمام مشتمل بر دوازده فصل **فصل اول** در خواص حروف تهجی باعتبار طبایع
ایشان لا علی التعیین **فصل دوم** در خواص حرف الف **فصل سوم** در صفات وخواص حرف با **فصل چهارم** در خواص
دو حرف تاء وثاء **فصل پنجم** در خواص سه حرف جیم وحاء وخا **فصل ششم** در خواص دو حرف دال وذال
فصل هفتم در خواص چهار حرف راء وزاء وسین وشین **فصل هشتم** در خواص ده حرف صاد وضاد
وطا وظا وعین وغین وفاء وقاف وکاف ولام **فصل نهم** در صفات وخواص حرف میم **فصل دهم**

در خواص حروف نون **فصل یازدهم** در خواص حرف واو **فصل دوازدهم** در خواص دو حرف ها و یاء **فصل اول** در خواص
حروف تهجی باعتبار طبایع ایشان لا علی التعیین بدانکه هر حرفی از حروف تهجی بحسب مزاج خود عملی خاص دارد مثلا
حروف حاره و اسمائی که از آن حروف مرکب میشوند احداث حرارت کنند و حروف بارده و اسمائی که از آن ترکیب یابند
اطفاء حرارت کنند و هر گاه اسمی بود که مرکب از چهار طبع بود هر کدام غالب بود حکم وی نافذ شود و اگر همه متحد
نبود اثر اعتدال ظاهر کردد و شیخ شرف الدین بونی در کتاب تعلیقه کبری آورده که عامل باید که در جمیع اعمال کلیه
و جزئیه ملاحظه طبایع حروف کند و مثلا هر عمل از اعمال ناری و هوائی و مائی و ترابی حروفی چند را که تعلق بآن عنصر داشته
باشد اختیار کند مثلا در ایقاد نیران و احراق بیوت و بلاد و سایر اعمال آتشکاری حروف ناری را غالب کرداند
و در تحریک ریاح و تخریب دیار ظلمه و عساکر اهل بغی بعواصف و سایر اعمالی که باد و هوا را در آن مدخل است
حروف هوائی را غالب سازد و در تحصیل میاه و امطار و ازدیاد آب عیون و انهار و قنوات و اعمالی که آب را در آن
مدخل است حروف مائی را مستولی کرداند و در اصلاح اراضی و زراعات و عمارات و اخراج کنوز و دفاین و اعمالی که زمین را
در آن مدخل است حروف ترابی را بر آن مستولی کرداند و شیخ اعظم محیی الدین ابن العربی قدس سره در کتاب المدخل آورده
که حروف رطبه اعطاء تقویت باه کند و اگر وی را بسته باشند آن سحر باطل شود و صاحب کتاب اللمحه آورده
که حرف حاء مهمله از برای دفع حمیات محرقه و اورام حاره و جمیع امراضی که از حرارت و سوء مزاج عارض شده باشد نافع است
و مواظبت بر تکرار وی و تکرار اسمائی که وی در آن بود احداث برودت و رطوبت کند و این حروف در امثال این اعمال از سایر حروف بارده
رطبه بقوت تاثیر ممتاز است و در این باب فعل وی اقوی است و صاحب شمس المعارف آورده که این حروف در طلسم ملوحه و سکین

عضب سری

۴۶

عضب سری عظیم و عجیب همراه است و در جلب مودت و جذب نفوس تاثیر وی بغایت عظیم است و هر که این حروف را
در هشتم ساعت از روز چهارشنبه اول ماه با اسمائی که اول آن حرف حاست و ذکر آن در فصل ششم از باب
چهارم از مقاله اسمائی آمده یا آنچه خواهد بر خاتمی فضه نقش کند و با خود نگاه دارد از نهش حیات و لدغ عقارب
ایمن باشد و هر که او را مرض عطش دریابد و اگر آن خاتم را در باغی از درختی که بلندترین درختان
باشد بیاویزند یا در مزرعه بر چوبی بلند نصب کنند باغ و مزرعه از آفت تشنگی و سوختن از باد گرم
و سایر آفات سماوی که ناشی از حرارت و حرارت هوا بود سالم ماند و میوه و دانه در آن باغ بحد کمال رسد
و خنجانی و قطاع الطریق و اهل افساد از مفسدان نگاه دارد و صاحب تیسیر المطالب آورده شرایطی چند که هر که حروف حا را
هشت بار بشروط معتبره بر خاتمی نقش کند و با خود نگاه دارد خدای تعالی دل او را بلطایف حکمت زنده کرداند
و از طغیان و غضب و قساوت قلب نگاه دارد و اگر با آن هشت حرف اسماء ابد الطرق خطاب که یا حی یا حکیم است
بر نگین فضه نقش کند تاثیر وی در آنچه گذشت اقوی بود و حامل آن از تب و عطش و حرارت هوا سالم باشد
و اگر آن خاتم را زمانی در پیاله آب یا شربت بنهد و آن آب یا شربت را صاحب تب و حرارت بیاشامد از مرض وی تسکین
یابد و اگر بر این عمل مواظبت نماید از مرض بتمامی خلاص شود و اگر غمگینی داشته باشد و از آن آب یا شربت بیاشامد
غم او بفرح مبدل شود و اگر آن خاتم را محبوسی با خود نگاه دارد بزودی خلاص کردد و اگر این هشت حرف را با اسماء
وی با سوره تبارک بر ظرفی پاک نویسند و محو ساخته کسی از آن بیاشامد قوه حافظه وی بیفزاید و اگر این هشت حرف را
با اسماء وی بر لوح نقره نقش کند و کسی از آن از محاذی حال خود بیاویزد حرارت شهوات دنیوی که ناشی از آتش محبت

دنیا در دل وی تسکین کرد و شعلهٔ آن فرو نشیند و اذکار و بار دنیا دل سرد و افسرده خراب کرده باشد اما
حرف فا و این یکی از حروف سبعه است که در آیت اسم اعظم واقع است و صاحب الدر النظیم گوید که در وی نکته ایست از امام جعفر
تعلق بحرف فا دارد و از اسماء الهی ذکر او خافض و خالق و خبیر است پس اگر در اعمال قهریه شغل کند ذکر او
یا خافض است و اگر در اعمال لطیفه است یا خالق یا خبیر و بعضی گویند ذکر او آیت همان آیت اعظم است و نام خادم او از
روحانیان دوقائیل است بقاف و در بعضی نسخها بغا است و بعضی در خواص وی گفته اند که این حرف از برای هبوط
و منزلت است و در کتب خواص مذکور است که اگر این حرف را بر دوازده پاره خشت پخته ابدا نرسیده نقش کنند و در
دهکده ای که بباغ یا مزرعه مردود دفن نمایند از جمیع آفات ایمن و سالم بماند باذن الله تعالی و حکایت کنند که
چون کسی خواهد که از غایبی خبر یابد این حرف را ابجد مجالش که ششصد است بخواند و بر آن جانب دمد که وی میباشد
بزودی خبرش باید و اگر نبدانند که سهو مثلث مطلق میکند و حروف یابسه بضد آن اثر ظاهر میگرداند و حروف
حاره اعطاء سرعت نفوذ میکند و حروف بارده بضد آن عمل مینماید و صاحب دره مکنونه آورده که کثرت
قرائت حروف ناری و اسمائی که از آن مرکب است مزیل خلط بلغم بود و هاضم طعام و مواظبت بر آن حنجره را
پاک گرداند و آواز را خوش کند و دفع رطوبت و برودت و جمیع امراض بلغمی را نافع بود و کثرت قرائت
حروف هوائی و اسمائی که از آن مرکب یافته دافع امراض شش و قلب بود و مداومت بر آن بشره را صاف
سازد و جمیع اعضا را قوت بخشد و کثرت قرائت حروف مائی و اسمائی که از آن مرکبست اطفاء حرارت و عطش
کند و حمیات محرقه را زایل گرداند و مداومت آن امعاء را پاک سازد و در امراض حاره یابسه احداث رطوبت کند و کثرت

قرائت حروف
ترابی

قرائت حروف ترابی و اسمائی که از آن ترکیب یافته دفع جمله رطوبات کند از بدن و قوای دماغ را قوت بخشد
و دائم خوانندهٔ آن تقویت همه اعضا و اعضا کند و شیخ تقی الدین عبدالله النجیبی در کتاب اللمعه آورده
که هر فرد از حروف ثمانیه و عشرین بحسب طبایع اربعه اعمال مختلفه دارند و بعضی که بر یک طبیعت باشند
و حیثیت بساطت در ایشان زیاده است اثر و یک قوت مناسب الطبیعت از ایشان صادر شود و بعضی که مرکب از دو
باشند و حیثیت ترکیب در ایشان بیشتر است قوت و اثر ایشان زیاده است بنا بر این قاعده حروف حاره نیز مقوی حرارت حیاتیه اند
که اطبا آنرا حرارت غریزی گویند و این حروف دافع امراض بارده رطبه اند مثل تبهای بلغمی و فالج و لقوه
و غیر آن و حروف بارده یابسه از برای صاحب طمث و نزف الدم و رعاف و امثال آن نافع است و حروف حاره
رطبه از برای حفظ صحت و ازدیاد قوت و تقویت دماغ و قوای شهوانی نافع است و حروف بارده رطبه از
برای حمیات محرقه و اورام حاره و امثال آن مفید است والله اعلم   در خواص حرف الف بعضی گفته اند
که حرف الف در اعمال الفت و محبت و مودت و سایر اعمال خیر مستعمل است و بعضی گویند که مخصوص بمحبت و اعمال خیر نیست
بلکه در عداوت و اعمال شر نیز جایز است و در بعضی کتب اهل حروف مذکور است که وقتیکه قمر در حمل یا ثور باشد و ناظر بسعود و منقطع
از نحوس اگر دایره بکشند و در وی نام محب و مادرش و نام محبوب و مادرش بنویسند و بر دور آن ااا الف
بکشند و در نزدیک آتشدان بیاویزند اثری عظیم در دوستی از آن محبوب ظاهر شود و اگر وقتیکه
قمر در وبال یا هبوط بود و بنحوس ناظر و از سعود ساقط بر لوح سرب دایرهٔ نقش کنند و در وی
نام دشمن و مادرش بنویسند و بر دور آن صد و یازده الف نقش کنند و آن لوح را در گورستان قدیم

در قبری کهنه دفن کنند ان دشمن بیمار و پریشان روزگار کردد و شیخ فاضل حسین سبحانی که در کتاب خود اورده
که هر که بامداد پیش از انکه سخن کوید هزار بار حرف الف را بر زبان راند صاحب ثروت و نعمت شود و اگر بهمین عدد
بنویسد و با خود نگاه دارد همین عدد و در بعضی از کتب خواص مسطور است که اگر بر سفال اب نرسیده بیست و یک حرف
الف بکشند و بر انجا نام دشمن ثبت کنند و ستاره قمر در برج سرطان یا عقرب یا حوت باشد و ان سفال را شکسته در
در اب اندازند زبان ان دشمن بسته کردد و اگر بر جامه کسی هفت حرف الف نقش کنند انکس از چشم زخم حاسدان
ایمن و سالم بماند و اگر بر هر ناخن دست و پای زن حامله وقت وضع حمل یک الف رقم زنند بآسانی و زودی بار
نهد و صاحب مکنونه اورده که الف چهار نوع است اول الف قائمه و ان یکی است بر این صورت و خواص که ذکر
شد متفرع بر این نوع است دوم از انواع الف الفات مسطوح یعنی کسترده شده و ان شش است
سوم الفات مسطوره و ان سه است بر این الفات جامع میان قائمه و مسطوح چهارم الف معطوفه
و ان یکی است بر این صورت و این بمذهب جمعی است از علما حروف که لام الف را علیحده حرفی اعتبار کرده اند الف
را یازده صورت باشد مشتمل بر چهارده الف و ان یازده صورت بترتیب حروف تهجی اینست و از انجمله
کاف و لام و لام الف هر یکی مشتمل بر دو الف است که جمله الفات چهارده بود و این صور یازده کانه را خواص
عجیبه است و بعضی از ان اینست که اگر کسی را در عضوی از اعضا دردی پیدا شود مثل رمد و صداع و وجع صدر
و بطن و ظهر و ید و رجل و غیر ان از اوجاع ظاهری و باطنی باید که حرف اول را از اسم عربی ان عضو دردمند
بکیرد و در میان این حروف یازده کانه درج کند مثلا علتی در عین بود باید که حرف اول ورا که ع است بر این وجه

باحروف مذکوره

با حروف مذکوره بیامیزد و بعد از ان امتزاج مجموع حروف را ترکیب
کند بر این وجه انگاه ان نوشته را با خود بیاویزد اگر فایده ظاهر شد
و صحت یافت فهو المراد و الا حرف دوم عین را که است بر همین اسلوب که مذکور شد با حروف یازده کانه
بیامیزد و ترکیب کند و بر ان نوشته اول افزاید تا نتیجه مترتب کردد و اگر بدان نیز نشود حرف سیوم عین را که ا است
همان نوع امتزاج دهد و ترکیب کند و بر ان مرکبات افزاید و هر حرف که متصل توان نوشت متصل نویسد و هر حرف
که متصل نتواند منفصل نویسد البته انمرض بتمامی زایل شود و در سایر امراض و اعراض که بر اعضا و جوارح
طاری شود عمل بر این موجب است بلکه در تحصیل بسیاری از مقاصد این عمل را اجرا میتوان کرد مثلا در اعمال
محبت اسم طالب و اسم مطلوب را بهمان کیفیت امتزاج داده ترکیب نمایند بساعات سعد و با خود نگاهدارند
یا در موضعی پاکیزه محفوظ کردانند و در اعمال عداوت نیز ملاحظه ساعات نحس کرده ترکیب کنند بنام دشمن و در
مواضع تاریک یا مقابر و قبرها دفن کنند مطلوب حاصل شود و این اصلی کلی است در بسیاری از اعمال صنایع فصل دهم
و خواص حروف با شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رح در کتاب شمس المعارف اورده که حروف با موصل از
جمله حروف ظلمانیست و ان چهارده حرف است که در اوایل سور حروف مقطعه قرانی نیامده و ان چهارده حرف دیگر که در مقطعات
قرانی امده از حروف نورانی کویند و بعد از این خواص و اثار حروف نورانی و ظلمانی در فصل اول از باب سیوم
ایراد خواهد یافت و شیخ فرموده که در بسمله هم حروف نورانیست غیر با که حرف بعد از الف و همه حروف قرانی
و در هر سوره اول السوره کردانیده و در ضمن ان سری عظیم پنهانست و بعضی اهل خاصیت از علما حروف

براند که حرف با از برای اعمال بغض و عداوت و مقهر اصحاب شمس المعارف آورده و قدوهٔ این طایفه گفته است که حرف با
از برای توصیل خیرات است و بالطبع بارد است و از اینجهت است که در ابتدا امان که عبارت از بسمله است افتتاح بوی کرده
و وی از حروف باقیه است در روز قیامت و وی سری پوشیده و در هنگامی که حق تعالی وی را خلق کرد با وی هشتاد
یک فرشته آفرید که تا قیامت بر تسبیح و تقدیس حق تعالی مشغولند و ممد و معاون روحانیت این حرف و همچنین
شیخ مذکور نموده که چون روحانیت و حقیقت این حرف اقتضای ظهور کند هیاتی که در نشأه برزخی
دارد ظاهر شود بشکلی کامل الصورة خوشبوی و انصورت را بعضی از کبار اهل کشف و شهود مشاهده میکنند
و وی پیکریست نورانی که نور وی ثابت است و تبدل و تغیر بوی راه نیابد و بر هر سالکی که سر حرف با منکشف
شود انصورت مثالی نورانی ظاهر گردد و علامت آنکه حقیقت وی ظهور یافته آن صورت بود و این حرف اسمی است
از اسماء مخزونه و اسرار مکنونه و هر که شکل با را [illegible] اگر بنویسد در روز جمعه بشرطیکه روزه دار بود
و پنجشنبه را نیز روزه داشته باشد و در هر دو روز تصدق کند و سایر شرایطی که در کتاب مقرر است بعمل آورد و پس از آن
نوشته را بر بازوی راست خود ببندد حق سبحانه سینه وی را منشرح گرداند و صفت کسالت را از نهاد وی بیرون برد
و برکت و جمعیت را در روزگار وی بظهور آورد و بنماید بوی آن سری را که قایم است با این حرف و ظاهر گردانند بر وی انوار
ملئکه و روحانیات را و در هر اسمی از اسماء حسنی الهی که این حرف باشد خصوصا در اول آن اسم را مداومت
بر آن اسما از برای حصول مقاصد بسیار نافع بود و ذکر آن اسما و خواص ایشان در اول فصل ششم از باب
چهارم از مقالهٔ اسمای سمت ایراد خواهد یافت و در کتاب کافی مذکور است که هر محبوسی که هزار و پانصد بار

حرف با را بگوید

حرف با را بگوید خلاص شود از حبس و اگر بهمین عدد بنویسد و با خود نگاهدارد از همه بلاها محفوظ
و محروس بود و هیچکس نتواند بوی آزاری رساند و بعضی در خواص این حرف آورده اند که اگر کاغذ ارمنی سفید
باشند و از او دوازده بخش کنند بوقتی که قمر در سرطان با حوت باشد و از مقابله مریخ دور بود
در هر بخش صد و سیزده بار حرف با را بنویسند و صاحب طحال یا مسموم یا صاحب کلب کلب از آن جام آب
بیاشامد در حالیکه مقابل قلب العقرب باشد ایستاده باشد نفع بلیغ رساند و اگر این حرف را هزار
یکبار بر پوست گربه سیاه دباغت کرده بنویسند و صاحب دق با خود نگاهدارد شفا یابد و اگر بجهة
دفع دشمن هزار یکبار این حرف را بر پوست شغال دباغت کرده بنویسد و در منزل دشمن دفن نماید
بزودی دفع شود و سرگردان و آواره گردد **فصل** در خواص دو حرف تا و ثا اما حرف تا بعضی
از اهل خاصیت گفته اند که این حرف از برای اعمال منازعت و مخالفت است و در کتب خواص مذکور است
که اگر بر پوست شیر دباغت یافته مثلثی بکشند در روز سه شنبه بوقت طلوع آفتاب مریخ بنام محبوس
و بر اضلاع آن مثلث ۵۹ بار این حرف را بنویسند و محبوس آن نوشته را با خود نگاه دارد بزودی از بند
و زندان خلاص یابد و سکاکی در کتاب خود آورده که اگر کسی این حرف را بعدد مجمل وی که چهارصد است
بنویسد و با خود نگاهدارد در چشم مردمان عزیز گردد و اگر هزار و بعدد مفصل وی که چهارصد و یک است
بگوید در اقبال بر روی وی گشاده گردد و فتوح روی نماید اما حرف ثاء مثلث صاحب النظیم آورده
که هفت حرف است که در سوره فاتحه نیامده و آن ثاء و جیم و خاء و زای معجمه و شین و ظاء و فاء آورده

سبعه در این واقع وجه شده اند که بمذهب بعضی بلکه اکثر اهل تحقیق اسم اعظم در آن آیت
یکجا مکرر گشته و آن آیت در سورهٔ انعام است حیث قال الله تعالی و اذا جاءتهم آیة قالوا لن نؤمن
حتی نؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالاته الآیة و برای هر حرفی از این حروف
سبعه روزی از ایام هفته مقرر شده و برای هر یک خادمی از طبقه روحانیین معین گشته و برای
هر یک ذکری از اسماء حسنی نام نوشته که چون عامل بعمل آن در هر روزی که تعلق بوی دارد شغل کرد نام
آن نوشته بود و متذکر آن اسم باشد و اشارتی بهر یک از ایام و خدام و اذکار در اثناء شرح خواص و آثار حروف
کرده میشود و صاحب در النظیم فرموده است که روز پنجشنبه از ایام هفته تعلق بحرف ثاء دارد و از اسماء الهی
ذکر او الثابت است و نام خادم او از ملائکه صرفیائیل است و در نسخها ثبات است و در بعضی از کتب خواص نوشته اند
که حرف ثا از برای خوف و ملالت مستعمل است و در بعضی از کتب خواص اکابر این حرف آورده اند که اگر پانصد هفتاد
نه بار این بر لوح صدف نقش کند و با خود نگاه دارد از غرق شدن در دریا ایمن باشد و بسلامت بکنار آید و اگر کسی
از موم سفید لوحی سازد و اسم خواهد مذکور بر آن نقش کند بعدد آن نام خود و مادر خود بر آن نقش کند و در
چاه و کاریزی که ملک وی بود و آن آب کم شده باشد بعدد داب در آن موضع بجوشد و هرگز کم نشود و اگر این را
بر پوست جوز سه پهلو که درست باشد نقش کند و در مجمعی از مفسدان و منافقان و فاسقان دفن کنند جمع
ایشان پریشان شود و هر یک بطرفی افتد و اثری از ایشان نماند و در کتاب سکاکی آورده است که اگر کسی هر روز
بعدد مجمل وی که پانصد است بگوید برای محبت نظیر ندارد و اگر بهمین عدد بنویسد و در زیر ... اطفال

بنویسند دیگر

بنویسند دیگری در خواب وسیدن نرسد   در خواص حرف جیم و حا و خا اما حرف جیم و آن یکی
از حروف سبعه است که در آیت اسم اعظم واقع است و صاحب در النظیم آورده که روز جمعه از ایام اسابیع تعلق
بحرف جیم دارد و از اسماء الهی ذکر او الجبار است و نام خادم از ملائکه عینائیل و در بعضی از کتب خواص
حروف گفته اند که جیم از برای اضداد و رسالت مستعملست و بعضی از محققین در خواص این حروف نوشته اند
که اگر ۴۳ بار حرف جیم را بر نبات مصری نویسند بر این صورت ج و بخورد صاحب قولنج دهند شفا یابد
سکاکی گوید که اگر مرد بود را مادر آبستنه باشند چنانچه از ازاله بکارت عاجز باشد باید که این حرف را هزار بار
بر طشت پاکی نویسند و بآب شیرین محو کرده بیاشامد قوت رجلیت وی بیفزاید و مراد حاصل شود و اگر
بعدد مفصل وی بنویسند که ۵۳ میباشد بر قدحی و محو ساخته بخورد بیمار دهند صحت یابد و در بعضی کتب
خواص مذکور است و سکاکی نیز ذکر کرده که هر که حرف جیم را هزار بار بگوید حضرت سید را صلعم بخواب بیند
اما حرف حا بعضی از اهل خاصیت نوشته اند که این حرف از برای اهل هوا صلبیت و در کتب اهل تحقیق
مذکور است که اگر کسی بر فص خاتمی هشت حرف حا بنویسد بر این صورت حححححححح و صاحب تب
انوار را بانگشت کند شفا یابد و اگر آن خاتم را در آب اندازند و صاحب حب از آن آب بیاشامد زایل گردد و اگر
بدان آب چند بار غسل کند تب معاودت نماید و باید که این کتابت وقتی واقع شود که قمر ناظر بسعد بود و ساقط
از نحوس و در ساعت اول یا هشتم از روز دوشنبه یا جمعه نویسد و با خود دارد و چون صاحب خاتم از غایب
خواهد معلوم نماید در زیر بالین نهد و اگر با این حروف اسم الخبیر را ضم کند در رحمی نقش خاتم ادخل بود در خصوص

در خواص حروف دال و ذال اما حرف دال بعضی از اهل صنعت گفته اند که دال در اعمال از برای فصل و
قطیعت است گویند که اگر کسی هر صباح بر بلندی رود و ۵۳ بار و هر شام ۵۳ بار بخواند و بجانب منزل
دشمن نفث کند ان دشمن آواره شود و در بعضی کتب اهل خواص مذکور است که اگر کسی شکل دال حرفی را بصورت عددی
د بنویسد یا عددی را بصورت د ۵۳ بار بر قطعه حریر نویسد وقتیکه قمر در سرطان بود متصل
بنظر مودت و نوشته را در زیر نگین انگشتری نهد و در انگشت کند و سکه با طهارت باشد و جامه پاک پوشیده
اگر منعم بود نعمت وی بقا یابد و خیر و برکت بیفزاید و اگر فقیر بود ابواب رزق بروی گشاده شود و صاحب
شمس المعارف آورده که حرف دال از اسرار ربوبیت است و حق جل علا بوی مجمل طبایع اربعه کرده آبی و بارد است
قوت طبایع و اعتدال ایشان و طبع وی علی الجمله بارد و معتدل است و عدد مجمل وی چهار است و عدد مفصل
وی ۳۹ که حاصل دال و الف و لام است پس هر که این حرف را ۵۳ بار بر دور مربع چهار در چهار بنویسد و آن را
بر قطعه حریر سفید نقش کرده باشد و سکه قمر در سرطان و ناظر مشتری و آن را در زیر نگین وضع کند و سکه
قمر سعود بود حق سبحانه همتی بوی ارزانی داشته باشد ثابت و باقی دارد و اگر منتقل الحال بود روزی گشاده
او را بسته و اشتغل از عمل سابق اتم و اکمل است و اگر این مربع را در روز دوشنبهی که قمر در شرف بود بر مدر درصد رکعت
بود و ساقط از نحوس و متصل بسعود در ساعت قمر بر ورق آهو بره بنویسد و ارقام را اعداد ان نهد و دو
نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد یکبار آیة الکرسی و صد بار قل هو الله احد بخواند پس ان نوشته را با خود
نگاهدارد حق سبحانه حفظ و فهم و حکمت و دانش وی را زیاد کند و قدر وی در عالم علوی و سفلی نزدیک شود

و اگر کسی

و اگر کسی محبوس این مربع را با خود ببندد بزودی خلاص شود و اگر این مربع را بر لوای ببندد در هر لشکر که این نصب
نمایند فتح و ظفر صاحب لوا را باشد و سپاه دشمن روی بهزیمت نهد و اگر طالب علمی آن را با خود نگاه دارد در مباحثه
و مناظره بر اقران فایق آید و اگر با دشمنی معارضه و مناقشه کند بر وی غالب گردد و در اشتغال رعایت
حال مشتری بغایت لازم است و مهم آنچه این حرف نزد اهل تحقیق با و منسوب است چنانچه ذکر شد آن در فصل اول
از باب پنجم از مقاله اولی سبقت گرفته است و این مربع مدور و صورت مرقوم اول مربع حرفی بر این وضع که
دیده میشود و هر که این مربع را دایم بر ظرف پاک بنویسد
و باب باران و عسل مصفی محو ساخته بیاشامد مرض نسیان
از وی زایل شود و فهم و حافظه و عقل وی بیفزاید و اگر این
مربع را از پیش سینه بیاویزد از علت ذات الصدر و سایر
امراض ایمن گردد و اگر این مربع را وقتیکه قمر در عقرب بود
و ناظر بمریخ بر لوح نحاس نقش کنند چون کسی را گر خشم بگیرد آن را در آب اندازد و بعد از لحظه بیرون آرند و آن
آب بخورند فی الحال درد وی ساکن شود و صورت دوم مربع
عددیست بر این وضع و هر که این مربع را بر ورق آهو بنویسد روز
یکشنبه وقت طلوع آفتاب در خرقه پاک دوخته با خود نگاهدارد
از ضرر اعدای ظاهری و باطنی ایمن گردد و هر که این مربع را بر ظرف

باك نویسد و محو كرده بیاشامد تبهای مطبقه را زایل گرداند اما حرف ذال بعضی از این طایفه
گفته اند كه چون حرف ذال در اعمال از برای لعب و مفارقت است و در تفریق ظلمه و نفقه تاثیری عظیم است
و سكاكی در كتاب خود اورده كه اگر كسی این حرف را ورد خود سازد دولت ورا زوال نشود و اگر یاد
بخواند و بر شیرینی دمد و بخورد بسكان دهد محبوب قلوب گردد   در خواص چهار حرف ذا و را
و سین و شین اما حرف را بعضی از اهل خاصیت اورده اند كه این حرف در اعمال از برای لطف
و مصلحت است و در جمیع اعمال حرضا مناسبت بوی توسل جستن و در كتب معتبره اهل خاصیت نوشته اند
كه اگر بجهة درد سر یا شقیقه در روز چهارشنبه اخر ماه پنج بار این حرف را با طراف پیشانی نویسد نافع بود
و صاحب در النظیم اورده كه اول حرف ان دو اسم بزرگوار رحمن و رحیم را ایواست كه برای ابتدای امور كتابت
كنند و هر كه این حرف را صد بار بنویسد و در زیر اساس بنا نهد روز یكشنبه ان بنا زود با تمام رسد
كسر و زلزله محروس باشد و این حرف اول چیزیست كه قلم اعلی بان جاری شده كما قال سبحانه فی الحدیث القدسی سبقت رحمتی غضبی
و سكاكی در كتاب خود اورده كه اگر كسی این حرف را ۸ بار بر گوش خروس سفید خواند و سر دهد برود تا مرد دفینه
تا گر بهای عدد بنویسد و در گوش خود نهد و بعد از زمانی بیرون اورد و در كاسه قلعی نهد و نمك بر ان
خود انكه در میان نمك پوشیده شود پس ان كاسه را با نمك مكتوب در زیر نهد و بهمان عدد تیر بگوید و در خواب
رود اند فینه را بخواب ببیند و مطلع گردد كه كجاست اما حرف زا و ان یكی از حروف سبعه است كه در اسامی اسم اعظم واقع است و صاحب
در النظیم اورده كه روز سه شنبه از روزهای هفته تعلق باین حرف دارد و از اسماء الهی ذكر او الزكی است و نام خادم او

از فرشتگان شمسائیل و در بعضی نسخها اسلسائیل و در كتب اهل خاصیت مسطور است كه این حرف در اعمال از برای عنف
و مناعت است و بعضی ارباب تحقیق گفته اند كه اگر كسی ۷۰ بار این حرف را بر پوست اهو بنویسد و قبضه تیغ در جلدی بود
و حرف تحت الارض باشد پس ان نوشته را با خود نگاه دارد از جمیع افات محفوظ باشد و سكاكی در كتاب خود اورده كه
هر كه هر روز ۵ بار بخواند از هیچ كس نترسد و اگر بهای عدد بنویسد و با خود نگاه دارد همه كس از وی بترسد
اما حرف سین بعضی از اهل خواص گویند كه این حرف در اعمال از برای ازدیاد قدر و رفعت است و اكابر این فن
گفته اند كه اگر كسی ۱۲ بار این حرف را بر پوست پلنگ بنویسد و در اب روان اندازند و گوید فلان بن فلان را نزد من اور
اثر عظیم كند و مطلوب حاضر شود بغیر اختیار و صاحب شمس المعارف در صفات و خواص الحروف اورده كه سین یكیست از حروف
ظاهر اسم اعظم و اسم اعظم را ظاهریست و باطنی و ظاهر وی سموات سبع و ارض قایم است و باطن وی علویات از عرش
و كرسی و از اینجهت است كه حرف سین در اول سماوات شده و در مرتبه ثالث كرسی قرار گرفته و وجود نیز سا وان سنة احكام
كه حق سبحانه این حرف را خلق كرد از عالم امر خود با وی هفتصد هزار و سیصد و هشتاد فرشته از ملكه مقربین و رو
فرستاد برای تعظیم و توقیر وی و برای امداد و اعانت روحانیت وی و این حرف از سایر حروف ثمانیه و عشرون
باین صفت مخصوص است كه زبر او و بینات او مساوی است چه سین كه از قبل بینات بعدد شصت است وی ون كه زبر او ست
هم بعدد شصت است و این جمله نوادر است و غرایبست و لهذا اسم شریف حضرت رسالت صلی الله علیه و اله و سلم بقول بعضی از علما
كه در سوره یاسین فرموده اند كه یا حرف ندا است و سین مخاطب عبادت از حضرت رسالت صلعم و اهل خاصیت اورده اند كه حرف
سین از برای تصحیح مرضی و تلیین قلوب و تالیف نفوس و مرتبت اجابت دعوات و انجاح مهمات و تسهیل و اختفا امور و نفاذ

قول وقبول امر مدخل تمام دارد وسکاکی در کتاب خود اورده که اگر کسی این حرف را در خود سازد که هر روز
وقت پیشین شصت بار بگوید صاحب کرامات شود واگر بهمین عدد بنویسد و بر طفل بندد زود سخن
در اید اما حرف شین یکی از حروف سبعه است که در ایت اسم اعظم واقع است و صاحب بحر النظیم گفته است که روز
دوشنبه از ایام اسابیع تعلق بوی دارد واز اسمای الهی ذکر او الشکور است ونام خادم او از روحانیان
جبرئیل است واهل خاصیت گفته اند که این حرف در اعمال از برای موت وهلاکت و در قهریات واعمال الغایت
موثر است ودر کتب معتبره ارباب خواص مسطور است که اگر این حرف را ۳۰۴ بار بر یک قفل نویسند وانرا
بر دامن چادر دختر بکر که بخت وی بسته باشد بر زنند و بر ۳۰۴ خرما نویسند وپهلوی قفل بر دامن اندر خر نهند ود
مرعام وی را بنشانند چون کسی بیاید وان قفل را بگشاید وان خرما بخورد بخت وی گشاده گردد و بزودی
شوهری بر سروی اید واگر بنام کسی بر چهل پاره کاغذ نویسند و بر چهل ته نان سازند و هر کاغذی را
در میان یک ته نان بپزند وهر نانی را بسگی دهند تا بخورد زبان انکس بسته شود باذن الله تعالی وسکاکی
خود اورده که اگر کسی خواهد که بداند حامله پسری ارد یا دختر باید که شب چون بفراش در اید سیصد بار بگوید
انچه باشد بخواب بیند واگر بطعامی یا شربتی بهمین عدد بخواند وبخورد حامله دهد که او وضع حمل ظاهر شده باشد
بسهولت وسلامت بار نهد   در خواص ده حرف صاد وضاد وطا وظا وعین وغین وفاء وقاف
وکاف ولام   اما حرف صاد در کتب اهل خاصیت مکتوبست که این حرف در اعمال از برای تحصیل خیر
وبرکت وسکون وطمانینت است وسکاکی در کتاب خود اورده که هر که بر مکتوب این حرف در وقت دادن فتن غلط ومت

حروف
عداوت کند زمین در زیر قدم وی مطوی شود وبزودی قطع مسافت کند بی انکه مانده شود اما
ضاد ارباب خواص در کتب خود نوشته اند که این حرف در اعمال از برای مضرات وسوء حالت ومحاربات ومقاتلات است
وسکاکی اورده اگر کسی ۸ بار این حرف را بر خوردنی خواند وبخورد مجنون دهد یا بر خورد صاحب ضعف دل یا خفقان دهد
ان جنون وخفقان زایل گردد اما حرف طا گفته اند که این حرف در اعمال برای اخذ منفعت ونیل خیر وجمعیت است
ودر بعضی از کتب مسطور است که هر که خواهد که از میان جمعی دشمنان زود بسلامت بیرون اید چنانچه ضرری بوی نرسد باید
که بر هر ناخن خود یکبار حرف ط بنویسد ودر انجمل ده بار ط بگوید بیکنفس وباهیچ احدی سخن نگوید بیرون قدم
نهد و بسلامت بگذرد که هیچ اسیبی بوی نرسد اما حرف ظا یکی از حروف سبعه است که در ایت اسم اعظم واقع است
وصاحب بحر النظیم اورده که روز چهارشنبه از ایام هفته تعلق باین حرف دارد واز اسماء الهی ذکر او الظاهر است ونام
خادم او از ملائکه میکائیل است وبعضی از اهل خاصیت گفته اند که این حرف از برای رنج ومحنت وعذاب وعقوبات است
وسکاکی در کتاب خود که اگر کسی از ظالمی ترسد هر بامداد ۹ بار وهر پیشین ۹ بار وبجانب وی ومنزل وی نفث
کند بزودی دفع شود وازوی ضرری نرسد واگر بهمین عدد بنویسد وبر مصروع بندد صحت یابد اما حرف عین
اهل خاصیت گفته اند که این حرف در اعمال از برای حصول دولت وسعادت وجاه وحشمت است ودر کتب اینطایفه
که اگر کسی ده بار حرف عین را بر این صورت ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع بر پوست ترنج نویسد بمجنون که تو ... دهد
محو سازد وصاحب قبض وقولنج از ان شربت بیاشامد گشاده یابد وصاحب بحر النظیم که هر که در وقت بامداد غار جمعه بار بار
حرف عین را بر این صورت ع بر حریر سفید نقش کند وقتیکه مشتری وعطارد خوشحال باشند در ... نوشته را

زبر نگین خاتم نهد و بان مختم کند حقتعالی زبان او را بحکمت ناطق گرداند و چون بر محاذی دل خود بساود
بفهم و عقل کامل موفق شود و هر که از ابا لجود نگاه دارد قدر وی بلند گردد و جاه وی بیفزاید و اگر
در ذیل هر حرفی اسم شریف العزیز را بنویسد در حصول نتیجه اقوی بود و سکاکی در کتاب خود اورده که اگر
کسی محبوبی سرکش داشته باشد که سر بوی فرود نیاورد باید که این حرف را ۷ بار بمشک و گلاب و زعفران
کتابت کند و با خود نگاه دارد تا آن معشوق مطیع گردد و اگر بر مقداری حلوا بخواند بهمان عدد
و بخورد محبوب دهد بغایت دوست گردد و عظیم فرمانبردار شود اما حرف غین اهل خاصیت نوشته اند که اینحرف
در اعمال از برای فساد و شقاوت و بغض و عداوت مستعملست و سکاکی در کتاب خود اورده که اگر کسی هر روز هزار
بار بگوید و بجانب دشمن بدمد بزودی نیست گردد و اگر بر برگ حنظل نویسد بهمان عدد و در خانه دشمن اندازد
یا دفن کند آواره شود اما حرف فاء از جمله حروف سبعه ساقطه است که در آیت اسم اعظم امده و صاحب النظم فرموده
که روز شنبه از ایام اسابیع تعلق باینحرف دارد و از اسماء الهی ذکرا و الفاطرا است و نام خادم او از ملائکه حصفیائیل است
و بعضی از اهل خاصیت گفته اند که اینحرف در اعمال از برای خواری و مذلت مستعملست و شیخ ابو عبدالله مغربی رحمه الله در
کتاب مسر المطالب اورده که هر که ۸۱ بار اینحرف را بعد دبز بر و پیشانیش بخواند با اسماء او که در فصل پنجم از مقاله اولی گذشته
بر هر مقصودی که دارد فایز گردد و هر که مداومت کند بر اینحرف و اسماء وی خصوصا الفتاح انواع حقایق و معارف و دقایق
و لطایف از علوم خفیه غیبیه بر دل وی مفتوح و مکشوف شود و ابواب مرادات و سعادات کلیه صوریه و معنویه
بروی گشاده گردد و همه دشوارها بروی باسانی مبدل شود و اگر این حرف را ۸۱ بار بنویسد و در زیر هر حرفی

اسم یا فتاح

اسم یا فتاح بیاء ندا [illegible] و وقتیکه قمر از نحوس پاک بود و بسعود متصل و اینحروف و اسماء را بر جام زجاج
یا قدح چینی بنویسند و نوشته را باب عذب طاهر محو کرده بشراب حامله کنند و وقتیکه اثر وضع حمل ظاهر شود
ببهبود و سهولت بار نهد و اگر محبوس بر ملازمت این حرف و اسماء وی مداومت نماید بزودی خلاص شود و در جمیع کارها نافع
فرو بسته و اوضاع درهم شکسته مداومت و مواظبت نماید بر اینحرف و اسماء وی خصوصا اسم الفتاح بغایت
مفید است و سکاکی در کتاب خود اورده که اگر کسی هشتاد روز متصل هر روزه ۸ بار اینحرف را بر زبان و بجانب دشمن نفث کند
نیست و نابود گردد و هم وی اورده که اگر بنام غایبی نه هزار بار بر قطعه کرباس پاک نویسد و در آتش اندازد اگر وی
در مغرب باشد و عامل در مشرق بزودی خود را بوی رساند اما حرف قاف بعضی گفته اند که اینحرف از برای تحصیل روح
و راحت مستعملست و سکاکی در کتاب خود اورده که هر که اینحرف را هر روز ۱۰۰ بار بگوید جمع مرادات و مقاصد وی بسهولت
میسر گردد و بعضی دیگر از علماء این فن در اعمال قهریات بان توسل جسته اند و در بعضی کتب ایشان مذکور است
که هر که صد بار این حرف را بر برگ جوز نویسد و در منزل ظالمی یا فاسقی پنهان کند کار آنکس بسته شود و سلسلهٔ وی
درهم رود و سکاکی در کتاب خود اورده که اگر کسی این حرف را ۱۲ بار بر کاغذی نویسد و در زیر سنگی گران نهد بنام
هر که این عمل کند خواب وی بسته شود و تا آن کاغذ را بیرون نیاورند و محو نسازند آنکس را خواب نیاید اما حرف کاف
بعضی از اهل این فن گفته اند که چون کاف حرف شرف در اعمال از برای القای محبت و مودت است در قلوب و نفوس و سکاکی در کتاب
خود اورده که اگر کسی دویست بار بنویسد و با خود نگاه دارد در چشم خلایق عزیز گردد و هم وی اورده که هر که هر روز اینحرف را
دویست بار بر زبان راند اسرار الوهیت بر دل وی منکشف شود و در بعضی رسایل اینطایفه مسطور است که هر که بیست بار حرف کاف را

بر اینصورت بنویسد وقتیکه قمر زاید النور باشد و قوی حال و این نوشته را بر گردن خروس سفید افروز بندد

در آنموضع که گمان دفینه باشد ویرا سر دهد بدانموضع که رسد بمنقار و چنگال

زمین را کاویدن گیرد اما خواص الف لام بعضی ازین طایفه گفته اند که این حرف در اعمال

از برای ثبات و استقامت در امور دنیا و آخرت و در بعضی از کتب خواص نوشته اند که اگر این حرف

را ۷۱ بار بر سفرجل خوانند و مثل کاردی بر آن سفرجل نقش کنند و بخورد زنی و شوهری دهند که میان ایشان

مودتی نباشد چنان بیکدیگر امتزاج و التیام یابند که اصلا و قطعا از هم نتوانند دم زدن باذن الله و هم در

کتاب مذکور است که اگر کسی خواهد که از چشم دشمنان پنهان شود باید که بوقت خواب این حرف را دویست بار بر زبان راند

تا مقصود حاصل شود و اگر بر صفحه از مس ۷۱ بار نقش کند و با خود نگاهدارد چشم زخم بروی کار نکند

در صفات و خواص حرف میم بعضی از اهل خاصیت نوشته اند که اگر کسی بنام محبوب صد و پنجاه یک

میم بر اینصورت بشرطی که چشم میم مفتوح باشد نه مطموس بر سیب سرخ یا بهی نقش کند و بمحبوب

دهد و اگر میسر نشود سعی نماید که استشمام بدان کند و اگر ان را بوی کرده بعد تناول نماید اثر عظیم در محبت و مودت

مترتب گردد و صاحب شمس المعارف آورده که میم از جمله اقطاب حروفست و ان عبارت از حرفیست که اول و مثل اخر او

سه حرفست که در سه فصل متعاقب یکدیگر مذکور میشود و فرموده که طبع میم حار است و در وسط رطوبتی است میان دو حرارت

و الخوف یا میان دو میم و وی از حروف نشر کلی است که عبارت از لوح المحفوظ است و چون حق سبحانه ویرا بیافرید ویرا نوری صد بر

آفرید که مطموس بنور بود و بروی نود فرشته از ملئکه لوح که بعدد حروف مبسوط وی که موکل گردانید

ویرا

ملک و ملکوت را بنوی قایم ساخت و قلم را اسراری که در میم است ظاهر گردانید و میم را سری بزرگست که حق سبحانه

در اسم محمد صلی الله علیه و آله وسلم ودیعت نهاده است میم در اول و میم در وسط پس در اول سر ملکوت و در وسط سر ملک

و کشف عالم ملک و ملکوتست و بوی منوط و مربوط است پس بر هر طالبی که اسرار میم و احاطه او و انچه در عالم اوست

منکشف شود ان فتحی عظیم بود ویرا و شیخ محی الدین العربی قدس سره در بعضی از مواضع فتوحات آورده که در اثنای

مکاشفات مرا عالم میم عبور افتاد و چندگاه در مشاهده عجایب و غرایب ان عالم بماندم و در ان عالم انبیا و اولیا و ملوک

و طبقات خلایق و اصناف موجودات دیدم همه از جنس ان عالم و تفصیل در فتوحات مذکور است و در شمس المعارف آورده که هر که

هر روز چهل بار در شکل میم نظر کند و هر بار بگوید قل اللهم مالک الملک الی قوله بغیر حساب حق سبحانه اسباب دنیا و آخرت را

بروی آسان گرداند و اینعمل در فصل آخر از باب اول از مقاله اسماء در ذکر اسم الملک بر وجه اتم و اکمل ایراد خواهد یافت

و هم صاحب شمس المعارف آورده که هر که خواهد عاقبت امری بداند و خیر و شر ان بروی ظاهر گردد باید که صورت حرف

میم را که از اسرار مکنونه است کتابت کند بر ورقی پاکیزه روز دوشنبه در ساعت قمر و باصطرلاب تحقیق کند و در ان روز

روزه دارد و شب باندک خرما و نان افطار کند و بر طهارت کامل بفراش رود و ان نوشته را در زیر بالین خود نهد

پس بر دست راست خسبد چنانچه ان نوشته محاذی رخساره راست وی آنگاه سوره تبارک الملک بخواند و خواب کند و براو در خواب

از عاقبت ان امر اخبار کنند و خیر و شر انرا بوی اظهار نمایند بروجهی که خاطر وی قرار گیرد و اطمینان یابد و هر که

حرف میم را چهل بار بر جامی نویسد و باب پاک محو سازد و بیاشامد حق سبحانه در عقل و فهم وی افزاید و زبان ویرا

بحکمت جاری سازد و هر که حرف میم را بنویسد و با وی هشتاد بار لا اله الا الله کتابت کند و انرا بر بازوی راست بسته باشد در طاقیه

وجامه دوخته بپوشد حتی آنکه مهابت و محبت وی در دلها افکند و اگر چه مجهول و کم نام باشد و اگر بشرایط نوشته
بطهارت بدن و لباس نظیف با خود نگاه دارد بر اعمال جن مطلع شود و در کتاب شمس المعارف بر این وجه در نسخه جامع اعمال
کلیه مذکور است و این نسخه محل تفصیل آن نیست و سکاکی در کتاب خود آورده که هر که از کسی چیزی باید و نعید هشتاد بار
اینحرف را بخواند و بر آنکس دمد مراد حاصل شود و اگر بنویسد بر برگ رز که آب بران میکند در چشم خلایق عزیز گردد
در خواص حرف نون بعضی از اهل خاصیت گفته اند که اینحرف در اعمال برای فرح و محبت مقرر است و در
کتب خواص مذکور است که این حرف را ۱۲ بار بر نعل اسب نویسند بنام کسی در آتش اندازد آنکس را محبت عامل بیقرار
و بی آرام شود و اگر صد و شش بار حرف نون بر اسفیدوت بر تیغ کارد فولاد نویسند تا دسته بنام کسی
در دیواری که رو بقبله باشد فرو برند مادام که آن کارد بران دیوار بود خواب آنکس بسته گردد و در کتاب شمس المعارف
مسطور است که این حرف دوم است از اقطاب حروف و وی را سه اسم است که آن النافع النصیر النور است و اینحرف را در تالیف
قلوب و جذب نفوس دخلی تمام است پس هر که بر تکرار وی مقرون با اسم النافع مداومت کند مردم بوی اقبال کنند
و هر کس بقدر حال خود از وی فایده گیرد و هر که بر تکرار وی مقرون با اسم النصیر مداومت نماید همه اعدا مغلوب و مقهور گردند
و فتح و نصرت وی را بود و هر که ادمان نماید بر تکرار اینحرف مقرون با اسم النور ظاهر و باطن وی نورانی شود
و دل وی از انوار و اسرار معرفت مملو گردد و اگر مداومت بشرایط نماید چندان انوار بر باطن وی غلبه کند که
آثار آن بر قوت باصره وی نامه بحسب ظاهر نیز روشنائیها از عالم غیب مشاهده نماید باذن الله تعالی
در خواص حرف واو بعضی از اهل طبیعه گفته اند که اینحرف از برای ایذا و مضرت است و در کتب اهل خاصیت نوشته اند

که اگر اینحرف را
نود و نه بار

که اگر اینحرف را نود و نه بار بنام کسی بر ورق ماهی نویسند و از ماهی بباد بر بندند خواب آنکس بسته شود و اگر بنام
دشمن دویست بار بر کاغذی نویسند و از ماهی در آب بر بندند دشمن پریشان و سرگردان شود و هیچ جا قرار و آرام
نگیرد و صاحب شمس المعارف آورده که اینحرف سیوم است از اقطاب حروف و این سه حرف را در میان حروف بسبب آنکه جزو اول
آیات از حیث جزو و اخر آن است ترتیب اختصاصی و امتیازی واقع است و حرف واو واده اسم است که ذکر آن در فصل پنجم از باب
پنجم از مقاله اول ایراد یافته و خواص بسیار بر اسماء اینحروف مترتب است چنانکه شمه از آن در فصل نهم از باب چهارم از
مقاله اسمائی مذکور خواهد شد و حرف واو در الوح خاصیت که و دره چنانچه صاحب شمس المعارف در کتاب خود ایراد
نموده و صورتش اینست و شیخ در شمس المعارف آورده که هر طالب صادق که روز دوشنبه نزدیک بطلوع آفتاب
این شکل را بر خاتمی نقش کند حامل او از جمیع بلیات و آفات محفوظ
و محروس باشد و تا آن لوح با وی همراه بود از همه امراض و اعراض در پناه
باشد و سکاکی در کتاب خود آورده که اگر کسی داعیه سفری دارد و میسر نمیشود
هر صباح شصت بار این حرف را بخواند و بدانجانب دمد که میل دارد بزودی
اسباب السفر مهیا شود در خواص دو حرف ها و یا اما حرف ها
بعضی از علما این فن گفته اند که اینحرف در اعمال از برای جلب منفعت است و در کتب خواص نوشته اند که اگر فقر و فاقه
بر کسی مستولی شود از زیر ناودان چهل توانگر چهل سنگ ریزه بردارد و در وقتیکه قمر زاید النور و صعود باشد چهل حرف هاء
بران چهل سنگریزه نویسد و آنجا که خوابگاه اوست دفن کند بشرطیکه در آن منزل و مقام فسادی از وی ظاهر نشود حتی آنکه

نعمت بسیار دهد و جمعیت تمام حاصل شود و بدانکه این حرف از جمله حروف نورانیست که در دو جا در اوایل سوره قرانی
آمده اول در کهیعص و دوم در طه و نزد جمعی از اهل تحقیق اسم اعظم عبارت از اوست و گویند بحقیقت اسم الله این
سه حرفست و الف لام وی از برای تعریفست و باصطلاح صوفیه قدس الله ارواحهم حرف ها عبارت از مرتبه غیب هویتست
یعنی ذات محبت مجرد از ملاحظه اسما و صفات و اینمرتبه فوق مرتبه الوهیتست کما قال سبحانه هو الله الذی لا اله الا هو و شیخ
نجم الدین رحمه الله در بعضی از رسایل خود آورده که ذکری که جاذبیت بحسب دوام بر نفوس حیوانات انفاس ضروریه ایشانست
که حروف ها از آن متولد میشود بی توسط التی از آلات مخارج حروف و این حرفیست که اشارت بغیب هویتست چنانچه بعضی
از محققین گفته اند بیت ها غیب هویت آمد ای حرف شناس ✱ و انفاس ترا بود برین حرف اساس ✱ باش آگه
از این حرف در امید و هراس ✱ حرفی گفتم شگرف اگر داری پاس ✱ و اینمضمون دلیلیست بر آنکه هر که اسم اینست اسم اعظم باشد
چنانچه در فصل دوم از باب پنجم از مقاله اسما اشارت بان خواهد رفت و در فصل دوم از باب اول
از این مقاله شمه از خواص اسم هو ایراد خواهد یافت پس اگر طالب صادق بحسب انفاس بر سبیل دوام بآن
ذکر شریف اشتغال نماید و بهمگی خود متوجه غیب هویت حق سبحانه شود تا وقتیکه مناسبت بعالم کشف
و کم پیدا کند پس بعد از تحصیل مناسبت بان عالم قوتی تامه حاصل خواهد شد که در عالم کیف و کم
که عبارت از عالم حس و شهادتست تصرفات کلی تواند نمود و بر هر چه خاطر گمارد از قوه بفعل تواند آورد و در بعضی
رسایل ارباب حروف مذکورست که حروف ها از برای قهر اعدا و زجر اضداد اثر عظیم دارد چه این حرف که عدد
مجمل او پنج است تعلق بمریخ دارد پس کسیکه این حرف را ۱۱۷ که عدد مفصل اوست و آن ۱ ست

[illegible]

بر صفحه سرب بمداد یا زنگار نقش کند وقتیکه قمر منخسف بود و اگر در ان ساعت نظرات نحس واقع شود بهترست
و آن رقم اگر در ساعت مریخ یا زحل اتفاق شود اولی بود و بعد از اتمام عمل آن صفحه را در سرای ظالمی و فاسقی
که خلق خدای از فسق و ظلم وی بتشویش باشند بیفکند بزودی آن ظالم و فاسق از آن دیار آواره شود
و سرا و منزل وی خراب گردد و در کتاب سکاکی مذکورست که اگر بسبب هلاک دشمن باد این حرف را بر خاک
گورستان یا وقف خواند و بخانه دشمن اندازد هلاک شود اما حرف یا را بعضی از ارباب خاصیت گفته اند
که این حرف از برای فتح و نصرت مستعملست و بعضی دیگر بر آنند که در اعمال از برای شکیبایی و مصابرت مقررست
و در کتب انطاکیه مذکورست که اگر کسی ده بار حرف یا را العدد مجمل وی بر کاردی نویسد بنام شخصی و آنرا در
زیر خاک دفن کند خواب وی بسته شود و سکاکی آورده که اگر کسی این حرف را صد بار بنام کسی بر زبان راند زبان
آنکس بسته شود و اگر بهمین عدد بر حریر سفید نویسد و با خود نگاه دارد زبان خلق بروی بسته شود و صاحب
در النظیم آورده که هر که بر ورقه پاک در صباح روز پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب حرف یا را مکسر کتابت کند بعدد
اسماءی که در وسط اسما این حرفست مثل حکیم و علیم و آن ۳۸ اسمست از اسماء حسنی که در فصل نهم از باب سیوم از مقاله
اسما ایراد خواهد یافت و اگر در ذیل هر حرفی اسمی از آن اسما کتابت کند اثر قوی تر خواهد بود و بعضی گویند که صد بار باید
کند چه عدد حاصل الضرب وی در نفس خود اینست پس نوشته را با خود نگاه دارد جمیع محرمات مکروه و مبغوض وی شود
و انصح مهمات خاطر وی آسان گردد و فهم وی زیاده شود و جودت ذهن وی بیفزاید و اگر این حرف را العدد مذکور بر آلات
زراعت نقش کند برکت بسیار در آن پیدا شود و از آفات سماوی و ارضی ایمن گردد و اگر بر کلنگی نقش کند و بدان چاه و کاریز

کنند اب بیاید و ظاهر شود باذن الله تعالی در خواص حروف مقطعه قرآنی مشتمل بر دوازده فصل شش فصل از آن
در خواص فقرات مقطعات که بتعداد ثبت شده با یکدیگر افاضه آثار میکنند و شش فصل دیگر در خواص مقطعات اوایل سورات است
که هر یک علیحده افاضه منافع مینماید | در ذکر عدد حروف مقطعات و خواص مجموع آن بر سبیل اجمال
در خواص دو فقره کهیعص حمعسق با یکدیگر | در خواص فقرات اربعه و خمسه و سته از مقطعات
در خواص عشره و اربعه عشرات مقطعات | در خواص فقرات خمسه عشر از مقطعات بعد از امات
در خواص فقرات خمسه عشر از مقطعات محلی با آیات | در خواص حروف الم البقره و الم آل عمران | در خواص
حروف المص که اول سوره اعراف است | در خواص الر که اول یونس است و الر که اول هود است و المر که اول رعد است
در خواص حروف کهیعص و خاتم وی | در خواص حروف طه | در خواص حروف
حمعسق و حم مومن و ق | در ذکر عدد حروف مقطعات و خواص مجموع آن بر سبیل اجمال صاحب الدر النظیم
آورده که بعضی عارفان گفته اند که حروف مقطعه قرآنی سی کلمه و هشتاد و هشت حرف است و آن اینست
الم الم المص الر الر المر الر کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم الم یس ص حم
حم حم عسق حم حم حم ق ن و اسغرد کلمات وقتی مسلم است که حمعسق را دو کلمه اعتبار کنند چنانچه
بعضی از علمای این فن کرده اند و اگر آن را مثل کهیعص از قبیل خماسیات گیرند چنانچه بعضی بر آن رفته اند
پس عدد کلمات بیست و نه باشد و چون کسی نظر کند بر ترتیب این حروف از حسن جمع و ترکیب بعضی را احادی یابد
مثل ص و ق و ن و بعضی را ثنائی مثل طه و طس و حم و بعضی را ثلاثی مثل الم و الر و طسم و بعضی را

ورباعی مثل المص

ورباعی مثل المص و المر و بعضی را خماسی مثل کهیعص و حمعسق و این بر اسلوب و قاعده عرب نازل شده بخلاف در کلمات
و اسمای ایشان واقع است و زبان بیان از شرح حقایق و اسرار و منافع و آثار حروف مقطعه قرآنی عاجز و قاصر است
و بذکر شمه از آن اقتصار مینماید صاحب الدر النظیم از ابو حامد محمد الغزالی قدس الله سره نقل کرده که فرموده است بعضی
عارفان را در موصل یافتم که با وی حروف مقطعه قرآنی همراه بود از وی سوال نمودم که این چیست فرمود برکات
این حروف بر من ظاهر شده است و از جمله آنست که همیشه حق تعالی از آفات و بلیات بواسطه حمل این کلمات مرا محفوظ میدارد
و رزق مرا گشاده میسازد و اگر حاجتی میخواهم بی انتظار بر اجابت میرساند و مرا از شر دشمنان صیانت میکند و از
گزندن مار و کژدم و ضرر سباع و حشرات نگاه میدارد و چون بسفر میروم و اینکلمات را در وقت وداع اهل و اولاد
میخوانم خدای تعالی مرا بصحت و سلامت و غنیمت زود بوطن میرساند پس ابو حامد گوید که مرا از این حروف علی الحال شک شد که هیچ
و دیپه دران را یافت و در خواص ابن تیمی آورده که هر که مجموع حروف اوایل سور قرآنی را بر یکی فقره یا عقیق نقش کند در ساعت
سعد و بان خاتم نماید مقبول و محبوب قلوب گردد و صاحب در النظیم آورده که اگر شش روز پنجشنبه و جمعه روزه دارد و در ساعت اول
روز جمعه این حروف را نقش کند و در آن وقت غسل کرده باشد و جامه پاک پوشد و بخور لایق سوزاند هر آینه تاثیر و قوت وی در آنچه
مذکور شد زیاده خواهد بود و نتیجه بیشتر مترتب گردد | در خواص دو فقره کهیعص حمعسق با یکدیگر
صاحب الدر النظیم آورده که شیخ شرف الدین بونی رح فرموده که هر که ترسان بود از کسی و در این حال بگوید کهیعص
حمعسق لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از آنچه میترسد ایمن شود و اسمعی مکررات و مرا آزموده شده و مجرب
و صحیح است و هم صاحب الدر النظیم آورده که هیچ آیت که منافع و فواید آنها از حد حصر متجاوز است و از آنجمله اینست که هر که

هرکه تلاوت کند در حالتی که در آید بر جبادی عنید و حاکمی از طریق صلاح بعید ترو[ی]کفایت کند کیفیت

قرائت این ایات چنانست که عقد اصابع یمنی کند در حروف کهیعص که در اوایل این آیات واقعست و عقد اصابع یسری

کند در حروف حمعسق که در اواخر این ایات واقع است پس اول عقد ابهام یمنی کند و بکوید کماء انزلناه

من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح پس عقد ابهام یسری کند و بکوید

بعد از ان مسبحه یمنی کند و بکوید هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم پس عقد مسبحه یسری کند و بکوید

بعد از ان عقد وسطی یمنی کند و بکوید یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین

من حمیم و لا شفیع یطاع پس عقد وسطی یسری کند و بکوید بعد از ان عقد خنصر یمنی کند و بکوید علمت

نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس پس عقد خنصر یسری کند و بکوید بعد از ان عقد بنصر یمنی کند

و بکوید ص والقران ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق پس عقد بنصر یسری کند و بکوید و بعد از اتمام

اتمام این عمل بوان پادشاه غیور یا ظالم جابر در اید از ان جبار ظالم هیچ ضرر بوی نرسد و بلا و کراهت

وی مرون اید در خواص فقرات اربعه و خمسه است از مقطعات اما فقرات اربعه صاحب النظیم

اورده که در بصره مردی بود که دعای درد دندان میدانست و مردم را بدان معالجه میکرد و شفا میداد و صلت نمیکرد

در تعلیم ان بخل تمام داشت چون وفات وی نزدیک شد کسی اکه حاضر بود کفت دوات و قلم بیار تا بنویسم از برای تو دعای درد

دندان که در این مدت بان عمل میکردم و انرا مخفی میداشتم تا این زمان چون دانستم که میمیرم راضی نشدم که این دعا پنهان

بماند و مردم بان منتفع نشوند پس بنوشت چون کسی را درد دندان عارض شود ماید که این حروف را بخواند کهٰ المص طسم

کهیعص

ذکر رحمة ربک عبده ذکریا

کهیعص حمعسق الله لا اله الا هو رب العرش العظیم اسکن بکهیعص الی قوله زکریا اسکن بالذی ان یشاء یسکن

الریح فیظللن رواکد علی ظهره اسکن بالذی سکن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم اما فقرات خمسه

صاحب النظیم اورده از ابو حامد که چون اغنیاء صحابه رضی بر سم تجارت بیرون میرفتند اکر در راه دشمنی از قطاع

الطریق یا سباع ضاره پیش می امد میکفتند اللهم احفظ امة محمد صلی الله علیه و السلم بالنصر و التایید بالمص

و بکهیعص و بحمعسق و بق والقران المجید و بنون والقلم و ما یسطرون ضرر اندیشمان بایشان نمیرسید اما فقرات

ستة هم از ابو حامد محمد الغزالی روایت کرده است که بعضی از عارفان را کنیزکی بود که علت صرع داشت روزی ان عارف نزد

کنیزک خود امد و در کوش وی فرو خواند بسم الله الرحمن الرحیم المص طسم کهیعص یس والقران الحکیم حمعسق ن والقلم

و ما یسطرون دیکر از ان صرع اثری پیدا نشد و ان کنیزک از ان مرض خلاص شد در خواص فقرات عشره و احد عشر

از مقطعات اما فقرات عشره در خواص ابن تیمی اورده که هرکه الم ذلک الکتاب را از بقره تا هم المفلحون و الم الله لا اله الا هو الحی

القیوم المص کهیعص طسم طس یس ص حمعسق حم تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم العلیم قال ابن جریج را

با سوره فاتحه بر ورق اهو نوشته مشک و زعفران و کلاب در شب جمعه چهاردهم یا پانزدهم از هر ماه که باشد

بعد از نماز خفتن و ان نوشته را در غلافی نهد از نی فارسی که بکسر ان بندند اما سر دیکر را بموم کافوری بکیرد

پس هر کاه ان نی بر بازوی راست بندد با طهارت کامل و لباس نظیف عزت و مهابت و قبول وی در نظرها

و دلها بسیار شود و باطن وی قوه کیرد و دل ثابت و مطمئن کردد و دلیر شود و هیبت عظیم از وی در

خاطرها سرایت کند و اکر فقیر بود غنی شود و اکر محزون بود مسرور شود و اکر ان نی را بر طفلی بندد که او را

در خواب بیند و میترسد و بسیار میکرید ان ترس و کریه از وی زایل شود باذن الله تعالی اما فقرات احد عشر

صاحب درة النظيم از شیخ شرف الدین بونی نقل کرده که هر که کتابت کند حروف مقطعه را
در روز شنبه که معروف است بسبت النور بر ظرف چینی یا زجاج پس محو کند و بیاشامد انسال از مدامین
بود ببرکت نورانیت این حروف که مسمی است بحروف نورانی وان اینست الم المص المر الر کهیعص طه طسم
طس یس ص حم عسق ق ن
در خواص فقرات خمسه عشر از مقطعات قرآن آیات صاحب درة النظیم
اورده که هر که حروف الم المص المر کهیعص طه طسم طس طسم یس ص حم عسق ق ن بر خاتم
نقش کند در پنجشنبه اول ماه رجب وانرا در انگشت کند اگر خایف بود از جباری وظالمی ایمن شود
وحامل این خاتم اگر بر سلطانی در اید بنظر وی بزرگ نماید ومهابت وی در دل سلطان اثر کند وهر مراد که از وی
خواهد بی توقف برآرد وهر که این خاتم را بر کسی فرو دارد که خشمناک بود آرام گیرد وراضی وخوشنود شود اگر
تشنه آن خاتم را در دهان گیرد وبمکد سیراب شود وعطش از وی زایل گردد واگر آن خاتم را یکشبانه روز در آب
گذارد بعد از آن بر ناشتا آن را بیاشامد قوه حافظه وی بیفزاید واگر معزول بر این خاتم مداومت نماید برای
وی عمل وشغل پیدا شود ومنصب حاصل کردد واگر زنی بی شوهر حامل آن شود زود بشوهر رسد واگر از مصروع
بندند افاقت یابد
در خواص حروف ومقطعات خمسه عشر محلی با آیات صاحب درة النظیم از شیخ شرف الدین
ابو العباس بونی نقل کرده است که هر که کتابت کند بر ورق آهو بره در شب جمعه چهاردهم از هر ماه باشد بعد از غسل
بمشک وزعفران الم بقره ذلک الکتاب تا هم المفلحون والم آل عمران تا الفرقان والمص اعراف تا للمؤمنین والمر رعد
تا لا یؤمنون وکهیعص تا ذکریا وطه تا لتشقی وطسم تا المبین وطس تا مبین وطسم تا المبین
وحم تا الحکیم ویس تا الحکیم وص تا الشقاق وحم مومن تا المصیر وحمعسق تا الحکیم وق تا المجید ون تا عظیم
پس آن نوشته را در میان اینچنین هندی از نی فارسی وانرا در موم عروسی گیرد وقطعه ادیم بروی بپیچد وبر بازوی
راست بندد باطن وی قوی شود ودل وی شجاع گردد ومهابت وعظمت وی بر قلوب اعدا مستولی شود
وقبول تمام وی را در قلوب جمیع مردمان پیدا شود واگر فقر وفاقه وی را در یابد غنی وتوانگر شود واگر خوفی
یا ترسی ازجایی داشته باشد ایمن ومطمئن گردد واگر مسحور یا مصروع یا مجنون باشد انچه کرده در حق وی باطل شود
واز بند وزندان بزودی رهایی یابد وماده جنون بتمامی از دماغ وی بیرون رود واگر وام دار باشد حق تعالی قضای
دین او کند وگردن وی از بار وام سبک سازد واگر مهموم ومغموم باشد حق تعالی فرجی ومخرجی روزی گرداند
واگر مسافر بود بسلامت مراجعت نماید واگر زنی شوهر انرا ماخوذ نگاه دارد ودایم با طهارت باشد ونظافت
لباس باشد حق سبحانه وتعالی شوهری گرامی نصیب کند وانشوهر مایل وراغب بوی کند واگر از اسبان در اوبرند
بار ودانه بسیار جمع شود چنانچه در این نوبت رسد واگر از دکان بیاویزند خرید ومتاع وی بسیار شود واگر
بر سر حمامی آویزند مردم انجا ازدحام کنند واگر بر طفلی بندند از جمیع آفات ایمن شود واز فرج وانس مصون باشد
وعلی الجمله حامل وی هر دعا کند بهر اجابت مقرون گردد
در خواص حروف الم بقره والم آل عمران
اما الم بقره صاحب درة النظیم اورده که هر که حروف الم را تا هم المفلحون در روز پنجشنبه اول نهار بر آوند چینی پاک
یا ظرف زجاجی طاهر بمشک وزعفران وگلاب کتابت کند پس نوشته را با آب چاه شیرین محو کند وبر نهار
بیاشامد وانروز طعام نخورد وباز در شب از ان آب شربتی بیاشامد وروز دیگر روزه دارد وهمچنین شبانه

نشر بتی اذان اب اکتفا نماید و روزه دارد و اگر قوة مزاج وفا کند سه روز روزه دارد و جز بدان شرب افطار

نکند و از طعام امساك نماید حق تعالی قوة حافظه ویرا زیاده کند و نفس ویرا قوة تمام کرامت فرماید و علم

را در دل وی روشن سازد و ثابت دارد و نور معرفت در باطن وی ظهور اردد اما الم ال عمران در خواص

ابن عیسی و در در النظیم یافعی مذکور است و مسطور که هر که الم را تا الی الفرقان در ساعت دوم از روز پنجشنبه بقلم

بادیك بر ورق اهو نویسد و در زیر نگین انگشترین نهد و بر طهارت کامل و نظافت لباس در انگشت کرده

نزد پادشاه رود یا حاکم قول وی در دل ان پادشاه یا حاکم اثر تمام کند و هر چه گوید مقبول گردد و هر حکم

که کند نافذ باشد و چون بر تختم ان مداومت نماید جاه و حشمت وی بیفزاید و اعدا مغلوب و مقهور شوند

و هم در خواص ابن عیسی اورده که هر که این حروف تا مذکور را بر صفحه نقره نقش نماید و انرا در زیر نگین

انگشتری نهد مادام که در انگشت وی بود هر چه بر دست و زبان وی رود همه خیر و صلاح بود و دلها بروی

اقبال کند و مردم امر و نهی ویرا امتثال نمایند و در کتاب در النظیم اورده که هر که این حروف را تا الی الفرقان

کتابت کند بر کاغذ سفید پاك بمشك و زعفران و گلاب و انرا در انبوبی نهد از نی فارسی یا هندی که سر او طلوع

اکتا قطع کرده باشند و سر انرا بموم به بندد و از گردن طفل بیاویزند از شر شیطان و نظر جان و ضرر ام الصبیان

ایمن شود و از جمیع حوادث زمان محفوظ باشد باذن الله تعالی — در خواص حروف المص که اول سوره الاعراف است

صاحب در النظیم اورده که هر که را داعیهٔ منصبی باشد مثل قضا و غیران و خواهد که افعال و اقوال بصلاح

و سداد شود و زبان وی بر صدق و صواب جاری گردد و مصالح امور مسلمین بر دست وی باتمام رسد

واخلاق وی

واخلاق وی مهذب گردد باید که حروف المص را تا بما تذکرون بر صحیفه نقره خالص نقش کند و انرا

در زیر نگین خاتم نهد و بر طهارت کامل و نظافت لباس دایم بان تختم کند تا مقصود حاصل شود

وان وحشیه در کتاب هیاکل و تماثیل اورده که هر که حروف المص را وضع کند بقلم طبیعی و قلم عربی

در مربع ۴ در ۴ بر صفحه ذهب که وزن او چهار درم و اگر ذهب میسر نشود نحاس احمر اختیار کند و اگر ذهب

و نحاس بهم امیخته باشد اولی بود و در محل کتابت باید که طالع برج حمل بود و افتاب در وی در درجه

شرف باشد و ناظر بمریخ بنظر تسدیس یا تثلیث و سالم از نحوس و باید که در وقت عمل بن عود

و سندروس و مقل ازرق بخور کند پس معمول را در خرقه پاك بپیچد که از حریر زرد باشد و حامل ان شود

عزت و شرف و جاه و ولایت یابد زیاده بر انچه توقع میدارد و جمیع اشراف و اعیان و حکام و سلاطین

مسخر وی شوند و هر کس را که چشم بروی افتد هیبت و عظمت وی در دل انکس افتد و اثر تمام دارد

و هر چه حکم فرماید امتثال ان نماید و هر جباری که بنظر وی اید ذلیل شود و همه دشوارها بروی اسان

گردد بحول الله و قوته صورت لوح طبیعی اینست — و عربی رقم باید زد اینست

در خواص الر که اول سورهٔ هود است والمر که اول رعد است اما الر که اول سورهٔ یونس است
صاحب جمهر النظیم اورده که هر که خواهد که امر وی ببداد بود و کلمه وی نافذ و خلق مطیع و منقاد
وی شوند باید که ایام بیض از ماه شعبان را روزه دارد و ان سیزده و چهارده و پانزدهم است و به نمک و نان
جو یا که و تره افطار کند و چون شام روز سوم روزه گشاده بعد از نماز شام مستقبل قبله نشیند و بذکر صلوات
بر سبیل دوام اشتغال نماید تا فرض و سنت نماز خفتن بگذارد بعد از ان دو رکعت نماز تسبیح که مشهور است
ادا کند و چون از نماز و تسبیح و تقدیس فارغ شود حروف الر از سورهٔ یونس با سه آیت که بعد از الر است الی قوله
افلا تذکرون بر کاغذ پاک نویسد به آب اس و زعفران و در بعضی نسخها بجای آب اس گلاب است
و چون بخوابش رود در زیر بالین نهد و خواب کند چون صباح شود بعد از ادای فریضه بامداد انرا
بر بازو بندد و بیرون اید قدر وی در میان خلق سرافراز و جاه وی رفیع شود و زبان وی بر صدق
و صواب و صلاح مسلمین جاری گردد و در نظر خلق مهیب و مقبول و مطاع شود اما الر از سورهٔ هود
صاحب جمهر النظیم اورده که هر که حروف الر از سورهٔ هود را با چهار ایت دیگر که بعد از ان است الی قوله قدیر
بر برگ سبز نویسد وقت طلوع فجر بمشک و گلاب انگاه باب عذب چاه محو کرده بیاشامد چهار
روز پی در پی هر روز دو بار صبح و شام بعد از اتمام عمل دل وی مستعد قبول علوم الهی و حکمی شود و حفظ
وی در فهم اشیاء دقیقه بغایت قوی گردد و یاد گرفتن قران و غیران بر وی اسان شود اما الر
از سورهٔ رعد با سه ایت که بعد از ان است الی قوله تتفکرون بر چهار برگ زیتون نویسد و در ساعد بربندد

بخجور

بر برگ سبز نوشته بود در چهار رکن منزل دفن کند اگر اباد ان منزل خواهد و در چهار رکن باغ یا مزرعه یا دکان
با آن دفن کند حجابهٔ خیر و برکت و جمعیت دران موضع بسیار گردد و میوهٔ باغ و دانه مزرعه را از فساد
و از افات سماوی و ارضی نگاه دارد

در خواص حروف کهیعص و خاتم وی حکیم فاضل ابن وحشیه
که صاحب کتاب هیاکل و تماثیل است چنین اورده که حکماء مغرب بر انند که چون حروف کهیعص را وضع کنند در لوح مخمس
بقلم طبعی و عربی و هندسی بر هیاتی که در اخر این فصل مسطور خواهد شد و کسی حامل ان شود فواید و منافع بسیار
دارد و باید که در وقت عمل طالع برج ثور بود و زهره در وی بدرجهٔ شرف که یازدهم از طالع است و سالم باشد
از رجعت و احتراق و در ان وقت بخور کند بعبیر و بعد از اتمام عمل ان لوح را در خرقهٔ پاک سفید پیچد و باید که ان لوح را
بر خاتم یا نقرهٔ خالص یا مس زرد رقم زند هر که ان خاتم را با خود نگاه دارد عجایب و غرایب مشاهده کند که زبان
از ادای ان عاجز و قاصر بود و در الفت و محبت فعل و تاثیر وی قوی باشد و در قضای حوایج و جلب رزق و قبول قلوب و دخول
مسرات بر دل حامل و حصول فرح و سرور و طرب و کثرت در امور دنیا و اخرت بغایت نافع بود و سزاوار است
که حامل این خاتم رفیع همیشه پاک و طیب و طاهر باشد و دایم بر وضو و نظافت لباس بود در حال جنابت و عدم
طهارت البته پیرامن این خاتم نگردد و در حین حمل ان بجا اجا در بیاید که ان از جملهٔ اسم اعظم الله تعالی و از اسماء
مخزونه و مکنونهٔ الهی است که از خلق مخفیست و از جملهٔ خواص این خاتم مبارک انست که چون کسی در وقت خواب ان را در زیر
سر خود نهد در خواب کسی را بیند که هر چه وی را سوال کند از امور مخفیه عالم جواب شافی شنود و اگر در سینهٔ نایمی نهد
هر چه در بیداری کرده باشد اظهار کند و اگر بر کسی حال غایبی مشکل شود و نداند که زنده است یا مرده چون اینجا تمل در

زیر سر خود نهد و بخواب رود و در آن حین بر وضو و طهارت بود در خواب کسی را ببیند که از حال آن کار خبر صحیح دهد
و هر چه غیر از این نیز پرسد جواب گوید بوجهی که خاطر جمع کرده و اگر از عاقبت امری پرسد بانچه واقع خواهد شد خبر
درست دهد و اگر در خزینه و دفینه شک دارد هم در خواب از حقیقت حال آگاه شود و برای دفع هر مشکل که پیش
آید از امور دین و دنیا چون این عمل بجای آورد و خاتم را در زیر سر خود نهد و خواب کند بر طهارت کامل بواسطه
مخبر غیبی تا آن مشکل مرتفع شود و این خاتم را در استخراج کنوز و دفاین و خبا اثر عظیم بود و فعل قوی زیاده از آنکه
بحیز تحریر در آید پس باید که عامل بنحوی مشغول شود تا حقیقت قول ما بروی ظاهر گردد و اگر اثر آن متفرع
نشود تقصیر از عامل خواهد بود در رعایت شرایط و آداب و از جمله شرایط کتابت و رقم ذکر این لوح نیز دگر آنست
که وفق حرفی را بر ظاهر نویسد که فعل و اثر آن بخاصیت است و کتابت آن موقوف نیست بر اختیار اوقات
و ساعات و وفق عددی را بر باطن لوح یعنی ظهر آن نویسد که فعل و اثر آن بطبیعت است و کتابت منوط است باختیار
نظرات علویات و رعایت ساعات و صورت الواح اینست

در خواص حروف طه صاحب در النظیم آورده که هر که نقش کند بر لوح ذهب و سکه آفتاب در شرف ما باشد
یا در رفعت خود یا مسعود بوجهی از وجوه نه حرف طا و یح حرف ها بعدد مجملان بر این صورت
و آن لوح را با خود نگاه دارد و بر حاکمان و قهاران در آید مغلوب و مقهور شوند و جن و انس مطیع و منقاد
و فرمانبردار گردند و جمله اعمال خیر محبوب حامل این لوح شود و اگر صاحب صداع این لوح بر خود بندد بروی شفا یابد
و اگر این لوح را زمانی در میان آب یا شربتی نهند و کسی از آن بیاشامد باطن وی منشرح گردد و از امراض باطنی
خلاص شود و در نفس خود و مال خود خیر و برکت و جمعیت بسیار مشاهده نماید و لایق آنست که این کتابت را
در روز نهم از ماه یا هجدهم یا در بیست و هفتم کنند و حامل وی از ضرر هوام و وحشی حیوانات و عقارب محفوظ و محروس باشد
و هر که این لوح را حامل شود بطهارت بدن و نظافت لباس عرض حمی دق مبتلا شود و هر که این حروف را بر ورق پاک
نویسد و در موضعی که معیشت میکند نهد حق سبحانه اسباب و مواد معیشت میسر گرداند و اگر در وقت خواب در
زیر سر نهد از خوابهای پریشان و احلام ردیه ایمن باشد و خوابهای نیکو بیند که موجب فرح و سرور وی گردد و گاه باشد
که حضرت رسالتمآب صلعم در خواب بیند و در کتاب در النظیم و خواص ابن جمی آورده اند که هر که حروف طه را با
هفت آیت دیگر که از عقب انت الحوله الحسنی بمشک و کافور و گلاب و زعفران بر اوانی مرمر یا چینی یا بلور نویسد
و نوشته بدهن لبان که روغنی خوشبوست و در دیار عرب مستعمل است و آن درختی معروفست در بادیه محو سازد
و اگر آن روغن یافت نشود در روغن گل یا بنفشه و هر روغن خوشبوی که میسر شود بکار برد پس از آن روغن
معمول غالیه سازد و قدری عنبر و کافور اضافه آن کند که در وقت احتیاج بر پیشانی و میان دو ابرو مالد چوب کند

وبیرون اید قبول مطلوب وجاه وعزت وشرف تمام بیابد وهرکه در مقابله وی اید وی را دوست کیرد ومطیع و
وی کردد باذن الله تعالی
درخواص حروف حمعسق وحم مؤمن وق ون اما حمعسق صاحب در النظیم
از ابو حامد محمد الغزالی رحمه الله نقل کرده است که بعضی عارفان کفته اند که چون حق سبحانه حضرت رسالت را صلعم
مبعوث کردانید وحمعسق را بروی فرو فرستاد دانستم که در ضمن ان سری عظیم از اسرار مکنونه الهی مندرج است پس انرا
ورد خود ساختم که در هر شدتی وبلیتی وخوفی ورعبی توسل بان جستم وحم من کفایت شد وازانچه میترسیدم ایمن
ومطمئن شدم وابواب رزق وبرکت بر من مفتوح شد اما حم مؤمن در کتاب در النظیم اورده که هرکه حروف حم مؤمن را
باد وایت که بعد از وست الی قوله تعالی المصیر کتابت کند وازخود بیاویزد هر حاجتی ومهمی که بر وی باشد
التیام یابد وبتمام زایل کردد اما ق شمه از خواص وی در فصل هشتم از باب اول ایراد یافت وصاحب در النظیم
اورده که هرکه خواهد که اشجار واثمار ومزارع ومداعاوی معمور وسالم باشد وبرکت وضاعف شود باید که
اول اب باران که در فصل ربیع پیدا شود در ظرف نو وعن داده یا اناء چینی یا ظرفی که هنوز مستعمل نشده
باشد ضبط نماید وحروف ق را با یازده ایت که عقب انست الی قوله تعالی کذلک الخروج بر هفت صحن نو
وکلاب بنویسد وباید که بر هر صحن مجموع ایات نوشته شود پس بدان اب باران رقاع را بشوید ودر وقت طلوع
فجر در حین کتابت هفت باران ایات را تلاوت کند پس ان اب معمول را در دل شب در بیخ هر درختی که بریزد
یا در میان مزرعه متفرق بپاشد ان درخت را نشو ونما زیاده شود واکر میوه دار بود میوه بسیار بار اورد
واز افات سماوی وارضی ایمن ماند وبکمال پختکی رسد وخیر وبرکت در ان مزرعه بیفزاید ودانهای ان مزرعه پر

وبالیده اید واز افات سالم ماند اما نون در فصل دهم از باب اول بعضی خواص ان ایراد یافته وبر همان اقتصاد
می افتد وبالله التوفیق
درخواص بعضی از فقرات حروف که باسماء الفلوب موسوم ومعروف
مشتملست بر دوازده فصل فصل اول در صفات وخواص حروف نورانی وظلمانی فصل دوم در خواص حروف علوی وسفلی
فصل سیوم در خواص حروف نواطق وصوامت فصل چهارم در خواص حروف مفاصلات ومواصلات فصل پنجم در خواص
حروف الارکان فصل ششم در خواص حروف سبعه ممتزجه فصل هفتم در خواص حروف متواضید فصل هشتم
در خواص حروف الجان فصل نهم در خواص حروف اصول خمسه فصل دهم در خواص حروف المرجان فصل یازدهم
در خواص حروف اسم اعظم الله تعالی فصل دوازدهم در خواص اشکال سبعه واشکال اسم اعظم جل اسمه تعالی
در صفات خواص حروف نورانی وظلمانی بدانکه حروف باعتبار وقوع ایشان در اوایل سور قرانی وعدم وقوع منقسم بدو قسم
اول نورانی دوم ظلمانی اما حروف نورانی که انرا حروف عالیات نیز کویند عبارت از حروف مقطعه قرانیست که در اوایل
سور واقعند ووجه تسمیه ایشان بنورانی انستکه هیچ اسم از اسماء حق سبحانه از امتزاج ایشان بیرون نیست مکر یک اسم الودود
وحروف نورانی بعد از اسقاط مکررات چهارده است
واین ترکیب شریف مشامل الحروفست
وصاحب در النظیم اورده همچنانکه از منازل قمر بیست وهشت کانه همیشه چهارده فوق الارض ظاهر
وچهارده باطن همچنین از حروف ثمانیه وعشرون نیز چهارده باطن است که عبارت از حروف مقطعه قرانیست وچهارده ظاهر
که باقی حروفست وشیخ ابو العباس بونی رحمه الله در کتاب الواح الذهب از اسحق کندی نقل کند که جماعتی از اصحاب یهود
مثل حیی بن اخطب وابو یاسر وابو صوره وکعب بن اسید نزد حضرت رسالت صلعم امدند وکفتند که بما رسیده

که بر تو الم نازل شده فرمود که بلی ایشان حساب ان حروف کردند و کفتند که از عدد این حروف چنان معلوم میشود
که مدت ملک تو ۷۱ سال خواهد بود انحضرت صلی الله علیه و آله جواب ایشان را نداد و انکار نفرمود بلکه کفت غیر از این حروف
دیکر بر من فرود امده است کفتند ان کدام است فرمود که المص والمر و کهیعص و بر ایشان شمرد انچه از حروف مقطعه
نازل شده بود و ایشان بر خواستند و کفتند که مشکل شد بر ما امر تو یا محمد صلی الله علیه واله وسلم و علمای این فن
از این حروف دقایق و حقایق و خواص و اثار بسیار دریافته اند و از اسمائی که مرکب از این حروف و اعداد ان است
فواید و منافع بیشمار معلوم کرده اما انچه از این حروف مرکب است مثل الله و رحمن و رحیم و حی و علی
و کریم است و انچه از اعداد ماخوذ است مثل الصادق الملک والمانع والجواد والوهاب مثلا کهیعص بحساب جمل
صد و نود و پنج است و از وی اسم صادق حاصل میشود و از ص که نود است اسم الملک و از المص که صد و شصت و یک است
اسم المانع و از طه که چهارده است دو اسم الجواد والوهاب و باقی بر این قیاس و ذکر اسما و خواص ان در مقاله
ثانیه مذکور خواهد شد و مخفی نماند که حروف نورانیه را خواص بسیار است که تفصیل ان در این نسخه نکنجد الحرج
بمجملی از ان اقتصار می افتد صاحب کتاب اللمعه رحمه الله اورده که حروف جاره یا اسمی مقطعات قرانی از برای
دفع عقارب عظیم نافع است چون از ابو جام زجاج نویسند یا قدحی چینی نقش کنند و باب پاک محو سازند تا ساعد
فی النور در مساکن شود و پوشیده نماند که حروف جاره مقطعات قرانی باعتبار جمل مشارقه چهار است
و باعتبار جمل مغاربه پنج است این چهار با حروف و حروف ما عبار جمل مشارقه سه است و باعتبار
جمل مغاربه هم سه و این حروف جاره و یا به بعد از حذف مکررات هشت است

وهم

وهم صاحب کتاب اللمعه اورده که حروف بادده و رطبه مقطعات قرانی از برای نقش حمایات لغایت مفید است چون بهمان
ونیره عمل کنند و حروف بادره مقطعات باعتبار جمل مشارقه سه است و باعتبار جمل مغاربه دو
و حروف رطبه اش باعتبار جمل مشارقه چهار است و باعتبار جمل مغاربه همان حروف چهار کانه است
و این حروف بادده و رطبه بعد از اسقاط مکررات هفت است صاحب در النظیم از شیخ شرف الدین
بونی رحمه الله نقل کرده است که هر که چهارده حرف نورانی را در خاتم فضه نقش کند بطالع ثور وقتیکه قمر در وی بود
و بان ختم کند جمع مرادات وی بخیر و خوبی بر اید و هرکز کیسه وی از زر خالی نشود و هم صاحب در النظیم از
ابو حامد محمد الغزالی رحمه الله نقل کرده که بعضی اهل معرفت از علما راسخین نقل کرده اند که جمعی از اغنیای
صحابه رضی الله عنهم حروف چهارده کانه نورانی را کتابت کرده در میان رخت و بار خود نهاد بامید حفظ
مال و متاع خود و هم غزالی کوید رحمه الله که بعضی از عارفان که در دجله می نشستند حروف چهارده کانه اوایل
سور قرانیه را بر زبان میراندند از وی پرسیدند که این چیست کفت کتابت مکنند این حروف را در منزل و قدر او نکنند
ان را در بر و بحر مکر الله تعالی را ان مکان را که ان کتابت در وی باشد در پناه ادرود و دفع کنند هر بدی را که موجب
نقص مال شود و ایمن بود از غرق و حرق و سرق اما حروف ظلمانی و اشارة از چهارده حرف باقی است که غیر
حروف مقطعه است اعنی و انرا حروف ظلمانی کویند بجهة انکه اصلا از این حروف
اسمی از اسما حسنی مرکب نشده است الا بامتزاج حروف نورانی غیر از اسم الودود چنانچه کذشت و خواص این حروف
نیز بسیار است که بعضی از ان با بعض از خواص حروف نورانی در باب دوم ایراد یافته در بیان حروف

علیه و دنیه بدانکه حروف باعتبار اسما حروف ایشان منقسم میشوند بدو قسم اول علی دوم دنی و مراد بعلی ان

حروفست که قوام ایشان بالف بود و منتهای ایشان همزه باشد وان یازده حرفست

وجموع ان حروف در این الفاظ مندرجست   وباقی حروف که اخر ایشان

غیر همزه است ایشانرا دنی خوانند وان ۱۷ حرفست

و پوشیده نماند که حرف زای از قسم اولست نه از قسم علی زیرا که اخر حرف یا است نه همزه و انکه های

حرف یا همزه نویسند از جمله مغلطات عوامست و بعضی دیگر از علمای این فن حروف علیه و دنیه را بر وجهی دیگر قسمت کرده اند

و هر یک از علی و دنی را دو صنف کرده اند اعلی و علی و ادنی و دنی و نزد ایشان حروف اعلی هفتست

که لفظ   ازان مرکب است و حروف علی نیز هفتست   که لفظ

ازان مرکبست و از مجموع این حروف چهارده کانه الفاظ

ترکیب یافته و فایده این مرکبات انستکه زود بحیطه حفظ در می اید اما حروف دنی هفتست

که لفظ   ازان مرکب است و اگر چه این دو لفظ از پیرایه معنی عاریست اما بجهة سهولت

حفظ این ترکیب یافت پس هر گاه که عامل اراده اعمال محبت و الفت و علو رفعت و جاه و سعادت کند باید

که توسل بحروف اعلی و حروف علی کند و هر گاه داعیه اعمال بغض و عداوت و خواری و مذلت و شقاوت نماید

باید که توسل بحروف دنی و ادنی شود و هر گاه حروف علی با حروف اعلی امتزاج دهد عمل ان در اثبات

محبت و سعادت اقوی بود و اکمل گردد و هر گاه حروف دنی را با حروف ادنی در هم امیزد اثر ان در احداث

علاوه شود ... اشمل

در عداوت و شقاوت اشمل و ادخل بود و هر گاه که حروف اعلی را با ادنی و علی را با دنی مزج کند از انضمام

هیات اعتدال پیدا شود که در امور متوسطه اعمال توان نمود پس عامل طریق کتابی و کلامی در هر عمل از اعمال باید

که این اقسام اربعه را ملاحظه کرده کتابت و قرائت اسماء حسنی و ایات کریمه بر وجهی کند که انحروف مطلوب غالب

شود تا از علم الحمد صلی الله علیه و اله و سلم بحظ وافر محظوظ گردد و بالله التوفیق   در خواص حروف

نواطق و صوامت بدانکه حروف باعتبار وجود نقاط و عدم ان منقسم میشود بدو قسم اول نواطقست یعنی حروف منقوط

که انرا حروف معجمه گویند و قسم دوم انستکه صوامتند یعنی حروف بی نقطه که انرا غیر منقوط و مهمل خوانند اما

نواطق وان ۱۵ است   پوشیده نماند که هر حرفی که

حجاب او زیاده است او اقرب است بمراتب مرکات نقطه او زیادتست پس هر حرفی که حجاب او از حیثیت ظهور و عیانست

مخصوص است بفوقیت اعجام و هر حرفی که حجاب او از حسن مرل و خفاست مخصوص است بسفلیت اعجام و از اینجهتست

که در حروف علیه بمذهب دوم از علماء این فن حروف معجم نمیباشد الا قاف و نون چنانچه در فصل سابق از حروف

علیه معلوم میشود و در حروف دنیه بمذهب ثانی حرف مهمل نمیباشد الا دال و واو و از غایت علو شان اینند و

و امتیاز ایشان از انواع خود که ملحوظ شده اند در سلک اسماء حسنی بران وجه که مرکب شده است از ایشان اسم پروردگار

الودودست و از حروف معجم هیچ از اسماء الهی مرکب نشده است الا غنی و صاد در مکنونه اورده که از این حروف بگانه

نواطق پنج اسم مرکب است   بثث جخذ زشض ظغف قنی پس هر کرا این اسماء را روز یکشنبه وقت طلوع

افتاب بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و استعمال کند در زیر سر نام نهد و اسما را با الحاح بگوید یا مکلم

یا مکلم یا معجل یا مسخر یا الدیا یا لابر یا حابر و مابه و یا ها بر و هابه کلم ان نایم در خواب سخن

کفتن اغاز کند و ما فی الضمیر خود تمام بیان کند و حال انکه بیخبر بود که چه میکوید اما حروف صوامت وان سیزده است

واکر لام الف را حرفی کیرند چنانچه مذهب بعضی از علما این فن است چارده باشد

وصاحب درة مکنونه اورده که این حروف چارده کانه را اسم مرکب ساخته احدر سصط عکل هو هلا

پس هر که این اسما را کتابت کند روز بیست نهم ماه یا وقت خسوف یا کسوف بر صفیحه از سرب سیاه و انرا در زیر

نکینی وضع کند و با خود نکاهدارد ان عقد اللسان باشد که همه حاسدان و غمازان و بدکویان زبان کوتاه کنند

و هیچکس را قوت ان نباشد که در هیچ خلوتی و صحبتی نکوهش و غیبت ان کند و تا ان خاتم با وی بود حال بر این

منوال باشد

در خواص حروف مفاصلات و مواصلات شیخ محی الدین العربی قدس سره در کتاب مدخل اورده

که حروف باعتبار اتصال و انفصال ایشان بما قبل و ما بعد منقسم میشود بدو قسم اول مفاصلات وان شش است

و نزد بعضی از علمای این فن که را علیحده حرفی داشته اند ان نیز از این جمله مفاصلات است و هفت

دوحرف امر قسم مواصلات اند که متصلند باتصال قبلی و بعدی یعنی اکر در اول کلمه افتد متصل میشوند بما بعد

و اکر در اخر افتند متصل میشود بما قبل با ایشان پس هر اجری که انفصال در ان مطلوبست باید که عامل توسل بحروف

مفاصلات جوید و اکر اتصال در ان مرغوبست متوسل بحروف مواصلات شود و در اعمال مواصلت البته از حروف

مفاصلات اجتناب نماید و در اعمال مفارقت از حروف مواصلات احتراز کند تا در عمل خللی واقع نشود و صاحب درة

مکنونه اورده که هر که حروف خواتیم را در چاردهم ماه بر دیوار خانه رقم زند یا بر کاغذی نویسد در خانه محفوظ

کند و خانه از سرق

کند و خانه از سرق و حرق ایمن ماند و اکر بر چوب کشتی نقش کنند از غرق شدن سالم بماند و اکر ان حروف

را کتابت کرده در میان رخت و بار تجارت نهند از مزاحمت قطاع بسلامت ماند و اکر بر صندوقی نویسند

یا بر مدفونی و مخزونی رقم زنند یا در میان قماش نهند از اسیب و زخم خوره ایمن ماند و اکر بر خاتمی

از فضه یا ذهب بود نقش کنند صاحب ان خاتم از جمیع امراض و اعراض بسلامت ماند

در خواص حروف الارکان صاحب درة مکنونه در کتاب خود شکل مربع وضع کرده متساوی الارکان

و حروف بیست و هشتکانه را بر منازل ثمانیه و عشرون قسمت کرده و در هر رکنی هفت منزل و هفت حرف را

که نسبت بان منازلست رقم زده با زواید دیکر و برای حروف هر رکنی خواص و فواید بیان کرده و صورت

ان مربع مجرد از ذکر منازل و غیر ان اینست که با حروف مقصود

رقم زده شد پس فرموده هر که حروف رکن اول را که ترکیبش این است

بر چوبی نویسد و بر اتش نهد بنام هر که خواهد در ان

موضع افتد و اکر بنام پادشاهی نویسد مطیع و فرمانبردار وی

شود و هر که حروف رکن دوم را که ترکیبش اینست بنویسد با ب ریحان بر کاغذی

سفید پاک بنام غایب و در موضعی تاریک نهد یعنی دفن کند و در وقت کتابت ماه مطلوب و مادرش برد

و اکر در ذیل ان حروف تیر نویسد بهتر بود بزودی از ان غایب خبر یابد و بوجهی از وجوه احوال وی معلوم شود

و هر که حروف رکن سوم را که ترکیبش این است بر پوست بره نویسد بشیر کوسفند و دو موم کرفته

بر دام بندند حیوانات بحری بسیار بان دام درایند و اگر در میان آب خانه بسازند و این حروف را دران خانه
بگذارد و بر دیوارهای وی نیز رقم زنند حیوانات بحری پیرامن ان خانه بسیار گردند و از حوالی ان دور نشوند و اگر
ایشان را از ان موضع رم دهند و متفرق سازند باز جمع شوند و هر که حروف رکن چهارم را که ترکیبش اینست
بسیار خوانند و بسیار بر زبان رانند جذب رطوبات کند که از دهان در وقت خواب سیلان
و بدن را قوة دهد و همه قوای ظاهری و باطنی را تقویت کند

در خواص حروف سبعه ممتزجه

بدانکه شیخ در تعلیقه کبری از امتزاجات طبیعیه حروف که بوضعی غیر معروف از تهجی مغاربه تعین کرده هفت
امتزاج باز نموده و بران سبعه ممتزجه خواص و منافع باز نموده و طبایع حروف غیر معروف این است

حروف ناری　　حروف هوایی　　حروف مائی　　حروف ترابی

و طریق امتزاج اینست که حرف اول هر عنصری بگیرند و بکنار رقم زنند
وان چهار حرف شود و این امتزاج اول بود از سبعه ممتزجه و حرف دوم از هر عنصری اخذ کنند و ان
امتزاج دوم بود همچنین تا اخر و بر هر امتزاجی خاصیتی مترتب میشود وان اینست که بر سبیل ایجاز ایراد
میباید اما امتزاج اول　نافع است از دیاد حرارت غریزیه را بران وجه که این حروف را بر حاجی
نقش کنند و انرا بماء العسل محو ساخته بیاشامند　برای ازاله بلغم و دفع رطوبت معده از معده مفید است
بران وجه که این حروف را بر لوحی نقش کنند و از پیش سینه بیاویزند چنانچه محاذی فم معده باشد عاجل النفع
بود اما امتزاج سوم　برای طرد هوام و حشرات است بران وجه که این حروف را بر شاخ گوزن دم

رقم زنند وان شاخ را بر اتش نهاده بسوزانند هر کجا دود که در ان موضع بود فرار کنند اما امتزاج چهارم
برای محبت و الفت و قبول قلوب است بران وجه که این حروف را بر صفحه نقره نقش کنند بطالع جوزا
و عطارد بشرطی که قمر در سنبله باشد و قمر خالی بود تا حامل ان بمقاصد واصل شود اما امتزاج پنجم
برای دفع اوجاع و تسکین الام است بران وجه　بر ظرفی نقش کنند و از ان ظرف
دایم اب بیاشامند و طعام خورند تا صحت روی دهد و اگر کسی در حال صحت بدان عمل مداومت نماید هیچ
دردی و المی عارض نشود اما امتزاج ششم　برای جلب ارزاق و نیل مرادات و ربح در تجارات
و برکت در زراعات است بران وجه که این حروف را بر صفحه ذهب یا فضه نویسد وقتیکه قمر در دلو بود و طالع دلو
باشد فواید کلی مترتب شود اما امتزاج هفتم　برای دفع خوف و رعب است و اطفاء غضب سلاطین
و حکام و امن از اقرباء اعدا بران وجه که این حروف را بر کف دست راست خود نویسد و اگر بر هر دو کف دست نویسد بهتر
بود در ساعت مشتری پس نزد کسی رود از سلاطین و حکام و ظلمه که از وی ترسان و هراسان بود چون نظر ان ظالم
بروی افتد از قهر و غضب خود تنزل کرده بلطف و رحمت بروی تلقی نماید و حاجت وی بخیر و خوبی بر اورد
باذن الله تع

در خواص حروف متواخیه

بدانکه حروف متواخیه ان حروفند که در صورت
مشابه و مماثل یکدیگرند چون اخوان و از این جهة ایشانرا متواخیه گویند وان ١٨ حرف است ب ت ث
ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ صادره مکنونه او برده است که هر که این حروف را بمشک و زعفران
و شیر زنان بنویسد و ذیل بر جامه بندد و همیشه در وقت مباشرت شوهر با خود نگاهدارد پسر زاید و این

در اعمال الفت و محبت مفید است چون بشرایط عمل قیام نمایند — در خواص حروف الجان صاحب دره مکنونه
اورده که ده حرف است که انرا حروف جان گویند بجهة انکه چهار اسم از ان حروف ترکیب میشود که ان اسما بر ناصیه
بعضی از جنیان مکتوبست و ان حروف بعد از اسقاط مکررات اینست — و از این حروف عشره
در وقت ترکیب اسما ازبعدم حرف که دال و لام و واو است مکرر میشود دال سه بار و لام سه بار و واو یکبار
و ان اسما اینست دلمذل صدصد قفکل مرد پس هرکه این اسما و حروف را با خود نگاه دارد از مضرت
جن و علت صرع و جنون و خوف و امثال ان محفوظ گردد و اگر بر طفلی بندند که در خواب میترسد هراس از ان خوف
و هراس از وی زایل شود و اگر در دل کسی اضطراب و قلقی باشد این حروف را با خود نگاه دارد ان دغدغه
تسکین یابد و دل وی اطمینان پذیرد باذن الله تعالی — در خواص حروف اصول خمسه صاحب دره
مکنونه اورده که پنج حرفست که اصل حروف عربیه است و باقی حروف پیدا شده است کما ان این پنج حرف
صورتیا مثه و تحقیق و تفصیل ان در کتاب مذکور ایراد یافته و شرح ان لایق این مختصر نیست چه مقصود ما ذکر خواص حروف
و اسما و آیات و سور است بی طی این بساط کرده بمجرد بیان خواص الحروف اکتفا مینماید و در انکتاب اورده که هر حرفی از این
حروف را اسمیست از اسماء حسنی که چون عاملین قصد عمل کنند باید که ان اسما را بان حروف جمع سازند و ان حروف را
اسمی خود در لوح المحفوظ بر این صورتست مرقوم است پس هرکه این صورت بر ورق اهو بمشک و زعفران بنویسد و با خود نگاه
دارد از همه افات و عاهات در امان باشد و هرکه این شکل را بر خاتم عقیق نقش کند و با خود نگاه دارد
از هیچ سحر بروی کار نکند و اگر مسحور کرده باشند چون حامل وی شود سحر باطل گردد

و اگر کسی این شکل را بر نگین ذهب یا فضه نقش کند وقتیکه قمر در شرف باشد صاحب این خاتم نزد سلاطین و اکابر همه
عزیز و محترم و مکرم باشد و خواص این شکل بسیار است از خوف اطناب بر این قدر اقتصار افتاد و هم صاحب دره مکنونه شکل
جامع این حروف خمسه و اسماء ایشان اورده مشتمل بر چهارده حرف الف و هفت جیم و سه را و شش نون و دو میم
با اسماء ایشان بهمین اعداد بر این صورت پس هرکه این صورت را بمشک و زعفران و شجرف و گلاب بنویسد وقت
طلوع افتاب روز یکشنبه و با خود نگاهدارد اطفاء غضب عامل و غضب
معمول له کند و از جانبین صلاح و سداد پیدا شود و کدورت و نفاق
از میان برخیزد و هرکه این شکل را با خود نگاهدارد ابواب رزق
بروی مفتوح شود و از افات و فتن خاصه از حرکت مفاجات ایمن گردد
و اگر این شکل را بر نگین ذهب نقش کند در وقت شرف افتاب در خواص
که مذکور شده فعل قوی تر بود و تاثیر عظیم کند — در خواص حروف عجمیه و هندیه اما حروف عجمیه صاحب
دره مکنونه در اخر کتاب خود اورده که حروف عجمیه چهار است و ان غیر حروف عربیه است که
است و بخط قدیم اهل عجم بر اینصورتست — پس هرکه این حروف را
کتابت کند بر جبهه انسانی بانگشت مسبحه وقتیکه بر نهار بود ان انسان محفوظ بود از ضرر جن و انس
و هیچ سحر بروی کار نکند و لهو کنند از مار و کژدم ضرر بوی نرسد و انکس در میان مردمان وجیه
و مطاع بود و اگر این حروف را بر جبهه طفلی نویسند در خواب و بیداری از فزع و ترس ایمن گردد

واکر این حروف را بر حریر سفید نازک نویسند و در زیر نکین نقره نهند صاحب انخاتم در میان خلق مهاب و مطاع
بود و رونق و روزی وی کشاده شود و نزد امرا و سلاطین مقبول و محترم باشد و در همه دلها محبوب بود و اکر
این حروف را بر ورق ترنج نویسند و در روغن زیت پاک بجوشانند اندازند هر کس از ان روغن بر عقد
درجبیه مالد هر که را نظر بروی افتد وی را دوست دارد و اکر حاجتی خواهد بی توقف روا کرداند و اکر در غضب
و خشم بود تسکین یابد و فواید این حروف بسیار است لیکن برین قدر اختصار افتاد اما حروف هندیه صاحب ضادره
مکنون اورده در اخر کتاب خود که حروف هندیه شش است و این غیر حروف عربیه و عجمیه است و بخط ایشان صورت
این حروف این است و اینصورت عجیب

غریب است در هند و کویند چون ادم علیه السلم بر سراندیب نزول فرمود بزبان هندی سخن کفت و این دلیل است
بر انکه حروف هندی متقدم است بر عربی و عجمی و برین حروف اعمال بسیار است که بحیطه حصر در نیاید و از انجمله
اینست که چون کتابت کنند این حروف را در طاسی بمشک و زعفران و کلاب و بر اب غسل دهند محو سازند صاحب
ناسور و باسور و نقرس و برقان و حنا و طحال و کباد و ذات الصدر و ذات الجنب از ان شربت سازد و بیا شامد
از امراض مذکوره و سایر اوجاع درونی و بیرونی شفا یابد و اکر کسی این حروف را بر لوحی از نحاس یا فضه کتابت کند
در اول حمل زنان بشرطی که قمر از عقرب دور باشد و نحوس متصل و حامله ان لوح را با خود نکاه دارد چنین از سقوط
ایمن باشد و ان حامله بسلامت و سهولت بار نهد و حامل ان لوح از سحر و ضرر جن و انس محفوظ ماند باذن الله

در خواص اسم اعظم الله لم یزل صاحب شمس المعارف اورده که حروف اسم اعظم چهار است

وهمچنین طبایع چهار

وهمچنین طبایع چهار است که حرارت و برودت و رطوبت و یبوست است و اقطار چهار است که مشرق و مغرب و شمال
و جنوب است و ملائکه حملهٔ عرش از مقربین چهارند که جبرئیل و اسرافیل و عزرائیل و میکائیل است و این چهار
مقرب را چهار روز است که مخصوص ایشانست اما جبرئیل را روز دوشنبه است و وی بارد یابس است و رطب
و اسرافیل را روز پنجشنبه است و وی حار رطب است و عزرائیل را روز شنبه است و وی بارد یابس است و میکائیل را
روز چهارشنبه است و وی حار رطب است طبایع اربعه در وی جمع است و این چهار فرشته را چهار خاتم است یکی
متسع یعنی لوح ۹ در ۹ و ان تعلق بجبرئیل دارد دوم خاتم مربع یعنی ۴ در ۴ و ان تعلق باسرافیل
دارد سوم خاتم مثلث یعنی ۳ در ۳ و ان تعلق بعزرائیل دارد چهارم خاتم مثمن یعنی لوح ۸ در ۸ و ان
تعلق بمیکائیل دارد پس چون طالبی داعیه عمل کند بر حروف اسم اعظم باید که معنا انرا در خیر و شر
و لطف و قهر ملاحظه طبایع و اقطار و ملئکه و خواتم ایشان کند چون عمل وی در خیرات بود و این
حروف چهارکانه را در خاتم متسع یا مثمن رقم زنند و خاتم متسع اولی بود پس ان لوح را بر کاغذ سفید یا نکین
فضه خالص در روز دوشنبه وقت طلوع افتاب رقم زنند و در ان حین زاید النور و الحساب باید و در شرف
اولی و مسعود ناظر و از نحوس پاک و اکر عمل وی در معصیتی بود نعوذ بالله منها جز حرمان و خسران و عدم اجابت
نتیجه ندهد اما اکر برای دفع ظالمی و فاسقی عمل کند و غرض وی خلاصی مضطرین باشد باید که این حروف را
بنام ان ظالم و فاسق در خاتم مثلث یا مربع نقش کند و خاتم مثلث اولی بود و این رقم وقتی باید که قمر در محاق
بود متصل بزحل یا مریخ و باید که در اعمال خیر تبخیر بویهای خوش کند مثل عود و عنبر و در اعمال شر بعکس ان مثل کندر

وسند روس واکر وقت عمل قمر در برج اتشین باشد معمول را بالای اتشکده در اویزد واکر در برج هوایی بود
از صبی در اویزد واکر در برج ابی بود بالای حوض پر اب یا نهر جاری در اویزد یا در میان انبوب نهاده
شبه انرا بموم محکم کرده سر بجوی اب دهد واکر در برج خاکی بود در زیر استانه خانه خود نهد اکر
در امور خیر است در زیر استانه خانه خصم واکر در امور شر است دفن کند تا مقاصد کلیه بسهولت بر اید
وصاحب در مکنون برای حرف اول و اخر اسم اعظم که   است خواص بیان کرده وفرموده
که اکر کسیرا در عضوی از اعضا مرضی عارض شود مثل ورم یا صداع یا غیران باید که حروف عربی اسم ان
عضو را بکیرد و مابین الف وها رقم زنند مثلا از برای دفع ورم بکیرد حرف عین را و در میان
بطریق اتصال یا انفصال بر این وجه   دوم بر این وجه
پس ان نوشته را از خود بیاویزد چنانچه نزدیک بان عضو بود بزودی مرض وی زایل شود
وطریقی دیکر در امتزاج ان حروف اینست که هر حرفی از حروف ان عضو بعد از الف وها رقم زنند بطریق
اتصال یا انفصال اول بر این وجه   دوم بر این وجه
وهر دو امتزاج صحیح است و در ترتب نتیجه اثر تمام دارد والسلم   در خواص اشکال سبعه و اشکال
اسم اعظم خدای تعالی اما اشکال سبعه اینست
وچون اکثر این اشکال و اشکال اسم اعظم مشتمل بر حروف بود لاجرم در بیان حروف ایراد نمود وصاحب کتاب شمس المعارف
اورده که حضرت مقدسه امیر المؤمنین مرتضی علی علیه الصلوة والسلم در صفات و خواص این اشکال سبعه یازده بیت انشا فرموده

وان ابیات شریفه را در کتاب خود ایراد نموده واز انجمله این بیت است که در اشکال سبعه صفت فرموده ثلث عصی صففت بعد خاتم
علی راسها کسنان المقوم انه عصا صف بر کشیده که نام از سه الف است که شکل دوم است وخاتم که این الفها بعد از او است اشارت
بان دو مثلث متساوی الاضلاع است که شکل اول است وانسنان مقوم عبارت از مدیست که بر بالای ان سه الف کشیده ومیم طمیس ابتر
ثم سلم الی کل مطلوب ولیس بسلم میم طمیس است میم که چشم وی پر شده وابتر که دنباله ندارد وانشکل سیم است وان نردبان است که سبب
ترقیات بهمه مطالب ومقاصد است ونردبان کنایت از دو الف است که بسبب ایات نزول بهم پیوند کرده اند وانشکل چهارم است واربعة مثل الاصابع صففت
تشیر الی الخیرات من غیر معصم وان چهار الف صف کشیده که اشارت بخیرات میکنند عبارت از چهار انگشت است که بعد از سلم مرقوم است شکل پنجم است
وهاء شقیق ثم واو منکس کانبوب حجام ولیس بمحجم وها شقیق عبارت از حرف ها است که هر دو چشم وی منشق شده باشد منطمس وانشکل ششم است
وواو ان واو است که دنباله او کشیده باشد مثل شیشه حجام وحال انکه نه حجام است وانشکل هفتم است فیا حامل الاسم الذی لیس مثله
توقی به کل المکاره تسلم سفر یاندای بردار ان اسمی که نیست مثل او نیز پرهیز بوی از همه مکروهات تا سالم مانی ودر کتاب
جفر جامعه که حضرت امام جعفر الصادق علیه السلم از حضرت امیر المؤمنین نقل فرموده که فرمودند هر که این اشکال سبعه را در سفر
میان رخت وبار خود نهد از غرق وحرق وسرق ایمن ماند ودر این کتاب شریف حضرت امام چیزی بر این افزوده وان هفت
رقم هندسی است که در مثلثات خاتم ووسطان رقم زده اند وانرا در حصول نتیجه اتم دانسته اند وصورت این است
واز ذو النون مصری رحمه الله تعالی منقولست که کفت اکثر این اشکال سبعه متضمن اسم اعظم الله تعالی است وبغایت
سریع الاجابت است چون ویرا در دعا شفیع سازند واز ابو درداء رضی الله تعالی عنه مرویست که کفت
هر کس این اشکال سبعه را در سه حرز امتحان کردم از شمشیر بران تیزتر دیدیم اول انکه در هیچ کشتی

نباشد الا انکه بسلامت بکنار رسد واکر این اشکال سبعه را بر بضاعتی نویسند از دزدان ایمن بود
دوم انکه در هیچ خانه نباشد الا انکه از سوختن ایمن ماند سیوم انکه در میان هیچ رخت و بار نباشد
الا انکه از تصرف دزدان و تسلط قاطعان طریق بسلامت ماند و ابن عراق رحمه الله گفته است
که چون این اشکال سبعه را بر بضاعت خود نویسد باید که از عقب او این دعا را نیز بنویسند و بخوانند
تا حرزی و پناهی باشد آن بضاعت و متاع را و دعا اینست یا من له الاسماء الحسنی احفظ هذا الشیء
من جمیع الافات بما حفظت به الذکر فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل انا نحن
نزلنا الذکر وانا له لحافظون برحمتک یا ارحم اما اشکال اسم اعظم صاحب کتاب در
النظیم اورده که بخط مبارک شیخ ابو الحسن شاذلی دیدم که فرموده است اکر نزد بعضی از عرفا
شایع است که اسم الله الاعظم وقسم من اقسام الله المکرم این اشکال است و صورت
آن تمام و کمال اینست

وهم صاحب در النظیم اورده که بعضی از محققان بر انند که اسم اعظم مبارک ادای این اشکال است

وهم صاحب در النظیم فرموده که بعضی دیگر از اکابر گفته اند که اسم اعظم این اشکال است
پس هر که حامل این اشکال شود بر همه مرادات فایز گردد باذن الله
تعالی در خواص حروف مروجات از لوح مثلث که محتویست بر اعمال لطیفه

ومشتمل بر [illegible] در ضمن دوازده فصل

باب چهارم در خواص حروف مروجات از لوح مثلث که محتویست بر اعمال
لطیفه و مشتمل است بر بیست عمل در ضمن دوازده فصل فصل اول در ایجاد
محبت و مودت در قلوب فصل دوم در احداث مودت قوی در نفوس
فصل سیوم در القاء دوستی مفرط که بسرحد جنون رساند فصل چهارم در ازدیاد
محبت مفرط در نفوس فصل پنجم در ایجاد مهر و میل کلی در قلوب فصل ششم
در احداث میل و محبت در قلوب سلاطین و حکام فصل هفتم در القاء محبت
عظمی در نفوس اکابر و اعیان فصل هشتم در زیاده کردن محبت دوستان
و دوست کردانیدن دشمنان فصل نهم در مهربان ساختن منازعان
و مطیع کردانیدن مخالفان فصل دهم در ایجاد محبت تام در نفوس کافه
انام از خواص و عوام فصل یازدهم در فتح ابواب خیرات و تیسیر مرادات که
فصل دوازدهم در تسخیر قلوب سلاطین و حکام و این عمل منسوب است بحضرت
امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام فصل اول در ایجاد محبت و مودت
در قلوب صاحب سر المصون اورده که هر که لوح مثلث را بنوک سوزن
پولاد بر سیبی مدور و خوش بوی تر درست نقش کند بتمام و کمال مشحون
بحروف مزوجات اعنی بدوح و خالی از حروف مفردات اعنی طزجا

باکلمات اربعة قوله الحق وله الملك وباحروف عشر که بعض حقیقی
واسماء سته ملائکه واسماء ملائکه علوی وسفلی ان روز وحروف واشکال
ان روز وحروف چهار با اسم مطلوب ومادرش در قلب نویسد بهمان نوك سوزن
بر وجهی که پوست سیب شکافته نشود ودر آن اثنا پنج آیت عزیمت را
چهل وپنجبار وآیت محبت را بیست بار بخواند وبران لوح نفث کند واگر ان لوح را
بتمام وکمال بر قطعه شکر نویسد هم روا بود پس اهتمام نماید که آنکس که وا داد ست
ان سیب را بوی کند وبخورد یا ان شکر را تناول نماید اثر عظیم ظاهر شود
از محبت عامل در دل معمول له واگر کسی همین لوح مثلث را بتمام وکمال چنانچه گذشت
بر ظرف چینی نوضو نویسد پس دست راست خود را وقتی که بر طهارت کامل
باب پاك دران ظرف شوید وبان اب ان لوح را محو سازد وسعی نماید که
معمول له ان اب را بیاشامد بر وجهی شود که یك طرفة العین بی عامل نتواند بود
از غایت الفت ومحبت **فصل دوم** در احداث مودت قوی در نفوس صاحب
سر المصون میگوید که اگر کسی این خاتم محکم را بتمام وکمال بنویسد بر طاس حمام
بمشك وگلاب وزعفران وایات عزیمت را چهل وپنجبار بروی خواند وبخور
وعنبر ومصطکی بخور کند وایت محبت را بیست بران طاس نفث کند وهر بار

که ایت محبت را بخواند از عقب ان بگوید یقع محبة فلان بن فلانة
من فلان بن فلانة فی قلب فلان بن فلانة پس ان نوشته را بگلاب وعرق زنبق
سفید محو سازد وبعضی ازان اب معمول را در روی خود مالد وجهد کند
که بعضی دیگر را معمول له بیاشامد ودر اینحال که نزد معمول له رود ایت
محبت را بیست ودو بار در روی خواند محبت والفت وی بر دل ان شخص بغایت
غالب اید واگر کسی این خاتم را با مجموع انچه نوشتنی است بنویسد بمشك
وزعفران واب ریحان در پیاله سبز نویسد ایات عزیمت را چهل وپنجبار
وایت یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله را بیست وپنج بار بران
پیاله خواند ودر اثر روز که این کتابت کند ملك ان روز را خطاب کرده بعد
بعد از تلاوت ایات هر بار بگوید توكل ایها الملك فلان بتهییج فلان بن
فلان لفلان بن فلانة بالمحبة الروحانیة وبعد از اتمام کتاب وقرائت ده شب
انرا تنعم کند پس باب طاهر فاتر ان نوشته را محو سازد وجهد کند که
معمول له انرا بیاشامد از محبت عامل بر وجهی شود که یك طرفة العین
بی وی ارام نتواند گرفت **فصل سوم** در القاء دوستی مفرطه که بر حد
جنان رساند صاحب سر المصون اورده که اگر کسی بر هفت قطعه نان

یعنی حروف کهیعص و حمعسق ۳
۳ یعنی کلمات قوله الحق وله الملک تا شدم

هفت بار لوح مثلث را بنویسد با حروف مزوجات و ارقام عددی ایشان
لیکن خالی از حروف عشره و کلمات اربعه قرآنی و اسماء ملائکه اما هر چهار
دو قلب و تم زند با اسم مطلوب و مادرش و ایات عزیمت راجهل و پنجبار
بران لوح خواند و اسماء ملائکه اثر و زرا نام برد و از ایشان استعانت
جوید بعد از ان در ذیل هر لوحی از ان الواح سبعه کلمه از این کلمات سبعه
کتابت کند و اگر مطلوب زنی بود و ان هفت قطعه نان را بجهت سگ
ماده دهد و اگر مرد بود بخور سگ نر دهد تا اجابت بیند و ان کلمات اینست

صحا صله طلعا سحاعا براسهل فعسلا هلمعه

و اگر کسی بگیرد هفت برگ زیتون از هفت درخت و اگر زیتون نباشد
سنجد و بر هر یکی لوح مزوجات را با انچه نوشتنی است غیر حروف عشره
و کلمات اربعه و اسماء ملائکه بنویسد و انچه خواندنی است از آیات عزیمت
محبت بر وی بخواند و نام اسماء و اعوان از وزرا برد و از ایشان استمداد
جوید پس ان هر برگهای نوشته را با بخور قشر حلب و برگ سداب
دود دهد و در این محل بتکرار اسم یا قریب با سریع مشغول گردد و بعد حروف
مکتوبه یا مبسوطه ایشان بخواند بعد از آن ان برگها را در شب تار
تنها

یعنی کهیعص و حمعسق
یعنی کلمات اربعه قوله الحق وله الملک فقط

تنها چنانچه هیچ احدی بران اطلاع نیابد ببرد و در گلخن حمامی که آتش
میکنند بیفکنند تا امور عجیبه و خلجه عزیزه از جانب معمول له دریابد
باذن الله تعالی **فصل چهارم** در ان دیار محبت مربوط در نفوس صاحب سلطنت
اورده که هر که این خاتم را بر هفت ورق بنویسد خالی از حروف و ایات
و اسما لیکن ایات عزیمت راجهل و پنجبار و ایات محبت را بیست بار که بران
نوشته خواند و ایه و انزلنا من کل فج عمیق را نیز بیست بار بخواند تلاوت کند
و بمصطکی و میعه و از دوات اجمی بخور کند پس در هر شبی یک ورق را
از معمول بر آتش نهد در منزل خالی که هیچ احدی بران اطلاع نباشد
چون هفت روز بگذرد و ان هفت ورق بسوزد مقصود بر وجه اتم
بحصول پیوندد و اگر کسی بگیرد رقعه از پیرهن مطلوب که بر تن وی شده
باشد و عرق وی بران رفته و لوح مثلث را با حروف مزوجات رقم زند
خالی از حروف عشره و کلمات اربعه و اسما ملائکه پس ایات عزیمت را و محبت را
بعددی که مکرر مذکور شده بران لوح خواند و در ذیل آن شکل مستطیل
بکشد بان صورت که در اخر این فصل رقم میشود و هر حروف مزوجات را
هم بهیات حرفی و هم بصورت رقمی در ان شکل رقم زند و ایات عزیمت را

ومحبت را بعد مذکور بران شکل نه بخواند وایت و لما جاء موسی لمیقاتنا
الی قوله صعقا وایت اول اتی امر الله وایت یوم نبطش البطشة الکبری
انا منتقمون را بیست بار بران لوح و شکل مستطیل خواند واین عمل در روز یکشنبه
کند و ملک علوی و سفلی ان روز را مخاطب ساخته از ایشان استعانت جوید
و بعد از تلاوت ایات بگوید توکلوا یا ابانوخ میمون السحابی وانت یا صاحب
هذا الیوم حصفیائیل بتهییج فلان ۲ فلانه علی حب فلان ۲ فلانه پس ان رقعه را
فتیله سازد و در چراغدان سبز نو نهد و پر از روغن زنبق کند و بر افروزد و
روی بمنزل مطلوب و در حال سوختن ان فتیله هم بتلاوت ایات محبت و عزیمت
و محبت بعد مذکور مشغول کند تا ان فتیله سوخته گردد مراد بابلغ وجوه
حاصل شود و اگر در حصول مقصود تاخیری واقع شود باز عمل را از سر گیرد تا سه بار
البته مراد حاصل شود باذن الله تعالی و صورت شکل مستطیل اینست

۴۲ وج بدوح ب وح
۸ ۲ ۷ ۶ ۴ بدوح ب ود

در ابجاد مهر و مثل کال در قلوب
صاحب سر المصون گوید که اگر کسی وفق مثلث را خالی از مفردات و حروف عشره
و کلمات اربعه و اسماء ملائکه رقم زند بر رقعه از لباس مطلوب که بر تن وی
سوده باشد و به بوی عرق وی گرفته حنه پس این حروف را در ذیل ان مثلث
کتابت کند

کتابت کند
ها ما ها و و لو نک و و ک و و و و و ر د م ر ما هو س س س س ع ع ع ع ع ع
ع ک و ز ک انگاه ایات عزیمت و محبت را بعدد مذکور بخواند بس ان رقعه را بسوزد تا عجایب
مشاهده نماید و اگر کسی لوح مزوجات را که خالی از حروف عشره و کلمات اربعه و اسماء ستة ملائکه بود خرقه که
از جامه دوستی مطلوب گرفته باشد بمشک و گلاب و زعفران و باران لوح این حروف و کلمات و طلسمات را رقم
زند در و دو دن و و و و د د د د ها ما عکسه عرعه هوه ه
هم د د و مصعه الاما هیحو انلاها ما ما ما ه مه
فهجه العل العلهی هی هسا هسا عجل عجل
پس ایات عزیمت و محبت را بعدد معلوم تلاوت کند و بعد از هر قرائت بگوید هیجوا و احرقوا قلب فلان
بن فلانه علی حب فلان بن فلانه الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة بعد از ان خرقه را بسوزد تا عجایب و غرایب
ملاحظه نماید فصل ششم در احداث میل و محبت در دل سلاطین و ملوک و حکام صاحب سر المصون گوید
که اگر کسی بنویسد بمشک و زعفران و گلاب بر ورق اهو بره این لوح شریف را بتمام و کمال خالی
از حروف مفردات و مثلث مزوجات و حروف عشره و کلمات اربعه قرآن و اسماء ستة ملائکه عرش و ایات
محبت را بخواند بعدد مذکور و بعد از ان بخور کند و سوره انعام را بیست یکبار بخواند پس چهار رکعت نماز
گذارد بیک سلام و این لوح را در موضع سجود خود نهد و بعد از سلام سجده کند و حاجت خواهد پس لوح را بر جبهه
خود و صندل احمر دارد و در ادیم طایفی بپیچد و در عمامه خود نهد و مضبوط کند و نزد سلاطین و حکام و ارباب جاه

وحشمت بود چون نظر ایشان بروی افتد از غایت محبت ووی بر دل ایشان خوش شود وهر حاجت که داشته باشد خواه اظهار خواه الخفا کند روا کنند ونیز این لوح در عمامه وی باشد محبوب سلاطین وحکام وارباب اقتدار واختیار بود واگر کسی این لوح مبارک را بالخیر نوشتنی کتابت کند بر حریر سبز واسم مطلوب ومادرش را با حروف هاء در قلب نویسند واسم طالب ومادرش را نیز بر ظهر لوح در محاذی اسم مطلوب نقش کند واگر در سایر اعمال هم چنین کند اولی بود پس ایات عزیمت ومجیر العدد معلوم تلاوت کند وبر ان لوح نفث کند وبعود وعنبر بخور کند وانرا بر سر پایه که از چوب انار سرخ باشد معلق اویخته بر رشته ابریشم سبز بر پای بلند شب متصل بهم کند بعد از ان فرو دارد ودر موم کیرد که از شمع مجلس عروسی کرفته باشد پس در میان حریر احمر بعد از ان در حاشیه خود وضع کند ونظر مطلوب از پادشاه وغیره وی محبت عجیبه مشاهده کند واگر اول را معمول در زیر درختی که نزدیک اب روان باشد در موضع پاک سه روز دفن کند پس بردارد وبر بازوی بندد عجایب بیند

فصل هفتم در الفت وعشق وعظما در نفوس اکابر واعیان صاحب سر المصون گوید که اگر کسی هفت جزو در روز ان اخالی کند وبنویسد لوح مزوجات را خالی از حروف عشره وکلمات اربعه واسماء ملائکه بر هفت ورق وهر ورق را در هر روز جزوی استوا کند وایات عزیمت ومجیر العدد معهود بخواند ونفث کند پس یک یک را بتدریج در اتش قوی می اندازد وهر باری میگوید ایها السید الاعظم میططرون تهیج فلان بن فلانه تهیج قلب الملک الفلانی او الحاکم الفلانی او الوزیر الفلانی علی محبة فلان بن فلانه ودر ان روز کرا انعمل میکند هم از ملک علوی وهم از ملک سفلی از رفعت جهان عنوان مدد خواهد تا مقصود بر وجه تمام حاصل شود واگر کسی بکرد

مع جوان سیاه در روز چهارشنبه وانرا پاک شوید ولوح مزوجات را بر ان بسیط بنویسد خالی از حروف عشره وکلمات اربعه واسماء ملائکه بر ایات عزیمت ومجیر العدد معین تلاوت کند وبر ان لوح دمد پس بخور کند بهفت قطعه نمک طعام وهفت قطعه یا شبه وهفت پاره لبان پس این اشکال را در ذیل ان لوح بنویسد

٣ د ل ١٨ ح ی م و دود ...

بعد از ان از ملائکه علوی وسفلی که تعلق بروز چهارشنبه دارند مدد خواهد وحروف واشکال ابو زیرا نیز بعد از این اشکال بنویسد پس از اتمام عمل انرا در اتون حمام اندازد تا عجایب ببیند وغرایب شاهده کند

فصل هشتم در زیاد کردن محبت دوستان ودوست کردانیدن دشمنان صاحب سر المصون گوید که اگر کسی این وفق مزوجات را باتمام وکمال با مجموع الخیر نوشتنی کتابت کند بخون کبوتر سفید وکلاب وزعفران بر برگ نارنج اگر عمل برای مرد است بخون کبوتر نر واگر برای زن است بخون کبوتر ماده پس ایات عزیمت ومجیر العدد مقرره بخواند انگاه انرا در میان حقه بعید از چوب زرد وبعمل الارق وعنبر وعود احمر بخور کند پس در میان مومی که از شمع سرای عروسی کرفته باشد ...... بار بر ان بخواند بعد از ان از کردن خود بیاویزد تا عجب العجائب مشاهده کند واگر کسی دو ورق بگیرد وبر یکی لوح مزوجات را باتمام کتابت کند وانچه نوشتنی مجموع را بر هر دو رقم کند وبر هر یک ورق با حروف هاء در قلب نام مطلوب ومادرش بنویسد وبر ورقی دیگر در قلب نام طالب ومادرش قید کند وبر ورقی مستطیل این حروف وارقام عظیمه را کتابت کند

١٣٣١٥١ اکحا ١م ٣

اللا اسا هو معا معار وهم ١١١ هو ططا ام ما العل العلا مع المحوس فلان پس این سطر مستطیل

در میان آن دو حرف که در برابر یکدیگر گذاشته باشند بنهد و آیات عزیمت و محبت را بعدد معهود بر او قرائت
بخواند پس آیت و رددناه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن را نیز هفت بار بخواند و بران او را نفث کند پس
و لادن بخور کند و بموم شمع عروسی محفوظ کرده اند و در آنجوب نقره یا پولاد نهد و بر بازوی راست بندد تا مشاهده
عجایب و غرایب کند و استعمال از برای دو کس که بهم نزاع و دشمنی داشته باشند و برای زوجین و الفت ایشان
بیکدیگر بغایت لایق است **فصل نهم** در مهربان ساختن متنازعان و مطیع کردانیدن مخالفان صاحب سر المصون
گوید که اگر کسی این وفق عظیم را بتمام و کمال بمشک و گلاب و زعفران بر ظرف چینی یا بلور یا از جام نو بنویسد و در
دل آن اسکلات و حروف را رقم زند حدر ممم صد طه طه طه ببببب ن وووو
ووس س س س س س ف م ه ١٦٤ سهههمل بعد از آن بخور کند
بعود و عنبر و صندل و آیات عزیمت و محبت را بعدد معلوم بخواند و نفث کند و آیت و نزعنا ما فی قلوبهم من غل
الایه را نیز بسیار بخواند و بران دمد بعد از آن نوشته را باب باران نیسان محو سازد و بدان دشمن مخالف
متنازع اسقا و اشراب کند اگر هزار دشمنی و هزار خون در میان بوده باشد بصلح و وداد و محبت و الفت مبدل شود
و این عمل از برای ملوک و ارباب دول مناسبست که مخالفتهای عظیم بآن برطرف شود و مصلحتهای کلی
در ضمن آن وجود میگیرد **فصل دهم** در ایجاد محبت تمام در نفوس کافه انام از خواص و عوام صاحب سر المصون
آورده که هر که بگیرد قطعه صابون شامی یا رقی بنام هر که خواهد از خواص و عوام و از آن صابون صورت آدمی
بتراشد و لوح مزوج را بتمام و کمال با مجموع آنچه کتابت کرده است بر سینه آن صورت رسم کند و بر پشت وی

ابد بحو لهم

ابد بحو لهم کحب الله الآیة نقش کند پس این صورت معمول را از سه پایه در آویزد که از چوب انار ترش
ساخته باشند برشته ابریشم قرمزی پس خرقه از جامه درونی مطلوب بدست آرد و اسم وی و مادرش
و اسم طالب و مادرش را با حروف بدوح در میان سطر بر آن خرقه رقم زند و آن را فتیله سازد در
چراغدان سبز نو نهد و پر از روغن زیت پاکیزه نماید و بر افروزد پس بلبان و عود و صندل بخور
کند و در آن حین آیت و لما جاء موسی لمیقاتنا الی قوله صعقا و آیه اول از سوره اتی امر الله و آیت یوم نبطش
البطشة الکبری انا منتقمون را بیست بار بخواند و این عمل در هر شب شنبه کند و ملک علوی و سفلی از فرمان را
خطا کرده بگوید توکل یا ابو نوح میمون السحابی و انت یا صاحب هذا الیوم حصفیاسل بتصحیح فلان بن فلانه
علی حب فلان بن فلانه پس آیات و عزیمت محبت را بعدد مقرر بخواند و علامت صحت عمل و اجابت حاجت آنست که
بعد از قرائت آیات عزیمت و محبت و تلاوت آیات دیگر و بعد از استمداد از اعوان آن صورت صابون که از آن
سه پایه معلق است در حرکت آید پس چون علامت ظاهر شود فی الحال ترک بخور سوختن و عزیمت خواندن کند
و آن صورت را از آن سه پایه فرود آورد و در جای پاک مخفی سازد و مقصود بر وجه دلخواه حصول انجامد
و هر گاه که خواهد آن محبت را تجدید کند آن صورت را باز از آن سه پایه آویزد و این آیات و عزیمت را بخواند
علامت مذکوره بظهور آید و آن صورت حرکت کند و بتازگی بازار محبت قوت گیرد و مهر بر مهر افزاید باذن الله
فصل یازدهم در صبح باخرات و تسخیر مرادات صاحب سر المصون آورده که اگر کسی بگیرد کاغذ و زعفران پس مثلث
مزوج را بتمام و کمال در آنجا بنویسد در روز نوروز و بر ظهر آن آیات عزیمت و محبت را نیز کتابت کند و بعضی اسما

حروف و اشکال را که در اخر این فصل ایراد می یابد در ذیل این لوح رقم زند بعد از ان ایات عزیمت و محبت را صد بار

بعدد مفرده بخواند و بر ان لوح می دمد انگاه ایت فاذا جاء وعد ربی جعله دکا و کان وعد ربی حقا

تلاوت کند و سوره اذا جاء نصر الله والفتح و اسم الفتاح را صد بار تکرار نماید و این عمل را روز دوم

روز دارد پس معمول را در موم سفید گرفته و در خرقه پاک سفید بپیچد و بر بازو بندد حق سبحانه و تعالی درست

وی گشادی دهد که هر قفل بسته را که خواهد بی کلید بگشاید و هر جا که دفینه کان باشد توجهی از وجه

بران اطلاع یابد و خیر و برکت و جمعیت و وسعت رزق و روزی وی را حاصل شود و اثر این عمل یکسال بماند

و تا هفت روز دیگر خاصیت دهد و ان اسما و حروف و اشکال که بعد از لوح باید نوشت این است طهیه

اذونی ویا بنطقونش یابنوطوریش اشطیطش هیطغفطش شو میطرطون بنهیطا بنصیطا

سعصم کسهور کسهور بکتموک بلالطیقا هوی اهوی هوی ماطاب اوه اوه اه اه

افتح افتح شامخ لاخ مکتینا مکمینا

فصل یازدهم

در تسخیر قلوب سلاطین و حکام و این عمل منسوب بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام صاحب المصون او در ومکه

اگر کسی اراده کند که بر ملوک و سلاطین و اعاظم ارباب دول در اید و حاجت خود را بر امراد اوی از مر ایشان بر اورد

باید که پوست جوجه را که جوان باشد و سلیم الاعضا بگیرد و خشک سازد بر وجهی که قابل کتابت باشد در این خاتم

مکرم را که لوح مزوجانست بتمام و کمال بران پوست نقش کند و اخر پوست را در داخل و خارج لوح کتابت

کند و بر ظهر لوح ایات عزیمت و ایات محبت انرا بنویسد و مجموع الحروف و کلمات و طلسمات که در جمله اعمال محبت

کتنه

بگذاشت در ذیل این لوح رقم زند و این کتابت را بمشک و زعفران و گلاب

سفیداب کند انگاه ایات عزیمت و محبت را بعدد معین قرائت کند و بران لوح

نفث کند بعد از ان سوره انعام را صد بار تلاوت نماید و هر بار که سوره

تمام کند بر لوح دمد و در اثنای این عمل تلاوت قران تا وقتیکه با تمام رسد

بعود و صندل و حب السوداء و تخم ریحان بخور کند پس ان مکتوب را

در موم بپیچد و در درون اسپ انثی فارسی بندد که یک جانب وی بر بند اصلی

استوار بود و جانب دیگر با موم سفید محکم بر بندد بعد از ان که صد بار سوره

اخلاص بران خوانده باشد انگاه ان را در میان ادیم طایفی مضبوط کند

و بر بازوی راست بندد و هر گاه با این معمول نزد یکی از سلاطین ذوی

الاقتدار در اید و با وی در مهمی سخن گوید البته مقصود بر وجه دلخواه بحصول

پیوندد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که بحق تربت جد من محمد

رسول الله که من این عمل کردم و معمول را بر بازو بستم و بر هیچ سلطانی و حاکمی

در نیامدم و از وی طلب حاجتی نکردم الا انکه بوجه حسن بمن اقبال نموده

و بی توقف مقصود مرا بر اورد و با هیچ کس از اکابر و اشراف سخنی نگفتم و قصد

امری نکردم الا انکه متفق مقصود نمودند و مراد مرا در کنار من نهاد پس باید

کر طالب صادق این عمل را عظیم داند و منه روی بشناسد و از جهال قوام اخفا
اخفا کند و جز اهل وی در میان ننهد و از حق سبحانه بترسد که ان اوراد را امور نا مشروعه
کار بندد و بالله التوفیق   در خواص حروف مفردات از لوح
مثلث که مشتمل است بر اعمال تجربه و محقق نیست بر بیست عمل در ضمن دوازده فصل
کر مجموع ان با اعمال باب سابق از خمس و شش جمل عمل باشد   در احداث
عداوت میان دو کس و تنفیر ایشان از یکدیگر   در ایجاد خصومت میان
دشمنان و تفریق ایشان از یکدیگر   در تفریق جمع اعدا و تشویش
حال ایشان   در القاء عداوت میان دشمنان و تخریب دیار ایشان
در تسلیط مرض بر دشمن و پریشانی دست کردانی وی
در اتلاف مال و اولاد و قطع نسل اعدا   در تسلیط فقر و فاقه بر دشمنان
و تنک ساختن معیشت بر ایشان   در تسلیط حمیات محرقه بر ظلمه
و فسقه   در تسلیط صداع و کسر اعضا بر اعدا   در تسلیط
رمد و سایر امراض عین بر اعادی   در تسلیط امراض مهلکه بر اعدا
و اصلاح ان بعد از تمریض   در عزل ارباب مناصب و تخریب دیار
منازل ظالمان و تدمیر دشمنان   در احداث عداوت میان دو تن

و تنفیر

۷.۹

و تنفیر ایشان از یکدیگر صاحب سر المصون اورده که اگر کسی لوح مثلث را بحروف
مفردات خالی از ممزوجات و محلی بحروف عشره و کهیعص و حمعسق و اسماء ستة
ملائکه حل و عقد و اسماء اعوان علوی و سفلی از روز و حروف و اشکال از روز
رقم زند بر دو رقعه از لباس دو کس که عداوت و خصومت ایشان با یکدیگر
مطلوبست و اسماء ایشان و مادران ایشان با حرف ها در قلب نویسد و ایات
عزیمت را ۴ بار و آیت عداوت را که و القینا بینهم العداوة و البغضاء را
۲۵ بار بخواند بعد از ان بخور کند با شق و کبریت و ان دو رقعه را پشت بر پشت
نهد و در موم پیچد پس ان رقعه ملفوف را در منزل یکی از ان دو کس دفن
کند تا در معادات و مخاصمه ایشان عجایب مشاهده کند و اگر کسی لوح مفردات را
بتمام و کمال چنانچه در عمل سابق گذشت بر دو ورق کتابت کند و در قلب یکی
اسم عامل و مادرش و در دیگری اسم معمول له و مادرش با حرف هذا ها رقم
زند و ایات عزیمت و عداوت را بعددی که گذشت بخواند پس بخور بخود
بخوة و الکلاب و شعر الهر بخور کند و ان دو ورق را پشت بر پشت نهاده
در موم پیچد و در میان جحر سیاه کند و در موضعی که ذکر ان شمع سیاه تعزیه
گرفته باشد و در خانه یکی از آن دو تن دفن کند تا در عداوت و نفرت

بعد از ان ... و ... در نقاط باید
... شعر ... باید
... در وسط ...
... دو عدد ...
در اعمال ...
ان اسمای اشخاص
خصومت ایشان
مطلوب است
و در وسط نقاط باید
نوشته بنو علیکم
حروف اسمین
پشت ایشان
بعمل باشد و اما
در تخریب حروف
اسمین که ممزوج
کنند و انها را یک
الکم کنند و در وسط
نقاط بنویسد چنانچه
الدین حیل

ایشان نسبت بیکدیگر او رغبت بنهند   در ایجاد خصومت میان دشمنان

و تفریق ایشان از یکدیگر صاحب سر المصون اورده که اگر کسی بر پیاله لوح

مفردات را بتمام و کمال کتابت کند چنانچه گذشت پس اسم انکسانی که تفرقه

و محبت ایشان میخواهد با حرف هادر قلب بنویسد و ایات عزیمت را بعدد

معلوم تلاوت کند و سورة اذا زلزلت را الی قوله اشتاتا ۲۵ بار بخواند

و بیست و پنجبار بران پیاله بنویسد پس از اب شور یا تلخ محو سازد

و در شب تار در منزل ان دشمنان رش کند مراد حاصل شود و اگر کسی

بر دو پاره سفال اب نرسیده لوح مفردات را بتمام و کمال کتابت کند بخون

گربه و سگ و اسم انها که تفرقه و خصومت ایشان خواهد با حرف هادر قلب

رقم زند پس ایات عزیمت را بعدد مقرر بخواند و آیت بعد المشرقین را

بتمام ۲۵ بار بخواند بعد از ان بخور کند بکان و خرء الکلب و خرء الهر

بعد از ان دو سفال را بهم بکوبد و در خانهای دشمنان پراکنده بپاشد

تا فتنه و عداوت و تفرقه تمام در میان ایشان قایم شود   در تفریق

جمع اعدا و تشویش حال ایشان صاحب سر المصون اورده که اگر کسی لوح

مفردات بتمام و کمال بر پوست حمار بنویسد و اسماء ان جماعت که تفرقه ایشان می

خواهد

قال الله

میخواهد با حرف هادر قلب رقم زند و بگوید فرقت بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه کما فرق

تلاوت

بین الحق و الباطل پس ایات عزیمت را بعدد معهود بخواند پس ایه و یوم یلقیهم الشیطان کما له راه ... بار

کند پس بخور کبریت و حلتیت و کلخ انگاه در منزل البغضی ان مردم دفن کند بعد از هفت روز عجایب

مشاهده نماید و اگر کسی مثلث مفردات را بتمام و کمال بر جلد دبی بنویسد و اسم معمول له و مادرش را

با حرف هادر قلب رقم زند و ایات عزیمت و عداوت را بر وجهی که مذکور شد بخواند و بعد از اتمام عمل

ان نوشته را در حوالی سرای دشمن و اگر تواند در درون وی و اگر تواند در زیر جای او وی دفن کند

اثرهای کلی ظهور گردد باذن الله تعالی   در القاء عداوت میان دشمنان و تخریب دیار

ایشان صاحب سر المصون گوید که اگر کسی وفق عظیم را بتمام و کمال بر پوست شغال مدبوغ و بر ظهر

ان مثلث و اسماء ملکین علوی و سفلی را با حروف و اشکال ان نوشته رقم زند و شکل ان بر پوست گربه

مدبوغ نیز کتابت کند و اسم انکسانی که خصومت و خرابی ایشان مطلوبست با اسم مادران ایشان بر ظهر هر دو

لوح با حروف هاد رقم زند پس ایات عزیمت و عداوت البغضاء مقرر بخواند خصوصا ایه و القینا ... الی یوم القیمة

پس بخور سگ و گربه بخور کند انگاه ان دو لوح را پشت بر پشت نهاده در هم پیچد و در میان خرقه

سیاه مضبوط کرده در شب تاریک در منزل یکی از ایشان دفن کند تا مقصود بزودی حاصل شود و اگر کسی خواهد

که سرای ظالمی یا حمام یا دکان یا اسیای وی خراب شود که دیگر عمارت نتواند پذیرد باید که لوح مثلث الحروف

مفردات با جمیع انچه نوشتنی است بخون حمار بر سنگ سفید ... ادمی که از فوت او مدتی مدید گذشته باشد بنویسد و اسم

انموضع واسم صاحبش را با حروف ها در قلب دفن کند پس ایات عزیمت و عداوت را بعدد معین بران بخواند
وسوره اذا زلزلت را تا اشتاتا ماه ۲ بار تلاوت کند وایه وجعلنا عالیها سافلها را نیز بهمان عدد
بخواند بران لوح بعد از اتمام میوه‌های کران بخور کند پس اعمول را دران موضع که خواهد ان صیخوا اهل دفن
کند بعد از هفت روز نتایج ببیند   در تسلیط مرض بر دشمن و پریشانی و سرکردانی وی صاحب
سر المصون کوید که اگر کسی پلید پوست خار پشت بزرک دباغت یافته یا غیر مدبوغ بشرطی که صلاحیت کتابت
داشته باشد وبروی صورت انکس که مرض او مطلوب است بکشد وبر سینه وی لوح مفردات واثش کند با مجموع افلاک
نوشته می باید وهم بر سینه وی این ایه را بنویسد که خذوه فغلوه الی قوله الا الخاطئون از سوره الحاقه
وایات عزیمت وعداوت را بعدد مذکور بخواند وایه خذوه فغلوه تا انجا که اشارت شده ۲ بار بخواند
پس در شب تار دیک با اکلیل وملح وعود قرح بخور نماید پس اعمول را در مسامه موی کیرد که از شمع برای تعویذ
اخذ کرده باشد بعد ازان در میان خرقه بپیچد که از کفن کرفته باشد معمول اله بدرد مندی وکسر اعضا مبتلا شود
واحوال وی متزلزل ودل وی مضطرب ومتردد باشد واکر خواهد انکس از این ابتلا واضطراب خلاص شود
اعمول اله را از زیر سندان بیرون اورد ودر جوی اب روان بیندازد شود چنانچه هیچ اثری از وی باقی
نماند واکر کسی بر قطعه از جامه در وقت نحس مثلث مفردات را کتابت کند بتمام وکمال وایات عزیمت وعداوت را
بعدد معلوم بران خواند وسوره اذا زلزلت را تا اشتاتا ماه ۲ بار تلاوت کند بعد ازان انرا در میان کفن مرده
که در دیار قبر بیرون اورده باشد وهر چند کهنه تر بود بهتر بود بعد ازان ملفوف را در رحل قبر یهودی یا نصرانی

هفت شبانه

هفت شبانروز بعد ازان بیرون اورده ودر منزل انشخص دفن کند بدحالی وپریشانی واو ارکی وی را
پیش اید وسرا سیمه وسرکردان شود باذن الله تعالی   در اتلاف اموال واولاد وقطع
نسل اعدا اکر کسی بر پوست یکی از جانوران وحشی لوح مفردات را بتمام وکمال کتابت کند واسماء ملکیه
علوی وسفلی وحروف واشکال ان روز را بنویسد واسم معمول اله را با اسم مادرش در قلب مثلث باحروف ها
رقم زند پس ایات عزیمت را وعداوت بعدد معلوم تلاوت کند وایه فذرنی ومن خلقت وحیدا الی
سوره مدثر صد بار بران معمول خواند واکر این ایه را نیز بر لوح نویسد ابلغ بود پس انرا در قطعه
خرقه سیاه بپیچد در منزل انشخص دفن کند بعد از هفته اثار شقاوت وبدبختی در بره کار وی ظاهر
شود واکر کسی لوح مفردات را با انچه نوشتنی است در داخل وخارج وقلب وظهر وی کتابت کند پس ایات عزیمت
وعداوت را بعدد مذکور بران لوح خواند پس ایه فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین را
۲۳ بار بر اعمول خواند واکر این ایه را نیز بر لوح نویسد اد خل باشد پس در خرقه سیاه بپیچد در کوزه
فخاری مشدود الراس بکذارد ودر میان چهار راهی که کنده وهم دشمن باشد در زمین دفن کند یا در منزل
وی مدفون سازد بعد از هفت روز تا مدتی در احوال وی پیدا شود   در تسلیط فقر و فاقه
بود شمنان وتضییق معیشت برایشان اکر کسی لوح مفردات را کتابت کند با انچه در داخل وخارج وقلب وظهر وی
نوشتنی است وایات عزیمت وعداوت را بعدد مقرر بخواند بعد ازان سوره همزه بعدد حروف ان سوره که مشتمل
داخل باشد بران لوح خواند واکر سوره را نیز بر ظهر ان نوشته باشد بهتر بود پس معمول را در خرقه که از مزابل چیده باشد وپاک شسته

به پیچد و در ویرانه که از مردم دور است دفن کند و اگر در منزل معمول له ویرانه باشد آنجا نیز دفن کنند بهتر است بعد از چهار روز

اثر عمل بظهور رسد و اگر کسی همین عمل که گفته شد در کتابت لوح و تلاوت آیات عزیمت و عداوت بجا آورد بعد از آن

صد بار سوره تبت یدا ابی لهب را بران معمول خواند و آن را در خرقه پیچد که از ثوب کهنه ایام گرفته باشد و پاک شسته پس

در سر راه معمول له دفن کند و اگر در منزل وی موضعی ویران باشد که آنجا دفن کنند بهتر بود نتیجه که مقصود است

بعد از هفته بظهور رسد و آثار مترتب شود

در تسلیط حمیات محرقه بر ظلمه و فسقه اگر کسی لوح

مفردات را با جمع آنچه نوشته است بر ظهر و بطن و قلب وی وقتیکه قمر در برج آتشی بود کتابت کند پس آیات

عزیمت و عداوت را بعدد مذکور تلاوت نماید بعد از آن آیت فامه هاویه وما ادراک ماهیه نار حامیه را هفتاد و یکبار

بران معمول خواند پس آن را در رقعه از جامه نیم سوخته که بی اختیار سوخته شده باشد بپیچد و ملفوف را در ظرفی سفالین

مسدود الراس کند و نزدیک تنور یا آتشدان که اکثر اوقات در آنجا آتش میفروزند دفن نماید چنانچه

اثر گرمی بران ظرف رسد و از آنجا بمعمول سرایت کند بعد از یکشبانروز آثار حرارت و تب در معمول له

ظاهر شود تا آن معمول از آتش گرم بود حال معمول له این باشد و اگر خواهد که حرارت آتش زایل گردد معمول را

بیرون آورده و در جوی آب بزرگ چنان بشوید که اثری از وی نماند آن حرارت فرو نشیند و اگر کسی لوح

مفردات را بتمام و کمال بنویسد پس آیات عزیمت و عداوت را بعدد معین تلاوت کند بعد از آن آیت فی سموم و حمیم

و ظل من یحموم لا بارد و لا کریم را صد و بیست بار بران معمول خواند و در خرقه نیم سوخته چنانچه در عمل سابق

گذشت بپیچد و در ظرف آهنین مسدود الراس کرده در آتشکده کلخن حمام فرو برد و دفن نماید که حرارت آتش

دایم قوی رسد بعد از سه روز آثار کلی ظاهر شود باذن الله تعالی

در تسلیط صداع و کرا اعضا بر اعدا صاحب سر المصون گوید که اگر کسی لوح مفردات را

بتمام و کمال کتابت کند و در ذیل آن مربعی مستطیل رسم کند و در درون آن سمت

سین متصل بیکدیگر بنویسد چنانچه در واحد فصل سطور میشود پس مجموع اطراف

و جوانب آن لوح را ظهرا و بطنا غیر آنچه مرقوم است در داخل و خارج و ظهر و قلب جمله را

بخون مرغ سیاه بیالاید و آیات عزیمت و عداوت را بعدد مقرر بران خواند و

آیت وضربت علیهم الذلة والمسکنة وباؤ بغضب من الله ۲۸ بار بخواند و بران

دمد پس آن را در لفافه سیاه بپیچد و در زیر مدقه قصاران یا سندان نعل

بندان وضع کند پس هرگاه که کوبه گازران بران مدقه خورد یا مطرقه نعل بندان

بر سندان آید معمول له بدرد سر و شقیقه و کرا اعضا مبتلا باشد پس بتنکه

آن معمول را از آن موضع بیرون آرند و بشویند و آثار آن بتمام محو سازند آن شخص

از صداع و کرا اعضا خلاص یابد و شکل مستطیل اینست که نموده میشود

در تسلیط رمد و سایر امراض

عین بر اعادی صاحب سر المصون آورده گوید که اگر کسی صورتی بسازد

از موم سفید و بر سینه وی لوح مفردات را بتمام و کمال بنویسد و در داخل

و خارج وی آنچه نوشتنی است رقم زند و آنچه خواندنی است از آیات عزیمت و عداوت
بعدد معلوم بر وی بخواند و بر هر ظهر آن صورت اسماء ملکین علوی و سفلی از روز
و حروف و اشکال آن روز را کتابت کند و اگر معمول له مرد است آن موم را بصورت
مردی بسازد و اگر زنست بصورت زنی بسازد و بعد از خواندن آیات عزیمت
و عداوت آیت فطمسنا علی اعینهم الآیه را ۲ بار بخواند بر آن صورت خواند پس
در هر دو چشمی از دو چشم وی هفت خار عوسج فرو برد و عوسج درخت خارناکی است
که خارهای سفید دارد و اگر خار عوسج نیابد هر خار سفید که باشد روا بود و در محل
فرو بردن خارها بچشم وی هر بار بخواند که فطمسنا علی اعینهم کذلک طمست عینی فلان بن فلانه
همچنین هفت بار بگوید برای هر چشمی پس آن صورت را در کوزه سفالین آب نارسیده
مضبوط کند و در مکانی دفن کند که معمول له بر آنجا گذر میکند و آن معمول بغایت
محفوظ باید که اگر در آن موضع که دفن کرده ضایع شود بیم آن باشد که معمول کور
نابینا شود و هر گاه که خواهد که معمول له از آن مرض خلاص شود معمول را بیرون
آرد و آن خارها را برکشد و صورت را باطل گرداند تا خلاص گردد
در تسلیط امراض مهلکه بر اعدا و اصلاح آن، بعد از تمریض صاحب سر المصون
گوید که اگر کسی بر شانه سبعی وحشی لوح مفردات را بتمام و کمال کتابت کند پس
آیات

آیات عزیمت و عداوت را بعدد معلوم تلاوت کند و بر آن لوح دمد بعد از آن
آیت و قلبناهم ذات الیمین و ذات الشمال والآن غضب الله علیهم ان کانوا قوما
منکرین را ۲ بار بر آن لوح خواند پس آن نوشته را از آن شانه باب تحویل
حمام محو سازد بر چوبی که پنبه بر پیچیده باشد و احتیاط کند که از آن قطره
بر دست و عضوی از اعضای وی نچکد که بیم مرض باشد پس آن آب معمول را
در خانه معمول له بپاشد و آن شانه را در آستانه خانه وی دفن کند بر صاحب
خانه امراض و اعراض کلی مستولی شود بمرتبه که بر حد هلاک رسد سازد پس
اگر اراده شفای وی کند لوح مزوجات را که موضوع از برای اعمال خیرات خالی
از حروف مفردات با آنچه نوشتنی است در داخل و خارج و قلب و ظهر وی
بر طاس حمام رقم زند بمشک و زعفران و گلاب و آیات عزیمت و محبت را بعدد معلوم
تلاوت کند بعد از آن بیست بار بگوید اللهم شفاؤک لا شفاء الا شفاؤک لا یغادر
الا سقما بالحق انزلناه و بالحق نزل و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
پس آن آب معمول را ۳ شب تنجیم کند آنگاه قدری از آن بمریض دهد تا بیاشامد
و بمقداری دیگر تمام بدن وی را بشوید و آب عمل اسقا و غسل هفت روز
متصل بجای آرد تا آن مریض را صحت تمام روی نماید

و در عزل ارباب

مناصب وتخریب منازل ظالمان وتدمیر دشمنان صاحب سر المصون گوید
که اگر کسی وفق مفردات را بتمام وکمال بانچه نوشته است در داخل مخارج وقلب
وطرد وی وقتیکه قمر در عقرب باشد بر قطعه از پوست حمار مرده بوقت کتابت کند
پس ایات عزیمت وعداوت را بعدد مفردات بران معمول خواند وسوره اذا السماء
انشقت را ۲ بار تلاوت نماید وهر بار بر معمول نفث کند پس از ان بدود در استانه
خانه معمول له دفن کند وزنی دران خانه را به مغز سر حمار بیالاید ودران محل
گوید عزلت فلان بن فلانه وابطلت حرمته وحکمه ونفاذ امره وزلزلت قدمه
واخربت دیاره وسلام علی نوح فی العالمین والحمد لله رب العالمین وازان راه
که بدر خانه وی رفته بود براه دیگر برگردد وپیش از ان که بمنزل خود اید در جوی آب
بزرگ درآید وجمیع اعضای خود را وجامهای خود را پاک بشوید خصوصا
پایهاها وکفشهای خود را ودفن معمول وغسل اعضا در شب تاریک بجا آورد
تا به مقصود فایز گردد باذن الله تعالی وصاحب سر المصون رحمه الله فرموده است
که عامل باید در این عمل وسایر اعمال قهریه از خدای تعالی بترسد ودر غیر مراضی
حق سبحانه کار نکند باید که ان خطای اکبر است فان الله یجازی کل نفس بما کسبت
ای عملت نعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سیئات اعمالنا   در خواص

اسما

اسماء حسنی الهی مشتمل بر باب   در خواص اسماء الهی مشتمل بر دوازده فصل ودر این باب هر فصلی
محتوی بود بر پنج اسم است پس چون عدد الاعداد اکه پنج است در عدد ائمه معصومین علیهم السلام که دوازده است
ضرب کنند حاصل الضرب بعدد اسماء حسنی میشود که خواص ان در این باب ایراد یافت وان شصت اسم است
وفصولش مع فهرستش این است
 فصل ۱۲ در تحصیل عزت وجاه وحرمت
الجلیل در شرح اسماء الله قدوة المحققین مولانا یعقوب چرخی رحمه الله مذکور است که هر که این اسم
به مشک وزعفران وگلاب در ساعت سعد بر کاسه چینی نویسد وبشوید وبیاشامد در میان خلق
عزیز وبزرگ شود **الرافع** هم در شرح اسماء الله اورده هر که در نیم شب یا نیم روز دست بدعا
بردارد وصد بار این اسم را بگوید در میان خلق بزرگ شود وجاه وی بیفزاید **العزیز** هم در شرح
اسماء الله مذکور است که هر که چهل روز متصل بهم هر روز بعد از نماز بامداد ۱۴۰ این اسم را بگوید در دنیا

واخوت عزیز و مکرم شود و هرکز محتاج خلق نشود **العزیز** این اسم شریف نیز همین خاصیت بخشد چون

بطریق مذکور برکوار وی مداومت نماید **العلی** هم در شرح اسما الله مذکور است که هر که هر روز ملکصد

ده بار این اسم بزرکوار را با شرائطش بکوید درجه بلند یابد و اکر فقیر باشد غنی کردد و اکر غریب افتد

برکت مداومت این اسم زود بوطن باز رسد **فصل ۲** در تسخیر قلوب خلایق و تاثیر در بواطن **الشهید**

هم حضرت مولانا قدس سره در شرح اسما الله اورده که هر که در وقت صبح روی باسمان کند و بیست و یکبار

یا شهید بکوید هر جا فرمانی بود بفرمان وی شود از اولاد و خدام و خواص و عوام و تکمیل این اثر انست

که بعدد حروف مکتوبه وی که **ش ه ی د** است و ان سیصد و نوزده است مداومت کند و اکر قوی تر

بعدد حروف ملفوظ وی که **ش ی ن ه ا ی د ا ل** است و ان ۱۴۱۲ است مواظبت نماید در اول

طلوع هر فجری بیا خطا تکرار کند با شرائطی که در مقاله اولی ذکر شد سبق یافته است اثار مقصود فایز

کردد **العدل** هم در شرح اسما الله مذکور است که هر کس این اسم شریف را شب جمعه بر پلیت لقمه نان نویسد

و تناول کند خلق خدا مسخر وی شوند **العالی** هر که بر این اسم شریف مداومت نماید با شرائط معهوده خلق

تابع و مطیع وی شوند **الهادی** صاحب کتاب شمس المعارف اورده هر که داعیه حکومت و سلطنت داشته باشد

بر شمردی و دیادی باید که بر این اسم شریف مداومت و هر روز بعدد حروف مکتوبه یا ملفوظ بخواند با شرائط

و اداب وی هم وی فرموده که این اسم بزرکوار بعضی خواص متفرد است از سایر اسما پس چون کسی خواهد که کسی

مطیع و فرمانبردار خود کرداند باید که این اسم شریف را تکرار نماید بر این وجه **الهادی** پس اسم مطلوب

که سلطان

که سلطان است بسط و تکسیر کند بر این وجه **س ل ط ا ن** پس اسمین را با تکلف بکرار امتزاج دهد بر این وجه

ا س ل ه ط ا ا د ن ر پس از ان ماتکسیر تکسیر میکند تا وقتیکه سطر اول با خر رسد پس ان سطر مکرر را

حذف کند و حاصل باقی را در مربع عددی وضع کند و ان مربع را در ورق اهو یا کاغذ پاک نویسد

در ساعت مشتری و ابتدا شنبه است از روز یکشنبه و معمول را بخور طیب داده در حریر پاک پیچد و ببدو زد

و با خود نگاهدارد و دایم بزبان نیز تکرار نماید و هر بار بکوید یا هادی من استهدی بر اهدنی

بر واحد طی عالی و طوع مدی و مکنی ناصیته و قلبه بعد از این عمل عجایب مشاهده کند در

مطاوعت و متابعت معمول له و اکر این عمل در روز پنجشنبه کند اثر او قوی تر بود **هو** شیخ فخر الدین

رازی در کتاب لوامع البینات که مسمی است بشرح اسما الله چنین اورده که بعضی از اهل تحقیق بر انند

که اسم اعظم الله تعالی هو است چه در وقتیکه خواهند که در دعوات مبالغه کنند کویند یا هو یا من هو لا اله

الا هو یا من بدهویته کل هو و این طایفه را بر این دعوی شواهد و دلایل بسیار است و رازی برام

ایراد بعضی از ان دلایل کرده پس طالب صادق اکر خواهد بقوت باطن تاثیر کند در اشیا باید بر این اسم

بزرکوار که اسم ذاتست مداومت بر وجهی کند که در هیچ نفس از وی ذاهل و غافل نشود تا وقتیکه

باطن وی از انوار هویت ذاتیه مطلقه روشن کردد و چون این اثر ظاهر شود و این صفت راسخ

کردد بقوت ان در همه اشیا تصرف عظیم تواند نمود و در ضمن این اسم بزرکوار سریست که اعظم همه

اسرار غامضه است و از مداومت و مواظبت بر این اسم شریف پی بدان سر اعظم تواند برد **فصل ۳** در کفایت

مهمات وحل مشکلات الحسیب در شرح اسماء الله حضرت مولانا مذکور است که هر که را خوفی باشد از کسی یا شی
وتدبیر ان نداند باید هفته متصل در صبح وشام بگوید حسبی الله الحسیب ان خوف برخیزد واشکال حل
شود وباید که ابتدای عمل از روز یکشنبه کند واگر عمل قویتر خواهد هر صبح وشام بعدد ملفوظ این اسم
بگوید واگر قویتر خواهد بعدد مبسوط عمل کند چنانچه در اسم الشهید گذشت الحکیم هم در شرح اسماء الله
مذکور است که هر که را کاری مشکل پیش اید این نام را بسیار گوید ان امر کفایت شود الکافی در کتاب
شمس المعارف اورده که هر که این اسم را ورد سازد بر هر مرادی که خواهد قادر شود الا که استطاعت نیابد
برد وهر که مداومت بر این اسم کند گرسنگی وی زود مراجعت نماید الوکیل در تحصیل مرادات وکفایت
مهمات اثر تمام دارد ودر شرح اسما اورده که هر که این نام را ورد خود سازد از همه آفات خوف ایمن شود
الوهاب صاحب [illegible] النظیم اورده که بعضی علما گفته اند که اسم اعظم الله تعالی الوهاب است چنانچه
در دعای حضرت سلیمان علیه السلام واقع شده حیث قال سبحانه رب هب لی ملکا لا ینبغی الی قوله تعالی الوهاب
ودر شرح اسماء الله مذکور است هر کس در فضای وسیع که خالی بود دست بردارد وصد بار یا وهاب بگوید
همه مهمات وی کفایت شود وهر حاجت روا گردد فصل ۴ در دفع اعدا وقلع خصما المهیمن در کتاب الدر
النظیم اورده که هر که این اسم را مکسر سه بار با پنج حرف ها بر این صورت ه نقش کند ومسکن قرار دهد
شرف یابد وهر گاه خاتم را در انگشت کند ۱۷۱ بار این اسم را بخواند وبر سلطان جابر وحاکم ظالم
در اید از شر وی وشر هر شیطانی از جن وانس در عصمت وپناه حق سبحانه باشد الخافض در شرح اسماء الله مذکور است

که هر

٨٠

که هر که این اسم بزرگ را بنیت دفع ظالمی که خلق خدای را از دست وزبان او رنج
باشد معتاد هزار بار بخواند با شرایط کار کفایت شود القهار هر که بنیت
و دشمنی
قلع وقمع دشمنان واستیصال ایشان هر روز سیصد وهفت بار بعدد حروف
ملفوظ وی بعد از ادای فرض بامداد بخواند واگر چهارصد ونود ونه بار بعدد حروف
مبسوط وی بخواند اقوی واولی بود وبزودی دشمن مغلوب گردد ودر شرح
اسماء الحسنی مذکور است که هر که این اسم را بسیار گوید دوستی دنیا ومشهور از وی
زایل شود المذل هم در شرح اسماء الله مذکور است که هر که از ظالمی ترسد
۵۷ بار بگوید وسر بسجده نهد ونام ان ظالم برد وبگوید اللهم خذ حقی من فلان
بن فلان حق سبحانه شر ان ظالم را کفایت کند واگر عامل خواهد که عمل وی قوی تر
بود در عدد افزاید بحروف که ان ۷۷ باشد یا بحروف مبسوط که ۱۸۹۲ است
الملک به نیت هلاک ظالمان وتخریب دیار ایشان بعد از نماز فریضه
۲۶ بار بگوید بخواند بعد از ان سر بسجده نهد قلع وقمع او را از حق تعالی
درخواهد بزودی مراد کفایت شود فصل پنجم در دفع خوف وحزن
وحصول حفظ وبرکت الحفیظ در شرح اسماء الله اورده که هر که را ترسی وحزنی
بود این نام را با شرایط کتابت کند وبر بازوی راست ببندد ایمن ومطمئن

شود و در کتاب درّ النظیم آورده که هرکه را ترسی و خوفی بود تا این نام بر قرطاس
کتابت کند که بعضی از عارفان چنین فرموده‌اند که این اسم شریف سریع الا
الاجابتست مرتبه کار اثر را سفارش کرده پس باید که همیشه بر تکرار این اسم
بزرگوار مداومت نماید تا از جمیع آفات و مخافات محفوظ و محروس ماند و بهیچ
ملکی و بلیه مبتلا نشود و فرموده است که هر که در مواطن مخوفه بر ذکر این اسم
اشتغال کردم و از عجایب صنع اللهی در خواص وی چندان مشاهده کردم که عقل
از ادراک آن عاجز است و هم صاحب درّ النظیم آورده که حفیظ چهار حرف است
و در وفق چهار در چهار است و تکسیر وی شانزده حرف پس چون تکسیر وی
کند بحسب حروف و در لوح وفق وضع کند بر وی زیاده باید کرد
که یا حفیظ احفظنی فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صورت لوح وفق
حرفی و عددی اینست که نموده میشود پس چون کتابت کند این لوح را
باید که آفتاب باقی
در شرف بود و بر طهارت
کامل باشد و این کتابت بعد از
کند که دو رکعت نماز کند و در

و در هر رکعتی

و در هر رکعتی بعد از فاتحه صد بار آیة الکرسی و سورهٔ اخلاص بخواند
و باید که آن کتابت بر ورق آهو بره یا ... واقع شود پس چون این کتابت تمام
کرده شود و بیان شرائطی که مذکور شد در طی کتابی مقرر است و در مقام
اول ایراد یافته وجود گیرد بر حامل او حق سبحانه و تعالی و حفظ ز انسان کرداند
و قدر و عزت وی را نزد خلق عظیم سازد و اگر محبوسی با خود نگاه دارد از بند
و زندان خلاص گردد و اگر محاربی حامل آن شود خصم از وی منهزم گردد و اگر
کسی دو هفته را روزه دارد و دایم بر طهارت بود پس بر لوح نقره این وفق را
در اول ساعت از روز پنجشنبه در حالی که قمر در برج ناظر بود به منظر مودت
یا با آفتاب متصل بود بنظر محبت بر حامل وی طاعت و عبادت و امور دینی
محبوب شود و در دست و مال وی خدای تعالی برکت نهد و اگر این لوح را
در میان جامه و قماش نهد از خوره و دزد و جمیع آفات محفوظ ماند در سفر
و حضر و اگر این لوح را بر قدح چینی نقش کند پس محو سازد به آب باران
و بیاشامد از تب و سایر امراض و گزیدن و گزندم ایمن شود و قوت حافظه
وی بیفزاید و نسیان زایل شود و هر که این لوح را با خود نگاه دارد از جمیع
آفات محفوظ باشد باذن الله تعالی و در کتاب شمس المعارف آورده که هر که این

این اسم شریف را تکسیر کرده بر خاتم نقش کند و با خود نگاه دارد از هیچ چیز نترسد
واگر ناگاه ببلایی مبتلا شود از آن میان بسلامت بیرون آید و همیشه محفوظ
باشد و دل او ساکن و مطمئن گردد واگر حروف مکرره را بلوح وفق در آرد
افضل و اولی بود و تاثیرات او کاملتر واقوی **الرقیب** در شرح اسماء الله مذکورست
که هر که این اسم را هفت بار بخواند و بر اهل و مال خود نفث کند و بسفری رود
تا وقت آمدن اهل و مال و ضیاع و عقار وی محفوظ و محروس ماند واگر عمل
انوی بجا آورد بعد حروف ملفوظه یا مبسوط وی بخواند **الرؤف** در کتاب
شمس المعارف آورده که چون صاحب خوف و رعب این اسم شریف را بعدد
حروف ملفوظه یا مبسوط ورد سازد ان ترس و هراس از دل وی زایل گردد
وامن و طمانینت حاصل شود **الکریم** برای تسکین خوف از دشمن و تحصیل
عظمت در باطن وی بعدد حروف ملفوظه یا مبسوط هر روز بخواند و در شرح
اسماء الله مذکورست که هر که شب در بستر خواب چندان این اسم را بخواند
که در خواب رود نزد خلق خدای عزیز و مکرم باشد **المؤمن** هر که این
نام بشرایط مقرره بعدد ملفوظه یا مبسوط مداومت کند از هیچ نترسد
یابد واگر بشرایط کتابت کند و با خود نگاه دارد و قایت کند از غارات
وتاراج

وتاراج صوری و معنوی ایمن بود و شیاطین جن و انس بروی نتوانند که مسلط
شوند و صاحب در النظیم آورده که باین اسم شریف شک و خوف مرتفع گردد
پس کسی که صد و سی و شش بار بخواند یا بهمین عدد بنویسد و با خود نگاه
دارد شک و شبهه در امور مهمه از دل وی زایل شود و از هیچ ترسان و
هراسان بود ایمن و مطمئن گردد و هر که در وقت دیدن انچه موجب خوف
اوست چهار بار بگوید یا مؤمن شر آن چیز کفایت کرده شود **فصل ششم**
در اثبات محبت و مودت در قلوب و نفوس **البر** صاحب شمس المعارف
آورده که این اسم شریف مدد و معاونت نسبت با اعمال محبت و الفت و باید که
هر روز ۲۲۳ بار بخواند بعد از ان که این اسم را ممتزج باشد با اسم مطلوب
چنانچه در اسم الهادی گذشت و چون اسماء ممتزج را در لوح وفق درج
درج کند عمل و تاثیرات قوی تر شود پس حامل ان لوح باید که بعد از
خواندن هر بار بگوید یا رب الارباب مربی مربی الکل بلطیف ربوبیته
اسرع الی تیسیر ان لطفک الخفی بلا محنة وقلبنی بین اصبعین من اصابع
لطفک حتی استشهد لطف الالطف من کل جهة انک لطیف حفیظ علیم
الرحیم در شرح اسماء الله آورده که هر که هر روز صد بار بگوید در نفس خود

مشفق ومهربان شود کردد وبر خلق خدای واکر به نیت کسی خواند انکس نیز نسبت
بوی مشفق ومهربان شود واکر هر روز بعد حروف مکتوبه یا مبسوطه خواند
معل وانددی قوی کردد **السلام** از برای دوستی وسلامتی وامان است
از هر بلیت چون بعد حروف مکتوبه وان ۱۶۲ است یا مبسوطه وان ۹۷۴
هر روز بنیت کسی بخواند اکر برای محبت بود اثر قوی کند واکر بنیت شفا خواند
زود اثر صحت پیدا کردد **اللطیف** صاحب درر النظم اورده که این اسم شریف
از سایر اسما بان ممتاز است که قریب النتیجه وسریع الاثر است ودر جمیع
اوهام والالام واسقام ونوایب ومصایب تاثیر عظیم دارد ودر اوقات محن وشدائد
نتایج وفوائد عجیب غریب از وی بظهور میاید وهر متعب ومکروب وزنجی
که بود بنوع وسرور ودوامی وامان واطمینان مبدل شود بشرطی که بعدد
حروف مبسوطه وی ۳۷۱ است هر روز بخواند ودر معالجه امراض باید که
بمشک وزعفران وکلاب بر ظرف چینی یا زجاجی بنویسد پس بآب باران واکر نباشد
باب طاهر عذب از ابشوید وبیاشامد تا دفع جمیع امراض واوجاع کند
واثر وی در غایت سرعت پیدا شود واداب کتابت این اسم شریف وراء
انچه در طریق کتابی کذشته اینست که این اسم را ۱۷۳ بار بنویسد تا پس

باب باران

باب باران محو سازد وبیاشامد تا نتیجه کلی ظاهر شود واکر اسماء حروف مبسوطه
ومیا علی حده با الف ولام تعریف بعدد حروف هر اسمی کتابت کند بر این وجه
الف ولا واز ۴۲ ابار بنویسد **اللام** واز ۱۳ بار بنویسد **الطاء** واز
۱۳ بار بنویسد **الباء** واز ۴۲ بار بنویسد **الفاء** واز ۲۲ ابار بنویسد
پس همه یکجا در آب نقیع کند بعد از ان از ان اب بیاشامد از همه
الملهای درونی وبیرونی شفا یابد واز همه دردها خلاص شود **الودود**
در شرح اسماء الله اورده که هرکه از برای زنی دشوار زاید این اسم شریف را
هزار بار بخواند وبر طعامی دمد واکر در هر صد بار بدمد بهتر بود پس
از ان بخورد هر دو دمد میان ایشان محبت والفت عظیم پیدا شود واکر
این عدد را هم زن کند وهم شوهر نتیجه واثر وی بیشتر بود ودر شمس المعارف
اورده که هرکه این اسم طالب ومطلوب را تکسیر کند وبا این اسم شریف امتزاج
دهد چنانچه در فصل دوم کذشت وباید که ۱۱ بار این اسما را باهم امتزاج
دهد بعد از ان اثار عجیبه در محبت ظاهر شود واکر عمل بشرط واقع شده باشد
واکر ان اسماء تکسیر کرده را در روزی وقتی درج کند در ساعات سعیده
بشرایط مقرره واز طالب باخود نکاه دارد مطلوب مطیع وهم منقاد وی

شود واین عمل که بدین موقف شود فعل او بغایت قوی شود واگر بیرون شود
در عمل بخورات لایقه بسوزد و در اثنای آن اشتغال دو رکعت نماز گذارد که در رکعت
اول فاتحه با سوره بروج و در دوم فاتحه خواند با سوره ضحی پس آغاز رقم
نهادن کند بعد از اتمام به بازوی راست بندد و به مطلوب در یابد ان شاء الله
و اتم بود و صاحب در النظیم آورده که هر که این اسم شریف را بحریر سفید
کتابت کند ۳ بار وقتی که قمر در شرف باشد و متصل به مشتری بنظر مودت
پس آن نوشته را با خود دارد در محبت عظیم در قلوب روزی شود و هر که بتکرار
این اسم بزرگوار مواظبت نماید نعمت حق سبحانه بروی دائم شود و حامل این اسم
شریف باید که همیشه به طهارت کامل بود و اکثر اوقات صائم و بعضی از عارفان
گفته اند که هر که این اسم را کتابت کند ۳ بار و باوی ۳ بار محمد رسول الله
و ۳ بار احمد رسول الله کتابت کند و این کتابت بعد از نماز جمعه واقع
شود حامل وی را حق سبحانه و تعالی به طاعت و متابعت حضرت رسالت
روزی گرداند و از شرات الشیاطین ایمن و سالم دارد و اگر کسی هر روز
در وقت طلوع آفتاب این نوشته را و نظر بروی گمارد و بر حضرت پیغمبر
چند بار صلوات فرستد به برکت این عمل آنحضرت را بسیار در واقعه ببیند

فصل در توسیع

فصل در توسیع رزق و دفع احتیاج بخلق **الباسط** در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم
هر شب بخواند در هر شبی دست بدعا بر داشته ده بار بگوید و بروی فرو آورد هرگز بذل سوال محتاج
نشود و اگر کسی در عدد آن افزاید که بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه بخواند مداومت نماید اثرش
قوی‌تر بود و در کتاب در النظیم آورده که هر که این اسم را چهل بخواند و با خود نگاه دارد در توسیع
رزق و تفریح کرب و تفریح نفس تاثیر عظیم دارد پس باید که عامل چهار روز متصل در هر روزی چهار
ساعت بنحوی لا ینقطع این اسم را بخواند تا به مقصود فائز گردد و اگر هفتاد دو روز بعد هر بعد هفتاد
دو بار بخواند حق سبحانه دل وی را بر طاعت خود ثابت دارد و خواطر وی را از همه اشغال بسیار سازد
و روزی وی را از جائی رساند که گمان نداشته باشد **الرزاق** در شرح اسماء الله مذکور است که هر کس بامداد
پیش از نماز صبح در چهار زاویه خانه خود در هر زاویه ده بار یا رزاق بگوید و آغاز از دست راست
کند و جانب قبله بود از پریشانی و بی برگی خلاص شود **الغنی** در بعضی از رسایل قطب المحققین
خواجه صاین الدین قدس سره مذکور است که یکی از ائمه علم حروف در رساله خود نقل کرده که درویشی
در بلاد عرب میگوید مسجدی رفت و روی همت بقبله توجه آورد و به زبان اخلاص بذکر یا غنی مشغول
همی گذشت توجه و اخلاص او بی انجام مدخل خاطری مشوش بعد هزار هفتاد و یک رسید گوشه
از سقف مسجد فرود آمد درویش از غایت وحشت و دهشت بدان طرف دوید صره ای از
ذر سرخ خالص در آن گوشه سقف مکنون و محفوظ بوده در میان خاک و خاشاک دیده بود باز یافت

المغنی صاحب تیسیر المطالب آورده که هر که هر روز بحساب جمل که عبارت از عدد حروف مکتوبست این
اسم را هزار و صد بار بخواند تا بحساب مفصل که کنایت از عدد حروف بسیط آنست هزار دویست شصت بار بگوید
حق سبحانه او را توانگر و بی نیاز گرداند و هم صاحب تیسیر المطالب آورده که این اسم شریف را لوح مربع که هر که
حامل آن شود و بر تلاوت و قرائت این اسم مداومت کند بعدد جمل یا مفصل آثار ثروت و غنا زود تر
ظاهر شود و در حصول نتیجه اتم و اکمل بود و صورت لوح این است

الواسع در شرح اسماء الله آورده که هر که بر آنچه حق تعالی
بوی دهد قانع نشود این اسم شریف را بسیار بر زبان راند
هم صفت قناعت حاصل شود و هم وجد کفاف مهم وی کفایت
شود بإذن الله تعالی فصل ۸ در دفع امراض و رفع اغراض الشافی صاحب تیسیر المطالب آورده که
این اسم را چون کسی در ربع ۴ در ۴ وضع کند در وقت لایق با شرایط مقرره بر کاسه چینی یا جام
زجاجی رسم کند و بود و دان نویسد که وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین پس نوشته را باب
طاهر بشوید و بیمار بیاشامد مرض او زایل شود و اگر چه مزمن باشد الشکور هر که را چشم تاریک
میکند چهل یکبار این اسم را بر زبان راند و بر دست خود نفث کرده دست بر آب نهد و بروی کشد
بالله شفا یابد الصمد صاحب شمس المعارف آورده که هر که مداومت کند بر این اسم آثار تجلی صمدانی
ظاهر شده او را از مرض جوع خلاص کرده اند و صاحب در النظیم آورده که هر که مداومت کند

دوتکرار

لدفع البرص والجذام

بر تکرار این اسم هر کس مبتلا شود بالم جوع القابض در شرح اسماء الله آورده که هر که این
نام بر چهل لقمه نان نویسد و در مدت چهل روز بتناول و در ان مدت فیر مشکر با این ذکر بود
از مرض جوع خلاص شود و شفا یابد المجید در شرح اسماء الله آورده که هر که بمرض برص
یا جذام گرفتار بود در ایام بیض روزه دارد بوقت افطار ۵۷ بار که عدد حروف مکتوبه اوست
یا ۱۸۹ بار که عدد حروف مبسوطه اوست بخواند حق تعالی ویرا از مرض خلاصی کرامت فرماید
و اگر کسی بعد از هر نماز بامداد نود و نه بار بخواند و بر خود نفث کند بصحت و عافیت ماند
و در میان اقران و اشباه عزیز و مکرم شود فصل ۹ در تحصیل اخلاق سنیه و تبدیل اوصاف
ردیه الحلیم در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم را بسیار گوید صفت حلم در وی حاصل
شود و صبر و سکون و ثبات ویرا حاصل گردد و اگر کسی در وقت خشم ناندن درخت هشتاد
هشت بار بخواند اندر خت بیخ در زمین محکم کند و نشو و نما خوب یابد و صاحب درخت از وی برخورد
الرحمن در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم مداومت نماید یا هر روز بعد از هر فریضه صد بار
بخواند غفلت دنیا و قساوت طلب از وی زایل گردد الرشید کسی که بر این اسم مداومت کند طریق رشاد
و سداد یابد و اگر در وقت مباشرت با زوجه این اسم را بسیار گوید فرزندی که از آن نطفه حاصل شود
صلح و پرهیزکار بود العفو در کتاب شمس المعارف آورده که هر که مداومت بر این اسم نماید اخلاق دنیه
و امراض ردیه از باطن و ظاهر وی زایل شود المقیت در شرح اسماء الله آورده که هر که بر مصایب

صبر نتواند کرد و بجلد که حصه شیطان آبروی غالب بود یا طفلی دا آشفته باشد که بسیار دکرید این نام را هفت بار

بر کوزه آب نارسیده خوانده پس آب کرده بآن وبیا شامد یا بخورد آن طفل دهد از بیک مرض خلاص

کرده و فرزند وی خوش خوی شود واگر بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه عمل کند اقوی بود **فصل ۱۰**

در تطهیر باطن و تیسیر اسباب دنیا و آخرت **الباعث** در شرح اسماء الله آورده که هرکه بر فراش

دست بر سینه نهد و این اسم را صد بار بگوید دل مرده او زنده شود واگر ۵۷۳ بار بگوید

بعدد حروف مکتوبه اولی بود واگر ۷۴۰ بار بگوید بعدد حروف مبسوطه اقوی بود

العفو هرکه هر روز ۱۲۸ بار بعدد حروف مکتوبه یا ۳۵۵ بار بعدد حروف

مبسوطه این اسم را تکرار نماید ظلمت تاریکی از دل وی زایل شود و روشنی و صفا در ضمیر

وی پیدا شود **الفتاح** هرکه بعد از ادای فرض بامداد دست بر سینه نهاده ۷ بار یا فتاح

ظلمت از دل وی دور شود و باطن وی گشاده گردد واگر عدد او بر حروف مکتوبه یا مبسوطه نماید

اثرش اقوی بود **القدوس** هرکه بعد از زوال ۷۰ بار بعدد حروف مکتوبه یا ۳۴۹ بعدد حروف

مبسوطه بخواند دل وی پاک شود **الملک** هرکه این اسم را هر روز دویست شصت و دو بار بعدد حروف

مبسوطه بخواند دل او روشن شود و باطن او صافی گردد واگر بعد از هر فریضه این اسم را بدین عدد بخواند

روشنی و صفا مضاعف شود و انوار ظاهر گردد و صاحب النظیم آورده که هرکه دایم نظر کند بر حروف اسم

بزرگوار الملک بعد از آنکه او را کتابت کرده باشد بر این صورت ال م ل ک و باید که از این جمله

حروف ...

حروف وسط را که میم است منظور دارد و در هر روز چهل بار نقل بر حرف میم کند بشرطی که بر طهارت کامل

باشد و هر بامداد قل اللهم مالک الملک الی قوله بغیر حساب قرائت کند حق تعالی اسباب دنیا و آخرت

او بر وی آسان کند **فصل ۱۱** در تحصیل علوم و تکمیل فهوم **الحق** هرکه بعد از هر فریضه صد و شصت

بار بعدد حروف مکتوبه وی یا صد بود بار بعدد حروف مبسوطه بخواند حق تعالی علم فرقان وی را روزی

کند و در آن با فهمی خاص دهد که همیشه حق را از باطل جدا کند و در شرح اسماء الله آورده که هرکه

چیزی را گم کرده بر چهار گوشه کاغذ مربع این نام را بنویسد و در نیمه شب بدست گرفته روی با سمان

کند و ساعتی نگاه دارد و در آن اثنا صد و هشت بار بگوید آن گم شده بزودی یافت شود **الخالق**

صاحب المطالب آورده که هرکه این اسم را در مربع ۴ در ۴ بحساب رقمی وضع بر ورق سفید و بر

ظهر وی همین مربع را بصورت حرفی بنویسد چنانچه اضلاع و بیوت بر یکدیگر منطبق باشند و بتاریخ

عددی یا وقتی نهد که قمر قوی حال بود صاحب النور و ناظر بسعود هرکه این لوح با شرایط تمام بکار برد

و با خود نگاه دارد بزودی مطلع شود بر صنعت الهی که عبارت از علم اکسیر است واگر صاحب فن بود برکت

حمل این لوح مدد عظیم یابد در اعمال اکسیری **البدیع** صاحب النظیم آورده که ذو النون مصری نقل نموده

که اسم اعظم الله تعالی اسم شریف البدیع است که بوی هر دعا کنند بغیر اجابت مقرون شود صاحب شمس المعارف

آورده که این اسم را در سرعت اجابت دعوات مدخل تمام است و هرکه این اسم را دایم گوید هر چه از امور خفیه

و اسرار دقیقه خواهد حق سبحانه بروی ظاهر گرداند و هرکه خواهد که بجایی بزرگ مشرف شود که غیر وی

پیدا نشده کم شده

در بلا باشد این اسم شریفرا بر هر دو کف دست خود نویسد و یک هفته هر روز ۴۰۶ بار بخواند فتنه
اگر با الف و لام تعریف خواند که در ذکر السریع گوید ۵۰۷۴ بار خواند اگر بوجه خطاب خواند که در ورد خود
یا سریع گوید و هر روز بعد از اتمام عدد اسم امین دعا بخواند که اللهم انی اسئلک باسمک السریع
المجیب القریب الذی جرت بمفاتح رحمتک وخواتم ارادتک وسرعة اجابتک یا سریع لمن
قصده یا قریب لمن ساله یا مجیب لمن دعاه اسرع لی بقضاء حاجتی وبلوغ ارادتی یا سمیع
یا مجیب یا سریع یا قریب امین و حق و ورد را با شرایط و آدابش بتقدیم رساند حق تعالی او را
بحالی بزرگ مشرف گرداند و هر که خواهد که مشاهده ارواح کند و با ایشان تکلم نماید بهمین عمل
قیام نماید تا عین بینش وی مفتوح شود و بدان عین روحانیانرا ببیند و با ایشان سخن گوید و هر
سؤالی که از ایشان کند جواب شنود و هرچه که از ایشان بخواهد بیابد **القریب** صاحب درة الطیر آورده که بعضی
از اکابر دین قدس الله اسرارهم گفته اند که اسم اعظم جمیع عبادات از این اسم است و خواص وی عظیم است و صاحب
شمس المعارف آورده که هر که هر روز مداومت بر این اسم شریف بعدد حروف ملفوظ وی که سیصد دوازده
یا بعدد حروف ملفوظ وی که سیصد نود و شش است موجب فتح باب مکاشفه و اسرار است شرط که رعایت
آداب وی کما ینبغی کرده باشد و اگر بعد از هر فریضه بعدد مبسوطه مواظبت نماید در حصول مقصود ادخل
بود **المبین** در شمس المعارف آورده که هر که هر روز این اسم را هزار بار در خلوت بر خلو معده بخواند
و در حین ذکر بخورات لایقه بکار برد و سایر شرایط را رعایت کند ارواح بر وی ظاهر شوند و بوصف اشیاء

في آن

و پیش آیند و اشان اشیاء این باشد که عالم متکلم باشد بانواع حکم و دقایق و معارف و حقایق که غیر وی
کس ادراک آن نکرده باشد و بدان متکلم نشده **فصل ۱۰۲** در اطلاع بر مخفیات علوم و اسرار و مشاهده
انوار و یافتن طریق صواب و دفع خاطر پریشان نزد بسیاری از اکابر محققین این اسم امام

العلیم

ائمه اسماء سبعه است صاحب شمس المعارف آورده که هر که مداومت نماید بر ذکر امام ائمه اسماء اعنی اسم
شریف العلیم ظاهر شود بر وی مخفیات علوم چون علم صنعت الهی و غیر آن از علوم غریبه و هرچه از
حق تعالی طلبد بسهولت میسر گردد و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم را در دل بسیار گوید صاحب
معرفت گردد **الخبیر** صاحب تیسیر المطالب آورده که این اسم از برای اطلاع بر مخفیات و اخراج کنوز و دفاین
مناسبست و کسی که بر ذکر وی مداومت نماید اگر غایبی و یا طفلی گمشده باشد در خواب یا بیداری از حال وی آگاهی یابد و خبر
صحیح شنود و صاحب شمس المعارف آورده که هر که هفت روز این اسم را ورد سازد بعدد حروف مبسوطه وی
که ۸۱۶ روحانیت این اسم وی را خبر دهد از اموری که در ایشان حادث خواهد شد از احوال ملوک
و امور کلیه عالم **علام الغیوب** در کتاب شمس المعارف آورده که هر که مداومت کند بر این اسم بحروف ندا
که یا علام الغیوب گوید تا وقتیکه اثر کند در وی و در باطن وی استیلا یابد در انحال امور مغیبه
بر زبان وی جاری شود و آنچه در ضمایر است بر وی منکشف گردد و روح وی ترقی کرده بر عالم علوی
دوران نماید **النور** صاحب تیسیر المطالب در فصل رابع عشر در باب حرف نون آورده که هر که در مواضع
مظلمه ورد کند که این اسم شریف را هر بار سیصد و بیست که بخواند بعدد حروف مبسوطه مشاهده انوار

عظیم و بی‌ادست دهد در عالم حسی و شهود بواسطه غلبه انوار بر باطن وی و صاحب در النظم
اورده که هر کاه بر کسی امری مبهم شود که خطا و صواب آن نداند و از یکدیکر جدا نتواند کرد یا در شب
راه کم کند باید که این اسم را ۶۲۵ بار بعدد حروف مکتوبه از روی صحت عزم و یقین تمام بخواند
طریق صواب و راه راست بر وی روشن شود و هم دران کتاب اورده که هر که حروف این اسم را بر
این صورت بسیار کتابت کند و از کسی بیاویزد که مبتلا بود بدرد معده یا خفقان حق سبحانه
آن مرض را از او زایل کرداند و اکر این نوشته را بر عضوی نهد که متالم بود آن الم تسکین یابد
باذن الله تعالی **الفعال** صاحب در النظم اورده که هر که مغلوب خاطر ردیه و وساوس کثیره
باشد باید که مداومت کند بر تکرار این اسم و هر بار که بشغل عملی کرد صد و هشتاد و یک بار بعدد حروف
مکتوبی بر طهارت کامل بخواند که در میان فعل و قول اجنبی را راه ندهد دل او از وساوس
و خواطر و فکرهای پریشان و اندیشهای پراکنده و حزن و اندوه خلاص یابد و جمعیت باطن و فرح
و سرور حاصل شود ان شاء الله تعالی **باب دوم** در خواص اسماء ثنائیه که هر دو اسم از اسماء الهی
بهم دو معاونت یکدیکر اعطاء مواهب میکنند و این باب مشتمل است بر دوازده فصل و هر فصلی محتوی
بر ذکر چهار اسم **فصل اول** در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و تیسیر ارزاق **فصل دوم** در حصول حاجات
و اجابت دعوات **فصل سوم** در کفایت امور و مهمات و سرعت حاجات **فصل چهارم** در ایمنی از آفات و مخافات و مهلکات
طریق صواب **فصل پنجم** در تقویت قوای مزاجی و حفظ صحت بدن و ایمنی در سفر و حضر **فصل ششم**

در مشاهده عالم روحانی و دفع امراض جسمانی **فصل هفتم** در تحصیل مرادات و دفع
وساوس و شهوات و بقاء ملک و ثبات آن **فصل هشتم** در تحصیل صفت تمکین و اطمینان
قلب و اصلاح ملوک و ثبات ملک **فصل نهم** در تحصیل علوم کثیره و تسخیر نفوس خلق
فصل دهم در ظهور سر توحید و تجلی صمدانی و تصرف در عالم **فصل یازدهم** در احیاء
قلوب میته و دفع فقر و فاقه و جریان حکمت بر لسان و دفع هموم و غموم **فصل دوازدهم**
در تحصیل علوم حقیقیه و اطلاع بر اسرار مکنونه و اجابت دعوات است **فصل اول**
در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و تیسیر ارزاق **الاول الاخر** شیخ ابو عبد الله
مغربی در کتاب تیسیر المطالب اورده که هر که این دو اسم بزرکوار را در لوح مثلث
وضع کند وقتی که قمر در شرطین بود و با خود نکاه دارد مقاصد دنیا و آخرت
وی بر وجه احسن میسر کردد و لیکن با وجود حمل آن لوح باید هر روزه بعدد حروف
مکتوبه یا ملبوطه تکرار کند این اسماء نماید و اصلا تخلف نکند تا وقتیکه آثار آن در
ظاهر پیدا شود و باید که ترک نکند تا امور باطنی نیز بر وجه دلخواه شود
باذن الله تعالی **الوهاب الرزاق** مداومت بر تکرار این دو اسم شریف بعدد حروف
مکتوبه یا مبسوطه موجب ظهور مواهب و حصول ارزاق است و اکر این اسما را
با وجود تکرار هر روزه در لوحی از الواح درج کند و بطهارت کامل با خود نکاه

دارد و بر حصول نتیجه ابلغ بود و ادخل باشد بشرطی که رعایت اداب ان کما
کما ینبغی بجای اورده در تحصیل حاجات و اجابت دعوات
القریب المجیب صاحب شمس المعارف کلا اورده که هر که این دو اسم را تکسیر کند کرده
بر نگین عقیق احمر نقش کند و بر دور ان نگین این ایت را بنویسد که بدیع
السموات و الارض الی قوله اللطیف الخبیر و با خود نگاه دارد و بطاعت و عبادت
قیام نماید و بر طهارت و وضو علی الدوام این دو اسم را تکرار نماید هر چه مراد
و مقصود وی بود در دنیا و اخرت حق سبحانه بر وی میسر گرداند و بهمه حاجات
و مرادات وی بحصول براورد و هر روز ملائکه وی را بشارت دهند بهمین
و مبارکی و ابواب رزق و برکت بر وی مفتوح سازد و در نظر خلایق عزیز
و مکرم گرداند و این خاتم اجابت ذکر است و خواص وی بسیار است
صاحب در النظیم از مجاهد رحمه الله تعالی نقل کرده است
که اسم اعظم حق سبحانه و تعالی ذو الجلال و الاکرام و چون بوی دعا کنند خدا تعالی
اجابت کند و چون بوی سؤال کنند عطا فرماید فصل ۳ در کفایت مهمات
و سرعت اجابت دعوات الکافی الکفیل صاحب تیسیر المطالب اورده در فصل
یازدهم که مشتمل بر ذکر حرف کاف است چنین اورده که هر که مداومت کند بر این

این دو اسم حق سبحانه کفایت کند کار او را و نگاه دارد وی را از انچه بترسد و مشکل
امر او شود و از انچه امید میدارد و مداومت بر تکرار این دو اسم باید که بعدد
حروف ملفوظ ایشان باشد یا بعدد حروف مبسوطه و اگر عمل را اتم و اکمل
خواهد باید که حروف این اسما را تکسیر کرده در مربعی وضع کند و با خود نگاه دارد
تا به مقصود فایز گردد السمیع البصیر صاحب در النظیم اورده که تکرار این دو اسم
بزرگ است و این ذکریست که صالح است جمعی را که در دعا الحاح نماید زیرا
که از خواص این دو اسم انست که چون بان توسل جویند و دعا کنند اجابت بر یشت
هر چه تمامتر مترتب شود فصل ۴ در ایمنی از افات و مخافات و ظهور طریق
صواب الرحمن الرحیم صاحب شمس المعارف اورده که این دو اسم جلیل القدر
و عظیم الشان است و هر که در امری از امور مضطر شود و توسل باین دو اسم شریف
جوید و بعدد حروف ملفوظه یا مبسوطه بذکر ان اقدام نماید از ان بلیه بزودی سالم
بیرون اید و کسیکه از جباری و ظالمی بترسد چون بر تکرار این دو اسم ادمان نماید
ایمن و مطمئن شود و صاحب کتاب در النظیم اورده که این دو اسم بزرگوار پناه
مضطرین و امان خائفین است و فرموده که هر که این دو اسم را بر نگین فضه در ساعت
اخر از نهار روز جمعه نقش کرده بان تختم کند هیچ مکروهی بوی نرسد و تا ان

و نادان خاتم در انگشت وی بود از همه آفات ایمن باشد و هر که ذکر این اسما را ورد
سازد و بر تکرار آن مداومت نماید و مواظبت نماید حق سبحانه در جمیع امور لطف
خود را شامل حال او گرداند النور الهادی چون طریق صواب در امری از امور
بر وی پوشیده شود و نداند که امر آن صواب یا خطا باید که بر تکرار این دو اسم
بزرگوار بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه مواظبت و مداوم باشد تا بر وجهی از وجوه
صواب از خطا ممتاز شود و طریق حق بر وی روشن گردد و اگر در بیابانی راه گم
کند بهمان عدد که اشارت شد هر دو اسم را تکرار نماید راه راست پیدا
شود و از سرگردانی خلاص یابد فصل پنجم در تقویت قوای مزاجی و حفظ
صحت بدن و ایمنی در سفر و حضر القائم القدوس صاحب کتاب شمس المعارف
آورده که اگر کسی این اسما را نقش کرده با خود نگاه دارد و بر ذکر آن مداومت
نماید قوت و شوکت وی بسیار شود بمثابه که هر چند راه رود مانده نشود
و بر همراهان سبقت گیرد و اگر کسی از آن بنویسد و با خود نگاه دارد همیشه
تندرست و صحیح المزاج بود و اگر کسی بنویسد یا بر موم نقش کند و بر سر مریض
نهد صداع و سایر امراض راس را نافع بود و شیخ شرف الدین بونی رحمه الله
نموده است که من این معنی را در آحاد اشخاص بسیار تجربه کردم و صحیح بود

و نموده

و نموده که اگر کسی این اسما بر موم کافوری مهر کند و آن موم را در آب افکند و صاحب قروح و دمامیل
از آن آب بیاشامد صحت تمام یابد و بدن وی از همه جراحتها و ریشها پاک شود الحفیظ الرقیب
هر که این دو اسم شریف را بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه ایشان مداومت نماید که بعد از نماز صبح
یا مداد هر صباح بخواند آن روز اگر در سفر بود و اگر در حضر لطف حق سبحانه حافظ و نگاهبان وی
باشد از جمیع آفات و بلیات فصل ششم در مشاهده عالم روحانی و دفع امراض جسمانی العزیز ذو الطول
صاحب در النظیم آورده که هفت هفته بنابر ملاحظه لقمه حلال کند و چون شب شود بر طهارت کامل
بفراش رود و این اسما را بعدد حروف مکتوبه ایشان تکرار نماید بعد از آن خواب کند روی
در قبله عجایب غیب عالم روحانی بر وی منکشف شود و اگر این اسما را در مربع وفقی درج کند به حروف
یا عدد حروف یا جمع کند میان حروف و اعداد ایشان از آن وجه که مربع حرفی را بنویسد و بر ظهر آن مربع
عددی را رقم زند و در هر خانه از آن مربع اسمی از اسما را بعینه کتابت کند و آن مربع را با خود نگاه
دارد و شب در زیر بالین نهد در حصول مقاصد دخل بود و اگر آن مربع را بطرف چینی یا زجاجی بنویسد
بمشک و زعفران و گلاب و آب باران بشوید و بیاشامد انواع و اصناف حمیات را نافع بود
النافع النور صاحب تیسیر المطالب آورده که این اسما شفا است از هر مرضی خاصه امراض بارده و دافع
سم عقارب و سایر سموم بارده است چون کسی این دو اسم در مربع ده در ده وضع کند هر گاه آن مربع را
در آب غوص کند و آن آب را مریض بیاشامد نفع بتمام مشاهده کند و تکرار و تذکار این دو اسم بزرگوار

بعد حروف مکتوبه با مبسوطه همین خاصیت دارد بعد باذن الله تعالی فصل ۸ در تحصیل مرادات و دفع وساوس و شهوات و بقای ملک و ثبات آن الکبیر المتعال صاحب کتاب شمس المعارف اورده که اگر این دو اسم را بر ورق نقش کند بمشک و گلاب و زعفران و با خود نگاه دارد بجمیع مرادات واصل شود و اگر حامل وسوسه شده باشد منع شود و اگر شهوت بروی غالب بود دفع شود و اگر از حمی مبتلا و مجروح خاطر بود ان الم او مرتفع شود و این عمل در وقت سحر باید کرد و اگر هیچ نتیجه [illegible] بود و آب [illegible] بود الملک القدوس صاحب در النظم اورده که اگر کسی بر این دو اسم شریف از برای دوام ملک مواظبت و هر کس از ملوک بر این دو اسم بعد حروف مکتوبه با مبسوطات آن مداومت کند ملک وی ثابت گردد و قدرت وی منبسط شود باذن الله تعالی فصل ۹ در حصول صفت تمکین و اطمینان قلب و اصلاح امور و ثبات ملک المتعال مالک الملک صاحب تیسیر المطالب اورده که هر که مداومت کند بر تکرار این دو اسم بطریق خطاب که یا ملک یا مالک الملک گوید و هر بار سیصد و سی سه بار بخواند که در هر مقامی که باشد از مقامات سلوک صاحب تمکین شود و صفت تردد الی الیقین و [illegible] حاصل کرده و اگر حروف این اسما را تکسیر کرده در مربعی وضع کند و با خود نگاه دارد در محل عظیم باشد در آنچه مقصود و مطلوب الملک العزیز صاحب در النظم اورده که هر که این دو اسم شریف را نزد [illegible] ملک و قدرت بخواند اصلاح حال وی کند و این اسما مخصوص بملوک است هیچ ملکی بر این اسما مداومت نکند الا آنکه ملک وی باقی و ثابت ماند و از خلل و فنا محفوظ باشد و قدرت وی شامل و منبسط گردد و سلاطین حق که شهوات بر ایشان غالب بود تکرار این اسما [illegible] از برکت این ذکر شهوت ایشان فرو نشیند و صفت ملکیه ایشان را

حاصل کرده

حاصل گردد و ایشان فرشتگان تایید و نصرت یابند و بر مخالفان غالب آیند باذن الله تعالی فصل ۱۰ در تحصیل علوم کثیره و تسخیر نفوس خلق المهیمن المغیث صاحب در النظیم اورده که هر که مداومت کند بر این ذکر بعد حروف مکتوبه با مبسوطات حاصل شود وی را علم اسما و صفات استیلا بر ابنای جنس و مرا[illegible] احوال در امور کلیه و جزئیه و کلیه العلی العظیم صاحب شمس المعارف اورده که هر که این دو اسم را تکسیر کند و بر ذهب نقش کند و بان تختم شود هر که چشم بر وی افتد بیشتر وی متذلل و خاشع گردد و هم در آن کتاب اورده که بعضی از خلفای عباسی این عمل کرده بوده الله اعلم [illegible] از آن خلیفه پرسیدند که سبب چه بود که شما بسلاطین روی زمین غالب آمدید وی خاتمی از جیب خود بیرون آورد که بر آن این دو اسم را تکسیر کرده بودند گفت که مادام که این خاتم بدست ما بود هیچ کس را بر ما قدرت استیلا نباشد فصل ۱۱ در ظهور سر توحید و تجلی صمدانی و تصرف در عالم الاحد الصمد صاحب در النظیم اورده که بعضی از علما بر آنند که اسم اعظم حضرت حق این دو اسم بزرگوار است و مداومت بر تذکار این اسما بعد حروف مکتوبه با مبسوطات آن بعد از [illegible] موجب ظهور سر توحید و انکشاف تجلی صمدانیت که از جمله تجلیات کلیه است و بعضی از آثار این تجلی آنکه صاحب وی از اکل و شرب خلاص شود و با وجود این تجلی از جوع و عطش در وی نماند القادر المقتدر صاحب شمس المعارف اورده که هر که این دو اسم را بر نگین نقره نقش کند و بان تختم نماید و اکثر اوقات بتذکار این اسما قیام نماید زود باشد که به برکت این غالب شود بر ابنای جنس بلکه بر همه موجودات و اگر در تکرار این عمل سعی بلیغ نماید خلق بتمامی مسخر و مقهور وی شوند و در جمیع امور نسبت بجمیع افراد حکم وی نافذ بود و تصرف وی قوی باشد و اگر کسی از آن خاتم مهری بر موم

سپاهی ددد روم ضعیف آن مواضع ظلمه سعه که قصد ویرانی آن داشتند بر اتش نهد آن موضع چنان بسوختند که

که مادام که ملک دوار بود آبادان و معمور نشود و شیخ شرف الدین بونی رحمه الله فرموده که من آثار این معنی را

مرارات مشاهده کردم صحیح بود **فصل ۱۰۱** در اجابت مطلوب مهتمه و دفع فقر و فاقه و جریان حکمت بر زبان

و دفع هموم و غموم **المهیمن المغیث** صاحب در النظیم آورده که نزد بسیاری از علما اسم اعظم حق سبحانه

این دو اسم بزرگوار است و حدیثی از حضرت رسول صلعم مرویست که فرمود اسم الله الاعظم فی ثلث آیات

قوله تعالی الله لا اله الا هو الحی القیوم و قوله تعالی الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و شیخ فخر الدین رازی در کتاب

لوامع البینات آورده که بعضی از اهل تحقیق برآنند که اسم اعظم الحی القیوم است و دلیل ایشان

آنکه ابی بن کعب رضی الله عنه بصحت رسیده که پیغمبر صلعم اسم اعظم را در او صدو فرمود که

آن در آیت الله لا اله الا هو الحی القیوم است و در آیت الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و علما گفته اند

که اسم اعظم نه لا اله الا هو بود زیرا که این اسماء در آیات بسیار واقع است و آن تخصیص آن

در آیات که پیغمبر صلعم فرمود که اسم اعظم انجا است و معلوم شود که آن الحی القیوم است و در کتاب در النظیم

آورده و از ابی امامه رضی الله عنه نقل کرده که وی فرموده که اسم اعظم حق سبحانه که چون بوی دعا

سوال کنند عطا یابند و چون بوی دعا کنند مستجاب شود در سه سوره است بقره و آل عمران و طه

ابو جعفر دمشقی گوید که نظر کردم در این سه سوره دیدم در آن چیزهایی که در تمام قرآن مثل آن نبود

در بقره الله لا اله الا هو الحی القیوم و در آل عمران الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و در طه وعنت الوجوه

وعنت الوجوه للحی القیوم پس بتحقیق پیوست که اسم اعظم الحی القیوم است

و در مستدرک حاکم رحمه الله حدیثی صحیح الاسناد مرویست که چون امری عظیم

حادث شدی و کربی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسیدی دست

بدعا بر داشتی و فرمود که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و مرویست که چون

آنحضرت در دعا جد و اهتمام داشتی فرمودی که یا حی یا قیوم و قاسم بن عبد الرحمن

روایت کرده است که چون نازل شدی بآنحضرت همی عمی یا همی فرمودی

یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و از آن بصحت رسیده که فرموده اسم اعظم

که آصف ابن برخیا بآن دعا کرد و تخت بلقیس را پیش از طرفة العین نزد

سلیمان علی نبینا و علیه السلام حاضر گردانید یا حی یا قیوم بود و ابو حامد

محمد الغزالی قدس سره فرموده است که بتجربه اکابر محقق شده است که مداومت

بر این دو اسم شریف موجب حیات قوة عقلیه است و ذاکر باید که این دو اسم را

باین عبارت کند که یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت و شیخ شمس الدین ابن

القیم که از کبار تلامذه شیخ شمس الدین محمد بن ابراهیم التیمیست چنین فرموده

فرموده است که شیخ و استاد من ابن تیمیه قدس سره بسیار ترغیب و تحریض

می نمود بر مداومت و مواظبت این دو اسم بزرگوار روزی مرا گفت که بدان ایها

که این دو اسم شریف را در حیات قلوب وصفای باطن اثر عظیم است و اسم
اعظم را که از وی پرسیدم به این دو اسم اشارت فرمود و از وی شنیدم که
که میگفت که هر که چهل روز بر تکرار این دو اسم ادمان نماید بر آنکه در صبح میان
فریضه و سنت و فریضه بامداد چهل بار بگوید که یا حی یا قیوم یا من لا اله
الا انت برحمتک استغیث دل وی احیائی حاصل شود که هرگز نمیرد و صاحب
در النظیم از کتاب شمس المعارف نقل کرده که شیخ شرف الدین بونی رحمه الله
فرموده که چون کسی سه روز سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد و چون
صبح جمعه شود نماز فرض در اول وقت بگذارد و بعد از سلام پیش از آن که
بشغلی از اشغال قیام نماید چه قولی و چه فعلی بذکر یا حی یا قیوم مشغول گردد
ولا ینقطع میگوید تا وقت طلوع آفتاب بی آنکه در میان سکوتی و مکثی واقع
شود پس دوات و قلم و کاغذ مهیا کرده فی الحال در عقب آن ذکر اول طلوع
آفتاب بنویسد که یا حی یا قیوم و در رسم بپیچد و با خود نگاه دارد تا عجائب مشاهده
کند از برکت و جمعیت و وسعت رزق و اقبال خیرات چنانچه موجب تعجب مردمان
شود و باید که این عمل را از سفهای قوم و نااهلان البته اخفا کند و صاحب
کتاب شمس المعارف اورده که این دو اسم شریف را لوحی است

لوحی است

سحر روزی را قبا دو ضابت

لوحی است ... در ... که اگر کاتب و قاری این اسماء حامل آن شود
عمل وی اتم و اکمل بود و حصول نتیجه به وجه ایسر میسر شود و غیر آن
خواص که در روایات وی مذکور شد در حمل این لوح نیز واقع است
مثل دفع قساوت قلب و رفع احتیاج با ابنای روزگار و خلاصی
از فقر و فاقه و امثال آن و لوح اینست که ~~بعضی مشیخه~~ که نموده میشود

الودود الرحیم صاحب کتاب
در النظیم اورده که در سوره
پس اسماء اعظم است که اگر کسی
حروف آنرا تکیه کند پس بر ظرف
چینی یا زجاجی رقم زند بمشک و زعفران
و گلاب آنگاه محو سازد و در اثنای
عمل به طهارت بود و مستقبل قبله و از آن بیاشامد و این عمل به عدد
حروف آن اسماء یعنی شش روز پیاپی تکرار نماید حق سبحانه
زبان وی را بحکمت ناطق کند و اسرار عالم بر وی منکشف سازد
و این اسماء در وسط سوره است و آن پنج کلمه است و مجموع آن شانزده

شانزده حرف است ازان جمله چهار حرف منقوطه است ودو حرف
ازان نقطها بر فوق دارد و دو حرف نقطها بر در تحت دارد انتهی
کلام پوشیده نماند کران پنج کلمه که مشتملاست بر اسماء ایت سلام
قولا من رب رحیم است که بعضی از علما گفته اند که اسم اعظم در سورة
یس در این ایت است وان رب رحیم است واگرچه سلام هم
اسمی است از اسماء حسنی حق سبحانه اما در این ایت نه ازان قبیل است
وراقم این حروف از والد خود علیه الرحمه استماع دارد که حوصله
فرموده اند از بعض اکابر یاد دارم که هر که را غمی و المی پیش اید
که بان در ماند باید که سوره یس را بخواند وچون ~~بابن ایت رسد~~
~~هفتاد و دو بار تکرار کند بعد ازان سوره را اتمام سازد حق سبحانه~~
~~ببرکت این دو اسم شریف ان غم و الم را مرتفع گرداند و بفرح و سرور~~
~~مبدل سازد واین عمل ببرکات مرات واقع شده است ونتیجه صحیح~~
باین ایت رسد هفتاد و دو بار تکرار کند بعد ازان سورة را اتمام سازد
حق سبحانه ببرکت این دو اسم شریف ان غم والم را مرتفع گرداند و بفرح و سرور
مبدل سازد واین عمل بکرات و مرات واقع شده است ونتیجه صحیح پیوسته

۱۲
فصل در تحصیل

فصل ۱۲ در تحصیل علوم خفیه واطلاع بر اسرار مکنونه واجابت دعوات
الحکیم العلیم صاحب کتاب شمس المعارف اورده که مداومت بر این دو اسم شریف
موجب فتح باب حکمت و صنعت الهی است و هر که امری از امور دینی و دنیوی
مبهم شده باشد که بقوت فکریه ادراک وکشف ان متعذر و متعسر باشد باید
که بر تکرار این دو اسم بزرگوار مداومت نماید تا حق سبحانه و تعالی دریافت ان
امر مبهم را بر وی اسان گرداند و مواظبت بر این حروف دو اسم بعدد حروف
مکتوبه ایشان باید نمود واگر عمل قوی تر خواهد باید که این دو اسم را تکسیر کند
و در مربعی وفقی وضع نماید و با وجود تکرار بر روینده ان لوح را نیز دایم با خود
نگاه دارد بشرط طهارت بدن و تنظیف تا زود بمقصود واصل شود امین
السمیع العلیم صاحب در النظیم اورده که بعضی از علما برانند که اسم اعظم عبارت
ازاین دو اسم شریف است و مداومت و مواظبت بران بعدد حروف مکتوبه
یا ملفوظه موجب ظهور اسرار مکنونه و فتح باب کنوز مخفی و نهاست وبعضی از خواص
اسم العلیم در فصل دوازدهم از باب اول گذشته و بعضی از اکابر با اسم
السمیع البصیر جمع کرده اند و در خواص ان فرموده اند که این دو اسم
شریف را در سرعت اجابت دعوات قوة و تاثیر عظیم است پس چون کسی

مداومت بر عدد ملفوظه
ایشان نماید واگر ازین بنا
قوی تر خواهد

ارادهٔ طلب حاجتی کند باید که این دو اسم شریف را بر کف دست خود نویسد و دست بر عاید دارد و چهار هزار و دویست هفتاد هفت بار این اسما بگوید بعد هر اتمام ذکر بشرایطش فی الحال اجابت مترتب شود و اگر کسی را داعیه مشاهده ارواح باشد این اسما را بهمان عدد که مذکور شد با شرایط کلی که در مقاله اولی گذشت اراده یافته بخواند بمقصود واصل شود و با ارواح تکلم و هر چه پرسد جواب شنود و فواید فرا گیرد و در شرح اسماء الله آورده که هر که روز پنجشنبه وقت چاشت هشت رکعت نماز گذارد بچهار سلام بعد از آن یا صد بار بگوید یا سمیع بشرطی که در آن اثنا اصلا سخن نگوید بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود و بعضی دیگر از اکابر باسم السمیع اسم البصیر جمع کرده اند و در منافع آن فرموده اند که هر که میان سنت و فرض جمعه صد بار السمیع البصیر البصیر بگوید بنظر خاص حضرت جانانه مخصوص گردد و سمع و دیده بصیرت وی مفتوح شود و صاحب اسرار گردد و در شمس المعارف آورده که هر که اضافه کند بصیر را بسمیع و بعد حروف مکتوبه با مبسوطه بر سر بالین صاحب غشی و بیهوشی بگوید یا سمیع یا بصیر بصیر ببرکت این اسما از و بیهوشی ابد و این عمل غایتی است نزد یک اهل اسرار

وعددی

وعددی که بر آن مداومت باید نمود بقولی مقصد است از برای دفع غشی و بیهوشی و اگر این اسما را بر لوح ذهب نقش کند بشرایط کتابی و با خود نگاه دارد و متذکر آن نیز باشد لغات جن بشنود و طبیعات ایشان را شناسد نماید و بر هر چه ایشان حکم کند انقیاد نمایند و اگر کسی اکثر اوقات خود را بر تکرار این اسما مستغرق کرداند بر اسرار خلایق اطلاع یابد و ما فی الضمیر مردمان بر وی روشن گردد و بسی احوال مخفیهٔ خلق بر وی ظاهر شود و بر بسیاری از امور عجیبه غریبه وقوف یابد و بسی اسرار غیبیه منکشف گردد و شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمه الله فرموده که ابن معلی حنبلی از این اسما بسیار مشاهده افتاد **باب سیوم** در خواص اسماء ثلاثیات که هر سه اسم اند از اسماء حسنی بموافقت و مطابقت یکدیگر کفایت مهمات میکنند و این باب مشتمل است بر دوازده فصل و هر فصلی محتوی بر هر اراده سه اسم از اسماء الهی **فصل ۱** در القاء مهابت و محبت در قلوب و قضاء حوایج **فصل ۲** در تسخیر نفوس و تصرف در امور نیک و بد **فصل ۳** در تیسیر امور مقاصد **فصل ۴** در توسیع رزق و تیسیر مرادات **فصل ۵** در دفع بلیات **فصل ۶** در ایمنی از آفات و عاهات **فصل ۷** در دفع خشیت

وحصول طمانینت فصل در حصول عزت وعظمت وظهور فتح ونصرت
فصل ۹ در تسکین دادن باطن از شهوات جسمانی فصل ۱۰ در ظهور اشخاص
روحانی وطلب مقاصد از ایشان فصل ۱۱ در کشف عواقب امور فصل ۱۲
در کشف امور مخفیه در منام فصل اول در القاء مهابت ومحبت در قلوب
وقضاء حوائج بسم الله الرحمن الرحیم صاحب کتاب شمس المعارف
اورده که هر که بداند انچه ودیعت نهاده است خدا تعالی در این ایت از اسرار
وحقایق وانوار کتابت کند سوخته نشود باتش ومرویست که چون بسم الله
الرحمن الرحیم نازل شد جبال بلرزید وملائکه مقربین زبانیه دوزخ را گفتند
که هر که این ایه را بخواند باتش در نیاید وان نوزده حرف است بعدد
زبانیه دوزخ که موکلند بر اتش وهر که این ایت را بخواند وبر قرائت ان مواظبت
نماید هیبت وی در دل باطن اهل عالم علوی وسفلی پیدا شود واین ایت
اول چیزیست که قلم اعلی بر لوح کتابت نمود وباین ایت حق سبحانه وتعالی
ملک سلیمان نبی کرامت فرمود وهر که این ایت را ششصد بار وبقولی
ویك ششصد وچهل بار کتابت کند وان مکتوب را با خود نگاه دارد هیبت
ومهابت وی بر دلها مستولی شود ویکی از کبار علماء صحابه روایت کرده است

کرده است که هر که را بخدا تعالی حاجتی بود باید که روز چهارشنبه وپنجشنبه وجمعه
روزه دارد وچون جمعه در اید غسل کند وجامه پاك بپوشد وبمسجد جامع رود
ودر راه انچه تواند تصدق کند نماید وچون نماز جمعه بگذارد این دعا بخواند
که اللهم انی اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة هو الرحمن الرحیم واسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحیم الا هو الحی القیوم
لا تاخذه سنة ولا نوم ملات عظمته السموات والارض واسئلك باسمك بسم الله
الرحمن الرحیم الذی عنت الوجوه وخشعت له الاصوات ووجلت القلوب من خشیته
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقضی حاجتی وچون اینجا رسد حاجت خود
عرض کند البته بعز اجابت مقرون گردد وان بزرگ اصحابی وصیت کرده است
که زینهار بسفهای قوم خود این نام را میاموزید لیکن بصالحان امت رسانید
وصاحب کتاب در النظیم اورده که بخط بعضی عارفان دیدم که از حضرت
امام جعفر صادق ع نقل کرده است که انحضرت فرموده که هر کرا حاجتی بود
باید که بر رقعه بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم من عبده الذلیل الی ربه الجلیل
رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین پس ان رقعه را در جوی اب
روان عظیم اندازد ودر ان محل بگوید اللهم بمحمد واله الطیبین الطاهرین وصحبه

المرضيين اقض حاجتي يا ارحم الراحمين پس حاجت خود را یاد کند بتحقیق که مراد او
باید و حاجت او روا شود باذن الله تعالی **فصل دوم** در تسخیر نفوس و خرد خود
و تصرف در امور بخیر و شر **القائم القوی المقتدر** صاحب شمس المعارف اورده
که هر که این اسما را تکسیر کند و بر خاتم نقره نقش نماید و بر دور ان این ایت نویسد
که ان بطش ربک لشدید و وقت در روز سه شنبه عمل بخور کند با صطرک و ازرقی
و اذخر که در داری وی معروف است پس ان خاتم را در انگشت کند اگر
نزد پادشاه در اید هیبت و مهابت وی در دل پادشاه سرایت کند و هر جا
که رود همه خلق از وی بترسند و مطیع و منقاد وی شوند و اگر ان خاتم را
در منزل پادشاه جابر و حاکم ظالم دفن کند ان ملک و پادشاهی و ایالت و حکومت
از دست وی بیرون رود و رعایا دشمن وی شوند و سرکشی اغاز کنند
و فتنهای عظیم از برای ان ظالم قائم گردد و خواص این خواتم در تخریب دیار ظلمه
و تفریق ... بغایت ... **فصل سیوم** در تیسیر امور و تحصیل مقاصد **الرب**
الرحمن القیوم صاحب در النظیم اورده که بخط مبارک شیخ ابو الحسن الشاذلی قدس الله روحه
دیده ام که نقل کرده است از کتاب نور الیقین و اشارة اهل التمکین که اگر چون کسی
خواهد که حاجتی از حق سبحانه طلب کند باید که شب پنجشنبه غسل کند و بر جای
نماز

نماز معتکف بنشیند تا نماز شام بگذارد و هم بر جای نماز مکث کند و ذکر گوید تا ان زمان
که نماز خفتن بگذارد و بعد از ان رکعتی چند ان قدر که تواند بگذارد پس چون
نماز وتر بگذارد در سجده اخر از رکعت اخر وتر صد بار بگوید یا رب یا رحمن
یا قیوم برحمتک استغیث انگاه مراد خود را در خاطر بگذراند بهمه حال روا شود
باذن الله تعالی **فصل چهارم** در توسیع رزق و تیسیر مرادات **الکریم الوهاب ذو الطول**
صاحب در النظیم اورده از بعض محققان نقل کرده که هر که مداومت کند بر ذکر این سه اسم بزرگوار
ضیق معیشت مرتفع شود و سعتی در رزق پیدا شود و روزی وی از جایی میسر شود که در گمان وی
نگذشته باشد و ان محقق فرموده که بسیار مردم را باین عمل امر کردم و از برکات وی انقدر ظاهر شد که بغایت
عجیب و غریب نمود و هر که نقش کند این اسما را و با خود نگاه دارد دشوارها بغایت بروی اسان شود
چنانچه نداند که از کدام جهت این معنی میسر شد و هر که تکرار کند این اسما را بعدد حروف مکتوبه انشان
در موضع خالی با طهارت کامل و حضور تام و نیت صادق و قلب خاشع و بر این عدد بیفزاید و از این عدد
نکاهد بعد از اتمام این عمل هر دعا که کند فی الفور مستجاب شود و صاحب در النظیم گوید باید که عامل
این قاعده بداند که زیاده بر عددی که مقرر شده اسرافست و نقصان کردن اخلال است **فصل پنجم** در دفع
بلیات و مکروهات **العلی العظیم الکبیر** صاحب شمس المعارف اورده که هر که این سه اسم را تکسیر کند و بر خاتم ذهب نقش
فرماید و بر دور ان خاتم بنویسد که و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم صاحب ان خاتم از جمیع بلیات

سعه رزق

ومکروهات ایمن ماند وهر کرا نظر بروی افتد وی را دوست کرد وبی اختیار طالب صحبت او شود واکر کسی با وی
در مقام عناد وخصومت بود مغلوب ومقهور کردد واکر در مقام حیله ومکر بود وبال ونکال ان بمحیل
باز کردد وحامل این لوح همیشه محفوظ ومحروس باشد ومن اسمعی را در اوقات بسیار نسبت به افراد واحاد
ناس مشاهده کردم ودر این عمل اثار عجیب وغریب یافتم **فصل ششم** در ایمنی از افات وعاهات **الرؤف
المنان الکریم** صاحب شمس المعارف اورده که هر که حروف این اسماء را تکسیر کند در ساعت مشتری وقمر ساکن
در قوس بود ودر مربعی وضع کند وبر صحیفه ذهب نقش کند روز جمعه وقت بامداد نماز پیشین پس در
ان لوح این ایت بنویسد که وهو الذی خلق السموات والارض بالحق الی قوله الحکیم الخبیر وان لوح را با خود
نکاه دارد بشرط طهارت بدن ودوام وضو وتنظیف لباس حق سبحانه وی را از جمیع افات ومخافات
وبلیات وعاهات محفوظ ومصون بدارد چنانچه اکر تیری فرضا در روی او اندازند از وی بکردد وبجانبی
دیکر میل کند باذن الله وخواص این لوح بسیار است وبیشمار **فصل هفتم** در رفع خشیت وحصول طمانینت
حلیم الرؤف المنان صاحب شمس المعارف اورده که هر که از کسی ترسان وهراسان باشد باید که این اسماء
شریفه را باسلوب خط کتابت کند بدین وجه که یا حلیم یا رؤف یا منان در روز دوشنبه اول ساعت
در ساعت قمر وان را بر بازوی راست ببندد در پیش حاکم ظالم که از وی خایف بوده در اید حق سبحانه وی را از شر ان ظالم
واز خشم وغضب او نکاه دارد بلکه دل وی را نرم سازد واو را فی الحال مشفق ومهربان کرداند واکر این
اسماء را تکسیر کند ودر مربعی وفقی درج نماید وان لوح را با خود دارد وبزبان نیز تکرار اسماء نماید ودر این حال

بر حاکم جبار عنود در اید از قهر وغضب وی ایمن وسالم بماند وهر که شهوت بر وی غلبه نماید چون بر این
اسماء مداومت نماید نایره شهوت فرو نشیند واز ان دغدغه خلاص شود **فصل هشتم** در حصول عزت
وعظمت وظهور فتح ونصرت **العزیز الجبار المتکبر** صاحب شمس المعارف اورده که این اسماء بر دکواد موافق
حال ملوک است ومداومت بران عزت وعظمت را افزاید وفتح ونصرت اعطا کند واکر حروف این را تکسیر کشد
ودر مربعی وفقی درج کند وبر دور ان ایت انا فتحنا الی قوله نصرا عزیزا بنویسد در روز یکشنبه بساعت
مریخ واکر طالع الوقت کتاحمل باشد اولی بود ودر حین عمل بخور کند بدهن اسح که دارویی معروف است پس چون ان لوح
بشرایطش تمام شود وپادشاه با خود دارد وبا دشمن محاربه کند البته فتح وظفر در جانب وی بود وهر کرا
از لشکر دشمن چشم بروی افتد رعبی وخوفی در دل وی پیدا شود که مجال مقاومت ومقابله نداشته باشد وفی الفور پشت
داده روی بهزیمت نهند وصاحب در النظیم اورده که اسماء مذکوره از جمله اسماء صفات ذات است
ولازم این اسماء خوف ودهشت وهیبت وهیچ ذلیلی وحقیری بر ذکر ان مداومت نکند الا انکه عزیز ورفیع
کردد ونزد هیچ متکبری وجباری نخواند الا انکه ذلیل وخوار شود وهیچ پادشاه متکبر وجبار بران
مداومت ننماید الا انکه در نفس خود انکساری وشکستکی مشاهده نماید وهر بار که باین ذکر اقدام
کنند باید که زبان مشغولی کم از یکساعت بنجومی نباشد وهر چند زیاده باشد بهتر بود تا اثر روحانیت این اسما
ظهور نماید وخاصیت خود کار فرماید وعامل هر چند در حضور قلب وصفاء نیت وتصحیح عزیمت
اهتمام زیاده نماید اثار وخواص ان زیاده مشاهده فرماید **فصل نهم** در تسکین دادن باطل از

شهوات جسمانی **العلیم الحلیم العظیم** در کتاب در النظیم اورده که هر که این اسماء بزرکوار را کتابت کند بر ظرف

چینی یا زجاجی و بآب عذب محو کند بنا شتا بیاشامد حق سبحانه باطن وی را ساکن کرداند از غدغد

شهوات جسمانیت و هم صاحب در النظیم میفرماید که اکر با این سه اسم شریف بعضی دیکر از اسماء الهی را

که در وسط ان حرف یاست ضم کند و همه را کتابت کرده محو سازد و بر ناهار بیاشامد در این مطلوب

اوست ابلغ و ادخل بود و مجموع اسمائی که در قرآن واقع شده و در وسط ان حرف یاست سی هشت اسمست

و آن اینست البدیع البصیر الجلیل الحبیب الحفیظ الحکیم الحلیم الحمید الخبیر الرشید الرقیب الرفیع السریع السمیع الشدید

الشهید العزیز العظیم العلیم القائم القدیر القریب القیوم الکبیر الکریم اللطیف المبین المتین المجیب المجید

المحیط المحیی المعید المقیت المهیمن النصیر الوکیل **فصل دهم** در ظهور اشخاص روحانی و حصول مقاصد

از ایشان **السریع الرقیب المقتدر** راقم این حروف بخط والد خود علیه الرحمة دیده که از کتب معتبره قوم نقل

کرده اند که هر که این اسماء شریفه را تکسیر کند بر این وجه **ا ل ا ل س ر ر ق م ق ی ع ی ب ت د د** وانرا

بر صفیحه ذهب که کتابت از نحاس است یا از نقره که عبارت از نقره است روز سه شنبه رسم کند و بر دور ان ایت قل

اللهم مالک الملک را الی قوله بغیر حساب نقش کند و بمشک و عود هندی و سکته که داروی معروفست تبخیر

کند و در اثنای عمل بزبان نیز بذکر این اسما مداومت و مواظبت نماید و متوجه بمعنی این اسما بود و خلو باطن از اغیار

و خلو مکان و از ابتداء عمل چهل روز روزه کیرد و اکر در ان چله از اکل حیوانی اجتناب نماید اولی بود پس

چون عمل باتمام رسد قومی از روحانیات بروی ظاهر شوند و باوی تکلم کنند و عامل را در صحبت ایشان

ترقی بسیار شود بمثابه که اکر خواهد با ایشان بآسمانها تواند شد و بر مقاصد کلیه عظیمه فایز کردد

و ببرکت فعل و تاثیر این اسما **فصل یازدهم** در کشف عواقب امور **الهادی الخبیر المبین** در کتاب دره

النظیم اورده که هر که خواهد عاقبت امری مبهم را معلوم کند مر تکرار این اسماء مداومت کند و در اثنای

عمل باید که بوصف جوع و سهر متصف بود و کم خوردن و کم خوابیدن را شعار خود سازد و تعداد هر چند

بار که بخواند بکوید یا هادی اهدنی یا خبیر خبرنی یا مبین بین لی تعداد ان انچه مراد او است تمام بود و این عمل را

در دل شب کند که همه خلق بخواب باشند پس چون عمل تمام کند و در خواب رود انچه مقصود اوست بروی

ممثل شود بوجهی از وجوه بر بهایت امر مطلوب اطلاع یابد و عاقبت ان امر بروی منکشف شود

فصل دوازدهم در کشف امور و امورات مخفیه در منام **النور الهادی الباطن الظاهر** در کتاب دره النظیم

اورده که هر که اراده کند که چیزی را در خواب مشاهده نماید و خبری معلوم کند

از غایبی یا حادثه از حوادث کونی که هنوز اثر ان بظهور نیامده باشد باید که طهارت

کامل سازد و بر فراش خود اید و با نیت خالص و عزم صحیح و توجه تام با مری که مطلوبست

بذکر این اسما مشغول کردد و انقدر که تواند بخواند و اکر بعد حروف مکتوبه تکرار

کند ابلغ و ادخل بود و ان ۱۲۳۴ است پس چون عمل تمام کرده بخواب رود

وانچه مقصود اوست ممثل کشته از ان امر مخفی اخبار نماید و در کتاب در النظیم

از حضرت مقدسه مرتضی علی علیه الصلوة و السلام نقل کرده که فرموده اند اسم اعظم

الطاهر است و بعضی اکابر در خواص این اسم شریف گفته اند که اگر کسی حروف وی را در مربعی
درج کند و در وقت تکرار وی بعدد حروف مکتوبه که ۶ است یا حروف مبسوطه
۱۲۹ است این مربع را در پیش خود نهد و دایم بان نظر کند و بهیکل بصفای
طویت متوجه امر مقصود شود حق سبحانه وی را بر خفیات امور و مکنونات علوم
اطلاع دهد و عجایب ملک و ملکوت بر وی ظاهر گردد **باب ۴ چهارم** در خواص
اسماء رباعیات و ما فوق ان تا چهل و زیاده بی که هر فرقه از ان اسماء بمعاونت
و موافقت یکدیگر اعطاء مواهب و افاضه عطیات میکنند مشتمل بر دوازده فصل
فصل اول در حفظ مال و جاه و دفع فقر و فاقه و ایمنی در سفر دریا **فصل دوم** در دفع
کرب و الام و خواطر و وساوس و دفع اثقال و تسهیل امور صعبه **فصل سوم** در تسهیل
امور و تحصیل علوم و تسخیر نفوس و تصرف در ملک و ملکوت **فصل چهارم** در دفع
وساوس و شهوات و کفایت امور عظیمه و امان خائفین و انس متوحشین
و الفلاح مسجونین **فصل پنجم** در طلب اسباب رزق و ثبات نعمت و حصول
مطالب و مشاهده عالم علوی و سفلی **فصل ششم** در حصول قوت تصرف در عالم
و دفع امراض و خلاصی از خوف و حبس **فصل هفتم** در اطلاع بر اسرار غیبیه
و حصول مرادات کلیه **فصل هشتم** در فتح و نصرت بر اعدا و تسخیر قلوب قاسیه
و صفا

و حفظ علوم جلیله و کشف امور عظیمه **فصل نهم** در رجوع اعدا و استیلا بر اهل خصومت و ازدیاد
شوکت و حشمت **فصل دهم** در تحصیل علو همت و قوت باطن و تسخیر نفوس و ایمنی از شر ظلمه **فصل یازدهم**
در ظهور فرج و مخرج از هر ضیقی و حصول اسانی بعد از دشواری و حفظ بلاد و قلاع و منازل
فصل دوازدهم در خلاصی از علایق عالم کثرت و ظهور انوار عالم وحدت **فصل اول** در حفظ مال و جاه و دفع
فقر و فاقه و ایمنی در سفر دریا الداعی الدائم الدلیل الدیان شیخ ابو عبد الله مغربی رحمه الله در کتاب
تیسیر المطالب در بیان حرف دال اورده که چون این چهار اسم را در مربع ۴ در ۴ وضع کنند برای
بقای ملک و ثبات سلطنت نیک موثر است و این مربع مناسب حال طایفه ایست از ارباب
ثروت و اصحاب نعمت که مال و منال دارند و بر فنا و زوال ان ترسان و هراسان باشند چون
این مربع را با خود نگاه دارد و بر دوام وضو و تنظیف لباس باشند مال و متاع ایشان از حوادث آفات
مصون و محفوظ ماند الکافی الغنی الفتاح الرزاق صاحب درة النظیم اورده که بعض عارفان محقق
فرموده اند که چون این چهار اسم یکجا متفق کردند یا در لوحی از الواح وفقی بهم مجتمع شوند در دفع
فقر و فاقه و توسیع رزق و تیسیر معیشت بغایت مؤثر باشد و ذاکر ان زود بمقصود واصل گردد
ان شاء الله العلیم الحلیم العلی العظیم صاحب درة النظیم فرموده که چون کسی خواهد که بدین اسما توسل نماید باید که
با این چهار اسم بتکرار جسته باین اسلوب گوید که یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم اجمعا و اگر مجال بود
که بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه ایشان گوید بغایت نافع بود و السلامة بسلامت و عافیت بکنار اید

وقتیکه در بیان شد
این اسما را
باید

باذن الله تعالی و منقول است چون علمای حضرمی رض خواستند که مدد یابند اول دو رکعت نماز

کذاردی پس این اسما را بوجهی که مذکور شد بخواندی و همه مشکلات بر وی آمدی **فصل دوم** در دفع

کروب و الام و خواطر و وساوس و دفع اثقال و تسهیل امور صعبه الودود اللطیف الواسع

الشهید صاحب در النظیم اورده که این چهار اسم در تفریج کروب و ازالهٔ الام نافع خصوصا

اسم اللطیف که بغایت سریع التاثیر است در ازالهٔ کروب و هموم و مسکهٔ شداید و نوایب هجوم کرده باشد

چون بر این اسما مداومت کند اثار عجیبه از ان ظهور اید و هیچ ملالی و متالمی بر ذاکر این اسما مداومت

نکند الا انکه حق تعالی ان ملال و الم را ازوی زایل کرداند و در اثنای ذکر در این اسما اسرار بدیعه

و اثار جلیله است که بر عالم عامل در اثنای ذکر سانح میشود الملک القدوس الخلاق الفعال صاحب در

النظیم کوید که در بعضی کلمات قدس سره شیخ عارف ابو الحسن الشاذلی دیده ام که هر که بوسواس و خواطر

ردیه مبتلا شود و خواهد از ان تشوش خلاص یابد باید که دست خود را بر دل خود نهد و هفت

بار بکوید سبحان الملک القدوس الخلاق الفعال و از عقب ان هر بار این ایت را بخواند که ان یشا

یذهبکم و یات بخلق جدید و ما ذلک علی الله بعزیز حق سبحانه دل وی را از وسوسها و خاطرهای پریشان

پاک و صافی کرداند القادر المقتدر القوی القائم صاحب در النظیم اورده که شیخ بزرکوار ابو الحسن شاذلی

فرموده که این اسما مناسب حال اصحاب اغراض و اشغال است چون بر این اسما مداومت کنند هر ثقلی و تعبی

که در نفس باشد مرتفع کردد و هر که این اسما را بر خاتمی نقش کند و بدان متختم شود فی الفور از هر کرانی

[دفع وسواس]

که داشته

که داشته باشد سبک بار شود چنانچه در خود احساس هیچ ثقلی نکند و هر که را ضعفی بود چون

خاتم را از وی در اویزند قوت کیرد و هم صاحب در النظیم فرموده اکر کسی حروف اوایل اسماء

اربعه را **ق م ق ق** صد بار کتابت کند در روز یکشنبه اول ساعت و ان نوشته را با خود

دارد یعنی در زیر خاتم نهد چون در انکشت کند از هر المی و خواطر پریشانی که داشته باشد خلاص یابد

و اکر ان خاتم را زمانی در اب نهد و از ان اب بیاشامد مدتی مطبقه را زایل کرداند باذن الله

و اکر کسی به نیت هلاک جباری و ظالمی صد بار این حروف را کتابت کند حسبتا وی را هلاک کند و هر که

صد بار این حروف بر ورق اس بنویسد و انرا در میان روغن زیت بجوشاند بعد از ان در مفلوج مالد

نافع بود و اکر در سر و روی کسی مالد که نزلات هوایی دارد مفید بود و هر که از پولاد لوحی بسازد

اول ساعت از روز پنجشنبه و این حروف را بروی نقش کند چهار بار و ان لوح را در میان عمامهٔ خود وضع کند حق سبحانه وی را مهابت و محبت در دلها روزی کند و اکر از پیش سینهٔ خود محاذی

دل ساحر حرا ازوی دل او بود حاصل شود و نکرهای موحشه و مدهشه را از وی دور کرداند

و سزاوار انست که دایم این عمل را با خود نکاه دارد بلکه چون ترد صاحب جاهی خواهد که برود

و هر کاه با خود دارد دایم باید که بر طهارت و تنظیف لباس باشد **فصل سیوم** در تسهیل امور و تحصیل

علوم و تسخیر نفوس و تصرف در ملک و ملکوت **القوی العزیز العلیم القدیر السمیع البصیر**

صاحب در النظیم اورده که شیخ عارف ابو الحسن شاذلی نقل کرده که چون متوجه امری شوی

از اعمال واحوت این شش اسم را بر وجه خطاب بگوی یا قوی یا عزیز تا اخر بر قوال الحی سهل کردد
واسان شود العظیم الحلیم الخبیر المبین الهادی علام الغیوب وهم صاحب درر النظیم در لطیفه
ثانیه خود اورده که هر که عمل کند باین شش اسم بزرکوار وانضار اورد خود سازد ظاهر شود بروی
علوم جلیله ولطایف اسماء جلیله وحق تعالی بروی مفتوح کرداند ینابیع حکمت را ورحمت ومبادی
ویرا روزی کرداند واهل علم وفضل را مسخر وی کرداند واورا بواسطه مواظبت بر این اسما کشف
کشف تام حاصل شود الجاعل الجواد الجمیل الجلیل الجابر الجبار الجامع صاحب درر المطالب در بیان حروف
جیم اورده که هر اسمی ازین اسماء سبعه تعلق بر یکی از انبیا دارد الجاعل ادم را الجواد ابراهیم را
الجمیل یوسف را الجلیل ادریس را الجابر هارون را الجبار موسی را الجامع عیسی را وفرموده که
این هفت اسم است از اسما که تعلق بهفت جیم دارد وحکم ان در سماوات سبع ساری ونافذ است
پس هر طالبی که بر تکرار ان مواظبت نماید چندانکه اثر روحانیت ان ظهور اید در انوقت
بنبوت ومدد روحانیت ایشان تصرفات کلی در ملک وملکوت میسر کردد **فصل ٤** در دفع
وساوس وشهوات وکفایت امور عظیمه وامان خایفین وانس متوحشین واطلاق مسجونین الملک
العلی العظیم الغنی المتعالی ذو الجلال المهیمن الکبیر صاحب درر النظیم در لطیفه ثالثه از ان کتاب
اورده که این اسماء ثمانیه شطری است از اسم اعظم که مخزون ومکنون است وکسی که بر ذکر این اسما مداومت
نماید از وساوس وغلبه شهوات خلاص کردد واکر از مجری الم عظیم متاذی باشد ان الم دفع شود ووقت

این ذکر سحر

این ذکر سحر است از هر روزی که باشد واین ذکر را نفع عظیم است واکر این اسماء
بزرکوار را بر خاتم فضه نقش کند ودر حین ذکر بان تختم نماید در سرعت اجابت
مدد عظیم باشد الرحمن الرحیم الرؤف العفو المنان الکریم ذو الطول ذو الجلال
والاکرام وهم صاحب درر النظیم اورده در لطیفه اولی از ان کتاب که هر خایفی که بر این
اسماء ثمانیه مداومت کند در ضمان امان باشد وهر متوحشی که بر تکرار ان مواظبت
نماید وحشت وی بانس مبدل شود وهر زندانی که بتکرار ان قیام نماید بزودی
از بند وزندان رهایی یابد واکر کسی این اسما را بشرایط کتابت کند بر خاتم فضه
نقش کند ودر اثنای عمل بان تختم نماید در ظهور نتایج مبالغه داخل باشد
فصل ٥ در طلب اسباب رزق وثبات نعمت وحصول مطالب ومشاهده عالم
علوی وسفلی التواب الغافر الحسیب الوکیل الکافی الرزاق السلام المؤمن البر
صاحب درر النظیم در لطیفه ثامنه از ان کتاب اورده که این اسماء عشره را
تاثیری سریع است بطالبان اسباب واصحاب نعم وتیسیر عسیر وتوسیع
ارزاق وتقبل وجوه وبرکت در کسب وتسخیر نفوس ووقتی که بر ذکر ان شرایط
مواظبت ومداومت نماید وفرموده که این اسماء صالحست بغایت در امل سرایات را
واکر عامل این اسما را بر خاتم فضه نقش کند وباخود نکاه دارد در تاثیر ونفع

اقوی بود و اگر کسی تکسیر کند و در مربع وفقی درج نماید هم به رقم حرفی و هم به رقم عددی
در مرتب نتیجه او خیلی به باشد المحیط العالم الرب الشهید الحسیب الفعال الخلاق
البارئ المصور و هم صاحب در النظم در لطیفه خامسه از آن کتاب آورده که در این
اسماء تسعه است اسم اعظم حق سبحانه که چون بوی دعا کنند بشرف اجابت رسد
و چون بوی درخواست عطا مترتب شود و این اسماء از اعظم اذکارات و هیکلی
بر آن مداومت نماید بشرایطی که مقررات الا آنکه مقاصد کلیه بروی کشف شود
و میسر گردد و پیامد مطلوبی و روزی شود هر مرغوبی که در امور فاضله حق الله
و هر که در دل شبها بذکر این اسماء قیام نماید عجایب علویات و سفلیات مشاهده
نماید و مداومت بر این اذکار فتح اسرار مکنونات کند و در این ذکرات حفظ بعضی
و رفع آلام و قهر اعدا و این از اجل اسماء مکنونات و هیچ احدی بر ذکر آن مداومت
نماید الا آنکه به بیند چیزها از امور عالم علوی و فهم کند اسرار لونی و مسخر وی
شوند همه عالم **فصل** در تحصیل قوت تصرف در عالم و دفع امراض و خلاصی
از خوف و حبس البدیع البصیر البر الباری الباسط الباطن الباعث الباقی
بالغ امره صاحب شمس المعارف آورده که مداومت بر ذکر این اسماء تسعه
موجب حصول مقاصد و وصول مطالب و آثار آن بغایت قوی است و صاحب

بتیسیر المطالب
آورده در بیان

بتیسیر المطالب آورده در بیان حروف باء آورده که این نه اسم است از اسماء که تعلق بحرف باء
دارد و انوار این عالم تصادیف جلیله است و با این اسماء تصرفات عظیمه حاصل است
پس باید که عامل این اسماء را تکسیر کند و در مربعی وضع کرده با خود نگاه دارد پس
بذکر و تکرار آن مشغول گردد بعدد حروف مکتوبه ایشان و متوجه روحانیت آن
آن اسماء شود و چندان تکرار کند که اثری از آن ظاهر شود بعد از آن عامل را قوتی
حاصل گردد که هر چه از امور این عالم اراده کند بر وجه اسهل میسر گردد الحسیب
الحفیظ الحق الحکم الحکیم الحمید الحنان الحی و هم صاحب تیسیر المطالب آورده در بیان
حرف حاء آورده که این هشت اسم است که تعلق بحرف حاء دارد و از این اسماء هفت
اسم تعلق بهفت پیغمبر دارد الحنان آدم را است الحلیم ابراهیم را الحفیظ هرون را
الحکم موسی را الحی ادریس را الحمید یوسف را الحکیم عیسی را و اگر کسی خواهد که بر این
اسماء عمل نماید از آن در مربع ثمن وضع باید کرد و حق را بجای حنان باید آورد و چون
این لوح را بشرایطی اتمام یابد حامل آن از جمیع امراض شفا یابد خصوصا امراض
حاره و تبهای محرقه و اگر با وجود حمل آن لوح نه مبتلا گردد و تکرار آن اسماء قیام
نماید خصوصا اسم الحی هرگز بمرض عطش مبتلا نشود و حرارت هوا در وی تاثیر
نماند و سموم حاره قتاله و نیش حیات را نافع بود و بعضی از خواص این اسما

بتقریب حرف حا در فصل پنجم از باب اول از مقاله ثانیه ایراد یافته [illegible] در الملأ
بر اسرار غیبیه و حصول مرادات کلیه العلیم العلام علام الغیوب المتکلم الحکیم الخبیر
الحافظ الرقیب المبین الهادی پوشیده نماند که در کتب علماء اهل خاصیت
این اسماء عشره را اذکار جبرئیل ع گویند و خواص و منافع و فواید آن بسیار و بیشمار است
و صاحب کتاب شمس المعارف آورده که این ده اسم از اسماء ذات است و از جمله
اذکار جبرئیلست پس هر که خواهد که مطلع شود بر اسرار غیبیه و علوم کشفیه
باید که بتلاوت و قرائت این اسماء بزرگوار مداومت و مواظبت نماید و جهد و سعی
در آن نماید که متخلق و متصف بآن اسماء شود تا بواسطه تخلق و تحقق بآن اسماء
مناسبت تام بارواح ایشان پیدا کند و از آن ارواح فیوضات و تجلیات بر دل وی
فایض و لایح شود و مقاصد کلیه در ضمن آن وجود گیرد که هرگز در ضمیر هیچکس نگذشته
باشد و بر دل هیچ بشر خطور نکرده و اگر کسی این اسما را تکسیر کرده و در مربعی از الواح
وفق بر قوم عددی یا حرفی یا هر دو رقم زند و حامل و ذاکر آن اسماء باشد بر مرادات
کلیه فایز گردد   در فتح و نصرت بر اعدا و تسخیر قلوب قاسیه و حفظ
علوم جلیله و کشف امور غیبیه العزیز القادر القوی ذو القوة المتین المقتدر
الجبار المتکبر لمتکبر الشدید القاهر صاحب درر النظم آورده در لطیفه رابعه

از کتاب

از کتاب خود آورده که این اسما از برای هیبت و محاربات عظیمه است و در مربع این اسماست
سلطانی از اسم مکنون و با این اسما تفریق جمع و جمع تفریق معتبرات کبرا که بر آن مداومت
نماید و هر المی که عارض شود حق سبحانه ببرکت این اسما دفع آن کند و کسیکه یاغی و طاغی
شده بقوت این اسما بروی ظفر و نصرت یابد میسر گردد و کسیکه نزد جباری میرود
مناسبست که با این اسما متکلم شود تا از شر وی ایمن باشد و از قهر و غضب وی سالم
بلکه معزز و مکرم شود و بهم خیرات و بر او میسر گردد و قلوب قاسیه وی رام مسخر شود
و هم در آن کتاب آورده که چهار اسم از اسماء مذکوره الشدید ذو القوة القاهر
المقتدر اسماء قهر و استیلا و غلبه است و هیچ ضعیف الهمتی بروی مداومت نکند
الا آنکه قوی همت شود و اگر برای استیصال ظالمی در ساعت هفتم از شب و اگر استیصال ظلمه
آن شب چهارشنبه بود در ساعت هشتم در خانه تاریکی نشیند بر زمینی که هیچ
فرشی نداشته باشد و بعد د مکتوبه این اسماء بتکرار مشغول شود و در هر صد بار
بگوید یا شدید بدیلی بحق من فلان و برای وی هیچ عقوبتی از پیش خود مقرر
نکند تا حق سبحانه آنچه سزا و جزای وی باشد بوی رساند و شیخ یافعی گوید
رحمه الله که بزرگی صحیح الاعتقاد که مرا بر سخن وی اعتماد بود تمام بود همین گفت که هر مظلومی
از ضد ابتغا با این اسما حاجت خواهد برهان اجابت در اسرع اوقات بروی روشن

شود واین معنی بکرات ومرات مشاهده افتاده وبتجربه رسیده پیوسته ودیگر این
اسما را بر خاتم همی نقش کند وبان متختم شود مهابتی از نفس خود دریابد ودیگران
نیز ازوی دریابند وبا این خاتم بر هر جباری که در اید وچشم ان جبار بر وی
افتد ازوی بهراسد وثقلی عظیم در روی بدید اید که کوئی کوه بر دوش وی
نهاده اند وما دام که در نظر بود حال ان جبار این باشد وهم یافعی رحمة الله کوید که از جمله
شرایط اید عاآت بران ظالم زیاده از ظلم وی دعا نکند که بغایت سریع الاجابت
وهم وی کوید که حروف اسم ذو القوة را از میان اسماء اربعة شش کرت کتابت
کند برابر صورت وباز از میان این حروف ثانی وسادس را که حرف واو است
شش بار کتابت کند در ساعت دوم از روز جمعه وار کسی بیاویزد که ورا صداع
از یبوست عارض شده باشد شفا یابد واکر بر نکین نقره نقش کند ودر دهان
کیرد بلغم ورطوبت وی کم شود وهم صاحب بیانی که ان خاتم را حامل شود ان علت
ازوی زایل کردد باذن الله تعالى البدیع الباطن الحفیظ الکامل المبدي المعید
المغیث المجید الصادق الواسع وهم صاحب در النظم در لطیفه سادسه از ربع
ازان کتاب اورده که این ده اسم را خاصیت قوت در حفظ علوم جلیله واصحاب
تقوی واهل معرفت را مداومت بران مناسبت واین اذکار برای تطهیر قلب

الایات

الایات الوهاب الباسط الحي القیوم الفتاح العلیم البصیر العزیز الودود
السمیع وهم صاحب در النظم اورده در لطیفه سابعه ازان کتاب اورده که این ده اسم
از اعظم اذکارات وذاکر وی صاحب کشف شود اکر بشرایط تلاوت کند وی
قیام نماید ودر این اذکارات اسم اعظم حق تعالی وار شرایط لازم او را انست
که در نصف شب ابتدا کرده قیام نماید تا مخاطبات غیبی مشاهده شود واکر بر کسی
کیفیت اقسام ان ظاهر شود بغناء ابدی مستغنی کردد ووسیله قرب حق سبحانه
شود واکر کسی این اسما را بر لوح فضه نقش کند کرده ذکی حامل ان شود در ظهور
اثار اتم بود واکر تکسیر کرده در مربع وفق درج کند وبا خود نکاه دارد در وصف تکرار
اثر وی قویتر بود   در رجا اعدا واستیلا اهل حضرت واز دیاد
شوکت وحشمت القابض قابل التوب القادر القاهر القابل القایم القدوس
القدیر القریب القهار القوي القیوم صاحب در النظم بیان بیتر المطالب اورده در بیان
حرف قاف اورده که هر که این دوازده اسم را که از اسما حرف قاف است بشرایط کتابت
کند با چهار ایت که از ایات حرب کویند وذکر آن در فصل اول از باب دوم از مقاله
رابعه کرده در رصاص ایات قرانی ات ایجا خواهد پس ان مکتوب را با خود نکاه
دارد دوبار فوقی وقدرتی بر اعدا پیدا شد که مقهور ومغلوب وی شوند وشر ایشان

کفایت شود الواحد الوارث الواسع الوافی الوالی الوتر الودود الوفی الوکیل الولی الوهاب

وهم صاحب سر الطائف در بیان حروف واو آورده که چون کسی این دوازده اسم را که از اسماء حروف واو است در لوح

۲ ادر بر او وضع کند اگر سلاطین با خود نگاه دارد عظمت و عزت ایشان زیاده گردد و بر مملکت بیفزاید

و اکرامی او حکام حامل آن شوند قدر و منزلت ایشان نزد پادشاهان بسیار شود و هر جا که حامل این لوح از جهت قضای حوایج

بخواهد برود اجابت مقرون گردد و این عمل وقتی باید کرد که آفتاب در شرف باشد در تحصیل علو همت

و قوت باطن و تسخیر نفوس و ارواح ایمنی از شر ظلمه المحیی الممیت القابض الباعث الوارث النافع البر الاول

الاخر الظاهر الباطن القدوس لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد صاحب دهر النظیم در لطیفه سبعه از آن کتاب آورده

که هر که مواظبت و تکرار این پانزده اسم بزرگوار مداومت نماید در حال خلو معده و سایر شرایط کلام را رعایت کند

در نفس خود علو همتی مشاهده نماید و در باطن خود رفعتی ملاحظه کند که هرگز از نفس خود و باطن خویش در نیافته

باشد و جمله نفوس را بوی اقبال تمام پیدا شود و قلوب خلق از وی منفعل شوند با انفعال لطیف و اگر عامل را از

مهمی خوف و ترس باشد ایمن شود و دل او مطمئن گردد و اگر کسی نسبت بوی ظلمی یا فسقی یا سمی یا مکری اندیشد اثر وی هم

بوی باز گردد و عامل بسلامت و عافیت باشد و اگر این اسما را بر خاتم فضه نقش کند تا مکسر نموده در لوحی وضع نماید و در وقت

تذکار آن اسما ختم کند بآن خاتم یا حامل شود آن لوح را اثر و خاصیت آن تضاعف شود و بسرعت هر چه تمامتر نتیجه را

بظهور آورد در ظهور فرج و مخرج از هر ضیقی و حصول اسباب نعمت از هر سوادی و حفظ بلاد و قلاع

و منازل الباعث البدیع الجامع الرافع السمیع السریع العدل العزیز العلیم العفو العلام العلی العظیم الفعال

الی

الواسع المانع المتعال المعز المعطی المعید النافع نعم المولی و نعم النصیر بیست و سه اسم است از اسمای الهی حسنی که در هر اسمی

حرفیست از حروف اسم اعظم یعنی کهیعص حمعسق و بعد از این در فصل دوم از باب سیم اشارتی بان خواهد رفت و الحروف علی ما است

صاحب دهر النظیم آورده که هر که بر تکرار این اسما مداومت نماید حق تعالی شکل معیشت و همه دشوارهای او را آسان و ابواب

دولت بر روی او بگشاید و جمیع هموم و غموم را از دل وی زایل کند هر که این اسما را نقش کند یا کتابت کند بر فصیل شهری

یا باره حصاری یا دیوار سرای و باغی در بود چهار موضع از آن فصیل یا دیوار یا باره و این کتابت در روز جمعه

کند در وقت خطبه خواندن خطیب بغایت عظیم التاثیر بود و صحاح ببرکت این اسما آن شهر و حصار و سرا و باغ را از جمیع

آفات و عاهات و بلیات در حفظ و صیانت و پناه خود نگاه دارد و مادام که آن اسما در آن مواضع مسطور و مرقوم بود از جمیع

فتنها و آفتها محروس باشد باذن الله تعالی در خلاص از علایق عالم کثرت و ظهور انوار عالم وحدت پوشیده نماند

که چهل و چهار اسم است که مرکب شده است از حروف صوامت یعنی حروفی که نقطه ندارد و این حروف از حیثیت تجرد از نقاط در غایت

قدس و نزاهت اند و ذکر ایشان در فصل سیوم از باب سیوم از مقاله ثانیه ایراد یافته و صاحب شمس المعارف آورده که هر که

این اسما را در مربع ۴ در ۴ در ۴ وضع کند و حامل و ذاکر آن شود و بر حمل و ذکر آن مداومت و مواظبت نماید خاطر و باطن

وی از همه علایق و عوایق عالم کثرت و ترکیب خلاص شود و از عالم مجردات و بسایط بهره تمام یابد و آن اسما اینست هو الله

لا اله الا هو الاول الواحد الاحد الصمد مالک الملک السلام الکامل الحامل المکرم المطعم المصلح الملهم العاصم

المسلم المصور المحکم العالم العلام المعلم السامع المسمع الودود الواسع المرسل الامر الحاکم العادل الحکم

العدل المؤمل الطاهر المطهر الدال المکمل المسعد المسامح الاکرام المحمود در بیان اسم اعظم و اخلاق کرعلما

حفظ بنا

در خصوصیت ان ذکر کرده اند و ایراد بعضی از خواص و اثار ان و ذکر دعوا که جامع اسم اعظم است بقول بعضی

از اهل تحقیق مشتمل بر دوازده فصل **فصل اول** در تحقیق اسم اعظم و تعیین و عدم تعیین ان **فصل دوم**

در ذکر بعضی اسما و کلمات که اکابر انرا اسم اعظم گفته اند و بران دلایل اقامت کرده **فصل سیوم** در اثبات

انکه اسم اعظم حق سبحانه مختص بلفظ مبارک الله است **فصل چهارم** در کیفیت اخذ فواید از این اسم بزرگوار و طریق

تکرار ان بدل و زبان و ذکر نتایج که بر تکرار ان مترتب میشود **فصل پنجم** در ذکر دعوا که شامل اسم اعظم است

بقول بعضی از علما و برای حصول حاجات ماثوراست **فصل ششم** در دعوات متبرکه که مستجمع اسم اعظم است بقول بعضی

و منتج مرادات و حاجات و دفع هموم و غموم مجرب است **فصل هشتم** در ذکر دعا که شامل اسماء شریفه است و بقول بعضی

اسم اعظم در ان مندرج است و بیان خواص و اثار ان **فصل نهم** در بیان دعای بزرگوار مشتمل بر اسما بسیار متبرکه که

نزد فرقه از اکابر اسم اعظم در ان مندرج است **فصل دهم** در ذکر دعای شریف مشتمل بر خواص بسیار و موسوم است

بخاتم مکرم و نزد بسیاری از اهل تحقیق اسم اعظم بدان ختم است **فصل یازدهم** در ذکر دعای شریف مشتمل بر اسماء حروف

نورانی که نزد جمعی کثیر از علما ماهر بل اکثر ان اسما حروف نیست از حروف اسم اعظم **فصل دوازدهم** در ذکر دعای جامع که

شامل جمیع اسماء اعظم است که در فصول این باب ایراد یافته بشرط حذف مکررات مگر جایی که تکرار ان ضرورت باشد

در تحقیق اسم اعظم و تعیین و عدم تعیین ان و بیان انکه اسم اعظم حقیقی نسبت بهر فردی علیحده اسمیست

شیخ فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات که مشتمل بر شرح اسماء الله است چنین اورده که در تفسیر اسم اعظم حق تعالی

اختلاف بسیار است بعضی بر انند که ان نه اسمی معین است بلکه هر اسمی که بنده حق را بدان یاد میکند و قتیکه مستغرق معرفت

ویاد کردوی باشد

ویاد کردوی باشد و از جمله ماسوا محجب فکر و عقل و خیال منقطع گشته باشد ان اسم نسبت بوی اسم اعظم است و بر این قول

دلایل اقامت کرده اند و بعضی از ان در لوامع البینات ایراد نموده و طایفه دیگر گویند که این اسمی معین و معلوم است

و این طایفه دو فرقه اند اول انان که میگویند این اسم معین و معلوم چنانچه در فصل این اشعاری به ان

خواهد شد و فرقه دوم انها که میگویند ان اسم اگرچه معین است اما هیچ کس را معلوم نیست و در میان اسماء الهی پنهان است

چون شب قدر و ساعات اجابت دعوات اندر روز جمعه که در میان لیالی و ساعات مخفی است مگر انکه حق تعالی عنایت کرده بکی از

بندگان خاص خود را بتعلیم ان مشرف کرده اند و بر این قول نیز دلایل گفته اند و بعضی از ان در لوامع مذکور است

و مرویست که جبرئیل علیه السلم اسم اعظم را برای حضرت رسالت صلعم فرود اورد در میان طبقی از اوراق بهشت

و مهری از مشک اذفر بران نهاده و بران ورق نوشته که اللهم انی اسئلک باسمک المکنون الطاهر

المطهر القدوس الحی القیوم الرحمن الرحیم ذی الجلال والاکرام و مرویست که زنی پیش پیغمبر صلعم امد و گفت یا رسول الله

بیاموز مارا اسم اعظم انحضرت و صلعم وی را منهی کرده اند از انکه تعلیم دهم این اسم زنان و کودکان را و اکابر

گفته اند که اسم اعظم در میان اسما اسمی است که چون بان یاد کنی حق را هر دعا که بان کنی مقرون شود بشرف اجابت

شود چنانچه در بعضی دعوات ماثوره از بزرگان دین واقع شده که اللهم انی اسئلک باسمک الاعظم الذی

اذا دعیت به اجبت و نزد ارباب تحقیق از صوفیه قدس الله ارواحهم اسم اعظم بنسبت هر فردی از افراد انسان

ان اسمی است که در حضرت الهیه مربی و ست و واسطه افاضه و استفاضه او از مبدا فیاض و مرجع اوست بعد از انقطاع

روح از بدن و تحقیق این مبحث مناسب اهتمام نیست و صاحب نصوص الحکم اورده که حکایت کرد مرا بعضی از اصحاب.

ما که از مشایخ ما حضرت شیخ محی الدین بن العربی فرموده که هر که یکی بر عدد حروف اسم خود را بحساب جمل و نظر
کند در اسماء الهی که بآن عدد هست یا نه اگر باشد یابد فهو المراد والا در دو اسم یا سه یا چهار طلبد مثلا
محمد ۹۲ است نظر کردیم که موافق این عدد هیچ اسمی از اسماء الهی باشد نیافتیم اما در دو اسم از اسماء الهی یافتیم
که آن اول و دائم است و در سه اسم نیافتیم در چهار اسم یافتیم از اسماء حسنی و آن حی وهاب واحد ولی بود
پس فرمود که بعد از وجدان این اسما سوره فاتحه را ۹۲ بار تلاوت کند بعدد اسم محمد و همچنین سوره الم نشرح را
و بهمین عدد اسماء او بعبد را نیز بخواند نماید و اشتغال وقتی کند که بر خود ریاضتی و مجاهده کرده و بعد از تمام
آنکه بگوید یا حی احینی ذکری ولا ذهب وقلبی و آنچه مراد او بود و بگوید یا وهاب هب لی کذا و در باقی اسما
بر این قیاس هر چه مدعاء او بود از حق تعالی بطلبد و سزاوار آنست که آن اسما را از الواح وفقی در لوحی درج کند
چنانچه شیخ شرف الدین بونی رحمه الله دو نوع تعیین کرده و در یکی اسم جواد را درج نموده و در دیگری اسم واحد را
و عامل باید که در حین تلاوت و تکرار اسماء آن را با خود نگاه دارد و صورت اشتغال آن نیست

در ذکر بعضی اسماء

و کلماتی که اکابر او را اسم اعظم گفته اند و دلایل بر آن اقامت
کرده اند حب النظم او ورده که بعضی از اکابر گفته اند که اسم اعظم
الرحمن است و این کلمه ایست مرکب از حروف مقطعه قرانی کما قال سبحانه
الر حم ن و ذکر این اسم در فصل نهم از باب اول ایراد یافته و بعضی
گفته اند که اسم السریع است و ذکر آن در فصل یازدهم از باب اول

گذشته و بعضی

گذشته و بعضی دیگر از حضرت مرتضی علی علیه السلم روایت کرده اند که اسم اعظم الظاهر است و ذکر آن در فصل دهم
از باب سوم ایراد یافته و بعضی گفته اند که اسم الغفار است و بعضی بر آنند که اسم القریب است و ذکر آن در فصل
یازدهم از باب اول گذشته است و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که گفته اسم اعظم یا قیوم است و بعضی گفته اند
که اسم الوهاب است و ذکر آن در فصل سیوم از باب اول گذشته است و بعضی دیگر از اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم هو است
و بر این دعوا دلایل و شواهد بسیار اقامت کرده اند و شمه از آن در فصل دوازدهم از باب اول از مقاله دوم
ایراد یافته و ذکر بعضی از خواص وی در فصل دوم از باب اول این مقاله است ایراد یافته و بعضی دیگر
از اکابر بر آن رفته اند که اسم اعظم لفظ اللهم است فلهذا در اوایل اکثر دعوات ابن عباس مقرر است و بعضی دیگر
از اکابر بر آنند که اسم اعظم لفظ ربنا است و دلیل ایشان این آیتست که الذین یذکرون الله قیاما و قعودا الی قوله
تعالی فاستجاب لهم ربهم و استجابت علامت اسم اعظم است و آن بعد از تکرار لفظ ربنا است که در این آیت پنج بار
واقع شده و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم خیر الوارثین است که در دعاء حضرت زکریا علیه السلم واقع شده و بعضی
دیگر گفته اند که اسم اعظم سمیع الدعاست و بسیاری از کبار اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم الحی القیوم است و بر آن دلایل
اقامت کرده اند که شمه از آن در فصل یازدهم از باب اول سمت ایراد یافته و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم در آیت سلام
قولا من رب رحیم است از سوره یس و آن رب رحیم است که در فصل یازدهم از باب اول مذکور شده و بعضی دیگر از علما
گفته اند که اسم اعظم الاحد الصمد است و ذکر آن در فصل نهم از باب دوم ایراد یافته و جمعی بر آنند که اسم اعظم السمیع العلیم است
و ذکر آن در فصل دوازدهم از باب دوم سمت وقوع یافته و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم حسبنا الله و نعم الوکیل است

وبعضی دیگر گفته‌اند که اسم اعظم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین است و دلیل ایشان قول یونس علیه السلام است
حیث قال الله تعالی فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ودر
لوامع البینات رازی و در کتاب بحر النظیم یافتم مذکور است که حضرت مرتضی علی علیه السلام فرموده‌اند که اسم اعظم
در حروف مقطعه اوایل سورت است مثل الم و کهیعص و امثال ان و چون امری عظیم انحضرت را روی
نمود در دعوات خود فرمودی یا کهیعص یا حم عسق و بعضی گفته‌اند که اسم اعظم در ضمن این اشکال سبعه است که در فصل
دوازدهم از باب سیوم از مقاله دوم ایراد یافته و در کتاب بحر النظیم بعضی حروف و اشکال اورده و از شیخ محقق
ابو الحسن الشاذلی قدس سره نقل کرده که ایشان فرموده‌اند که شایع است و مشهور نزد بعضی از این طایفه که این حروف
و اشکال اسم اعظم است و ذکر ان در ذیل اشکال سبعه ایراد یافته و بعضی دیگر گفته‌اند که اسم اعظم لا اله الا هو است
و در کتاب بحر النظیم اورده که بعضی یکی از صحابیات رضی الله عنه روایت کرده است از حضرت پیغمبر صلعم شنیدم
که اسم اعظم در این دو ایت است اول و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم دوم الم الله لا اله الا هو
الحی القیوم و در ایة اول الحی القیوم نیست و بنابر این حدیث معلوم میشود که اسم اعظم لا اله الا هو باشد
نه الحی القیوم چه انچه در این ایت مکرر شده لا اله الا هو است و مؤید این قول است انچه در موطا مالک
رحمه الله از حضرت پیغمبر صلعم روایت کرده است که انحضرت فرمود که فاضلترین کلمه که من گفتم و سایر انبیا
پیش از من گفته‌اند لا اله الا الله است و بعضی دیگر از اکابر دین گفته‌اند که اسم اعظم ذو الجلال و الاکرام است
شیخ فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات اورده که دلیل ایشان حدیث الظوا بیاذ الجلال و الاکرام است

ودر کتاب ینابیع العلوم

ودر کتاب ینابیع العلوم اورده که الظوا بیاذ الجلال و الاکرام یعنی ملازم باشید بر گفتار این کلمه
در دعاها و الظاظ در لغت الحاح را گویند و دلیل ایشان انست که این کلمه دال است بر جمیع اسماء لطفیه و قهریه و
انچه متناول اسماء قهریه است لفظ جلال است و انچه شامل لطفیه است کلمه اکرام اول جامع صفات سلبی است
دوم جامع صفات ثبوتی هم مقدس است از غایات عقول و نهایات اوهام و این مشعر اجمال بعد و هم متصف است
بنعوت رحمت و احسان و این مبنی است از نهایت قرب پس این دو اسم اشارت بود باینکه هم قریب است هم بعید
هم ظاهر است هم باطن و بعضی دیگر از اکابر گفته‌اند که اسم اعظم ارحم الراحمین است و مستدل ایشان قول حضرت ایوب است
علیه السلام که فرمود انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین قال الله تعالی فاستجبنا له و در کتاب بحر النظیم از ابن هشام
نقل کرده که وی گفته است چنین بمن رسیده است که زید بن حارثه رض استری از کسی کرایه گرفت تا بطایف رود
و ان مکری شرط کرده که هر جا گویم فرود ای فرود ائی و زید قبول نمود و روان شدند تا بخرابه رسیدند
ان مکری مکری میل خرابه کرد و زید را گفت فرود ای زید فرود امد و سر در خرابه کرد کشته بسیار دید و ان
تیغ کشیده قصد وی کرد زید گفت مرا چندان امان ده که دو رکعت نماز گذارم گفت بگذار که پیش از تو نیز
این گروه گذاردند و بجائی نرسیدند و نفعی بایشان نرسید زید گوید که دو رکعت نماز گذاردم ان مکری امد
که مرا بکشد من مناجات کردم و این عبارت گفتم که یا ارحم الراحمین ناگاه از بیرون خرابه اوازی شنیدم
که شخصی میگوید که مکش او را ان مکری از خرابه دوید تا ببیند چه کسی بود که این گفت کسی ندید باز
بر سر من دوید که تیغ براند ناگاه سواری در ان خرابه براند و حربه در دست داشت بیک طعنه وی را بکشت

فصل ۳ در اثبات آنکه اسم اعظم حق تعالی بتحقیق لفظ مبارک الله است صاحب شمس المعارف آورده که نزد اکثر علما

و ارباب تحقیق اسم اعظم کلمه مبارک الله است و نزدیکست که بر این اجماع منعقد شود و رازی در لوامع

البینات آورده که اکثر علما برانند که اسم اعظم کلمه الله است و بر این دلایل و براهین بسیار گفته اند از جمله آنکه

این اسم اخصیست که در هیچ اسم دیگر یافت نشود و آن آنست که هر حرفی را ازوی اسقاط کنی آنچه باقی ماند

صفتی باشد از صفات حق تعالی مثلا چون همزه را اسقاط کنی لله بماند و آن از جمله صفات الهیست که لله ملک السموات والارض

ولله خزائن السموات والارض و اگر لام اول را حذف کنی له بماند و آن نیز از جمله صفاتست که له ملک السموات والارض

له الخلق والامر و اگر لام ثانی را نیز بیندازی هو بماند و آن نیز از صفات الهیست قل هو الله احد هو الحی القیوم لا اله

الا هو و قال الله هو یحیی و یمیت و مثل این خاصیتی در هیچ اسم نیست دیگر آنکه هرگاه کافری گوید لا اله الا

هو ایمان آوردن او صحیح نباشد زیرا که کلمه هو از برای اشارتست پس شاید که این کافر اشارت بمعبود باطل

خود کند و جمله صفات نیز همین حکم دارد اما چون لا اله الا هو الله گوید حکم باسلام وی کنیم و از اینجهة حضرت سعد صلعم

فرموده که امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا اله الا الله فاذا قالوا عصموا منی دماءهم واموالهم و صاحب در النظیم آورده

که اعاظم علما برانند که اسم اعظم کلمه الله است بمعنی که رحمن مشتق است از رحمت و رب مشتق است از ربوبیت و الله

از هیچ لفظی مشتق نیست و بکر بن علا گوید که از سهل بن عبدالله تستری قدس سره سوال کردم که اسم اعظم کدام است گفت الله

علما گویند چون بر اسم اعظم دعا کنی فی الحال مستجاب شود من بسیار باین اسم توسل جستم و از حضرت آن سوال کردم و هیچ

موهبت و عطا نیافتم و مرتب نشد سهل گفت اگر سوال کنی از وی در حالیکه دل تو فارغ باشد از هر چیزی الا از هنا حاجات

٤١١

او در وقت اجابت متفرع گردد و از عبدالله بن مبارک رحمه الله منقولست که گفت اسم اعظم کلمه الله است زیرا که

جمیع اسماء الهی بوی مضافست و وی هیچ اسمی مضاف نیست و در جامع ابن وهب آورده که دلیل بر آنکه اسم اعظم الله است

آنستکه جمیع اسما بوی اضافت کنند مثلا گویند عزیز اسمیست از اسماء الله و نگویند الله اسمیست از اسماء عزیز

و دلایل علما بر آنکه الله اسم اعظم است بسیار است و زیاده از آنست که این نسخه گنجایش تفصیل آن داشته باشد و صاحب در النظیم

آورده که ابن الطیب در کتاب مقنع آورده که بسیاری از اهل علم برانند که آن اسمی که هاروت و ماروت بان صعود میکردند

بر آسمان و حق سبحانه و تعالی زهره را بصورت کوکبی مسخ گردانید و در تفسیر آیت و ما انزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت مذکور است

که حضرت مرتضی علی علیه السلم و ابن عباس و قتاده و سدی و کلبی رض گویند که هاروت و ماروت دو فرشته اند که

میان اهل بابل بامر قضا منصوب بودند در روز فصل خصومات میکردند و در شب باسمان میرفتند تا روزی

زهره نام زنی که اجمل نسا آن دیار بود و نسبت بملوک فارس داشت و ملکه آن بلاد بود نزد ایشان بمهمی امد

و ایشان مفتون وی شدند و او را بخود دعوت کردند وی از قبول ایشان ابا نموده گفت شما از من هر چه بگوئید قبول

مگر آنکه بیاموزید مرا آن اسم که بان صعود میکنید و بر آسمان میروید ایشان وی را گفتند که آن اسمیست بسم الله

والله اکبر و زهره بعد از تعلم بان تکلم کرد و باسمان رفت حق سبحانه و تعالی وی را در آنجا بالا بصورت کوکبی مسخ کرد

فصل ٤ در کیفیت اخذ فواید از این اسم بزرگوار و طریق تکرار آن بدل و زبان و از شرایطی که بر آن تکرار

متفرع میشود بدانکه اکثر علما برانند که اسم اعظم در قرآن مجموع آن دو اسم مقدس است که در سوره انعام

در آیت و اذا جاءتهم آیة قالوا لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالته

وبعضی از اکابر گفته اند که هر که به نیت حاجتی سورهٔ انعام را تلاوت کند و چون باین آیت رسد و کلمهٔ رسل الله مکرر شود
پیش از آنکه الله اعلم گوید در میان آیت و اسم مبارک این دعا بخواند که اللهم من ذا الذی استغاثک فلم تغثه ومن
ذا الذی استغاثک فلم تغثه ومن ذا الذی دعاک فلم تجبه ومن ذا الذی سالک فلم تعطه ومن ذا
الذی استجارک فلم تجره ومن ذا الذی توکل علیک فلم تکفه واغوثاه بک استغیث یا مغیث واشفنی
شفاء عاجلا وفرج عنی فرجا قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن حاجت خود عرض کند البته بقراجابت
مقرون گردد و صاحب درالنظیم آورده که بعضی از علما در وقت دعا و قسم بالله دو طریق اختیار کرده اند اوجه
یا الله یا الله میگویند بطریق بند العدد حروف مکتوب آن که ۶۶ است یا بعدد حروف ملفوظ آن که سیصد
چهل ونه است و بعضی الله الله میگویند بحرف ندا بهمان عدد که گذشت و برای دو نوع ذکر گفتن آثار و خواص
کلی مترتب شود و بعضی از ائمه گفته اند که هر که متوجه شود ریاضت و مجاهده را و خلاص باید از کشاکش غضب
و شهوت و سایر اخلاق ذمیمه و اوصاف ردیه و در مکان خالی نشسته و طریق حواس خود مسدود گرداند
و سمع و بصر و باطن را مفتوح سازد و بر سبیل دوام الله الله میگوید بدل نه بزبان تا وقتیکه
چنان شود که از تاثیر این اسم نه از خود خبر داشته باشد و نه از غیر خود و جز اندیشه الله چیزی بر دل
وی نگذرد و در این مقام چون شرایط عمل چنانچه باید و شاید قیام نموده باشد نور ذاتی بی نهایت بر دل وی
تجلی کند و چنان مستولی شود که از دل وی پرتوی بر روزنهای حواس ظاهری تابد و قوه در حس بصر
پیدا آید که آنچه در خواب میدید از عجایب و غرایب عالم مثال در بیداری نیز مشاهده نماید و ارواح

انبیا و ملک
و صور

انبیا و ملک و صور جمیله لطیف ظاهر شدن گیرد و ملکوت آسمانها و زمین بر وی آشکارا شود و چیزی
مشاهده کند که هیچ گوشی نشنیده باشد و هیچ دیده ندیده و بر دل هیچ بشری خطور نکرده و از بعضی اکابر
دین منقول است که طالبی صادق را فرمود که میخواهی بیاموزم ترا چیزی بغایت مفید که مداومت بدان ترا بجد
رساند که فوق آن مقصود نتواند کرد از طالب اقبال تمام نمودن بزرگ فرمود که دایم الله الله میگوی
چنانچه در یک نفس کمتر از سه بار نگویی و باید که بشرط اظهار هم گویی و غیر از این لفظی بر زبان نرانی و با کسی
سخن نگویی نه بضرورت و نه بغیر ضرورت تا هفت روز بگذرد و در این ایام روزه باشی و باید که از طعام حلال
افطار کنی و شب اعتماد که توانی بیدار باشی چون هفته بگذرد برابر نمونه ظاهر شود بر تو عجایب روی زمین
پس هفت روز دیگر بهمین کیفیت بر این ذکر مداومت نمایی با شرایطش تا ظاهر شود بر تو عجایب آسمانها پس هفت
روز دیگر هم بدین طریق مشغول باش تا ظاهر گردد بر تو عجایب ملکوت و چون اربعین تو بر این وجه تمام شود ترا کرامات
عالیه و مقامات رفیعه موهبت فرمایند و مملکت وجود قوت تصرف و تاثیر دهند و بعضی از اکابر در شرح اسماء حسنی
فرموده اند که هر که هر روز هزار بار این اسم بزرگوار را از سر حضور و آگاهی بر زبان راند صاحب یقین گردد و از
ارباب تمکین شود و بعضی از خواص حروف این اسم بزرگوار در فصل یازدهم از باب سوم از مقاله دوم ایراد یافت
در ذکر دعوات که شامل اسم اعظم است بقول بعضی از علما و برای حصول حاجات ماثور است در کتاب در النظیم
آورده که زهری رحمه الله گفته است که این دعا که عنده علم الکتاب صفت او است این است که یا الهنا واله کل شی الها واحدا
لا اله الا انت پس در هر مهمی و حاجتی که توسل بدین دعا کند حسبی البته باجابت مقرون گردد و هم صاحب در النظیم

[illegible]

آورده که بخط مبارک شیخ ابو العباس بونی رحمه الله دیدم که بعضی از مشایخ وقت نوشته است که ای خویشاوندان و از برای
تو اسم اعظم را تحفه فرستادم که چون بعد از نماز صبح صد بار بخواند همه حاجات تو بحق ابراورده شود وآن این است که بسم الله
الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا قیوم یا صمد یا ودود یا وتر یا ذا الجلال والاکرام
وهم از شیخ ابو العباس بونی نقل کرده که هرکه بعد از نماز صبح سه بار این دعا بخواند بصدق واخلاص تمام
حاجت خواهد بزودی روا شود وآن این است اللهم لا اله الا انت یا منان یا بدیع السموات والارض یا
ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم صل وسلم علی محمد وآله وافعل بی کذا وکذا و بعد از لفظ افعل بی هر حاجتی
که دارد بخواهد تا بشرف اجابت مقرون شود   در دعوات متبرکه که مستجمع اسم اعظم است بنا بر قول
بعضی از اکابر دین و بوی مرادات حاصل است شیخ فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات آنجا که شرح اسم اعظم کرده
چنین آورده که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرموده اند از حضرت حق تعالی درخواستم که تعلیم کند
مرا اسم اعظم که چون بوی دعا کنند مستجاب شود پس در واقعه دیدم که کسی مرا گفت که بگوی اللهم انی اسئلک
الله الله الله لا اله الا هو رب العرش العظیم حضرت امام علیه السلام فرموده است که هرگز دعا نکردم بآن عبارات
الا آنکه دیدم آنچه خواستم وصاحب درر النظیم آورده که ابو بریده رض نقل کرده است که پدر من روایت کرده
که حضرت پیغمبر صلعم از مردی شنید که در مناجات خود میگفت اللهم انی اسئلک بانک احد صمد لم یتخذ
صاحبة ولا ولدا آنحضرت وی را گفت سوالی کردی از خدای تعالی بدان اسمی که هرکه بآن اسم حاجت خواهد مستجاب شود
واگر سوال کند عطا یابد وهم صاحب درر النظیم آورده که بصحت رسیده که حضرت پیغمبر صلعم بر مردی گذشت که نماز

میکذارد

میگذارد و میگفت اللهم لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام
پس آنحضرت بنزدیک اصحابه که همراه بودند گفت هیچ میدانید که بچه چیز دعا کرد این مرد گفتند الله ورسوله اعلم
فرمود که بپروردگار خود را بآن اسم اعظم یاد کرد که چون بوی دعا کنند اجابت کند و چون سوال کنند عطا دهد
و یافعی گوید که این اسماء بزرگوار یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام از برای اجابت
دعوات مقرر است   در دعوات دیگر که جامع اسم اعظم است بقول بعضی و منتج مرادات و حاجات و دافع
هموم و غموم است در مسند ابی داود رحمه الله مذکور است که حضرت پیغمبر صلعم شنید از مردی که میگوید اللهم انی
اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام پس آنحضرت فرمود
که این مرد خدای را باسم اعظم یاد کرد و یافعی در شرح این دعا فرموده است چنانکه حی قیوم دو صفت ثابت اند
مر اسم اعظم را که بیشتر ذکر وی میکنند منان و ذو الجلال والاکرام نیز که در این دعا و امثال این دعا ذکر
شده هم از این قبیل است و هم در مسند ابی داود آورده که یحیی که بزرگتر است از ثقات رجال حدیث روایت کرده از
و وی از عبد الله بریده رض که حضرت پیغمبر صلعم از مردی بشنید که میگوید اللهم انی اشهد انک انت الله الذی
لا اله الا انت الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد آنحضرت فرمود که سوال کردی از خدای تعالی باسمی
که چون بآن از وی چیزی خواهند عطا کند و چون دعا کنند اجابت فرماید و در حدیثی دیگر بروایتی دیگر ثابت شده که
آنحضرت فرمود سوال کردی از خدای تعالی باسم اعظم و صاحب درر النظیم آورده که در هر دعا که الله احد الله
صمد داشته باشد آن دعا البته باجابت مقرون گردد و هم گفته است که از اسرار اولیاء الله است و از دلالات

اینست که فرموده اند که هر کسی که غمی و المی داشته باشد و اورا کربی و تعبی پیش اید در دین و دنیا باید که شب جمعه
طهارت کامل سازد و در خلوتی معتکف نشیند و با هیچ احدی سخن نگوید تا وقتیکه نماز صبح بگذارد
و در سجده اخر از نماز وتر بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا قیوم بک استغیث یا الله مراد حاصل اید و حاجت خود را
بخواهد و اجتناب کند از انکه در هلاک مسلمی یا مضرت مومنی سعی نماید که تاثیر این دعا در خیر و شر اثر
عظیم دارد   درذکر دعائی که شامل اسماء شریفه است و قبول بعضی اسم اعظم در ان میان است و بیان
خواص و اثار ان مقاتل بن حیان رحمه الله گفته است که هرکرا حاجتی باشد باید که بعد از فریضه بامداد پیش
از انکه از مصلی برخیزد و با کسی سخن گوید صد بار این دعا بخواند البته مستجاب شود و دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا دائم یا فرد یا وتر یا واحد یا احد
یا صمد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام مقاتل گفته اگر کسی این دعا را به نیت خالص و اخلاص
تمام بخواند و اثر اجابت ظاهر نشود بر مقاتل بن حیان لعنت کن اگر زنده باشد و اگر مرده هم
از وی منقولست که گفت چهل سال این اسما را طلبیدم که عیسی علیه السلم بان مرده زنده میکرد تا انکه
یافتم انرا از بعضی از محققان علما و ان اسما اینست که یا قدیم یا دائم یا فرد یا وتر یا واحد
یا احد یا صمد و در هر دعا که این هفت اسم باشد البته بشرف اجابت مقرون شود صاحب شمس المعارف
اورده که این هفت اسم از اسماء بزرگوار حسناست که عیسی ع مرده را بان زنده میکرد و شیخ
ابن الحاج رازی رحمه الله که از کبار علماء این فن است فرموده که من هفت سال اسم اعظم را طلب کردم

و نیافتم

و نیافتم مگر در روایتی چنین نزدیک بزرگی که بقلم جمهری نوشته بود تا هر کس نخواند و این اسماء مذکوره است
پس اگر طالبی سه روز روزه دارد پس این اسما را بر ورق اهوی سفید نویسد بمشک و زعفران و گلاب و انرا
از موضعی بیاویزد فی الحال اثر صحت ظاهر شود و بزودی مرض وی زایل و با هر که این نوشته همراه بود چشم بد بوی
کار نکند و اگر خواهد بر القای محبت در دل کتابت کند باید که امروز روزه گیرد پس این اسما بر ورق اهو بنویسد و وقتیکه
قمر در منزل سعد بود یا در برج شرف یا خانه خود و بسعود ناظر بود و از نحوس تمام ساقط و اگر برای عداوت
کند وقتی باید که قمر در منزل نحس یا بوبال یا هبوط باشد و بنحوس ناظر و از سعود تمام ساقط تا مقصود بزودی
حاصل شود   درذکر دعای بزرگوار مشتمل بر اسماء بسیار که نزد فرقه از اکابر اسم اعظم در اینمیان است
صاحب شمس المعارف اورده است که این اسمی چند است که هر که حامل ان شود و بر قرائت ان مداومت نماید اخلاق وی بکرم باشد
و وجود کرم وی زیاده گردد و مهربانی وی بر خلق بیفزاید و خلق بوی امیال تمام نمایند و نسبت بوی در مقام
لطف و احسان شوند و از وی معانی لطیفه سر زند که موجب توجه خلق و جذب قلوب گردد و وی بر ظاهر محبب
و باطن مقبول تمام پیدا شود و در میان این اسماست ان اسم اعظم که چون بوی توسل جویند در دعا البته اجابت مترتب
شود و در میان این اسماست که چون دعا کنند فی الحال متفرغ گردد و وی اعظم اذکار است از روی شرف و عزت و هیکلی
بر این اذکار مداومت نکند مگر انکه جمیع مکروهات و بلیات و هموم و غموم زایل شود و هر مطلوبی که داشته باشد بسعادت
میسر گردد و رزق مرغوب وی را روزی شود و هر که عادت کند که در نصف شب این اسما را دایم بخواند عجایب
و غرایب مشاهده کند و مواظبت بر این ذکر موجب ظهور اسرار مکنونه است و معانی مخزونه و انجذاب بعالم علوی عودن

کیرد و خنایم اسرار غیب و زینت اغاز کند و همه اهل عالم چه علوی و چه سفلی از ملئکه و جن و انس و وحش و طیر مسخر وی شوند

و این اسما کلمات تامات است و در وی بدایع اسرار بسیار و ان اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمائک الحسنی کلها

الحسنی المجیدة التی اذا وقعت علی شیء ذل لها و اذا طلبت بها الحسنات ادرکت و اذا صرفت بها السیئات صرفت و

بکلماتک التامات التی لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت

کلمات الله ان الله عزیز حکیم یا کافی یا ولی یا عفو یا غفور یا روف یا لطیف یا رزاق یا ودود یا فتاح

یا واسع یا کریم یا وفا یا باسط یا ذا الطول یا معطی یا مغنی یا رحمن یا رحیم یا معین یا مغیث اسئلک بانک

الله لا اله الا هو الجمیل الرحمن الرحیم اللطیف الحلیم العلیم الرووف العفو الغفور المومن النصیر المجیب المغیث القریب السریع

الکریم ذو الجلال و الاکرام ذو الطول المنان   در دعا که موسوم است بخاتم مکرم و پیش بسیاری از اهل تحقیق

اسم اعظم با انخاتم است صاحب شمس المعارف اورده که انخاتم مکرم دایره ایست مشتمل بر اسماء بزرکوار و محتوی بر فواید و خواص

بسیار هم بحسب تلاوت و هم بحسب کتابت اما طریق ملاوات بدانکه هیچ امری از امور دینی و دنیوی و صوری و معنوی

نیست الا که بواسطه خواندن این اسما الحواه ساخته و برداخته کردد پس چون خواهد که طلب حاجتی کند طهارت کامل

ساخته روی بقبله ارد و دو رکعت نماز کذارد و جایی که از خلق دور بود در نصف اخر شب و این اسما را

اندر وقت حضور باطن و اکاهی و شعور تمام خواندن کیرد و باید که هیچ فکری و خاطری و خیالی در این میان مزاحم

وی نشود تا هزار و ششصد نود و سه بار بخواند و اگر وقت وفا نکند صد و هشتاد بار بخواند بعد از ان حاجت خواهد

تا مقصود بر وجه اسهل میسر شود خاصه ان مقصودی که در تحصیل علوم باشد پس صبحا از جمله ان اسم اعظم که در ضمن این

1693

اسما ... حسن ... بلغ

١٢٠:

این اسما مندرج است طریقتی بروی بکشاید که بسی عجایب و غرایب مشاهده نماید و امور چند ظاهر شود که زبان از

هفتاد

ادای ان عاجز شود و هر که این اسما را روزی هفتاد و هفت بار بعد از فریضه بامداد و بقولی ۸۹ بار بخواند خیر و برکت

از اد در دنیا و اخرت باز یابد و در نفس خود احوال و اوصاف عجیبه و غریبه مشاهده کند تا غایتی که همت از خلق منقطع

یابد و همه خلق را مسخر فرمان خود بیند و اگر جباری بروی ستم کرده باشد این اسما را بطریق خطا یکهفته متصل بخواند

و ابتداء قرائت از ساعت اول روز شنبه کند و هر روز بهمان عدد که اول کذشت بخواند و جانب انظالم نفث کند

پیش از اتمام هفته انظالم ماخوذ و مغلوب کردد اما طریق کتابت بدانکه هر که این خاتم را بشرایطی کتابت کند

و مکتوب را در میان رخت و بار خود بهند خواه در سفر و خواه در حضر محفوظ و محروس باشد و دست دزدان و قاطعان طریق

از تصرف در ان بریده و کوتاه باشد و اگر از این بازوی راست ببندد و بمیان دشمنان در اید از ضرر ایشان ایمن باشد

و جمله پیش وی ذلیل و حقیر شوند و اگر بسلطان قهار و ظالم جبار در اید از شر غضب و سیاست ایشان محفوظ و مصون

ماند بلکه صحبت وی در مقام لطف و احسان شوند و حامل اینخاتم امور عجیبه و اسرار غریبه منکشف کردد و اگر

بر ظرف چینی پاک بنوید بمشک و زعفران و کلاب و کافور و باب طهور محو سازد و اشراب مریض کند خواه مرض

باطنی باشد و خواه ظاهری شفا یابد

و اخلاق وی نیک شود و هیبت و مهابت

شان ان در ظاهر سرایت کند و خواص این خاتم

بسیار و از خوف تطویل بدانسه در احصا ان

و خاتم بزرکوار اینست

در ذکر دعائی شریف مشتمل بر اسماء حروف نورانی که در نزد جمعی کثیر از علما باهر یک از این اسما حرفیست
از حروف اسم اعظم است صاحب در النظیم در کتاب خود ابجا که بیان بعضی از اسماء الهی کرده که تعلق بحروف ثمانیه و عشرون
دارد در اخوان مبحث اورده که محتاج با این اسماء دعا کرده است با اسما حسنی الهی که اوایل ایشان بحروف نورانی
معنونست والحروف عبارتست از حروف مقطعه قرانی که بعد از حروف مکرر آن چهارده میشوند چنانچه در فصل اول
از باب سوم از مقاله دوم این کتاب ایما شده و بر این معنی جمعی کثیر از سادات اصحاب که اول ایشان حضرت شاه ولایت علیه
علیه الصلوة والسلم و دیگر عبدالله بن عباس و عبدالله بن سلام رضی الله عنهم فرموده اند و این اسما از قبیل اسم اعظم است و آن اینست
بسم الله الرحمن الرحیم ا یا الله یا احد یا اول یا اخر ل یا لطیف م مالک یوم الدین یا مالک الملک
یا ملک یا محیی یا ممیت ص یا صمد ر یا رب الارباب یا رحمن یا رحیم ک یا کریم ه یا هادی انت هو
لا اله الا انت ی یا هو یا اهیا اشراهیا ع یا علی یا عظیم یا عزیز ط یا طالب یا طاهر س یا سمیع یا سبوح
ح یا حی ق یا قیوم ن یا نور السموات والارض ونور الانوار کلها ومنورها یا نافع اسئلک الهدی
والتقی والعفاف والغنی واسئلک الیقین والعافیة واسئلک رزقا دارا وعیشا قارا وعملا بارا ولحاقا
بعبادک الصالحین واسئلک ان تصلی علی سیدنا محمد نبیک ورسولک وعلی سیدنا ابراهیم خلیلک وان تسلم
علیهما وعلی الهما وعلی الانبیاء والمرسلین والصدیقین والشهداء والصالحین وان تعطینی سؤلی من خیر الدنیا
والاخرة حتی القاک وانت عنی راض وجمیع المسلمین والمؤمنین والحمد لله رب العالمین در ذکر دعائی
که شامل جمیع اسماء اعظم است که در فصول این باب مسطور گردید با شرط حذف مکرر آنکه حاجت که تکرار آن ضرورت باشد پوشیده نباشد

که این دعائیست که مستجمع جمیع اسمائیکه علماء دین و کبراء محققین علی اختلاف ماخذهم از اسم اعظم گفته اند
و هر یک بر مدعای خود شواهد و دلالات اقامت کرده با بعضی دیگر اسماء بزرگوار که در انجاح مرادات و اجابت
دعوات از او مدخل تمام است و هر خاصیتی و منفعتی که در فصول گذشته این باب در ذکر اسما و دعوات مذکور شده این دعای
شریف که در غایت عزت و نهایت نفاست است و شامل آنست بلکه از حیثیت جامعیت و شمول اسماء عظام
باضعاف مضاعفه فواید و عواید این زیاده از مجموع آن دعوات و مهربنت و عزیمت از خیر و شر و نفع و ضر
که از شرایط کلام می ملاوت کنند بعدد کلمات وی و اگر قویتر خواهند بعدد الحروف وی و اگر قویتر خواهند بعدد
حساب جمل در چند روز متصل و این عمل بغایت عظیمست و نتیجه کلی بر آن مترتب شود بشرط صدق نیت
و خلوص طویت و اعمال آن در امور مشروعه و اگر این دعا را بشرایط کتابت رقم کنند و با وجود قرائت بجمل
قیام نمایند در حصول نتیجه ادخل باشد و آثار جلیله و خواص جزیله در اقرب اوقات و اسرع ساعات مترتب گردد
کردد و چون منافع و فواید و نتایج و عواید این دعاء شریف زیاده از آنستکه در حیز تحریر و حیطه
تقریر گنجد لاجرم در تفصیل و شرح خواص و آثار آن شروع نمود و العاقل یکفیه الاشارة بس که خود
ذکر کار این فقرات مالک در کردم اگر درده کراست و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
الرحمن الرحیم مالک یوم الدین هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بکل شی علیم هو الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت
یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الطول یا ذا الجلال والاکرام اللهم انی اشهدک انک انت الله الواحد

الواحد الاحد الصمد الفرد الوتر الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا قدیم الاحسان یا دائم
المعروف یا نور السموات والارض ونور الانوار کلها یا رب الارباب یا حق یا حکم یا عدل یا ملک یا مالک
الملک یا قاهر یا مقسط یا معز یا هادی یا باسط یا باعث یا واسع یا جامع یا مومن یا رزاق یا نافع
یا کافی یا فتاح یا فعال یا سبوح یا قدوس یا محصی یا معطی یا غنی یا مغنی یا محیی یا ممیت یا عفو یا غفور یا رووف
یا ودود یا لطیف یا ولی یا کریم یا حلیم یا عزیز یا محیط یا قریب یا معین یا نصیر یا الهنا واله کل شی
الها واحدا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ربنا ربنا ربنا ربنا ربنا آتنا فی
الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب واغفر لنا مغفرة من عندک
انک انت الغفار واغوثاه بک استغیث یا مغیث بحق الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص
حم حمعسق ق ن یا رفیع الدرجات یا مجیب الدعوات یا سمیع الدعا یا مبدع الحسنات یا خیر الوارثین یا ارحم
الراحمین یا انت حسبی ونعم الوکیل   در خواص ایات قرآن مسمی به ما   در قبول نظر وحشمت
سلاطین وحکام واصابت رای واطفاء غضب ظالمان وایمنی از آفات وحصول جاه ورفعت وسعادت
وقبول قلوب خاص وعام وتسخیر نفوس کافه انام مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در قبول نظر سلاطین وحکام ونفاذ
قول نزد ایشان فصل دوم در اصابت رای نزد سلاطین وطلاقت لسان فصل سیوم در اطفاء غضب سلاطین وحکام ظالم
وتسکین غیظ نفس خود وغیر خود فصل چهارم در دفع خوف از سلاطین وظلمه فصل پنجم در کفایت
شر ظالمان وخلاصی محبوسان فصل ششم در ایمنی از جمیع آفات ومخافات فصل هفتم

در رفعت

در رفعت شان وحصول جاه ودولت ونصب معزول فصل هشتم در تحصیل هیبت ومهابت در نظر خلق
وغلبه بر اعدا فصل نهم در قبول قلوب واطاعت خاص وعام فصل دهم در القاء محبت ومودت در قلوب
خلق فصل یازدهم در تسخیر نفوس خلق وتالیف قلوب ایشان فصل دوازدهم در تسخیر مرغ وماهی وتسهیل صید ایشان
در قبول نظر سلاطین وحکام ونفاذ قول نزد ایشان شیخ محمد بن ابراهیم تمیمی رحمه الله در کتاب خواص القرآن
آورده که هر بامداد حاجتی نزد پادشاهان زمان رود باید که اول طهارت کامل بجای آرد وجامه پاک در پوشد
ودو رکعت نماز بگزارد وبعد از سلام آغاز تلاوت این آیت کند وقل رب ادخلنی مدخل صدق الی قوله زهوقا
از سوره اسری ومتصل میخواند تا وقتیکه بنظر پادشاه در آید چون چشم پادشاه بروی افتد ویرا دوست
گیرد وهر حاجت که داشته باشد بر وجه احسن روا سازد وبانعام واکرام مخصوص گرداند وهم در خواص وی مذکور است
که هر که آیت الذین قال لهم الناس را الی قوله العظیم از سوره آل عمران بر رقعه پاک نویسد ودر زیر نگین انگشتری
نهد وبا طهارت کامل بنظر پادشاه در آید هر حاجت که داشته باشد روا کند وهر سخن که گوید قبول فرماید واگر
بروی خشمناک بود مشفق ومهربان گردد باذن الله تعالی   در اصابت رای نزد سلاطین وطلاقت لسان در
خواص تمیمی آورده که هر که آیت وکذلک نری ابراهیم الی قوله من المشرکین از سوره انعام بگلاب وزعفران بر اناء چینی
بنویسد وبآب صافی که از جوی بزرگ آورده باشند بشوید وبیاشامد رای وتدبیر در ملازمت سلاطین وحکام صائب
افتد ودر هیچ امری از امور ملکی غلط نکند واگر همین آیت را بگلاب وزعفران بر اناء زجاج نویسد ونوشته را بعسل
کرده محو سازد وقدری سویق مد صافی بان آمیخته صلایه کند وهرگاه خواهد نزد پادشاه یا حاکم رود قدری از آن در چشم

کند محبوب ومقبول پادشاه گردد وهیچ وسر هر دل وی بیفزاید وهمه دلها بوی مایل شود وسخن وی نزد همه
کس مقبول باشد وکسی را مجال مخالفت قول وی نباشد واگر کسی خواهد بحجت ودلیل بر خصم غلبه کند وقوت فصاحت
وطلاقت لسان وی را مغلوب گرداند همین ایت را بزعفران بر اناء پاك نویسد وبر ابی که انیسون در وی جوشانیده باشند
ماشند او محو ساخته در ساعت اول از روز چهارشنبه بر ناشتا بیاشامد وسه روز چهارشنبه در سه هفته پی در پی این عمل
بجا اورد فصاحت وبلاغت وطلاقت لسان وی نزد سلاطین وحکام بیفزاید وکسی بزبان اوری حریف وی نباشد
در اطفاء غضب سلاطین وحکام وتسکین غیظ نفس خود وغیر خود در خواص ابن تمیمی اورده که هر که ایة الذین ینفقون
فی السراء والضراء الی قوله العاملین از سوره ال عمران در شب جمعه بعد از نماز خفتن بر کاغذ پاك نویسد وبا خود
نگاه دارد تا صبح شود بعد از ان بر پادشاه غضبناك یا حاکم قهار در اید چون پادشاه چشم بر روی افتد اتش غضب وی
فرو نشیند ومشفق ومهربان گردد واثار رحمت از وی بظهور رسد وهر که ایت لا یحب الله الجهر بالسوء را الی قوله تعالی قدیرا
از سوره نساء بر طهارت کامل کتابت کند وجامه پاك خوشبوی پوشیده ان مکتوب را با خود نگاه دارد وبر حاکم جابر
وظالم غیور در اید از وی هیچ ضرر نیابد وخوف وی بهراس مبدل شود واثار رحمت وعاطفت از ان حاکم ظالم ظاهر
شود ودر مقام التفات وعنایت در اید واگر پادشاه بر کسی متغیر شود وبمقام قهر وغضب در اید یا نسبت بر رعایا داعیه
ظلم وتعدی وقتل کند باید که ایت ثم قست قلوبکم را الی قوله تعملون از سوره بقره بر کاغذ پاك نویسند ونام
ان پادشاه ومادرش را بر ان کاغذ رقم زنند وبر قله کوهی که در ان دیار بلندتر از ان نباشد دفن کنند اتش غضب ان
پادشاه فرو نشیند واز ان شر وعزیمت ونیت برگردد وترك ظلم وبیداد خود کند وحال وی بصلاح اید و

کتاب النظمی

ودر کتاب جمع النظم اورده که هر که ایت سبحان الله وتعالی عما یشرکون را الی قوله تعالی یرجعون از سوره هفت بار
بشرایطش تلاوت کند وبر پادشاه یا حاکم در اید از قهر وغضب وی ترسان بود پس سه بار بگوید والله غالب علی
امره حق تعالی شر او را کفایت کند واز وی ضرری بر تا نی نرسد ودائم این خوف از والد خود علیه الرحمه استماع
داده که از بعض اکابر نقل کرده اند که هر که بر پادشاه قهار در اید واز قهر وغضب وی ترسان باشد باید که باز ده
بار بگوید یا مالك یوم الدین ایاك نعبد وایاك نستعین بعدد مذکور از ان پادشاه وحاکم هیچ اسیبی بوی نرسد
ودر سفر وحضر از هر مهم که خوفی وخشیتی داشته باشد چون بعدد مذکور بخواند ایمن وفارغ البال شود ودر کتاب درر
النظم اورده که هر که خواهد که خشم نفس خود یا غیر خود را فرو نشاند چون انصفت را از خود احساس کند باید
که اگر ایستاده باشد بنشیند واگر نشسته باشد برخیزد وایت وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم از سوره
انعام مداومت نماید تا انصفت از وی زایل گردد

دودفع خوف از سلاطین وظلمه در کتاب درر النظم اورده

که چون کسی در نصف اخر از شب جمعه وبقول ابن تمیمی از شب شنبه طهارت کامل کند ولباس پاك پوشد
وایت اذ همت طائفتان الی قوله تعالی العزیز از سوره ال عمران کتابت کند وانشب را زنده دارد وبعد از
ادای فریضه بامداد بر جای نماز بنشیند تا وقت طلوع اشراق بتسبیح وذکر مشغول باشد وچون افتاب
اندکی بلند شود دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول بعد از حمد ایة الکرسی ودر رکعت دوم بعد از حمد
امن الرسول تا اخر سوره پس هفت بار استغفار کند وبگوید حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم انگاه تجدید وضو کند وان نوشته را بر بازوی خود ببندد ونزد پادشاه یا حاکم ظالم در اید

انفعو سیاست و اهانت یابد و خوف و رعب از دل وی برود و بجای زایل کردد و در کتاب سر الهی آورده اند
که مردی نزد عبدالله بن عباس رضی الله عنه آمد کفت من از پادشاه زمان ترسان و هراسانم و از ملازمت وی
چاره ندارم مرا چیزی در آموزید که از غضب و سیاست وی ایمن و مطمئن باشم فرمود بر اسکات کرامت آیات مداومت
نمائی بتخصیص وقتیکه متوجه ملازمت و خدمت وی باشی و اسکات کرامت آیات اینست لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین و در کتاب
الدر النظیم آورده که چون کسی از جبار ظالم هراسان باشد و بر این کلمات آیات و لما ورد ماء مدین الی قوله تعالی
القوم الظالمین از سوره قصص مداومت نماید از غضب وی در پناه آید و شر وی کفایت شود

در کفایت شر ظالمان و خلاصی محبوسان و ایمنی از زبان بدکویان صاحب کتاب در النظیم از برای دفع شر
ارباب ظلم و عدوان و ایمنی از قهر و غضب ایشان تلاوت کند آیه سبحان الله و تعالی عما یشرکون الی قوله
یرجعون را چنانچه در فصل سیوم ایراد یافته و محتاج بتکرار نیست و هم در کتاب در النظیم و خواص
ابن تیمیه مذکور است چون ملک محبوس در بند و زندان بود و دراز شود و وی در واقع مظلوم باشد باید
فلما دخلوا علی یوسف الی قوله تعالی العلیم الحکیم از سوره یوسف کتابت کند بشرایطی که در اول کتاب
مقرر شده و بر بازوی راست ببندد و بر تلاوت این آیات نیز مداومت نماید بزودی از آن سجن خلاصی یابد
و قدوة العلما مولانا امیر حسین یزدی رحمه الله در شرح دیوان حضرت مرتضی علی علیه افضل الصلوة و السلام
که شرح این بیت میکند ابالهب تبت یداک ابالهب و صخرت ... بحمالة الحطب آورده که زن ابی لهب

کر اوزا ام جمیل

کر اوزا ام جمیل میکفتند و در قران بحمالة الحطب ملقب شد بمسجد الحرام آمد و سنکی در دست داشت
و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم با یکی از اصحاب بکنار نشسته بود و او میکفت مذمما قلینا و دینه آبینا
و حکمه عصینا اصحابی مر آنحضرت را کفت قد اقبلت الیک آنحضرت فرمود که انها لا ترانی و آیت و اذا
قرات القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا بخواند و از نظر ام جمیل
پوشیده شد ام جمیل آمد و بان صحابی کفت قد ذکر لی ان صاحبک هجانی و وی کفت لا و رب
و رب الکعبة ما هجاک و بعضی کویند که غرض وی آن بود که خدا هجو او کرده و بعضی کویند اعتقاد داشت
که قران را هجو میخواند و از این نقل صحیح معلوم شد که هر که بوقت حاجت بر تلاوت این
آیت مداومت نماید از نظر دشمنان و بدکویان مستور باشد و از شتم و فحش ایشان محفوظ ماند

در ایمنی از جمیع آفات و مخاوف در کتاب در النظیم آورده که هر که مداومت کند بر آیت الله
الذی خلق السموات و الارض الی قوله تعالی الظلوم از سوره ابراهیم در هر صباح و مسا و در وقت خواب
و دخول بر اهل و عیال و حرام و اخوان از همه حوادث و نوائب زمان در امان باشد و در سفر و حضر مال
و متاع و زرع و دواب وی محروس و مصون بود و از هر حد تو رسد حق تعالی شر او را کفایت کند و خیر و برکت و سعادت
دو نیکو داند و جمعیت تمام روی نماید و هر که ترسان باشد از چیزی باید که هر صباح و مسا در وقت
خواب کردن و بیدار شدن مداومت کند بر قرائت این آیت انی توکلت علی الله ربی و ربکم الی
قوله تعالی حفیظ از سوره هود حق تعالی از همه آفات و بلیات وی را نکاه دارد و هیچ مکروه بوی نرسد

نقل از مولانا ... در کتاب ... [illegible]
... القرآن ... [illegible]
... خواب ... [illegible]
از سوره ... [illegible]
دشمنان ... پیغمبر صلی الله علیه و آله ... [illegible]
قرائت ... جواب ... [illegible]
ای ایه ... اوراخوانده ام
که تحفه میکند ... [illegible]
پس نخواهد ... [illegible]

هر دی شری از وی کفایت کند و از بلاها محافظت فرماید و هر که در صباح و مسا هفت بار ایت
الحمد لله الذی خلق السموات والارض الی قوله یعدلون از اول انعام قراءت کند و بر کف دست خود
نفث کرده بر همه اعضا مسح کند از جمیع افات و اوجاع مامون باشد و محفوظ گردد
در رفعت شان و حصول جاه و دولت و نصب معزول در کتاب جواهر النظیم اورده که هر که خواهد
که شان وی رفیع گردد و مکان وی عالی شود و نزد سلطان و خاص و عام قبول تمام پیدا کند باید که ایت
واذکر فی الکتاب ادریس الی قوله مکانا علیا کتابت کند بر قطعه از حریر زرد و بزعفرانی که
با العسل مصفی حل کرده باشند و بعد از اتمام کتابت موم خالص و اعصان لبان خمیر کرده
بندقها سازد و بعد از تجفیف بان تبخیر کند و بعد از انکه مکتوب با ان بخور داشته در هم پیچد و
با خود نگاه دارد مقصود حاصل شود و دولتها روی نماید و چون کسی از منصب خود معزول
شود و خواهد که باز بر سر عمل رود باید که روز پنجشنبه و جمعه از اول ماه روزه دارد پس در شب جمعه
سوره یوسف را وقتیکه در فراش میرود بخواند و روز جمعه نیز پس از الصلوه تلاوت کند پس ایت
وقال الملک ائتونی به الی قوله المحسنین لوان سوره بر اطلس کتابت کند و چون افطار
کند بار دیگر سوره را تلاوت کند و چون نماز خفتن ادا کند باز سوره را بخواند و چون بفراش در اید
بار دیگر قراءت کند و صد بار لا اله الا الله و صد بار الله اکبر و صد بار الحمد لله و صد بار سبحان الله
و صد بار استغفر الله بگوید و صد بار صلوات فرستد پس ان نوشته را در زیر بالین بنهد و بخوابد

وهو مجرب

و چون صبح کند نیت صحیح کند که بر کسی هرگز ظلم و تعدی روا ندارد و از حق تجاوز ننماید و تا
تواند بدست و زبان مدد و معاون مظلومان باشد و نماز صبح کند و ان نوشته را در سرای خود
از جای بلند بیاویزد بزودی باز بر سر عمل اید و صاحب تصرف گردد

در تحصیل هیبت و مهابت در نظر خلق و غلبه بر اعدا در کتاب درر النظیم اورده که هر که ایت فالق الاصباح
الی قوله لقوم یعلمون بر نگین خاتم لاژورد نقش کند در ساعت سوم از روز چهارشنبه و ان خاتم را
در انگشت کند هیبت و مهابت وی در چشم خلایق بسیار شود و مقبول خاطرها گردد و حاجات وی
بزودی روا شود و مرادات بر وجه احسن میسر گردد و هر که ایت لیطفئوا نور الله را الی قوله تعالی قریب از
سوره صف کتابت کند بر حریر سفید بمشک خالص و زعفران و اب نسرین مقطر و ان را در دامن
پیراهن دوزد هر گاه ان پیراهن بپوشد مهابت وی بر دلها پیدا شود و هیبت و قبول و طاعت
خلق و نصرت بر اعدا حاصل گردد و بر دشمنان غالب شود و هر که بر جامه در پوشد که بر او ایت لا اقسم
بهذا البلد الی النجدین کتابت کند وی را هیبت و قبول روزی شود و بر هر که در اید از پادشاه و حاکم
و غیر ایشان معزز و مکرم باشد و مقرب و محترم گردد و حاجت وی بسهولت روا شود
در قبول قلوب و اطاعت خواص و عوام در کتاب درر النظیم اورده که هر که خواهد که مقبول و
مطاع باشد نزد اکابر و اصاغر باید که ایت ولقد جعلنا فی السماء بروجا و زیناها للناظرین
و حفظناها من کل شیطان رجیم را بشرایط مقرره نقش کند بر نگینی یاقوت سفید بروز و ماه و با خود

نگاه دارد همه مردم را متوجه ومایل خود سازد وسخن وی همه جا مقبول ومسموع افتد وهمه خلق
مطیع ومنقاد وی شوند وهرکه ایت لیطفئوا نور الله را الی قوله تعالی المشرکین کتابت کند بر جام
نو زجاجی بگلاب وزعفران وبعود وعنبر بخور کند پس ان را بروغن زنبق خالص محو سازد ودر شیشه
سبز نگاه دارد وچون نزدیکی از اکابر میرود از ان روغن مقداری در پیشانی خود مالد وبر مقبول
تمام در نظر ان بزرگ وسایر مردمان پیدا شود وعزت وجاه وی بیفزاید ودر میان خلق
زیاده گردد باذن الله تعالی — در القاء محبت ومودت در قلوب خلق از خواص ابن تمیمی اورده
که هرکه ایت واعتصموا بحبل الله الی قوله تعالی المفلحون از سوره ال عمران بر پوست اهو نویسد روز دوشنبه
وقتیکه قمر در کمال نورانیت باشد بمشک وگلاب وزعفران ونام خود ووالده خود در اول واخر قلم
زند وبر بخور لایق داشته در موم بپیچد وجای پاکی حفظ کند همه دلها متوجه او گردد وهمه اعدا
مطیع شوند وصاحب درر النظیم اورده، در خواص این ایه که باید از اب سیاه نوشته شود
ودر اخر نوشته شود که یا مولف القلوب الف بین فلان وفلان اللهم یا ودود یا ودود الف بین
قلوبهما علی طاعتک پس ان نوشته را بر محمول کند بندد دشمنان غضبان او مطیع ومحب ومهربان
گردند وعزت وقبول پیدا کند وهرچه موجب کراهت بود از دلها زایل شود واگر ان نوشته را
فقیهی یا واعظی یا سخن وری با خود بندد قبول وی در دلها اثر عظیم کند ودر کتاب سر الایات
مذکور است که مردی از ابن عباس رض دعای طلبید که مواظبت بران موجب جذب قلوب وتوجه نفوس شد

ابن عباس

ابن عباس فرمود که بر ایت والقیت علیک محبة منی از سوره طه مواظبت نمای — در تسخیر قلوب
ونفوس خلق وتالیف ایشان در کتاب درر النظیم اورده که هرکه خاتمی سازد از نقره وقتیکه افتاب در
برج اسد باشد وایت والحکم الواحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم را بران نقش کند وبر تختم ان مداومت نماید همه خلایق
مسخر ومطیع ومنقاد وی شوند وهیچکس بروی غالب نماند وغلبه در جانب وی باشد وهرکه ایت وان
یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله الی قوله تعالی عزیز حکیم را در اول روز جمعه از ماه رمضان میان ظهر
وعصر بر طهارت کامل کتابت کند بر خرقه صوف یا حریری که سه رنگ داشته باشد سبز وزرد وسرخ
واز ان طاقیه سازد در همان روز وجای پاکیزه محافظت نماید تا بوقت حاجت پس هر گاه خواهد که نزد
یکی از اعاظم واکابر در اید ان طاقیه بر سر نهد انکس مسخر ومنقاد وی شوند ومحب وتابع وی گردند و
تمام در دلها غالب اید وانچه موجب کراهت بود زایل گردد — در تسخیر مرغ وماهی وغیران
وتسهیل صید ایشان در خواص ابن تمیمی اورده که هرکه از چوب زیتون لوحی سازد واز مس احمر لوحی واز
استخوان لاک پشت لوحی وبقول بعضی از استخوان اشتر واغاز این عمل در روز سه شنبه کند وجامه پاک
پوشد وبر طهارت کامل باشد وبر یک روی زیتون ایت یا ایها الذین امنوا لیبلونکم الی قوله تعالی الیم از
سوره مائده نقش کند وبر روی دیگر لوح ایت والطیر محشورة کل له اواب وبر یک روی لوح مس
نیز ایت اول را نقش کند وبر روی دیگر ان لوح احلت لکم صید البحر الی قوله تعالی تحشرون وبر یک روی
لوح استخوان همان ایت اول را نقش کند وبر روی دیگر ایت ان مع العسر یسرا هفت بار بنویسد در چوب

زیتون از برای صید مرغان است چون صیاد خواهد که بصید بیرون رود انلوح را از کردن خود بیاویزد

ولوح مس از برای صید ماهیان است صیاد باید بوقت مشغولی اثر بر شبکه بندد ولوح استخوان از برای

صید وحوش صحرائی است صیاد باید بوقت صید انرا از کردن خود بیاویزد وباید که هر لوحی در مدت

یکماه ساخته شود که ان سه لوح در مدت سه ماه متوالی تمام کردد زیرا که این تامل وتوقف را در حصول

نتیجه اثر و مدخل عظیم است وهر که قطره از رصاص که در دام صیادان باشد بکیرد وازان لوحی مثلث سازد

وقتیکه قمر در منازل فلک البروج هبوط باشد واین ایة الله الذی سخر لکم الی قوله تع یتفکرون واز سوره جاثیه بران

لوح نقش کند ودرهم نهد وبران شبکه بندد هر کاه که ان شبکه را در دریا فرو برد ماهی بسیار وجانوران

دریائی فراوان پیرامن ان شبکه در اید واکر کسی این ایات را بر چوب کز نقش کند وبر دام صیاد

مرغان بندد مرغ بسیار بدام در اید باذن الله تعالی در تحصیل فتح ونصرت بر معاندان

وتدمیر ظالمان وتفریق فاسقان وتخریب بیوت ایشان ودفع موذیان وابطال سحر ساحران

مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در تحصیل فتح وظفر بر هر لشکر فصل دوم در القاء رعب وخوف در

قلوب دشمنان وهزیمت ایشان فصل سیوم در هلاک اعدا وتعکیس امر ایشان فصل چهارم در نکبت وخواری

اعدا وفساد حال ایشان فصل پنجم در تبلید ذهن عدو وتبدید وجود وی فصل ششم در تفریق وتشراد

وفساد امر ظلمه فصل هفتم در فساد حال ظالمان وتفریق وتخریب ایشان فصل هشتم در تخریب منازل وبیوت

فسقه وفجره التموم فصل نهم در هلکت دشمنان در بند وزندان فصل دهم در دفع وطرد موذیان از جن وذوات

در منازل بحر باشد

فصل یازدهم در دفع زهرها وسحرها وچشم بد فصل دوازدهم در ابطال سحر ساحران وتضییع عمل ایشان

در تحصیل فتح وظفر بر هر لشکر صاحب در النظیم از ابو حامد غزالی نقل کرده که در قران عظیم چهار ایت است

در چهار سوره بزرک ودر هر ایتی ده قافست وانرا ایات حرب کویند وخاصیت ان ظفر ونصرتست بر اعدا والقاء

رعب در قلوب ایشان چون انرا بر علم لشکر نویسند در هر جا که انعلم باشد ونصب نمایند فتح وظفر بانجانب باشد

واکر کسی این ایاترا بنویسد ودر سر دستار بندد وبر پادشاه در اید یا بر حاکم جابر ظالم یا خصم قوی وارد شود

هیبت ومهابت وی بر دل ان سلطان جابر ظالم غلبه کند ودشمن زبان بسته شود ایات اول در سوره بقره است

قوله تع الم تر الی الملا من بنی اسرائیل وایت دوم در سوره ال عمران قوله تع لقد سمع الله قول الذین و اما

سیوم در سوره نسا قوله تع الم تر الی الذین قیل لهم کفوا وایت چهارم در سوره مائده قوله تع واتل

علیهم نبأ ابنی ادم بالحق وبعضی اکابر کفته اند که یک ایت دیکر باید بران افزود از سوره رعد

قوله تع قل من رب السموات والارض الایه وچون سپاه سالار این ایاترا بر شقه علم بنویسد باید که در

تحت هر قاف که در ضمن کلمات این ایاتست علی حده یک قاف بنویسد ودر تحت ان حرف برقم هندسی

عدد صد را رقم زند بر این صورت زیرا که این ارقام در حصول مقصود مرام مدخل تمام دارد وکر

خواص ابن تیمیه اورده که اکر کسی ایت لن یضروکم الا اذی الی قوله تع یعتذرون را از سوره ال عمران

بر شمشیری نقش کنند یا بر سنان نیزه یا بر مغفر در روز دوشنبه وبعضی کویند یکشنبه در ساعت هفتم

از روز ومشایخ در وقت نقش کردن طاهر وصایم باشد با شرایط دیکر که در مقاله اول مذکور شد هر کرا باین الت

روی بجب دشمن ارد غالب کردد و شکست و هزیمت بر خصم افتد و فی الفور از معرکه روی

بتابد و هرکه ایات اول انا فتحنا الی قوله تعالی حکیما در ساعت اول از روز پنجشنبه یا ساعت هشتم بر قطعه مس

زرد مدور نقش کند وقتیکه قمر زاید النور باشد و ان قطعه را در میان سپر تعبیه کند و وقت محاربه ان سپر در قفای

باشد از همه افات و بر اعدا غلبه کند و اصلا بوی هیچ الت جارحه نرسد و چون کسی ایت و ما جعله الله الا

بشری لکم الی قوله تعالی حکیم از سوره ال عمران در روز ٢٧ ماه رمضان بمشک و کلاب و زعفران بنویسد

و در زیر نگین خاتم نهد هر که ان خاتم را در وقت محاربه در انگشت کند از همه افات و حرب ایمن بود

و بر اعدا مظفر و منصور باشد و صاحب ان خاتم همیشه مبتهج و مسرور باشد ۝ در القای رعب و خوف در

قلوب دشمنان و هزیمت ایشان در کتاب شمس المعارف اورده که اگر کسی خواهد لشکری را بشکند بگیرد قبضه

خاک از میان میدان محاربه و ایت بروی بخواند که سیهزم الجمع و یولون الدبر الی قوله تعالی ادهی و امر از

سوره قمر و ان مشت خاک را بطرف دشمنان بریزد اگر باد بطرف دشمن رود بفایت مفید افتد و در حین خاک پاشیدن

بجانب دشمن بگوید شاهت الوجوه انکسر بقربان خدا یتعم لشکر و نوعی بر ان خاک اشاره کردد که یکی

بیکی ناپدید و بتمامی روی بهزیمت نهند و در خواص و در خواص ابن تمیمی اورده که چون کسی در مقابله

دشمن ایستد و این کلمات بگوید الله الغالب القاهر مذل کل جبار عنید ناصر الحق حیث کان بالحول

والقوة پس این ایت را بخواند ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم خامدون خوفی بر دشمن غلبه کند

و مبهوت و مقهور گشته روی بهزیمت نهند ۝ در هلاک اعدا و تعکیس امر ایشان ۝

٢

هلاک العدو

در کتاب جواهر النظیم اورده که چون کسی خواهد که دشمنی ظالم فاسق را هلاک سازد و دولت وی

بنکبت مبدل کردد و قطع ابروی وی کند باید که ٢٨ ماه روزه دارد و اگر از روز شنبه باشد ابتدا فبها

حسنه خواهد بود پس بنان جو افطار کند و در نیم شب که غایت ظلمت و تاریکی باشد بر بام سرای خود

بر اید تنها انگاه بجانب او و سنه روس بحجر کند و ایت والذین لم یستجیبوا الی قوله تعالی المهاد و ایت

والذین ینقضون عهد الله الی قوله تعالی سوء الدار هفت بار تلاوت کند بشرایطش و بگوید اللهم علیک

بفلان ٢ فلانه اللهم اعکس امره واخذل نصره وانتکس اقدامه و ذلل به ما اذللت کل جبار عنید حتی

اند دشمن را متفرق سازد و مخذول و منکوب و بر هلاک مشرف گرداند و ضایع و ابتر سازد و چون کسی خواهد

که دشمن هلاک شود و امر او منعکس شود و حال او بفساد انجامد باید که بگیرد از درخت عشار هفت برک

هر روز پیش از طلوع افتاب یک برک بکند و ابتدا از روز شنبه کند و بر پشت و روی ان

برگها پیش از انکه خشک شوند ایت ثم اخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر الی قوله تعالی الصدور از سوره

بنویسد و انها در سایه خشک سازد بر وجهی که شعاع افتاب بران برگها نیفتد و بعد از خشک شدن مجموع

انها را نرم کوبید و در وقت کوفتن بگوید فلان ٢ فلانه تا و سکر فارغ شود پس این برگهای کوفته را در

منزل ان ظالم بپاشد بزودی غرض بحصول پیوندد و در خواص ابن تمیمی اورده که هر که بگیرد در وی دشمن

رقعه که عرق ان بان رسیده باشد و نام وی و نام مادرش بران نویسد و بر گرد ان نام هفت دایره بکشد و بر بالای

دایره اخرین ایت اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی الی قوله تعالی بالکافرین از سوره بقره بنویسد و هفت بار

بکوید خلق لفلان بن فلانه و برکرد ان ایت سه دایره دیکر بکشد و اسمعل هذه رقعه ششصد کند پس این قصه را دیکر هم
بپیچد و در کوزه نو نخار نهد و سر ان را محکم کرفته در منزل دشمن هرجا میسر شود دفن کند بزودی اندشمن خوار
و نکونسار خواهد شد و دمار از خان و مان او براید و بزودی هلاک شود و این بغایت خطرناک است و اکر عامل مظلوم نباشد
بیم رجعت بود و نتیجه بعکس دهد — در نکبت و خواری اعدا و فساد حال ایشان در کتاب در النظیم
اورده که هرکه خواهد که دشمن وی خوار و نکونسار کردد و عیش روزکار بروی ناکوار شود باید که شنبه اول
از ماه محرم پیش از طلوع افتاب هفت قبضه خاک از هفت موضع فراکیرد اول از مسجد ویران دوم
از ویرانه سوم از سرای خالی چهارم از حمام ویران پنجم از داش خانه خراب ششم از خانه که جنازه در انجا
می نهند هفتم از میان چهار راه بعد از ان کف خاک هفت بار ایت و ینذر الذین قالوا اتخذ الله
ولدا الی قوله تعالی صعیدا جرزا از سوره کهف بخواند و نفث کند و در اخر هر تلاوتی بعد از نفث بکوید
لفلان بن فلانه و جمع ماله من حرکة و سکون و قول و عمل و مال و زرع و ماشیة اللهم اجعل ذلک فی
و بال فعله و نکال حیاته و امره پس ان خاکها را بتمام در هم امیزد و از انجا هفت قبضه خاک در سرا و حرمه
و مواضعی که تعلق بان ظالم دارد بپاشد تا عجایب مشاهده نماید در خواری و نکونساری وی و چون کسی خواهد
که دشمن فاسق ظالمی را مخذول و منکوب کرداند و ضیاع و [illegible] و اطفال وی را ضایع سازد
سفال خام ابنیه را در روز شنبه و قدری خاک از کور کهنه مجهول هم در ان روز و قدری خاک از سرای ویران
یا سرای خالی که صاحب وی در ان زود مرده باشد و ایت یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم الی قوله تعالی

الکافرین اجمع

شنبه اول از ماه محرم

مجموع

الکافرین را از سوره بقره بران سفال نویسد پس ان را نرم بکوبد و بدان دو قبضه خاک امیزد پس
ان خاکها را در منازل و مواضع ان دشمن بپاشد و این پاشیدن نیز در روز شنبه باید در ساعت اول
یا دوم و بعضی کویند در ساعت هشتم از روز شنبه در نکبت و خذلان اندشمن عجایب بینند
در تبلید ذهن عدو و تولید وجع او در کتاب در النظیم اورده که هرکه خواهد که دشمن وی مبهوت
و منکوب کردد و مخذول و سیاه روی باشد و اندشمن ظالمی باید که در نفس الامر عامل ظلم عظیم کرده باشد
و در مقام ایذا و ازار وی بود و در عداوت و دشمنی اهل صلاح و سداد مصر باشد و خلق خدای را ازدست
او و زبان وی بجان باشند و چون عامل را چنین دشمنی پیدا شود باید که در روز پنجشنبه روزه دارد
و چون نماز خفتن بکذارد و در خلوتی خاص بنشیند و از روی عجز و نیاز بکوید یا قدیم الازل یا ازلی
لم یزل یا من یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور علیک بفلان بن فلانه خذه اخذ عزیز مقتدر
سه بار این دعا را بخواند پس ایت قل یا اهل الکتاب هل تنقمون الی قوله تعالی سواء السبیل را از سوره
مائده سی بار بر کف خاکی که از سرای وقف کرفته باشد بخواند و نفث کند بعد از ان ان قبضه خاک را
در سرای ان ظالم بپاشد عجب العجاب مشاهده کند — در تفریق اشرار و فساد حال ایشان در کتاب
در النظیم اورده که چون ستم ظالمی نسبت بتو بسیار شود و از جور و تعدی باز نماند باید که بوی پیغام فرستی
که از این جور و تعدی باز کرد و الا ببلای عظیم خواهی کرفتار شد هم چنین سه بار این پیغام بوی رسان اکر متنبه شود
و از ان طریق رجوع نماید فبها و اکر از ان طور باز نیاید و شر و فساد وی زیاده شود چاه کاریزی معطل پیدا کنی

که اب وی ازجانب شرق اید وانرا مالکی نباشد وازانجا قدری اب بردارد وایت لئن لم ینته المنافقون الی قوله تع
الرسولا از سوره احزاب بر رقعها نویس یا برك ورق واورا بان اب بشوی وابرا در منزل ظالم بپاش
تا بمراد رسی واگر عامل مظلوم ومستحق نباشد در اشتغال وسایر اعمال قهری هم رجعت کلی بود
در فساد حال ظالمان وتخریب منازل ایشان در کتاب در النظیم اورده که چون کسی فساد حال
ظالمی اراده کند وخواهد که سلسله منتظم وی درهم رود وجمع وی پریشان کردد وبه اوارکی وبیچارکی
افتد باید که ایت یا ایها الناس ضرب مثل الی قوله تع عزیز از سوره حج بر انائی که از چوب خوب
خراطی کرده باشند وتراشیده برانی که شکو دروی کداخته باشد کتابت کند در روز شنبه پیش از طلوع افتاب
انگاه ان نوشته را باب چاهی که معطل باشد ومالکی نداشته باشد بشوید پس در جائی که ان ظالم فاسق مینشیند
وامر ونهی میکند بپاشد مقصود وی حاصل شود ودشمن خوار ونکونسار کردد وچون کسی خواهد که دمار از جان
ان ظالمی وفاسقی برارد ووبال ونکال بروی کمارد ودیار وی را ویران کند باید که بکیرد سه برگ از درخت
بید پیش از طلوع افتاب در روز یکشنبه چنانچه هیچکس براو اطلاع نیابد وبر روی هر برگی ایت
ولو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت الی قوله تع تعملون از سوره انعام بنویسد وبر روی دیگر هر برگی
اسم ان ظالم ومادرش رقم زند واین عمل بر وجهی باید کرد که هیچکس بران وقوف نیابد وبعد از
اتمام عمل ان برگها را در اب اندازد که ان ظالم از ان بیاشامد وبعضی گویند که ان اب را در منزل
وی رش کنند تا مقصود حاصل کردد وچون کسی خواهد که شمل وحال دشمنی را وظالم فاسقی را

منغرق سازد

منغرق سازد ودایره وی را قطع کند باید که بکیرد قطعه استخوان شتر که کهنه وفرسوده باشد وپاك نمود
وایت فلما نسوا ما ذکروا به را الی قوله تع العالمین از سوره انعام بر استخوان نویسد ودر سرای ان ظالم دفن
اندازد تا مراد حاصل شود وان ظالم اواره کردد   در تخریب منازل وبیوت مفسد وفجره
کتاب در النظیم اورده که چون کسی خواهد که سرای ظالمی خراب شود وباغ وبستان ومستغلات وی از اسیا ودکان و
امثال ان نابود کردد باید که روز پنجشنبه وجمعه روزه دارد وچون شب شنبه بنیمه رسد ایت قال له صاحبه الی قوله تع
احدا از سوره کهف بر شانه موی که قدیم باشد ودر مزبله افتاده بعد از ان که پاك ساخته باشد کتابت
کند وانرا در خرقه پاك پیچد از سر اص ترسایان ودر منزل ان ظالم دفن کند بجانب بلند   در مکث
دشمنان در بند وزندان در کتاب در النظیم اورده که چون کسی را دشمنی باشد در بند وزندان وخواهد که در ان حبس بماند
ومکث بسیار کند باید که ایت قال ادخلوا فی امم الی قوله تع لا تعلمون را از سوره اعراف بر پوست بزغاله سرخ رنگ
مدبوغ کتابت کند ونام ان محبوس ومادرش در ذیل ان بنویسد وبعد از ان بنویسد که مکثا مکثا یا فلان بن فلانه لبثا
یا فلان بن فلانه کبتا کبتا یا فلان بن فلانه تثبیطا مکثا بلا زوال ودر خواص ابن تیمیه بجای تثبیطا مکثا
تبطاء واقع شده پس نوشته را در زیر دری که ان مسجد مهجور باشد دفن کند مادام که ان نوشته بجا باشد ان محبوس در
حبس مبتلا بود   در دفع وطرد موذیات از جن وذوات السموم در خواص ابن صیحی اورده که ملاومت بر تلاوت
ایة الکرسی الی قوله تع خالدون موجب دفع وساوس شیاطین وهواجس دیوان وتعرض ایشان است وباید که بعد از
هر فرضی وسنتی ورد خود سازد وهر که ایت یسجدون اخرین را الی قوله تع مبینا از سوره نسا بر طشت

که نو قلعی کرده باشند و پاک پاکیزه باشد کتابت کند بعصاره برگ زیتون و اگر نباشد عصاره برگ سنجد پس
ان نوشته را بر اب عذب طاهر مطهر بشوید و بر دیوارهای سرای خود رش کند هر موذی که در ان موضع
باشد از جنی و دیوان و جانوران گزنده جمله فرار نمایند و اثری از ایشان در ان خانه نماند و در کتاب در النظیم
اورده که هر که ایت افامن اهل القری ان یاتیهم تا الی قوله الخاسرین از سوره اعراف در اول روز ماه
محرم بر کاغذ و انرا باب طاهر بشوید و ان اب را در گوشهای خانه و سرا رش کند ایمن ماند ان موضع
از مار و کزدم و سایر گزندگان پاک شود و هر گزنده که انجا بماند بمیرد و هر که ایت الم تر الی الذین
خرجوا من دیارهم الی قوله لعلکم از سوره بقره بمداد بر طشت نویسد بعد از ان بعصاره برنوف محو کند
و بعضی گویند بعصاره برگ زیتون و در خانه رش کند از انجا مار و کزدم و کیک و پشه گم شود
بوجهی که هیچ اثر از ایشان باقی نماند و اگر بماند بمیرد و اگر سی روز پنجشنبه این ایت را بر چهار ورق
زیتون نویسد و هر ورقی را در یک دکن خانه دفن کند هیچ کیک در ان منزل باقی نماند و صاحب در النظیم
اورده که چنین شنیده ام که برای کیک سه برگ زیتون باید نوشت اول پنجشنبه از ماه رجب و در سر خانه دکن
دفن باید کرد و ان دکن که جانب در است خالی باید گذاشت و از برای دفع کیک بعد از کتابت ایات بر اوراق
این کلمات را باید نوشت عطعطش دخل البق عطعطش خرج البق عطعطش مات البق بالف لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم   در دفع زهرها و سحرها و چشم بد در کتاب در النظیم اورده که هر که ایت یا بنی ادم
خذوا زینتکم تا الی قوله ما لا تعلمون را از سوره اعراف بر اناء سبز نو بماء العنب الابیض که تازه گرفته باشند و زعفران

و زعفران کتابت

و زعفران کتابت کند و نوشته را بگلاب یا اب خنک پاک محو سازد و بیاشامد مادام که طعام کند از ضرر
زهرها ایمن بود و اگر در میان حمام بدن را بان بشوید از چشم زخم زایل شود و اگر سحری کرده باشند
باطل کرده باذن الله تعالی   در ابطال سحر ساحران و تضییع اعمال ایشان صاحب در النظیم
اورده که چون کسی را سحر کرده باشند و خواهد که انرا باطل کند بگیرد مقداری اب باران که در کوهساران
جمع شده باشد و انرا بوجهی فرا گیرد که هیچ احدی بران اطلاع نیابد و مقداری اب از چاه معطل که انرا مالکی
نباشد پس بگیرد در روز جمعه هفت برگ از هفت درخت که میوه وی خوردنی نباشد مثل بید و سفید ار
و نارون پس ان اب باران و اب چاه را بهم بیامیزد و ان برگها را دران ریزد پس این ایت فلما جاء السحرة
الی قوله تعالی لا یصلح عمل المفسدین را از سوره یونس بر طاسی و نوشته را بدان اب محو کند و سحر زده ازان اب غسل کند
در دل شب در کنار دریا یا نهر بزرگ و باید که ان اب بر همه اعضای وی جریان کند تا ان سحر باطل کرده و اثری
از وی باقی نماند باذن الله تعالی   در تیسیر و توسیع رزق و روزی و نیل خیرات و برکات و ایمنی از سفر
در بحر و بر و رجوع ابق و سارق مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در فتح ابواب رزق و تسهیل اسباب
ان فصل دوم در توسیع رزق و ادای دین فصل سیوم در نیل خیرات و برکات فصل چهارم در وقایه
اشجار و اثمار و زرع فصل پنجم در حصول برکت و ربح در مال تجارت و حفظ ان از افات فصل ششم
در دفع افات سفر دریا و سلامتی کشتی از کسر و غرق فصل هفتم هم در سلامتی کشتی و ایمنی وی از غرق
فصل هشتم در دفع افات سفر خشکی فصل نهم در دفع قطاع طریق و ایمنی از دزدان صحرا فصل دهم

در دفع سباع و حیوانات ذوات السموم در سفر **فصل یازدهم** در رجوع ابق و سارق **فصل دوازدهم** در حرکت
و سرگشتگی ابق و سارق و رجوع ایشان در فتح ابواب رزق و تسهیل اسباب آن در کتاب
در النظیم آورده که چون کسی را معیشت روزی بتنگی ادد و عسرت و سختی روی نماید باید که
اول توبه نصوح کند از جمیع منهیات و نیتهای خیر را در خود جای دهد و تصدق پنهان بجای آرد
پس شب جمعه چون به نیمه رسد برخیزد و صد بار استغفار کند و صد بار صلوات فرستد پس خواب کند
کیفیت خلاصی از ضیق معیشت بروی ظاهر شود و ابواب رزق بروی مفتوح گردد و اسباب روزی
بسهولت میسر گردد و هر که آیت قل من یرزقکم من السماء والارض را الی قوله تعالی تصرفون از سوره یونس
بر ورقی نویسد و آنرا در خرقه کبود پیچد و بر بازوی راست بندد اسباب رزق بروی آسان شود و ابواب
روزی گشاده گردد و هر که بر تلاوت آیه قل اللهم مالک الملک را الی قوله تعالی بغیر حساب مواظبت نماید که در
عقب هر نمازی از فرایض و نوافل و وقت خواب میخواند حق سبحانه رزق بروی گشاده گرداند و فقر و فاقه از
وی دور دارد و برکت در دست و مال وی پیدا شود و هرگز محتاج خلق نگردد در توسیع رزق
و ادای دین در کتاب در النظیم آورده که هر که خواهد که رزق بروی فراخ شود و خیر و برکت و جمعیت
زیاده گردد و باید که آیه قال الحواریون یا عیسی ابن مریم الی قوله تعالی خیر الرازقین را از سوره مائده بر انائی
که از چوب گز تراشیده باشند کتابت کند در اول ماه نیسان بقلمی که از شره ساخته باشند و آنرا با آب باران
کرده نوشته را بآن آب محو سازد و آن آب را در منازل و مواضع و مزارع خود رش کند و رش کردن آن آب در صباح

جمعه پیش از

جمعه پیش از طلوع آفتاب و اگر سه روز پیاپی هر بار و هر قطره‌ای از آن آب بپاشد خیر و برکت و رفاهیت
در خان مان و زرع و بستان وی پیدا شود و روزی وی گشاده گردد در خواص ابن تمیمی آورده که هر که
بر تلاوت آیة الکرسی الی قوله تعالی خالدون مداومت نماید در عقب هر نمازی خواه فرایض و خواه نوافل و در غیر اوقات
نماز نیز تلاوت بسیار کند روزی گشاده گردد و از جائی رزق بوی رسد که متوقع نبوده باشد و هر که بتلاوت و قرائت
آیه آمن الرسول تا آخر سوره مواظبت نماید قرض و دین وی بزودی مؤدا شود در نیل خیرات
و برکات در خواص ابن تمیمی آورده که هر که از اول سوره کهف الی قوله تعالی ابدا هر سر ماه بر آوانی پاکیزه نویسد
و نوشته را بآب باران محو سازد و آن آب بر دیوارهای سرای خود و بر زمینها و منازل خود که ممکن باشد
رش کند در آن منزل خیر و برکت بسیار شود و هر که آیه او کالذی مر علی قریة الی قوله تعالی قدیر را در
بقعه بر ورق آهو نویسد بسیاهی که از استادان خطاط گرفته باشد در ساعت پنجم از روز یکشنبه
پس آن نوشته را بر بخور دارد و در موم پیچد و در خرقه پاک دوخته در کوزه نو فخاری نهد و
در زیر زمین سرایا حمام یا باغ ویران شده دفن کند امور عجیبه مشاهده نماید در معموری آن بقعه
و در کتاب سر الآیات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد و گفت من میترسم از آنکه خانه من خراب شود
فرمود که این آیت را از سوره فاطر بسیار بخوان که ان الله یمسک السموات والارض الآیه
در وقایه اشجار و اثمار و زرع در کتاب در النظیم آورده که هر که خواهد که مزارع و حدایق
وی از آفات ارضی و سماوی ایمن و محروس ماند و دانه و میوه وی بدرجه کمال رسد و حق تعالی

خیر و برکت بران افزاید باید که طهارت کامل کند و روز پنجشنبه و جمعه روزه دارد و روز جمعه
بیرون اید و در چهار رکن باغ یا مزرعه در هر رکنی دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت اول بعد از حمد سوره
والتین خواند و در رکعت ثانیه بعد از حمد سوره فیل و لایلاف و میان این رکعات هشتگانه هیچ فاصله
در نیارد بعد از ان در وسط ان باغ یا مزرعه چهار رکعت نماز گذارد پس قلمی از چوب زیتون تراشد
و اگر نیابد از چوب سنجد و ایه یا ایها الناس اعبدوا ربکم را الی قوله تعالی تعلمون از سوره بقره بزعفران
و گلاب کتابت کند بر ورق سبز از درختی که در انموضع باشد و بعود خوشبوی بخور کند و در سر اب
که بباغ یا مزرعه میاید دفن کند چنانچه اب از بالای ان بگذرد و بهمین دستور دیگری کتابت کند
و در پایان اب انموضع دفن کند و بهمین قاعده دیگری بنویسد و در ادیم گرفته از بالای درختی که بلندتر
از همه اشجار انموضع باشد بیاویزد جمیع بلیات علوی و سفلی از انموضع دفع شود و هیچ اسیبی به انجا نرسد
در حصول برکت و ربح در مال تجارت و حفظ ان از افات در کتاب در النظیم اورده که هر که ایه ذلک
فضل الله یوتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم را از سوره جمعه نقش کند بر قطعه صدف در روز جمعه
پس ان را در میان مال و متاع خود نهد برکت در ان مال پیدا شود و از همه در سفر و حضر محفوظ باشد
در خواص ابن تمیمی اورده که اگر سوره را بتمام بر صدف نقش کند اثر و خاصیت وی زیاده باشد
و ابن تمیمی گوید هر که این ایت ان الذین یتلون کتاب الله را الی قوله تعالی شکور را از سوره فاطر بر
چهار رقعه که از سله نوساخته باشند بنویسد و ان رقعها را متفرق در میان مال تجارت نهد در ان سفر از ان

متاع شود بسیار

متاع شود بسیار حاصل کند و از نقصان و زیان سالم و ایمن بمانند

در دفع افات

سفر دریا و سلامتی از کسر و غرق در خواص ابن تمیمی اورده که هر که در روز جمعه بر لوح چوب ساج
نام سمره ایت فالق الاصباح را الی قوله یعلمون را از سوره انعام نقش کند و بر مقدم کشتی ببندد
و اگر بر موخر کشتی ببندد یعنی مثل ان لوح دیگر تعبیه کند اولی بود چون این عمل بجای ارد ان کشتی از زلزل
و شکستن و غرق شدن ایمن باشد و ایت بسم الله مجریها و مرسیها الی قوله لغفور رحیم از سوره هود نیز همین خاصیت
دارد و همین عمل باید کرد و در کتاب در النظیم اورده که چون در دریا باد مخالف برخیزد و امواج متلاطم
شود ایت قل من ینجیکم را الی قوله تعالی تشرکون از سوره انعام بر کاغذی نویسد و ان نوشته را در دریا
افکند فی الحال ان طوفان فرو نشیند و تباهی دریا بر طرف شود

در سلامتی کشتی و ایمنی وی

از غرق در کتاب در النظیم اورده که هر که سفر دریا اختیار کند و بر تلاوت ایه انی توکلت علی الله ربی
و ربکم الی قوله حفیظ از سوره هود مداومت نماید و دایم الاوقات بر قرائت ان مواظبت نماید از همه
اهوال بحر ایمن و مطمئن شود و بسلامت و عافیت بکنار اید و در کتاب ابن السنی از حضرت امام حسن علیه السلام
روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرمود که امان امت مرا از غرق شدن چون بر کشتی شوند انکه بگویند بسم الله
مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم ما قدروا الله حق قدره الایه و هر که ایت الم تر الی الفلک را الی قوله شکور را
از سوره لقمان نویسد بر هفت ورق و هر یک را از کشتی بجانب مشرق اندازد دریا از طوفان و طغیان فرو نشیند
و کشتی بسلامت ماند و ایت لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر چون در تسکین بادهای مختلف دهد

دریا و چه در خشکی و صحرا — در دفع آفات سفر خشکی در خواص ابن تیمی آورده که هر کس بر تلاوت
ان الله الذی خلق السموات والارض را الی قوله کفارا از سوره ابراهیم مواظبت نماید وصبح و شام بر قرائت
ان مداومت نماید در هر سفر که باشد چه دریا و چه خشکی از همه آفات سالم و محفوظ ماند و متعلقان و ستوران
وی ایمن باشند و سالم بمانند و مال و متاع وی از تصرف قطاع الطریق بسلامت ماند و هر که آیت ولئن سالتهم الی قوله
المنقلبون را از سوره زخرف بر حریر سفید نویسد و در طاقیه محفوظ در هیچ سفری گمراه نشود و اگر راه گم کرده باشد
چون آن طاقیه را بپوشد راه نیز یابد و هیچ مکروهی در آن سفر بوی نرسد — در دفع قاطعان طریق و ایمنی
اندر دزدان صحرا در کتاب سر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد و شکایت کرد از قطاع طریق و گفت مرا خوف
و هراس بسیار از این طایفه فرمود که بر تو باد بتلاوت این پنج آیت از سوره اعراف مداومت نمای قوله تعالی ان ولی الله
الذی نزل الکتاب الی قوله سمیع علیم در خواص ابن تیمی آورده که چون کسی بارض مسبعه برسد یعنی زمینی
که در آن درندگان بسیار میباشند مثل شیر و ببر و غیر آن باید که آیت انی توکلت علی الله را که در فصل هفتم گذشت
بسیار خواند تا بسلامت از آن منزل بگذرد و هیچ آفتی بوی و بستوران وی نرسد از ضرر سباع
در دفع سباع و حیوانات ذوات السموم در سفر در کتاب در النظیم آورده که حضرت مرتضی علی علیه السلم
از حضرت رسول صلعم روایت کرده هر که بسفر بیرون رود و با وی عصا بود از چوب بادام تلخ و این آیات را از سوره
قصص دائم تلاوت کند ولما توجه تلقاء مدین الی قوله وکیل حق تعالی ویرا از ضرر هر سبعی ایمن گرداند و از تعرض
هر موذی و آسیب هر گزنده از مار و کژدم و غیر آن محفوظ و مصون باشد تا وقتیکه بمنزل خود رجوع نماید و با وی

هفت فرشته

هفت فرشته از معقبات همراه باشند که برای وی استغفار کنند تا وقتیکه بوطن باز آید و در اثنا این
هیچ شیطانی را بر وی دست نیابد — در رجوع آبق و سارق یعنی بنده گریخته و دزد
خانگی در کتاب در النظیم آورده که هر که آیت ولو ارادوا الخروج الی قوله مع القاعدین از سوره
توبه بر وقت مد و بر آن جامه کتابت کند در اول ماه و بر گرد آن آیت نویسد که فلان بن
فلانه و در مکانی که هیچ دیده بر آن نیفتد بر زمین نهد و میخی از حدید بر وسط آن رقعه
مدور فرو کوبد و روی آن بخاک پاک پوشد آن بنده گریخته و آن دزد سرگشته بی اختیار باز آید
و چون کسی است ولکل وجهة هو مولیها الی قوله تعالی قدیر از سوره بقره بر رقعه مدوره که از
گریبان جامه نو گرفته باشند بنویسد و اسم بنده گریخته را بر آن رقم زند و در آن موضع که بنده از آنجا
گریخته آن رقعه را بمیخ آهنین بر زمین دوزد و روی آن بپوشد عنقریب آن گریخته باز آید
و در کتاب سر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس رض آمد که غلام من گریخته است اکنون چه چاره کنم فرمود
بر تلاوت این آیه او کظلمات فی بحر لجی الی قوله من نور از سوره نور مواظبت کن و بعضی این آیه را
بر رقعه مدور بصورت دایره کتابت کنند و نام آبق را در وسط آن نویسند و بدستور عمل سابق کنند
همان خاصیت مترتب شود — هم در حیرت و سرگشتگی آبق و سارق و رجوع ایشان در کتاب
در النظیم آورده که هر که آیت قل اندعوا من دون الله را الی قوله رب العالمین از سوره انعام
بر قطعه از پوست مشک آب نویسد بعد از آن به پرکار دایره بر آن پوست رسم کند و باید که

ایت در وسط دایره بالا [ثلث] نوشته شود و در بعضی نسخها اورده که ایات مذکوره را بر پوست کدوی
خشك نویسد پس انرا از خانه بیرون ارد چنانچه هیچ ادمی را چشم بروی نیفتد و بر خارج ان
دایره نام کریحیه و مادرش بنویسد و در موضعی که قدم مردم بر انجا نمیرسد و ممر نیست دفن کند
انکس یحیه متحیر و سرکردان شده بی اختیار و بی طاقت مراجعت نماید   در دفع امراض
دماغی و اعراض بدنی و حفظ حامل و تسهیل ولادت و تعویذ اطفال مشتمل بر دوازده فصل
در تقویت قوة حافظه و دفع نسیان و وسوسه   در دفع صداع و تسکین اوجاع
در دفع امراض عین و ازالة رمد و وجع ان   در دفع امراض و اوجاع دست و پا
و پهلو و سایر اعضا   در دفع وجع معده و جگر و دل و سپرز و خفقان و سایر امراض درونی
در دفع حمیات و تخفیف اثقال   در دفع قروح و دمامیل و قوبا و لقوه و قولنج و
بواسیر   در بار کرفتن زنان عقیم   در حمل زنان و حفظ جنین در بطن ایشان
در تسهیل ولادت و ازالة عسرت زادن   در حفظ حامله و مولود و قلت بکا
و فزع و کثرت شیر مرضعه   در تعویذ اطفال از مرض ام الصبیان و شیاطین و جن و انس
در تقویت قوت حافظه و دفع نسیان و وسوسه در کتاب درر النظیم اورده که هر که ایت
هو الذی انزل علیك الکتاب الی قوله لا یخلف المیعاد از سوره ال عمران در ساعت ششم از روز جمعه بر صحنه مس
که نو باشد کتابت کند و بگلاب و زعفران و برابی که از جوی بزرك جاری کرفته باشند نوشته را محو سازد

و بر ناشتا هفته صباح

و بر ناشتا هفت صباح جمعه پیش از طلوع افتاب بیاشامد و در ان روز چیزی نخورد و نیاشامد
که در ان شبهه بود و از خوردن حیوانات در ان روز اجتناب نماید چون شرایط و اعمال بجای اورده باشد
حق تعالی بر قوت حافظه وی بیفزاید و حدت فهم و جودت ذهن و فطنت روزی کرداند و از سلمان
فارسی رضی الله عنه روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرموده که هر که ایة الکرسی را هفت بار
بزعفران بر کف دست راست خود بنویسد و هفت بار بزبان از انجا بلیسد هرکز هیچ چیز را فراموش نکند و ملئکه
برای وی استغفار کنند و هر که ایت و اما ینزغنك من الشیطان نزغ الی قوله فاذا هم مبصرون را
از سوره   در روز جمعه بگلاب و زعفران وقت طلوع افتاب کتابت کند بر هفت ورق و هر
روز یك ورق را ابتلاع کند و درست فرو برد و بر بالای هر ورق که فرو برد یك شربت اب بیاشامد
بعد از اتمام اسبوع حسبنا و وسوسه و فزع و حدیث النفس و خیالات فاسد را از دماغ وی زایل کرداند و هر
خوفی و هراسی که باشد بتمام از دل وی بیرون رود   در دفع صداع و تسکین اوجاع
در کتاب درر النظیم اورده که صاحب کتاب شفاء الصدور و الابدان فی سر منافع القران در علاج
صداع و تسکین ضربان او چنین کفته است که هر که ایت [روایة فی سورة الفرقان] الم تر الی ربك کیف مد الظل و لو شاء لجعله
ساکنا و ایة و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم از سوره انعام بر رقعه کتابت کند و در زیل ان
رقعه بنویسد که ایها الملك صرقیائیل و انت یا صرقیائیل بخشیة الله علی الضربان و الشقیقة
والحمد اج ح خ ط ل ك م ر ع س ص و ی اسکنوهم من راس ذکرت علیه بحق هذه الاسماء

الله الشافی الله المعافی الله الکافی فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم پس این نوشته را بر پیشانی ببندد و هفت بار ایهٔ لو انزلنا هذا القران را تا اخر سورهٔ حشر بروی
خواند درد سر و ترک زدن وی تسکین یابد باذن الله تعالی و اینعمل بتجربت رسیده و بتجربه پیوسته و خاتمهٔ
سورهٔ حشر از لو انزلنا هذا القران تا اخر مسکن همه اوجاع و ضربان است که در اعضا حادث گردد چون
ان ایات را بوضوء کامل بر عضو دردمند خوانند شفا یابد در دفع امراض عین و ازالهٔ
رمد و وجع اذن در کتاب درر النظیم اورده که هر که بگیرد از سرمهٔ سپاهانی جزوی و از صبر و مرجان
و زعفران و مامیران و زبد البحر و سعد نصف جزوی و بگیرد از اب باران اول خریف یا اب جوی بزرك
یا اب چشمهٔ شیرین روز پنجشنبه از ماه کانون اول قبل از طلوع افتاب و در بعضی نسخ کانون ثانی بیست پس هر
ملا از ادویهٔ مذکوره را علیحده صلایه کند با اب باران کانون اول یا ثانی و خشك کند پس امر قال الله لقد
اثرك الله علینا الی قوله اجمعین از سورهٔ یوسف بر جام زجاج بزعفران بنویسد و نوشته را باب باران
کانون ثانی محو سازد و ان ادویهٔ مسحوقه را بتمام با ان اب مذکوره صلایه کند و خشك سازد بعد ازان برای
رفع رمد و سبل و دمعه و بیاض عین و جمیع امراض که در اجفان و طبقات عین حادث گردد بدیع الکحال
نماید شفا یابد باذن الله تعالی و هر که ایهٔ قل من یرزقکم من السماء را الی قوله سیقول از سورهٔ
[?] باب کند تا کتابت کند بر پیاله که از نقره ساخته باشند و بر اب عسل که از موم جدا کرده باشند محو سازد پس معمولا
بر اتش نهند تا جوشی بر ارد و در گوش دردمند قطور کند وجع او زایل شود در دفع امراض

[illegible]

واوجاع دست و پا و پهلو و سایر اعضا در کتاب درر النظیم اورده که هر که ایات و ما لنا ان لا نتوکل
از سورهٔ ابراهیم کتابت کند بشرایط و از هر دو بازو بپا و ببرد حق تعالی زایل کند و اگر
و اگر ایت و اذا مس الانسان الضر دعانا الی قوله یعملون از سورهٔ یونس بر ظرف سفالین بنویسد بسیاهی و انرا
پر از روغن زیت کند و اگر نیابد روغن کنجد و بان روغن همان نوشته را محو سازد پس بر اتش نرم جوشی
دهد انگاه بان روغن پایهای دردمند را چرب کند شفا یابد و بر هر عضو دردمند که بمالد شفا یابد
و الم از ان عضو زایل شود و اگر درد پهلو و ذات الجنب عارض شده باشد بمالیدن این روغن فایده تمام حاصل
شود و اگر ایت و ان یمسسك الله بضر الی قوله الخبیر از سورهٔ انعام بر کاغذی بنویسد وقت سحر و از کسی بیاویزد نزد
که درد پهلو و درد دست دارد نفع کلی مترتب شود و اگر همی و غمی داشته باشد زایل گردد در دفع
وجع معده و جگر و دل و سپرز و خفقان و سایر امراض درونی در کتاب سر الایات اورده که مردی نزد ابن عباس
امد و از درد شکم بنالید و شکایت کرد فرمود که ایة الکرسی را بنویس بگلاب و زعفران و نوشته را باب شیرین
محو کن و بیاشام اعرابی این عمل را بجا اورد و از درد شکم خلاصی یافت و در کتاب درر النظیم اورده که هر که ایات قل
اننی هدانی ربی الی اخر سورهٔ انعام بر کاسه بنویسد که از چوب گز تراشیده باشند و نوشته را باب شیرین محو سازد
و بیاشامد از همه دردهای درونی مثل درد معده و جگر و دل و سپرز و غیران خلاص یابد و هم در این کتاب و خواص
ابن تیمی اورده که هر که ایت افغیر دین الله را الی قوله الخاسرین از سورهٔ ال عمران بر سفال نو ناب رسیده
بنویسد و انرا در میان اب پاك افکند که از باران گرفته باشند یا از چاهی که اب شیرین دارد و افتاب بران نمی تابد

پس از آن آب بیاشامد خفقان و ترس از دل وی زایل شود — در دفع حمیات و تخفیف اثقال

در کتاب درر النظیم آورده که ابو حاتم رازی گوید که بمسجد ابی الیمان حکم بن النافع الصنعانی شیخ بخارا
در آمدم مرا تب گرفت در آن اثنا ابو الیمان بیرون آمد و مرا بدین حال دید پرسید که این چیست
و چه حال دارد نام من بردند و گفتند تب کرده است آمد بر سر من گفت چه قصد داری گفتم یا امام الکمال تب
کرده ام گفت مگر خبر نداری از طلسم تب گفتم نمیدانم پس وی بر ورقی نوشت این صورت را و در زیر سر من نهاد
و بر خواست و برفت فی الحال تب از من زایل شد
پس من آن نوشته را بر داشتم و اسود بروی نوشته
دیدم بعد از ساعتی ابو الیمان پیش من آمد و گفت چه
حال داری گفتم در کمال صحت و عافیتم پس گفت این
نوشته را نگاه دار و مردمان را بیاموز که نافع

بسم
لا حول
ولا قوة
الا بالله العلی العظیم
حسب
الوکیل
ونعم

خواهد بود و هر که آیه الآن خفف الله عنکم را الی قوله مع الصابرین از سوره انفال در عقب هر نماز هفت
روز تلاوت کند و افتتاح از عصر روز جمعه کند تا وقت نماز جمعه دیگر و در وقت فراغت از اشتغال نیز
بدان قرائت مداومت نماید حق تعالی تب وی را زایل کند و از هر چه گران بار است سبک بار گرداند و از حجة
الاسلام ابو حامد الغزالی رحمه الله نقل کرده که حسن بصری رضی برای بستن تب چهار رقعه مینوشت و آنرا
بر محموم می بست و تب زایل میشد پس چون وی وفات یافت بران رقعه نوشته دیدند که بسم الله الرحمن الرحیم

یرید الله ان یخفف

یرید الله ان یخفف عنکم وخلق الانسان ضعیفا الآن خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا ربنا اکشف
عنا العذاب انا مؤمنون وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله
در دفع قروح و دمامیل و جرب و القوبا و قولنج و بواسیر در کتاب درر النظیم آورده که هر که
آیت ویسئلونک عن الجبال را الی قوله امتا از سوره طه کتابت کند بر اناء پاک بمداد فارسی و نوشته را
بروغن بنفشه محو کند و بر عضوی مالد که جراحت و دمل داشته باشد زایل شود و هر چه بر ظاهر بدن عارض شود
از جراحات و بثرات بدن این روغن موجب ازاله آن گردد و هر که آیت فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت
از سوره بقره را بر قوبا که بپارسی گر بون گویند کتابت کند زایل گردد و هر که آیت قد نری تقلب وجهک
فی السماء را الی تعملون از سوره بقره بر طشت سفید روی که از آب تنک چون آینه جلا داده باشند
بوجهی که در حین نگاه کردن بروی عکس صورت دهد و این عمل سه روز بپایی بجا آورد امراض بتمام زایل
شود و اگر از آن آب صاحب قولنج بیاشامد و بر بدن وی نیز بریزند قبض وی بر طرف شود و هر که آیت
و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت را الی قوله العلیم از سوره بقره کتابت کند بر سنگ ملوح بزعفران و گلاب
و نوشته را بر آب انگور سیاه که تازه گرفته باشند محو کند و اندکی از کهربا و کافور و شکر بان امیزد
و بیاشامد بواسیر را الغایت نافع بود — در باد گرفتن زنان عقیم در کتاب درر النظیم آورده
که هر که خواهد که زوجه وی بزاید باید که زوج و زوجه هر دو روز جمعه را روزه دارند و چون نماز شام
بگذارند بشکر و بادام افطار کنند و اصلا آب نیاشامند و آیت و انی خفت الموالی را الی قوله کهیعص از سوره

[illegible]

داد ... صحیح

مریم بر جام زجاجی نویسد بعسل صاف که اتش ندیده باشد و نوشته را باب شیرین محو سازند و یکرد از نخود
سفید بالیده ۲۲۴ عدد و بر هر نخودی یکبار این ایات را هردو بخوانند و نفث کنند پس انمعمول
را در دیگ نخودها را در ان اندازند و بسیار بجوشانند پس هردو برخیزند و نماز خفتن بگذارند
بعد از ان سورهٔ مریم را هردو تلاوت کنند پس اب نخود را صاف سازند و قدری اب انگور تازه جوش
داده بان اضافه کنند و نصف از ان اب را مرد بیاشامد و نصفی زن و ساعتی خواب کنند بعد از ان
مباشرت نمایند البته زن حامله شود و اگر این عمل در سه شب پی در پی واقع شود ابلغ و ادخل باشد در حصول
فرزند باذن الله تعالی   در حمل زنان و حفظ جنین در بطن ایشان در کتاب درر النظیم
اورده که هر که ایت و لقد خلقنا الانسان من سلالة الی قوله تعالی احسن الخالقین را از سورهٔ مومنون
بر هفت برگ ریحان نویسد پس بفرماید زن را که یک یک از ان برگها را ابتلاع نماید و درست
فرو برد نه انکه کسری بان راه یابد و بر بالای هر برگ که فرو برد یکی عدد از مشک را و زرد بیاشامد و سه روز
استعمال بجای ارد بعد از مباشرت البته بار گیرد و ان جنین در بطن وی محفوظ ماند تا وقتیکه بسلامت
با بیرون نهد هر که خواهد بچه در شکم حامله محفوظ ماند باید که ایت والتی احصنت فرجها الی قوله و اجعلنا
را از سورهٔ انبیا بنویسد بر ابطش و چون زن حامله شود بر وی ببندد تا مدت چهل روز بعد از ان نوشته را
از وی جدا کند و چون یکماه بوضع حمل ماند باز انمکتوب را بر وی ببندد تا وقتیکه فرزند متولد شود بعد از ان
ان نوشته را از گردن مولود بیاویزد تا محفوظ ماند   در تسهیل ولادت و ازالهٔ عسرت زادن در کتاب

درر النظیم اورده که هر که ایت قل من یرزقکم فی السماء والارض الی قوله تعالی تتقون را از سورهٔ یونس کتابت
کند بر پوست کدوی شیرین بسیاهی و بر بازوی راست زن حامله ببندد و هر که اثار وضع حمل ظاهر شود
بر وی باز نهند و بسهولت خلاص شود و چون دشوار شود بر زنی زاییدن باید که ایت اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض الی قوله تعالی افلا یومنون را از سورهٔ انبیا بنویسد و از عقب ان کتابت کند که مریم
ولدت عیسی سهل الله بعد عسر یسر اللهم کما فتقت الارض بالنبات والسماء بالمطر فکذلک یسر لفلانة بنت
فلانة الوضع فلینظر الانسان الی طعامه انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا و ان نوشته را بر وی
ببندند که بسهولت و سرعت بار نهند و هم صاحب درر النظیم اورده که بعضی از فضلا امر کردند که ایت اولم یر الذین
کفروا الی قوله تعالی افلا یومنون از سورهٔ انبیا در ان محل مکرر باید خواند و بر شکم حامله نفث باید
کرد تا مولود بر ناف وی یا بر ظهر وی و این مجربست و بصحت رسیده   در حفظ حامله و مولود
و قلت بکاء و فزع وی و کثرت شیر مرضعه در کتاب درر النظیم اورده که هر که ایه اذ قالت امرات عمران
الی قوله تعالی بغیر حساب از سورهٔ ال عمران کتابت کند بر ورق اهو بره بگلاب و زعفران و از گردن حامله
بر جانب راست بیاویزد تا وقت ولادت از جمیع افات و سقوط ان جنین محفوظ باشد و اگر بمشک و زعفران کتابت
کند و در ماشوره مسین یا اهنین نهند و از گردن مولود بیاویزد حرزی عظیم بود و یرا از گریه کردن
و بیخوابی و ترسیدن در خواب و بیداری و ماندن شیری که ماما شاید میسر شود و اگر شیر مرضعه اندک بود
بسیار کرده و طفل از خوردن ان سیر شود و نشو و نما تمام کرد و پرورش او مبارک و حسن باشد و هر که این

والذی احسن کل شیء خلقه را الی قوله تعالی تشکرون را از سوره سجده بر جام زجاج نویسد و باب باران
محو کند و آنرا دو قسمت نماید یک قسم را بطعامی آمیزد که بخورد وی دهد و قسمی دیگر بجای شربت بوی دهد
هر صباح و تا هفت روز اسیغمل بجای آورد لیکن در پنج بعد از آنکه مدت هفتاد روز از ولادت وی گذشته باشد
و چون اسیغمل را بجای آورد هم در خلق و هم در خُلق وی شادات تمام ببیند و بزودی نشو و نما کند
در تعویذ اطفال از شر شیاطین جن و انس در کتاب دره النظیم آورده که هر که آیت و اذا قرأت القرآن الی
قوله تعالی نفورا را از سوره بنی اسرائیل بر خرقه صوف کبود نویسد یا بر کاغذی بآب زنگ و بر بازوی
راست طفل بندد یا غیر طفل از شر دیوان و جنیان و غیلان در ضمان امان باشد و هیچ آفت و آسیبی بوی
نرسد باذن الله تعالی   در اعمال غریبه و امور عجیبه از اطلاع بر مخفیات و تسخیر جنیان
مشتمل بر دوازده فصل   در نیل مکاشفات بمدد ارواح علویات   در تحصیل علوم غریبه
و حکم مجهوله   در تحصیل علم اکسیر و سایر علوم عجیبه   در اطلاع بر کنوز و دفاین
و اخراج خبایا و خزاین   در اخراج دُرر و لالی از دریا و صید دواب بحری
در اطلاع بر امور خفیه و احوال مخفیه   هم در وقوف یافتن بر مخفیات
در احضار ارواح جن   هم در تسخیر بعض جنیان   در احضار اقوای جن و رؤسا
ایشان   در تسخیر مرده جن و عصاة ایشان   در احضار ملوک و سلاطین جن
در نیل مکاشفات بمدد ارواح علویات در کتاب دره النظیم آورده که هر که خواهد مکشوف شود بر وی آنچه

بر اکثر خلق پوشیده است و جن و انس مطیع و فرمان بردار وی شوند باید اول که طهارت کامل بجای آرد و اول
روز از ماهی که غره آن پنجشنبه باشد روزه گیرد و افطار بسبزی و نان و شکر کند و شب بر طهارت و ذکر بخواند و بعد از
نیمشب برخیزد و طهارت کامل سازد و بعد از نماز تهجد متوجه قبله نشیند و آیت و اذ قال ربک للملائکة انی
جاعل فی الارض خلیفه را الی قوله تعالی الحکیم از سوره بقره تلاوت کند چندین بار بعد از آنکه بگوید ایتها
الارواح الطاهرة الواصلة التقدیس والموکلون بهذه الآیات المطیعون بسرها المودع فیها اجیبوا
لدعوتی لسرها وافیضوا الانوار علی حتی انطق بما خفی واخبر بالکائن صادقا وامیلوا الی وجوه بنی
ادم وبنات حوا واملأوا قلوبهم رغبا ورهبا بعد از آن آیات مذکوره را بر جام زجاجی بمشک و گلاب
و زعفران بنویسد و نوشته را بآب باران محو کند و بیاشامد و خوابکند و اسیغمل را هر روز تا هفت
بجای آورد و در شب پنجشنبه هفتم آیات مذکوره را املا و تکرار کند هفتاد بار و کلمات دعوت را چهل بار و اسیغمل
در منزل خالی بجای آورد و بعنبر بخور کند با رعایت شرایط خلوتی تا مقصود حاصل شود   در تحصیل
علوم غریبه و حکم مجهوله در کتاب دره النظیم آورده که هر که خواهد که علوم غریبه و حکمتهای مجهوله بروی
ظاهر گردد و دل وی بثبوت حق و یقین و فهم معانی خفیه متصف گردد باید که سه روز روزه گیرد که اول
آن پنجشنبه باشد و غره ماه باشد و آیه و لقد وصلنا لهم القول الی قوله تعالی الجاهلین را از سوره قصص بر جام زجاجی
نویسد و بآب نهر جاری محو کند و هر صباح پیش از طلوع آفتاب از آن بیاشامد تا مقصود بحصول پیوندد
در تحصیل علم اکسیر و سایر علوم عجیبه صاحب دره النظیم آورده که هر که اراده کند

که واصل شود تعلم کیمیا یا بر علومی که بر اکثر خلق پوشیده است باید که طهارت کامل سازد و لباس پاک در پوشد

و چهل روز پیوسته روزه کیرد و ابتدا از روز جمعه کند و هر شب از وجه حلال روزه کشاید و چون

وقت خواب اید هفت بار سورة و الشمس و هفت بار و الضحی و هفت بار الم نشرح و هفت بار ایة

قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب و در بعضی نسخها امده که بعد از و الشمس هفت بار و اللیل

نیز بخواند بعد از ان بکوید اللهم انی اسئلک بقدرتک علی کل شیء و تسخیرک لکل شیء یا احد

یا صمد یا وتر یا حی یا قیوم ان تصلی علی سیدنا محمد و ال محمد و ان تیسر لی علم الذی سترته عن کثیر من خلقک

و اکرمت به کثیرا من عبادک و تغنینی به عمن سواک فانک مالک الملک و بیدک مقالید السموات

و الارض و انک علی کل شیء قدیر و چون عمل بجای اورد حق تعالی شخصی را مسخر وی کرداند که انچه مطلب

وی در بیداری یا در خواب وی را بان راه نماید در اطلاع بر کنوز و خزاین و اخراج خبایا و دفاین

صاحب کتاب در النظیر اورده که هر که خواهد که بر خزینه و دفینه وقوف یابد باید که ایة قل اللهم مالک الملک

الی قوله تعالی بغیر حساب کتابت کند بر اناء پاک که از زر خالص بود بمشک و کلاب و زعفران پس انرا باب هلیله

زرد یا سبز و اب بادیان سبز محو کند بعد از ان بکیرد زهرهٔ مرغ سیاه و زهرهٔ بط سیاه و پیه شغال سیاه و سرمهٔ

و سرمه را بان معمول تلیغ نماید تا وقتیکه نرم شود مثل کحل و ان سحق و صلایه در شب کند تا افتاب اصلا بر ان

نتابد پس چون ان کحل مهیا شود در سرمه دان ابکینه سبز کند و بعضی کویند در سرمه دان ابنوس و میل هم

هم از چوب ابنوس پس روز پنجشنبه روزه کیرد و چون شب جمعه بنشیند چیزی بخورد و بعد از نماز تهجد هفتاد بار صلوات

فرستد و ایات مذکوره را هفتاد بار قرائت کند و بعد از ان هفتاد بار استغفار کند و هفتاد بار دیکر صلوات

فرستد پس در هر چشمی از ان سرمه معمول سه میل کند و ابتدا از چشم راست کند و در هفت پنجشنبه اسمعیل بجای

ارد که روزه دارد و سرمه را چنانچه مذکور شد بتقدیم رساند بعد از اتمام عمل شخصی از اشخاص روحانی ظاهر

شود در شب و بوی خطاب کند از انچه مقصود اوست اعلام نماید و هر که خروس ابیض افرق یعنی سفید خول

دار و ایه و انه لتنزیل من رب العالمین الی قوله مبین از سورهٔ شعرا و قتیکه قمر زاید النور باشد کتابت کند

بر ابریشم و بر بخور لایق داشته به سجد و در میان خرقه پاک نهد که از جامه دختر بکر غیر بالغ کرفته باشد پس ان

طومار را بسوزن فولاد در ان خرقه دوزد و بر بال ان خروس سفید بندد و در ان مکانی که کمان دفینه دارد

سر دهد در وقت زوال افتاب از روز یکشنبه خروس بهر موضع که دفینه باشد رود و بمنقار و چنکال ان

زمین را کندن کیرد و بهمین طریقه معمول سحر را پیدا توان کرد و هم صاحب در النظیر اورده که من بعض

فضلا شنیده ام که از برای اظهار دفاین این ایة را نویسند که فاخرجناهم من جنات و عیون و کنوز و مقام

کریم و هم وی فرموده که هر که ایة و اذ قتلتم نفسا الی قوله تعالی تعقلون از سورهٔ بقره کتابت کند در بطن

و ازکردن خروس سفید بیاویزد و انجا که کمان دفینه دارد سر دهد ان خروس موضع دفینه را پیدا کند

باذن الله تعالی و علامت صحت این عمل ان بود که روز دوم ان خروس بمیرد و در خواص ابن تیمی اورده که هر که

ایة ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها الی قوله تعالی بصیرا از سوره نسا در قدح زجاج نویسند

و انرا باب باران بشوید و در ان موضع که کمان دفینه دارد رش کند حق تعالی بوجهی از وجوه انرا دفینه را بروی

ظاهر کرداند — در اخراج در و لالی از دریا و صید دواب بحری صاحب در النظیم اورده
که هر که خواهد باید از صدف درست لوحی سازد و پشت و روی ان را جلا دهد و بر یکروی ان بقلم بولاد
ایه و سخر لکم الی قوله تعالی تهتدون را از سوره نحل نقش کند و بر روی دیکر صورت ماهی بکشد و بر اطراف
و جوانب ان صورت پنج حیوان دریائی نقش کند و اینعمل در دوازدهم تشرین ثانی بجا اورد و اکر در انوقت
قمر در سرطان یا حوت بود بغایت مناسبست پس هر شب انلوح را بر بالای بلندی برد و سر پایه نصب
کرده انرا تنجیم نماید تا شعاع کواکب و سیارات بران تابد و هر شب این ایات مذکوره را هفتاد بار بران
لوح خواند و اینعمل دوازده شب متصل بجای ارد و بعد از اتمام عمل ان لوح را در خرقه مخروطی که از اسنجاب دل
ماهی ساخته باشند محفوظ کند و چون خواهد که بعمل مشغول شود انلوح را بر رشته ابریشمین بسته با شبکه صیادان
پیوند کند و انچه میخواهد از جنس در و مروارید و مرجان یا ماهی و سایر صیدهای بحری وقتیکه شبکه را
در دریا فرو میکذارد نام ان چیز برد هر چه مطلوب و مقصود وی بود بران لوح چسبد با شبکه از دریا برا
واکر در موضعی این عمل کند که صدف مروارید باشد احتیاج بغواص نیست و نخواهد بود بلکه صدفها پر در و کوهر
بران لوح چسبیده بیرون خواهد امد باذن الله تعالی و این از اعمال عجیبه غریبه است صاحب در النظیم فرموده که این
سری عظیم است که اخفای ان لازم است و افشای ان بجهال مذموم و وصیت اکابر انست که در ستر اینعمل سعی
بلیغ نمایند و این راز را بهیچ نااهلی اظهار نفرمایند — در اطلاع بر امور خفیه و احوال مخفیه
در خواص این قسمی اورده که چون کسی خواهد که مطلع شود بر مخفیات و احوال پوشیده خلق مثل خبر یافتن

مجاور از حال

مجاور از حال مسافر و خبر یافتن مسافر از اهل و عیال خود و دانستن حال مریض که عاقبت وی صحت است
یا موت و وقوف بر انکه حامله پسر زاید یا دختر و اطلاع بر دفینه و انچه بدینها ماند باید که ایت یا بنی انها ان تک
مثقال حبة را الی قوله لطیف خبیر از سوره لقمان بنویسد با شرایطش و در زیر بالین نهد اول شب جمعه از ماه شعبان
بعد از ادای نماز خفتن و در حین عمل و در وقت خواب کردن باید که متصل بکوید سبحان من لا یخفی علیه خافیة
سبحان الذی ظهرت قدرته سبحان الذی مفاتیح القلوب بیده و الاهواء پس هر کاه چون بخواب رود کسی خبر را
دهد از انچه مقصود اوست — هم در وقوف یافتن بر مخفیات صاحب در النظیم اورده که هر که خواهد
در خواب اطلاع یابد بر انچه در شکم حامله است ایا بود دفینه که در این زمین پنهانست ایا بر حال غایبی که بسفر رفته است
یا بر حال مریضی که بیماری وی صعب است و امثال اینها باید که طهارت کامل کند و جامه پاک معطر پوشد و روز دو شنبه
روزه دارد و چون شب سه شنبه شود با طهارت خواب کند و چون صباح شود یوم سه شنبه پیش از طلوع افتاب ایه الله یعلم ما تحمل
کل انثی الی قوله تعالی الکبیر المتعال را از سوره رعد بر خرقه سبز بزعفران و کلاب کتابت کند پس ان خرقه را بعود
و عنبر دود دهد پس در خرقه نهد و ان را بپوشد بر وجهی که هیچکس نداند و چشم بران نیفتد و افتاب و ماه بران
نتابد و چون شب چهارشنبه شود بعد از ادای نماز خفتن بخوابکاه رود و ان خرقه را در زیر بالین نهد و بکوید
یا عالم الخفیات فی الامور یا من هو علی کل شیء قدیر اطلعنی علی کل ما ارید انک علی کل شیء قدیر پس بذکر حق تعالی
خود را مشغول کند چنانچه هم در اثنای ذکر بخواب رود کسی در خواب وی اید و وی را اخبار از انچه مقصود اوست
پس اکر در انشب انکس ننماید باید که روز پنجشنبه اینعمل کند یعنی روزه کیرد و شب جمعه عمل را بجای ارد لا محاله

ان مجرا اید وو برا خبر کنند از انچه مراد او ست واکاه کرداند در احضار ارواح جن در خواص ابن تمیمی
اورده که هر که خواهد بعضی جنیان را بزودی هرچه تمامتر حاضر کرداند و برایشان امر و نهی کند و ایشان
اطاعت و فرمانبرداری نمایند کنند باید که این ایه واذ صرفنا الیک الی قوله مبین را از سوره احقاف چند بار تلاوت کند
بشرایطی که تعیین کرده اند و بخور لایق بکار برد در اسرع اوقات جنیان حاضر شوند و هرچه امر کند قیام
نمایند و این ایه مذکوره از برای سرعت اجابت جن واحضار ایشان مقرر است و بعد از عزایم این ایه را بسیار
خواندن مدد عظیم است در احضار جن در تسخیر بعض جنیان در خواص ابن تمیمی اورده که چون کسی خواهد
که حاضر کند بعض از قبایل جن را باید که چندین بار ایه واذ صرفنا الیک را که در فصل گذشته بخواند با
شرایطی که مقرر است انگاه سوگند دهد بران دیو بر ابن عباد که ایت یا فلان بن فلان اقسم علیک باقسام الخالق
قمرت والفداء واکبر و بایاند تذل وتقهر احضر والا انت بما تلقاه البصر بعد از ان این ایه بخوانند
ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون الی قوله محضرون از سوره یس و چون استعمال شرایط نطق
وجود گیرد در اسرع اوقات یکی از جنیان حاضر شود و بطریق نیازمندی پیش اید و بر اوامر و نواهی عامل قیام
نماید در احضار اقویاء جن و روسا ایشان در کتاب در النظیم اورده که چون یکی از
اعاظم قبایل جن تمرد نماید و سرکشی اغاز کند و نخواهد که فرمان تو برد باید که بروی سوگند دهی بهمان عنوان
که در فصل سابق گذشت وایت قالت یا ایها الملا انی القی الی کتاب کریم الی قوله مسلمین از سوره نمل و نساد
تلاوت کنی با شرایطش و بخور لایق بسوزانی تا از روی سرعت و تعجیل پیش تو حاضر شوند و مطیع امر تو گردند

فصل چهارم ...

در تسخیر مرده جن و عصاه ایشان در خواص ابن تمیمی اورده که چون کسی خواهد که یکی
از متکبران و سرکشان طبقه جن را مقهور گرداند و مسخر خود سازد تا ویرا در امری که اراده کند ممد
و معاون باشد باید که از منزل خود بیرون اید در دل شب و جای خالی پیدا کند و ایه ویل لکل افاک
اثیم را الی قوله عظیم از سوره جاثیه چند بار تلاوت کند با شرایطی که معین شده و در اثنا بخور
لایق بکار برد بعد از ان ویرا خاطب ساخته سوگند دهد بهمان صیغه که در فصل نهم گذشت بعد از
اتمام عمل یکی از مرده شیاطین و طاغیان و باغیان ایشان ظاهر شود و تواضع و تملق بسیار بجای ارد
و مطیع و منقاد امر عامل شود تا هرچه اشارت نماید فی الحال و توقف در ان شروع کند و از پیش برد
و همیشه منام باشد در احضار ملوک و سلاطین جن در کتاب در النظیم اورده و خواص ابن
تمیمی که هر که خواهد که یکی از اعاظم سلاطین واکابر ملوک جن را حاضر گرداند باید که اول بخور کند لبان
و سندروس و کندر و بعضی دیگر اورده که عود و چیزی دیگر که در بخورات عزایم و کتب اهل تسخیر مقرر کرده اند
و ایت اول از سوره والصافات الی قوله شهاب ثاقب چندین بار تلاوت کند بشرایطی که در مقاله اول مقرر شده
بعد از ان بگوید احضر یا فلان و نام ان ملک ببرد و اسماء ملوک جن در کتب اهل تسخیر مثل شامل سکاکی
و شامل طبسی و غیر ان مذکور است بعد از اتمام عمل یکی از ملوک جن حاضر شود باذن الله تعالی در تحصیل جاه
و دولت و تیسیر حاجات و قبول نزد سلاطین ایام وایمنی و خلاصی از غضب و حبس حکام و سلامتی از جمیع افات
و تسخیر نفوس جن و انس و سایر حیوانات مشتمل دوازده فصل فصل اول در حصول دولت و سعادت و عزت

خلایق **فصل دوم** در تیسیر حاجات ودوام عز واقبال **فصل سوم** در قبول مهابت وقضاء حاجت نزد سلاطین

فصل چهارم در حصول هیبت ومهابت در نظر جمیع خلایق **فصل پنجم** در اطفاء نایره غضب سلاطین وحکام

فصل ششم در ایمنی از شر پادشاه جابر وحاکم ظالم **فصل هفتم** در خلاصی محبوس ورهائی اسیر از قید ظلمه

فصل هشتم در نصب معزول ومطیع کردن دشمن **فصل نهم** در خلاصی از مهالک وایمنی از چشم زخم

وحیله مکروهات **فصل دهم** در ایمنی از آفات دین ودنیا از حوادث لیل ونهار **فصل یازدهم** در دفع آفات

از خان مان وایمنی از تهمت وبهتان **فصل دوازدهم** در تسخیر آدمیان وصید مرغان وماهیان وایجاد محبت وقبول

در قلوب

در حصول دولت وسعادت وعزت در نزد خلایق در کتاب درة النظیم آورده که هر که

وقت نماز جمعه سوره قمر را کتابت کند ودر زیر عمامه خود بر طاقیه ببندد نزد مردمان عزت وجاه پیدا کند وبیفزاید وبر وی امور صعب آسان گردد ودولت وسعادت روی بوی آرد وهر که خواهد ویرا در میان قوم ترویج تمام پیدا شود باید که سوره طه را کتابت کند وآنرا در خرقه بپیچید با خود نگاهدارد تا بر مقصود فایز گردد ودر خواص ابن تیمی آورده که هر که سوره والشمس را بر خرقه حریر زرد پاک نویسد پس بعود وعنبر بخور کند وآن نوشته را به بخور داده در هم بپیچد ودر زیر نگین عقیق نهد وآن انگشتری دایم در انگشت کند در نظر مردم وجیه وعزیز گردد وجاه وحرمت وی بیفزاید وقبول تام در قلوب خواص وعوام پیدا کند

در تیسیر حاجات ودوام عز واقبال در کتاب درة النظیم آورده که هر که وضو کامل سازد وچهار رکعت نماز گذارد به نیت حصول حاجات در هر رکعتی بعد از فاتحه

سوره حشر بخواند

سوره حشر بخواند حق تعالی هر حاجت ومرادی که داشته باشد بسهولت میسر گرداند وهر که بر قرائت سوره نوح مداومت نماید هر حاجتی که داشته باشد میسر شود واز بعض مشایخ مرویست که در هیچ خانه سوره ق تلاوت نکنند الا آنکه آنخانه دایم بدولت وسعادت واصل باشد ونکبت وزوال پیرامون منزل وی نگردد

در قبول ومهابت قضاء حاجت نزد سلاطین در کتاب درة النظیم آورده که هر که در وقت در آمدن بر سلاطین سوره والنازعات را قرائت کند مراد وحاجت وی بسهولت بر آید ودر نظر سلطان بهیبت ومهابت نماید واگر کسی این سوره را در روی دشمن تلاوت کند از وی هیچ ضرر نیاید وبخیر وخوبی از وی جدا شود ودر خواص ابن تیمی آورده که چون کسی در ساعت اول روز جمعه سوره فاتحه را بقلم زرین بر قدح زرین بنویسد بمشک وکافور پس نوشته را بگلاب محو کند وآن گلاب معمول را در شیشه نهد هرگاه پیش پادشاه یا جباری عنیدی یا دشمن میرود قدری از آن گلاب در جبهه وجبین مالد ونزد وی رود مقبول ومهاب گردد ومحبت وی در دل آن بزرگ پیدا شود واز غضب وی ایمن گردد وشیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمه الله در کتاب خواص القرآن آورده که هر که سوره حم سجده را صد بار پیوسته تلاوت کند که در آن اثنا فاصله واقع نشود از شر پادشاه جابر وحاکم ظالم ایمن ومطمئن گردد واز هیچ دشمن ضرر نرساند

در حصول هیبت ومهابت در نظر جمیع خلایق در کتاب درة النظیم آورده که هر که حم دخان را کتابت کند وبا خود نگاه دارد در نظر جمیع خلایق با هیبت ومهابت نماید ومحبت وی بر دلها غلبه کند وهر که سوره یس والصافات را بر روی گلاب وزعفران هفت بار بنویسد وهر روز یکبار آن هفت پس را همه بگلاب محو سازد وبیاشامد در نظر خلایق

بغایت معظم و مهاب گردد و در مناظره بر خصم غالب اید و هر که سوره یوسف را بمشک و گلاب و زعفران خوشبوی رنگین بر ظرف پاک نویسد و باب عذب شسته بیاشامد مقبول قلوب شود و در میان خلق عزیز و مکرم گردد
در اطفا نایره غضب سلاطین و حکام در کتاب ختمات شیخ شرف الدین بونی مذکور است که هر که
سوره اقتربت الساعة را هفتاد بار متصل تلاوت کند از غضب پادشاه غیور و شر حاکم ظالم در ضمان امان باشد
و در کتاب درر النظیم از شیخ ابو الحسن شاذلی نقل کرده و در خواص ابن تمیمی اورده که هر که وقت در امدن
بر پادشاه جابر و حاکم ظالم معوذتین بخواند از قهر و سیاست وی ایمن بود و در خواص ابن تمیمی مذکور است که چون کسی
بر پادشاه جابر یا حاکم غیور و ظالم جبار قهاری در اید و سوره تبت را بخواند از شر وی محروس و مامون
بماند
در ایمنی از شر پادشاه جابر و حاکم ظالم در خواص ابن تمیمی اورده که چون کسی در ساعت
اول از روز جمعه سوره فاتحه را تمام زرین بر قدح زرین نویسد بمشک و کافور پس بگلاب انرا محو سازد
و انگلاب معمول را در شیشه نگاه دارد هرگاه که پیش پادشاهی غیور و جباری ظالم و دشمنی قوی قدری در اید
انرا در جبهه و جبین مالد از شر وی ایمن شود و محبت و مهابت عامل در دل وی پیدا کردد
و در کتاب
درر النظیم اورده که هر که سوره اذا زلزلت را بخواند و فتیله بر پادشاه ظالم و حاکم جبار در می اید و از
جور و ستم وی ترسان و هراسان است ان خوف از دل وی زایل شود و هیچ اسیب و ضرری بوی نرسد و فرموده
که شیخ عارف کامل ابو الحسن شاذلی نفعنا الله به چنین فرموده است که هر که از پادشاه جابر ترسان و خایف بود
که از وی طلبی بفرجی میکند باید که بخواند سوره حم را با شرایطش پس بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا

لا اله الا هو الحی القیوم بسم الله الذی لا اله الا هو ذو الجلال و الاکرام بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم اللهم انی اعوذ بک من فلان بن فلانه حم وی کفایت شود و هر که
سوره نوح را قرائت کند پس کتابت کند و بر خود بسته نزد پادشاه و حاکم ظالم رود از شر وی ایمن ماند و تلاوت
سوره حج نیز همین خاصیت دارد و هر که سوره نبأ را کتابت کند بشرایطش و بر بازوی خود بندد نزد پادشاه
ظالم رود از شر وی ایمن ماند
در خلاصی محبوس و رهایی اسیر از قید ظلمه در کتاب درر النظیم
اورده که هر محبوس و اسیر که بر قرائت سوره انفطار مداومت نماید بزودی از حبس و زندان خلاص شود
و در حفظ حق تعالی باشد و اگر زندانی سوره حج را بشرایطش تلاوت کند و بر قرائت ان مواظبت نماید بزودی از بند
و زندان رهایی یابد و اگر اسیری بر همین عمل مداومت نماید زود خلاص شود و ببلاد و وطن رسد و اگر کسی
مداومت کند بر تلاوت سوره طور خدای تعالی اسان کرداند خروج وی را از زندان و ببرکت ان از بند خلاص یابد
و هم صاحب درر النظیم اورده که از فضایل سوره یس است که هر محبوسی که بر خواندن سوره یس مداومت نماید بزودی
از بند و زندان خلاصی یابد
در نصب معزول و مطیع ساختن دشمن در خواص ابن تمیمی اورده
که هر معزولی که بر تلاوت سوره یوسف مداومت کند بزودی بر سر عمل اید و بمنصب خود واصل شود و تفصیل این
عمل در فصل هفتم از باب اول از مقاله رابعه گذشته است و هم ابن تمیمی گوید که چون عاملی از عمل معزول شود و دست
او کوتاه گردد باید که بر تلاوت سوره القارعه مداومت نماید تا زود بمقصود خود واصل گردد و در کتاب
درر النظیم اورده که هر که سوره نحل را صد و هشت کرت بشرایطش تلاوت کند همه دشمنان مطیع وی شوند و دولت

وسعادت وی روز بروز در تزاید باشد در خلاصی از مهالک وایمنی از چشم وزخم وجمله مکروهات

در کتاب ختمات القران از شیخ شرف الدین البونی اورده که هر کرا امری عظیم و مهلکه خطیر پیش اید باید که صد

وچهل بار سوره مؤمنون را بر سبیل اتصال تلاوت نماید وجز بضرورت اکل وشرب وطهارت بر نخیزد از ان

مهلکه بسلامت خلاص یابد وهیچ مکروهی بوی نرسد وهر که هفتاد بار سوره حدید را بر سبیل دوام تلاوت

کند از هر مهلکه که پیش امده باشد بسلامت بگذرد وصحت وعافیت واخلاص یابد وخواجه محمد پارسا قدس سره در

سوره والعادیات اورده که حضرت امام همام جعفر الصادق علیه الصلوة والسلام روایت کرده اند که حضرت رسول

صلی الله علیه واله وسلم فرموده که سوره والعادیات را برای چشم زخم سه بار باید خواند وصاحب درر النظیم گوید

که هر که سوره عادیات را بنویسد وبا خود نگاه دارد از جمیع مخاوف ایمن باشد وهر که سوره القارعه را

بر قرائت مداومت کند همیشه در حفظ امان حق تعالی باشد در ایمنی از افات دین ودنیا

وسلامتی از حوادث لیل ونهار در کتاب درر النظیم که هر که بر تلاوت سوره حشر مداومت نماید در دین ودنیا ایمن باشد

وهر که در شب جمعه ان را کتابت کند وقرائت فرماید وان نوشته را با خود نگاه دارد از ان شب تا صباح

از جمیع بلیات محفوظ باشد وهر که به نیت صادق دو رکعت نماز کند که بعد از فاتحه سوره انعام در ان نماز

بخواند انگاه از خدای تعالی سلامتی وعافیت خواهد در ان ماه از هر خوفی ومرضی ووجعی وانچه موجب کراهت

باشد ایمن بود وهر کس که شب هنگام سوره انعام تلاوت کند ان شب از جمیع طوارق وحوادث محروس ماند وهر که

در هر شب جمعه بعد از نماز سوره اعلی را کتابت کند وبا خود دارد از جمیع افات بحفظ وپناه حق سبحانه در روز الله

[illegible]

وهر که سوره شوری را کتابت کند واز خود بشوید از شر مردمان ایمن باشد وهر که سوره بروج را تلاوت کند

وقتیکه بفراش در میاید ان شب تا صباح در امان حق تعالی باشد وهر که در وقت طلوع فجر سوره فجر را یازده

بار بخواند تا طلوع فجر ثانی از همه افات ومخافات ایمن باشد وهر که سوره ماعون را صد بار پیش از نماز صبح

بخواند تا صبح دیگر در حفظ حق تعالی باشد وهر که مداومت کند بر قرائت ایشان سوره در رفع محفوظ از قهر وجور

سلاطین در دفع افات از خان ومان وایمنی از تهمت وبهتان در کتاب درر النظیم اورده

که هر که سوره مریم را کتابت کند در ساعت سعد وبدیوار سرای خود اویزد ان سرا ومنزل از جمیع حوادث ونوازل ایمن

ماند وهر که انسوره را کتابت کرده محو سازد وبیاشامد دل وی از همه خوفها ایمن شود ودر خواص این

مذکور است که هر که سوره بروج را خصوصا ایه والله من ورائهم محیط را تا اخر هر روز سه بار تلاوت کند وهر

شب سه بار وبر مال ومتاع خود دمد ودر خانه ورخوت وغیره نفث کند همه اموال وامتعه وی از افات

محفوظ بمانند واز تاراج وغارت حادثات محفوظ ومصون باشد واهل وعیال وی ایمن وسالم باشند وهر که هر روز

سوره ماعون را بر مال ومتاع وخان ومان خود بخواند در حال که مستقبل قبله باشد از شکستن وضایع شدن

محروس ومحفوظ ماند ودر کتاب ختمات بونی اورده که هر که هشتاد بار سوره منافقون را به نیت دفع شر منافقان

وبدگویان وزبان ایشان بخواند زبان همه بدگویان بسته شود وهر که هشت بار سوره نور را [illegible]

تلاوت کند از افترا وبهتان بدگویان محفوظ ماند ودهان همه حاسدان وغمازان در باب وی بسته شود وبعضی

گویند که از برای حصول مقاصد هفت هزار وهفتصد بار تلاوت باید نمود واگر کسی توفیق ایمعنی یابد از تعظیم نهایت

[illegible]

شود در ایجاد محبت و قبول در قلوب و تسخیر ادمیان و صید مرغان و ماهیان در کتاب دره النظیم
اورده که هر که سورهٔ زمر را کتابت کند بشرایطش و بر بازوی خود بندد شکو و خیری بر زبانها
جاری شود و مهر و محبت وی در دلها طاری گردد و همیشه خلق مطیع و منقاد وی گردند و هر که سورهٔ
محمد را صلعم بر جام زجاجی یا قدح چینی نویسد و باب زمزم و اگر میسر نشود باب عذب محو
ساخته بیاشامد نزد مردمان محبوب و مقبول القول شود و خلق اطاعت و فرمانبرداری وی کنند
و هر که بر تلاوت سوره ماعون مداومت نماید مطاع و مجاب الدعوه شود و هر که سوره یوسف را
بشرایطش کتابت کند و محو ساخته بیاشامد وی را قدری عظیم نزد مردمان پیدا شود بحول الله
و قوته و هم صاحب دره النظیم فرموده که بخط بعض علما دیدم که هر که سورهٔ یوسف را کتابت کند بنام
مردی و بر وی بندد زن خود را بغایت دوست گیرد چنانچه زیاده بران متصور نتوان کرد و هم وی
فرموده که هر که سوره اذا جاء نصر الله را بر لوح رصاصی نقش کند با شرایطی که مقرر است و بر دام صیاد
مرغ بندد مرغ بسیار بدام وی افتد و اگر بر شبکهٔ ماهی گیر بندد فوج فوج ماهی بدام وی در اید
در تیسیر فتح و نصرت بر دشمنان و تفریق ظالمان و تخریب منازل و ابطال سحرها
و دفع موذیات جن و انس و طرد هوام مشتمل بر دوازده فصل در تحصیل فتح و ظفر
بر هر لشکر در حفظ و صیانت از شر اعدا و نصرت بر ایشان در غلبه اعدا
و استیلا بر لشکر اعدا در القاء رعب در قلوب دشمنان و شکستن ایشان

در دفع ظالمان

در دفع ظالمان و منافقان و غمازان و ایمنی از کید ایشان در نکبت و عزل متولی ظالم
و سلطان جابر در تمریض اعدا و ارجاع مکر ایشان هم با ایشان در تفریق
ظلمه و تخریب منازل ایشان در سلامتی از ضرر جن و انس در ایمنی
از وساوس جن و ابطال سحرها و دفع چشم بد در تسکین دادن ریاح عاصفه
و دفع موذیات و طرد هوام در دفع حیات و عقارب و سایر موذیات
در تحصیل فتح و ظفر بر هر لشکر در کتاب دره النظیم اورده که هر که سورهٔ انا فتحنا را کتابت کند
بشرایطش و با خود نگاه داشته در وقت قتال و خصومت و خوف دشمن از جمیع افات و بلیات ایمن
باشد و حق تعالی ظفر و نصرت دهد وی را بر دشمن و در کتاب ختمات شیخ بونی رحمه الله اورده که هر که به نیت
فتح و نصرت چهل و یکبار سوره انا فتحنا را بخواند مقصود حاصل شود و اگر جمعی قرا اتفاق کرده چهل و
یکهزار بار تلاوت کنند فتح کلی و نصرت عظیم روی نماید و هر که سوره طه را ۱۲ بار به نیت بجای اورده
اعدا مظفر و منصور گردد و هر که به نیت فتح و نصرت یازده بار سورهٔ یونس را بخواند مراد حاصل شود
و در خواص تمیمی اورده که هر که سورهٔ اذا جاء نصر الله را بر شمشیر خود نقش کند بشرایطش و بان شمشیر با دشمن
محاربه نماید فتح و نصرت وی را بود و بر همه اعدا غالب بود در حفظ و صیانت از شر اعدا و نصرت
بر ایشان در کتاب دره النظیم اورده از ابن عباس رض که اسم اعظم حق تعالی در اول سورهٔ حدید است در شش ایه
اول از ان در سوره پس هر که ان سوره را کتابت کند بشرایطش و با خود بدارد و ویرا و در صف قتال برود چهار صد جراحت

بوی نرسد و هرکه در مقابله دشمن سوره نازعات را بخواند هیچ ضرر بوی نتوانند رسانید و هرکه سوره کوثر را
بر ابریشم کتابت کند و با خود نگاه دارد از همه اعدا محفوظ باشد و بر ایشان مظفر و منصور شود مادام که
ان نوشته همراه وی باشد هیچ مکروهی بوی نرسد — در غلبه و استیلا بر لشکر اعدا در کتاب
درر النظیم اورده و خواص ابن تمیمی ذکر شده که هرکه سوره هود را بر ورق اهو نویسد و در جای محاربه
با خود نگاه دارد بر همه اعدا غلبه کند و اگر صد کس یکبار بر وی حمله کنند جمله را مغلوب سازد و دست همه
کوتاه گرداند و هیچکس بحرب وی دلیری نکند و صاحب درر النظیم اورده که اگر کسی این سوره را بزعفران
کتابت کند و سه روز متصل در صبح و شام بیاشامد دل وی قوی شود بمثابه که اگر جن و انس با وی
بمقاتله و محاربه برخیزند از همه فارغ البال باشد و هیچکس پیش وی تکلم نکند الا بموافقت و متابعت
وی و هرکه سوره والنجم را بر ورق بوده پاک نویسد و با خود نگاه دارد استیلای وی بر اعدا قوی شود
و هیچ دشمن را با وی مجال مخاصمه نماند و غلبه و نصرت در جانب وی قوی بود
در القاء رعب در قلوب دشمنان و شکست ایشان در کتاب درر النظیم و خواص ابن تمیمی اورده که چون
کسی سوره الم ترکیف را در میان دو صف لشکر چند بار بخواند خوف و هراس بر لشکر دشمن غلبه کند
و همه یکبار روی بهزیمت ارند و اگر کسی در وقت تقابل و تعارض دشمن این سوره را بخواند ان
دشمن مغلوب و مقهور گردد — در دفع ظالمان و منافقان و غمازان و ایمنی از کید ایشان
در کتاب درر النظیم اورده که هرکه از ظالمی ترسد سوره تغابن را تلاوت کند و بروی در اید از شر وی و شر

هر شیطانی

هر شیطانی و ظالمی ایمن ماند و تلاوت سوره تبت نیز در وقت دخول بر ظلمه همین خاصیت دارد و هرکه سوره عبس را
بر قطعه از جامه پاک دختر بکر نویسد و با خود نگاه دارد هیچ مکر مکاری نسبت بوی پیش نرود و از شر اهل بغی ایمن
باشد و بر افعال خیر مولع شود و کردارهای خوب را دوست دارد و از غم رسته شود — در نکبت و عزل
متولی ظالم در کتاب درر النظیم اورده که هرکه سوره رعد را بر طرف بزرک چینی با زعفران کتابت کند در شبی که تاریک
و مظلم باشد و رعد و برق و باران و طوفان عظیم بود و نوشته را هم باب بارانی که در ان شب گرفته باشد محو سازد
و این اب معمول را هم در ان شب مظلم بر در دیوار منزل الحاکم و متولی ظالم بپاشد و اگر میسر شود در درون
منزل وی رش کند اولی بود پس چون روز شود و انصاف صاحب منصب از سرای خود قدم بیرون نهد باز نگردد الا
معزول و منکوب و از ابو حامد محمد الغزالی نقل کرده که هرکه این سوره را در شب تاریک بعد از ادای نماز خفتن
در موقوش کتابت کند و هم در ساعت بر در بارگاه پادشاه جابر برد و بر انحوالی جائی دفن کند لشکر وی در هم شکنند
و رعیت وی نافرمان شوند و در امر وی عاصی گردند و سینه وی تنگ شود و سلسله سلطنت وی در هم
رود — در تمریض اعدا و اوجاع حکام ایشان هم با ایشان در کتاب درر النظیم اورده که هرکه سوره روم
را کتابت کند در ظرف زجاج که سر وی تنگ باشد بنهد و انظرف را در منزل دشمن دفن کند هرکه در ان منزل بود از دشمنان
همه بیمار شوند و اگر کسی از غیر اهل ان منزل بر ان منزل در اید وی نیز بیمار شود و اگر ان سوره را بنویسد و باب باران
بشوید و در اناء رفتار نگاه دارد ان اب هر دشمنی که بیاشامد بیمار شود و اگر ان اب بر روی دشمن دا شوید در چشم
وی رمد حادث گردد و بیم ان بود که نکوری کند و هرکه هر صباح و هر شام سوره واقعه را تلاوت کند همیشه در حفظ

نکبت و عزل ظالم

بعلاوه سوره واقعه

باشد واگر معاندی نسبت بوی کیدی اندیشد ان کید هم بوی راجع شود در تفریق
ظلمه وتخریب منازل فسقه در کتاب در النظیم اورده که هر که سوره حج را بتمام وکمال کتابت کند بر آناء
چینی یا مثل ان پس محو سازد ودر منزل سلطان جایر وحاکم ظالم رش کند اسباب عیش وی از دست
رود ومضطرب وخایف شود واز ملك ومقام خود بر کنده وسرگشته گردد باذن الله تعالی وچون کسی
سوره طلاق را بر آناء زجاجی ومثل ان کتابت کند ومحو کرده اب ویرا در موضعی بپاشد صاحبان موضع
اواره گردد وابدا دیگر در انجا ساکن نشود واگر ابتدا صاحب انموضع اواره نشود انجا قتل وفتنه
عظیم قایم شود واخر بتفریق وتخریب کشد وعامل باید که در استعمال از خشیت خدا نترسد ونسبت بغیر
مستحق کار نه بندد که خوف رجعت بود وهر کس سوره نحل را بنویسد ودر آناء نو نهاده سر انرا محکم
سازد ودر منزل اهل فسق وفجور دفن کند انجماعت بتمام مستاصل شوند وجمعیت ایشان به پریشانی
مبدل گردد ودر تحت قدم دشمن دفن کند سلسله وی از هم فرو ریزد ونیست ونابود گردند واگر ان
آناء مشدود الراس را در بستان بر خاک نهد بار همه درختهای میوه دار فرو ریزد وعامل باید که در این
عمل ملاحظه نماید وجز در حق ظالم فاسق بجای نیارد ودر خواص ابن تیمیه اورده که هر که کفی خاک از مزاری
قدیم خراب شده بر دارد وکفی دیگر از حمام کهنه ویران شده وکفی دیگر از مسجد قدیم ویران شده
کفی خاک هفت بار سوره لم یکن بخواند پس انخاکها را بهم امیخته وقت سحر در منزل ظالمی که مردم از ظلم وفسق
وی بتشویش باشند بریزد بزودی منزل وی ویران شود وخودش سرگردان گردد واثری از وی ومنزل وی

نماند وعامل باید که در

نماند وعامل باید که در عمل این به نیت صحیح شروع کند واز عصبیت وهوای نفسانی پاک باشد
در سلامتی از ضرر جن وانس در کتاب در النظیم اورده که هر که سوره احقاف را کتابت کند وبا خود نگاه
دارد از شر دیوان ایمن شود ودر بیداری وخواب هیچ مکروهی نبیند وان نوشته را شب در زیر بالین
خود نهد از شر جن وانس وهر طارقی که باشد محفوظ ماند وهر که سوره یس را بگلاب وزعفران کتابت کند وبا خود
نگاه دارد از چشم زخم وضرر جن وهوام وحمله اوجاع ایمن ماند واز شیخ ابو الحسن شاذلی قدس سره نقل کرده
که چون خواهی که از همه افات سالم باشی بر تلاوت قل اعوذ برب الناس مداومت نمای واین سوره امن جمیع دردهاست
وهر مریض که بر قراءت معوذتین مداومت نماید از بلا ایمن شود وهر که وقت خواب معوذتین را بخواند از جن ووسوسه
ایشان ایمن باشد ودر خواص ابن تیمیه اورده که هر که در صباح ومسا نیز بسیار خواند از شر هر ذی شر واز وی مندفع
جن شود وهیچ گونه چشم زخم وسحر بر وی کار نکند وهمیشه از ان مردم ایمن باشد در ایمنی از وساوس
وابطال سحرها ودفع چشم بد در خواص ابن تیمیه اورده که مداومت بر معوذتین دافع وسواس ومانع وسوسه
شیاطین بود ودر ختمات شیخ بونی مذکور است که هر که سوره یونس را بمشک وزعفران بر ورق اهو نویسد وبا خود
نگاه دارد از تعرض جن ایمن بود ودر کتاب در النظیم اورده که چون کسی سوره حجرات را بر دیوار خانه خود
کتابت کند هیچ شیطان نزدیک ان خانه نیاید وهر که سوره همزه را بر شخصی خواند که از چشم بد متاثر شده باشد
ومریض گشته حق تعالی صحت کرامت کند ودر ختمات بونی اورده که هر که سوره طه را به نیت دفع سحر مدت یکهفته
متصل تلاوت کند ان سحر باطل گردد در تسکین درد صداع ووباء عام ودفع موذیات وطرد هوام

در کتاب دررالنظیم اورده که چون کسی در وقت تصادم ریاح و وزیدن عاصفات سوره الم
ترکیف را چند بار تلاوت کند بادهای سخت عنیف تسکین یابد و در هوا آرامش پیدا شود و هر ساکن
و مجاور که بر خواندن سوره مداومت نماید از طوارق و حوادث محفوظ باشد و هیچ موذی از موذیات
وی را ضرر نرساند و چون سوره انشقت را بر حایطی کتابت کند هیچ کژدم پیرامن آن حایط نگردد و اگر
در آن موضع بوده باشد فرار نماید و سوره الرحمن نیز همین خاصیت دارد و اگر کسی هر دو سوره را بر حایط نویسد
در حصول نتیجه ابلغ و ادخل بود و خواندن سوره انشقت بر کسی که او را مار و کژدم و غیر آن گزیده باشد
تسکین وجع دهد

در دفع ضرر حیات و عقارب و سایر موذیات

در کتاب دررالنظیم
اورده که هر که سوره سبا را بر کاغذی نویسد و در خرقه سفید پاک پیچد و با خود نگاه دارد از ضرر
مار و کژدم و سایر گزندگان ایمن باشد و مادام که آن نوشته با وی باشد هیچ آفتی بوی نرسد و اگر کسی سوره
طور را کتابت کند بر ظرف چینی یا زجاجی و باب پاک محو سازد و آن آب را در موضعی رش کند که ممر عبور
نباشد گزندگان بتمام از آنجا فرار نمایند و اگر از آن آب قطره ای بر کژدم ریزد کشته شود و هر که سوره
فرقان را سه بار کتابت کند و آن را بر خود بسته بموضعی رود که آنجا ثعبان بود یا بعضی گزندگان هیچ ضرر
نتوانند بوی رسانید

در تسهیل و توسیع رزق و دفع فقر و فاقه و اخراج دفاین و
رجوع غایب و آبق و سارق و نیل خیرات و ضبط مخزونات و ایمنی مسافر در بر و بحر و حفظ مال از قطاع
طریق و باز یافتن راه بعد از سرگشتگی مشتمل بر دوازده فصل **فصل اول** در تیسیر و توسیع رزق **فصل دوم**

در ادای دین

در ادای دین و دفع تنگی معاش و رونق کسب **فصل سوم** در حصول ثروت و دفع فقر و فاقه **فصل چهارم**
در اطلاع بر احوال و اخراج دفاین و وقوف بر ما فی الضمیر نایم **فصل پنجم** در رجوع غایب و آبق و سارق
بین المتهمین **فصل ششم** در نیل خیرات و ازدیاد برکات **فصل هفتم** در حفظ دفاین و مخزونات از عوارض
و آفات **فصل هشتم** در ضبط انبار حبوبات و حفظ آن از خوره و شپشه و امثال آن **فصل نهم**
در سلامتی مسافران بر و بحر از آفات و رسیدن ایشان با وطان **فصل دهم** در ایمنی سفر دریا از
غرق شدن و کشتی شکستن **فصل یازدهم** در ایمنی سفر خشکی از حوادث و دفع سباع و موذیات
فصل دوازدهم در حفظ مال تاجر از قطاع طریق و باز یافتن راه بعد از سرگردانی

در تیسیر و توسیع

در کتاب دررالنظیم اورده که هر که [illegible]
رزق و روزی سوال کند حق تعالی دعای وی را مستجاب گرداند و فرموده که از بعض عارفان شنیدم که هر که سوره
انا فتحنا را در وقت رویت هلال رمضان سه بار تلاوت کند حق سبحانه در ارسال رزق و روزی را بروی کشاده گرداند
و هر که بر تلاوت سوره مزمل مداومت نماید حق تعالی روزی او را کشاده گرداند و هر که سوره عادیات را کتابت کند
و با خود نگاه دارد روزی وی بسهولت میسر شود و بر هر که روزی شود و ضیق معاش روی نماید باید که سوره
قارعه را کتابت کند و همیشه با خود نگاه دارد تا رزق وی باسانی میسر شود و بسهولت بگذرد و از شیخ ابو الحسن
شاذلی قدس سره نقل کرده که اگر خواهی رزق تو باسانی و سهولت میسر شود بر خود لازم گردان که سوره فلق را
بسیار قرائت کنی

در ادای دین و دفع تنگی معاش و رونق کسب

در کتاب ختمات بونی آورده
که هر که سوره الواقعه را چهل یکبار تلاوت کند بزودی گردن وی از بار وام سبک شود و در کتاب دررالنظیم

المنظم اورده که هرکه سورهٔ یوسف را بنویسد وباب پاک محو سازد وبیاشامد فرض وی از جا مؤدا
شود که در گمان وخیال وی نگذشته باشد وروزی بروی کشاده شود واز تنگی معاش خلاص شود ومداومت بر تلاوت
این سوره همان نتیجه دهد وهر مدیونی که بر تلاوت سورهٔ تحریم ادمان نماید دین وی ادا یابد وهرکه سورهٔ حجر را بزعفران
وگلاب کتابت کند وان نوشته را در جیب خود نگاه دارد کسب وی بسیار گردد وبازار وی گرم شود ومردمان معامله وی را
دوست گیرند وتا وی بود با دیگری سودا نکنند در حصول ثروت ودفع فقر وفاقه در خواص
ابن تمیمی اورده که هرکه در نمازهای خود سورهٔ تکاثر را بسیار خواند بزودی توانگر گردد ودر خصائص نبوی
اورده که هرکه هفتاد یا پنجاه سورهٔ والذاریات را متصل تا اربعین بخواند حق سبحانه تعالی مال بسیار وی را روزی
گرداند واز فقر وفاقه برهاند ودر کتاب سراج الایات اورده که مردی نزد ابن عباس رضی الله عنه امد وشکایت کرد از
تنگی معاش وفقر وفاقه وطلب دعایی کرد که موجب ثروت وبرکت باشد وسبب خلاصی از فقر وفاقه بود
فرمود که بر تلاوت سورهٔ طه مواظبت نماید امیدوارم وصیت کرد وان وظیفه را مرعی داشت وبزودی بمراد خود
فایز گشت ودر کتاب درة النظیم از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که گفت از حضرت رسول صلعم شنیدم که فرمود که
هرکه سورهٔ واقعه را هر شب بخواند فاقه وی را در نیابد وهرکه انس را هر بامداد بخواند هرگز از فقر
نترسد وهرکه بر قرائت سورهٔ نون والقلم مداومت نماید ودر نمازهای فریضه ونافله بسیار خواند
هرگز بفقر وفاقه مبتلا نشود وهرکه سورهٔ الکهف را بنویسد ودر ظرف ابگینه کند که گلوی ان تنگ بود
وانرا در سرای خود جای پاک محفوظ گرداند از فقر وفاقه وایذاء خلق خلاص شود وهرگز هیچ کس از ابنای جنس

محتاج نگردد

محتاج نگردد در اطلاع بر خزاین واخراج دفاین ووقوف بر ما فی الضمیر نایم در کتاب درة النظیم
اورده که هرکه در نمازها سوره اذا زلزلت بسیار خواند ودر غیر نماز بر تلاوت ان مواظبت نماید بشرایط
کلامی حق تعالی گنجهای زمین را بروی مفتوح کند وبر دفاین وخزاین اطلاع بخشد وهرکه دفینه نهاده باشد
وفراموش کرده که در کدام موضع است یا دفینهٔ پدر وغیره غایب اند که کجاست چون بر قرائت سورهٔ والضحی مداومت
نماید بوجهی از وجوه انموضع را باز یابد وبر دفینه مطلع شود وفرمود بعضی از عارفان گفته اند که هرکه سورهٔ
شعرا را با این ایت که واذا قتلتم نفسا فادارأتم فیها الی قوله تعالی تعقلون کتابت کند پس ان مکتوب را از گردن
خروس سفید افرق بیاویزد وویرا سر دهد در انموضع که گمان دفینه دارد ان خروس بالای دفینه باز ایستد
وبمنقار وچنگال انموضع را کاویدن گیرد وعلامت صحت این عمل این بود که خروس در هر روز دم زند واسپید در
فصل پنجم از باب پنجم از مقاله رابعه ایراد یافته وفرق میان این دو عمل انست که انجا بکتابت ایت اکتفا
نموده وانجا سوره را بتمام کتابت کرده وان در حصول نتیجه ابلغ واتم است ودر خواص ابن تمیمی اورده که چون کسی
خواهد که از ضمیر نایمی خبر یابد وبر مکنون باطن وی مطلع شود باید که سورهٔ اذا زلزلت بر خرقه از جامه ان نایم
بمشک وزعفران وگلاب بنویسد ودر اخر ان اسم وی ومادرش رقم زند وبعد از ان داشته در هم پیچد ودر میان پوست
هدهد نهد ومحکم سازد بعد از ان بر سینهٔ نایم نهد وی در خواب بسخن اید وما فی الضمیر خود را بتمام ادا کند
بی انکه بسخن خود شعوری وحضوری داشته باشد در رجوع غایب وابق وظهور سارق
در کتاب درة النظیم اورده که هرکرا غایبی باشد وخواهد که بزودی بصحت وسلامت بوطن باز اید یا چیزی گم کرده

باشد و خواهد که زود باز آید باید که بر نام وی هفت سوره والضحی با شرایطش تلاوت کند و اگر اثر ظاهر نشود
هفتاد بار با شرایط کلامی بخواند بعد از ان بگوید یا صانع العجایب یا راد کل غایب یا جامع الشتات یا من مقالید
الامور بیده اجمع علی ضالتی او ردّ علی ضایعی فانه لا جامع له الا انت برحمتک یا ارحم الراحمین و د
ختمات بوقت مذکوره است که هر که هفت روز هفت سوره شعرا بخواند بنده گریخته باز آید والله اعلم این حروف علیه الرحمه
از بعض اکابر نقل کرده که هر که سوره والضحی را بر کاغذ پاک بنویسد با شرایط کتابت و در ذیل ان نام بنده گریخته و نام
مادرش رقم زنند و بر گرد سوره هفت دایره بر روی یکدیگر کشد و هر یک دایره را اگر میکشد یکبار سوره
والضحی را با شرایط کلامی تلاوت کند پس ان نوشته را بر بخور لایق داشته و در خرقه پاک پیچیده در خانه تاریک
در زیر سنگ بنهند ان گریخته سرگردان شود و حیران گردد و زود بخانه مراجعت کند و اگر بنده هندو بود
و چنان اتفاق افتد که زحل راجع عمل تخلف نکند و اگر بنده ترک بود و در اقبال مریخ راجع بود پیشتر بنده
باز آید و اگر هیچکدام اتفاق نیفتد باید که در حین عمل البته صاحب طالع راجع باشد و انما اخطر این شرط
کرین بود که نتیجه کلی بر ان مترتب شود و در کتاب در النظیم اورده که هر که سوره یونس را بر طشت چینی کتابت
کند و ان را به آبی محو سازد که از حوض بر نوشیده کرده باشند پس ان آب معمول را هم در ان طشت بجوش آورد
و قدری آرد با سم الجماعت که بدزدی متهم باشند بر ان آب ضم کرده خمیر کند و بعدد هر فردی قدری از ان
جدا کند پس جماعت را بخوردن ان خمیر امر فرماید کسیکه از وی ان دزدی صادر شده باشد بر خوردن ان خمیر قادر نباشد
و در میان جمع رسوا شود   در نیل خیرات و ازدیاد برکات در کتاب در النظیم آورده که هر که سوره مریم را

کتابت کند با شرایطش و در منزل خود جای پاک دفن کند یمن و برکت و خیر و جمعیت در ان منزل بسیار
شود و اگر ان سوره را بر دیوار منزل بنویسند از جمیع حوادث و نوازل ایمن ماند و هر که سوره یوسف را بنویسد
با ساعت سعد و در ظرفی محکم کرده در میان دیوار سرای خود محفوظ کردانند برکت و جمعیت در ان منزل زیاده شود
و ان منزل بر ساکنان میمون و مبارک باشد و هر که سوره همزه را در نماز نافله بسیار خواند مال و رزق وی
زیاده شود و هر گاه سوره تکاثر را در نماز نافله بسیار تلاوت کند در مال وی خیر و برکت بسیار پیدا شود
و در روزی بر وی گشاده گردد   در حفظ دفاین و مخزونات از عوارض و آفات در کتاب در النظیم
و خواص ابن تمیمی آورده که هر که دفینه و ذخیره نهد و خواهد که محفوظ و مصون باشد و حادثه بان راه نیابد
و دست تصرف بان نرسد باید که از ابتدا آن دفن تلاوت سوره والعصر اشتغال نماید و تا وقت فراغت
متصل قرائت کند ان دفینه و ذخیره در حفظ و امان حق تعالی باشد تا وقتیکه صاحب ان بر سر ان آید و اگر این
سوره را بر چهار رقعه بنویسد و در چهار زاویه ان مخزن دفن کند ذخیره وی بغایت مضبوط و محفوظ ماند
و اگر سوره حج را بر مخزون خوانند محفوظ ماند از هر طارقی و حوادثی   در ضبط انبار
حبوبات و حفظ ان از خوره و شپشه و امثال ان در کتاب در النظیم آورده که هر که سوره الکهف را
کتابت کند و در اناء زجاجی مضبوط در میان انبارخانه نهد از خوره و شپشه و انچه بدان ماند مصون
و محفوظ باشد و هیچ حشره بوی نرسد و پرنده و خزنده ضرری نرسد و هر که سوره مجادله را بنویسد و در میان
حبوبات اندازد از انچه موجب فساد حبوبات است سالم ماند و هیچ دانه از ان انبار ضایع نگردد و هر که سوره مطففین را

بر انبار خانه و مخزن خوانند از خوره و امثال ان سالم بماند و هر که سوره والتین را بر مخزن مطعومات خوانند
حق سبحانه انچه موجب فساد است از ان موضع صرف نماید و دران مخزن برکت افزاید — در سلامتی
مسافر از بحر و بر از افات و رسیدن با وطان در کتاب در النظیم اورده که هر مسافری که بر تلاوت سوره صف
مداومت نماید از هر طارقی و حادثی که در سفر پیش اید سالم و محفوظ باشد تا وقتی که بوطن خود مراجعت نماید
و مواظبت بر قرائت سوره طور همین خاصیت دارد و هر که سوره عبس را کتابت کند بر ورق اهو بره و
با خود نگاهدارد هیچ طریقی را در سفر نبیاید الا انکه در طریق خیری ببیند و هر که متوجه سفری شود
و سوره علق را بشرایط نوشته بر خوره بندد ان نوشته وبرا وقایه و پناهی باشد هم در سفر دریا و هم در
سفر خشکی تا وقتیکه با اهل و عیال و خانمان خود عود نماید — در ایمنی از سفر دریا و غرق شدن
و کشتی شکستن در کتاب در النظیم اورده که هر مسافری که خواهد که بکشتی نشیند باید که نخست سوره انا
فتحنا را تلاوت کند خواندن این سوره در انوقت موجب امان است از غرق شدن کشتی و خواندن سوره یس نیز
همین خاصیت دارد و در ختمات بونی مذکور است که هر که هفت بار سوره حج را بخواند پس بدریا نشیند سالم بیرون اید
و از تباهی دریا و شکستن کشتی ایمن باشد و هیچ ضرر نیابد — در ایمنی سفر خشکی از حوادث و دفع سباع
و موذیات در کتاب در النظیم اورده که هر که بر قرائت سوره مجادله مداومت نماید از طوارق و حوادث لیل و نهار
محفوظ باشد و در راه ایمن و سالم بماند از هر خوف و خطری و هر که سوره نمل را بر ورق اهو بره کتابت کند و انرا
در میان پوستی پیچد که دباغت یافته باشد و باید که ان پوست درست باشد که هیچ قطعه از وی جدا نکرده باشند

پس ان معمول ملفوف در صندوق

پس ان معمول ملفوف را در صندوقی نهند و هر جا که میرود و میباشد با خود نگاهدارد هیچ سبعی و ماری و کژدمی و امثال
ان پیرامون ان صندوق نگردد و هر که نزدیک ان صندوق نشیند و خوابکند از ضرر جمیع موذیات در
امان و حفظ حق تعالی باشد — در حفظ مال تاجر از قطاع طریق و باز یافتن راه بعد از
سرگردانی در ختمات بونی اورده که هر که در ابتدای سفر هفت نوبت سوره تغابن را تلاوت کند مال و متاع
وی از تصرف قاطعان طریق سالم و ایمن ماند و هیچ دزدی و حرامی بران دست نیابد و در خواص
تمیمی اورده که هر که سوره جمعه را بتمام در روز جمعه بر صدفی نقش کند بشرایط کتابت و انرا در میان رخوت
و امتعه خود از همه افات راه سالم بماند و ایمن باشد و دست تصرف قاطعان طریق از وی کوتاه باشند
و حق سبحانه خیر و برکت بسیار در مال و متاع وی پیدا کند و وی را بصحت و غنیمت بوطن و اهل و عیال خود
برساند — در دفع امراض و اوجاع بدنی و تسهیل ولادت حوامل و تعویذ اطفال مسلمان دوازده
فصل فصل اول در دفع امراض و اوجاع فصل دوم در دفع صداع و شقیقه و صرع و غشی و لقوه فصل
سیوم در دفع امراض عین و اذن فصل چهارم در دفع انواع حمیات فصل پنجم در دفع جوع و عطش
و ضرر ماکولات فصل ششم در دفع اوجاع درونی و سعال و زحیر و منع مثانه است فصل هفتم در دفع
یرقان و جراحات و دمامیل و بواسیر و الام و اورام و دفع امراض دواب فصل هشتم در حفظ حوامل
و جنین و تسهیل ولادت و صیانت مولود فصل نهم در حصول ولد صالح و وقوع ولد مذکر فصل دهم
در ادرار لبن مرضعات فصل یازدهم در دفع بکاء و فزع اطفال از شیاطین جن و انس و ایمنی ایشان از چشم بد

ولدغ هوام **فصل دوازدهم** در دفع امراض و اوجاع در کتاب درر النظیم آورده که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم

فرموده است که هر که بگیرد قدری آب باران و بر وی خواند هفتاد بار فاتحة الکتاب و هفتاد بار آیة الکرسی و هفتاد بار

قل هو الله و هفتاد بار معوذتین مسی کند با محمد که نفس من بید او که جبرئیل بمن آمد و خبر داد مرا که هر که از

این آب هفت شبانه روز بیاشامد هر صباح شربتی بیاشامد حق تعالی هر مرضی را که در بدن وی بود دفع کند

و صحت و عافیت دهد وی را از آن مرض و بیرون برد از عروق و اعصاب و گوشت و پوست و جمیع اعضای

وی مرض را و در ختمات تونی آورده که هر که بنیت شفا سوره فاتحه را میان سنت و فرض نماز بامداد هفتاد و دو بار

تلاوت کند مراد حاصل شود و اگر کسی در پس فصد و حجامت هفت بار فاتحه بخواند فواید عجیب از اخراج خون

دریابد و در خواص ابن تمیمی آورده که هر که سوره فاتحة الکتاب را کتابت کند و مکتوب را بر اسم بار بر عضو دردمند

مالد و هر بار بگوید اللهم اشف فانت الشافی اللهم اکفنی فانت الکافی اللهم عافنی فانت المعافی آن درد

و الم بکلی زایل گردد و در کتاب درر النظیم آورده که هر که سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم را کتابت کند و بآب

عذب محو سازد و بآن آب غسل کند جمیع امراض از وی زایل شود و هر که سوره و الذاریات را نزد

نزدیک مریض تلاوت کند مرض و الم وی تخفیف یابد و هر که سوره مجادله را نزد مریضی بخواند که از غایت الم

بخواب نمیرود چنان تخفیف و تسکین یابد که بخواب رود و آسوده گردد و قرائت سوره مریم و تحریم نیز همان

خاصیت دارد و دفع بیخوابی کند و هر که سوره واقعه را بر سر بالین بیمار بخواند راحت تمام یابد و اگر بر محتضر

خواند بآسانی جان دهد و اگر کسی سوره تبت را بر عضوی نویسد که درد مند باشد و خوف آن بود که الم زیاده

خواهد شد آن الم نقصان یابد و از عقب آن عافیت پیدا شود باذن الله تعالی **در دفع صداع**

و شقیقه و صرع و غشی و لقوه در کتاب درر النظیم آورده که هر که سوره حم سجده را کتابت کند و از

صاحب صداع و شقیقه و صرع بیاویزد حق تعالی وی را از آن مرض خلاصی دهد و هر که بعد از نماز

سوره تکاثر را بر صاحب صداع و شقیقه خواند آن درد و الم تسکین یابد و هر که سوره تحریم را بنیت دفع صرع تلاوت

کند حق تعالی شفا دهد و هر که سوره و اللیل را در گوش مصروع بخواند یا صاحب غشی شفا یابد چون صاحب لقوه

بر تلاوت سوره اذا زلزلت مداومت نماید حق سبحانه و تعالی وی را از آن مرض خلاص گرداند **در دفع**

امراض عین و اذن در کتاب درر النظیم آورده که هر که حم سجده را کتابت کند و آنرا بآب باران محو سازد

و به سپاهانی آمیخته صلایه کند و بآن سوده اکتحال نماید بیاض عین و رمد و ظفره و سایر علل

عین را نافع بود و اگر چشم را بآن آب شستشو دهد هم نافع بود و هر که سوره الرحمن را کتابت کند و از خود بیاویزد

از مرض رمد چشم خلاص یابد و هر که سوره منافقون را بر صاحب رمد بخواند آن علت از چشم وی زایل گردد و هر که

سه روز پیاپی هر روز سه نوبت سوره ملک را بر صاحب رمد خواند شفا یابد و هر که سوره کورت را بر چشم خواند قوت

باصره تقویت یابد و علت غشاوه و رمد از وی زایل شود و هر که سوره اعلی را بر گوش خواند که طنین و دوی

عارض شده باشد آن علت زایل گردد **در دفع انواع حمیات** در کتاب درر النظیم آورده که حضرت

امام همام جعفر الصادق علیه السلام فرمودند که هر که سوره فاتحه را چهل یکبار بر قدح آب خواند و آن آب را

بر روی محموم رش کند نافع بود و تب زایل شود و هر که صاحب تب چند بار بخواند زایل شود و هر که سوره لقمن را کتابت کند و مکتوب را

سوره و العصر را

باب عذب شسته بخورد کسی دهد که مرض درونی داشته باشد عافیت یابد و از انواع تبهای مطبقه و غیر مطبقه
و حمیات و تب و ربع و مثلث و غیران شفا یابد و هرکه سوره عنکبوت را بنویسد و باب عذب انرا محو سازد و بیاشامد
تب ربع را نافع بود و هرکه بان اب روی خود را بشوید مرض حمره را زایل گرداند و دفع حرارت کند و هرکه سوره
واللیل را بنویسد و محو کرده بصاحب تب لازم خوراند از ان تب خلاص شود و چون کسی سوره الم تنزیل را کتابت
کرده از صاحب تب درا و بپوشد زایل شود و تلاوت و کتابت سوره حدید نیز همین خاصیت دارد و هرکه سوره انفطار را
کتابت کند و باب عذب شسته صاحب تب بران اب غسل کند مرض وی زایل شود و هرکه سوره والشمس را کتابت
و باب عذب محو ساخته و از ان اب معمول بیاشامد لرزه را زایل کند باذن الله تعالی در دفع جوع
و عطش و ضرر ماکولات در خواص ابن تمیمی اورده که چون کسی سوره والعادیات را بر کوزه نو فخار نویسد و نوشته را
باب باران محو سازد و با شکر امیزد و بناشتا بیاشامد و سه روز این عمل بجای اورد از مرض جوع و عطش خلاص
شود و در کتاب در النظیم از بعض علما نقل کرده اند که هرکه بر طهارت کامل در صباح و مسا سوره واقعه را تلاوت کند
گرسنه و تشنه نشود و اگر چه مدتی بر اید و هیچ شدتی و خوفی و فقری لاحق وی نشود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله وسلم فرموده اند که هر گرسنه که سوره یس را بخواند سیر شود و هر تشنه که بخواند سیراب شود و هرکه سوره
غاشیه را بر طعامی خواند که تناول خواهد نمود از ضرر وی ایمن باشد و هرکه سوره طلاق را بر شربتی از ادویه
مرضی خواند تا شاید از غایله ان ایمن ماند و هرکه سوره قریش را بر طعامی خواند که میترسد از خوردن ان متضرر
شود ان طعام شفا و امن باشد وی را از عارضه تخمه و اوجاع کلی و غیران در دفع اوجاع درونی

وسعال و زحیر و سنگ

وسعال و زحیر و سنگ مثانه در ختمات نبوی اورده که هرکه را الم درونی عارض شود که سبب انرا نداند
هفت بار سوره حجرات را تلاوت ان الم زایل شود و هرکه سوره لقمان را یکنوبت بامر الطش بخواند از درد شکم
خلاص شود و در خواص ابن تمیمی اورده که هرکه سوره والعادیات را چنانچه در فصل سابق گذشت بر کوزه فخاری
نویسد و نوشته را باب باران محو ساخته و انرا با شکر امیخته بر ناشتا بیاشامد و سه روز متصل این عمل بجا ارد
از درد شکم خلاص یابد و در کتاب در النظیم که هرکه سوره الم نشرح را بر سینه خود خواند از مرض فواد ایمن باشد و از تنگی
سینه خلاص شود و هرکه سوره زخرف را کتابت کند و باب باران محو کرده بصاحب سعال خوراند مرض را زایل کند
و هرکه سوره الرحمن را کتابت کند و باب پاک بشوید و بیاشامد مرض طحال زایل شود و هرکه سوره ممتحنه را
کتابت کند و باب عذب پاک شسته سه روز پی در پی بیاشامد از درد سپرز خلاص شود و هرکه سوره
دخان را کتابت کند و بشوید و اب وی را بیاشامد سنگ گرده و مثانه را بریزاند و درد مثانه را تسکین دهد
در دفع یرقان و جراحات و دمامیل و بواسیر و الام و اورام و دفع امراض دواب در کتاب در النظیم اورده
که هرکه سوره سبا را تلاوت و کتابت کند بر ظرف چینی یا زجاجی و باب طاهر محو سازد و بیاشامد از مرض یرقان
خلاص شود و رنگ چهره وی بتر اصل باز گردد و هرکه سوره لم یکن را کتابت کند و با خود نگاهدارد بعد از ان
که یکبار انرا بر ظرف چینی کتابت کرده باشد و محو ساخته و اب وی را بیاشامد حق تعالی علت یرقان را از وی زایل کند
و هرکه سوره حم غافر را کتابت کند و با خود نگاهدارد از همه قروح و جراحات که بر بدن وی عارض شده
باشد خلاص یابد و هرکه سوره من اضطون بر اوجاع و دمامیل خواند زایل شود و هرکه سوره والمرسلات را

کتابت کنند و از خود بیاویزند هر دُملی که داشته باشد زایل شود و هر که سورهٔ اعلی را بر بواسیر خواند زایل گردد و
خواندن سورهٔ غاشیه بر آلام و اوجاع سبب تسکین و تخفیف آن شود و هر که سورهٔ حدید را بنویسد و با خود نگاه
دارد هر وجعی که در اعضای وی بود فرو نشیند و هر که سورهٔ انعام را کتابت کند و از گردن دواب بیاویزد از جمیع
امراض که دواب را عارض شود زایل گردد و هر که سورهٔ انشقت را کتابت کند و از گردن ستوران آویزد از
جمیع آفات و امراض که ستوران را طاری میشود محفوظ ماند و هر که سورهٔ فاطر را کتابت کند و از گردن دواب
بیاویزد

در حفظ حوامل و جنین و تسهیل ولادت و صیانت مولود در کتاب درر النظیم آورده
که هر که سورهٔ لم یکن را بر ظرف چینی بنویسد و باب طاهر محو سازد و حامله از آن بیاشامد وی را و جنین را
در شکم وی نفع بلیغ برساند و از جمیع آفات و امراض محفوظ ماند و سورهٔ حجرات نیز همین خاصیت دارد و هر که
سورهٔ الحاقه را کتابت کند و بر ران حامله بندد حمل در بطن وی از همه آفات و بلیات محفوظ ماند و اگر این سوره را
بر جام زجاجی بنویسد و باب طاهر محو سازد در ساعتی که فرزند متولد شود وی را از آن شربتی دهد فهم و
ذکاء او بیفزاید و از هر آسیبی و مرضی که اطفال را عارض میشود بسلامت ماند و من عند الله محفوظ باشد و اگر این
سوره را بر روغن زیتون خوانند و در بدن مولود مالند مر او را نفع عظیم رساند و از جمیع حشرات و طیور موذی
و سایر آفات محفوظ باشد و این روغن جمیع اوجاع بدنی را نافع بود و اگر کسی سورهٔ انشقت بنویسد
و در وقت وضع حمل بر ران حامله بندد در ساعت باسانی بار بنهد و اگر کسی سورهٔ ذاریات را بنویسد و بر زنی
بندد که بعسرت و دشواری میزاید بسرعت و آسانی بار دهد

در حصول ولد صالح و وقوع ولد مذکر

در کتاب درر النظیم
آورده

۳ع۱:

در کتاب درر النظیم آورده که هر مردی که سورهٔ فجر را صد بار بشرایطش تلاوت کند بعد از آن با زوجهٔ خود مباشرت نماید
حق تعالی او را فرزند صالح کرامت فرماید که دیدهٔ پدر را روی روشن سازند و از جملهٔ مجربات است در طلب فرزند
این عمل که سورهٔ اعلی را کتابت کند بشرایطش و از پهلوی راست زوجه بیاویزد در اول ماهی که آبستن شده باشد
حق تعالی وی را فرزند نرینه کرامت فرماید باذن الله تعالی

در ادرار لبن مرضعات در کتاب درر النظیم
آورده که هر که سورهٔ یس را هفت بار بگلاب و زعفران بر ظرف چینی یا زجاجی بنویسد و هفت روز متصل
هر روز آنرا باب عذب محو کرده بخورد زن مرضعه دهد شیر در پستان وی بجوشد و بسیار شود و اگر مردی
بیاشامد ادرار کامل نماید و از همه امراض درونی شفا یابد و هر که سورهٔ حج را کتابت کند بگلاب و زعفران و محو سازد
باب طاهر و زن شیرده از آن آب بیاشامد شیر در پستان وی بسیار شود و سورهٔ حجرات نیز همین خاصیت دارد

در دفع بکا و فزع اطفال و تسهیل فطام و رستن دندان و انطلاق لسان اطفال در کتاب درر النظیم آورده که

لدفع بكاء الاطفال

هر که سورهٔ ابراهیم را کتابت کند بر خرقهٔ حریر سفید بعد از وضو و طهارت کامل و بر طفل بندد ترک گریه نماید
و فزع و ترس وی در خواب و بیداری زایل شود و از چشم بد محفوظ ماند و بسهولت از شیر باز شود و هر که سورهٔ
بروج را کتابت کند و بر طفل بندد باسانی از شیر باز شود و هر که سورهٔ ق را بر ظرف چینی بنویسد و باب باران
محو سازد و از آن شربتی بطفل دهد که دندان بدشواری بر میاورد باسانی و سهولت بر آورد و هر که سورهٔ
بنی اسرائیل را و آل عمران و کلاب کتابت کند و آنرا باب شیرین محو سازد و شربتی از آن بصبی دهد زبان وی
بنطق و سخن گفتن جاری شود و دشواری و گرانی تکلم زایل شود و طلاقت لسان حاصل گردد

در تعوید اطفال از شیاطین جن وانس وایمنی ایشان از چشم بد ونهش هوام در کتاب درر النظیم اورده که هر که سوره ونود
بلد را بر طفلی بندد در اول ولادت وی از ضرر جمیع موذیات ایمن باشد وهر که سوره جاثیه را کتابت کند ودر طفلی ببا
در اول ولادت وی محفوظ ومصون باشد از ضرر جن وهوام واز شیخ ابو الحسن شاذلی قدس سره نقل فرموده که
هر که معوذتین را بنویسد وبر اطفال صغار ببندد از ضرر جن وانس ومرض ام الصبیان ونهش هوام در خط
وپناه حق تعالی باشد [illegible] در تحصیل اخلاق حسنه وصفات مرضیه مشتمل بر دوازده فصل اول
در توفیق خیرات وموفق شدن وقبول بحفظ قرآن فصل دوم در تحصیل اخلاص ویقین وظهور
حکمت بر زبان فصل سیوم در دفع شرک وسوء اعتقاد فصل چهارم در اصلاح خصال حال
ردیه ودفع کذب وتحصیل صدق وخلاصی از شرب خمر فصل پنجم در دفع ضیق صدر وتحصیل سرور
وسعت قلب ودفع کسل فصل ششم در دفع هموم وغموم فصل هفتم در تحصیل صحت باطن و
اوصاف کمال وخشوع وخضوع ودفع اضطراب وخوف فصل هشتم در تقویت ذهن وازدیاد قوه
حافظه است فصل نهم در تحصیل ذکا وفطنت ودفع نسیان تقویت ذهن وحفظ فصل دهم در دفع
وساوس دیوان وهواجس جنیان فصل یازدهم در دفع شهوت جماع واحتلام ومنع اضغاث احلام
فصل دوازدهم در رؤیای صالحه ودیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در واقعه
در توفیق خیرات قبول وموفق شدن بحفظ قرآن در کتاب درر النظیم اورده که هر که مداومت کند
بر قرائت سوره والشمس صاحب خطوه وتوفیق وقبول گردد واز وی خیرات ومبرات صادر شود وهر که

مداومت نماید

مداومت کند بر تلاوت سوره مدثر بنیت حفظ قرآن حق تعالی وی را توفیق دهد که قرآن یاد گیرد ونمیرد
الا در حالیکه حافظ کلام الله باشد والد راقم علیه الرحمه از بعض اکابر نقل کردند که هر که فرزند خود را بنیت
حفظ کلام الله سوره یوسف یاد دهد ومقرر کند بر تلاوت آن همیشه مواظبت نماید البته موفق شود
بحفظ کلام الله   در تحصیل اخلاص ویقین وظهور حکمت بر زبان در کتاب درر النظیم
اورده که شیخ ابو الحسن شاذلی قدس سره فرموده که اگر خواهی صفت اخلاص ترا حاصل شود بر تو باد بمداومت
قرائت قل هو الله احد ودر خواص ابن تیمی اورده که هر در نمازهای نافله بر قرائت سوره اذا جاء نصر الله
مواظبت نماید سر وی سر الله ودعای وی مستجاب شود   در دفع شرک وشک وسوء
اعتقاد در کتاب درر النظیم اورده که هر که سوره والمرسلات را بسیار تلاوت نماید از صفت شک وشبهه
باطن وی صاف گردد ودر مخاصمات ومباحثات بر خصم خود بحجت وبرهان غلبه کند وهر که مداومت کند
بر قرائت سوره قل یا ایها الکافرون در وقت طلوع آفتاب وغروب وی ایمن شود از شرک وشک
وسوء اعتقاد   در اصلاح خصال ردیه ودفع کذب وتحصیل صدق وخلاصی از شرب خمر
در کتاب درر النظیم اورده که هر که سوره زخرف را کتابت کند وآن را باب باران محو سازد وزن
سلیطه بدخوی آن را بیاشامد بدخوئی ومخالفت شوهر از وی زایل شود واز شیخ ابو الحسن شاذلی
قدس سره نقل کرده که اگر خواهی که زبان بر تو بصدق وراستی جاری شود بر تو باد که سوره قدر را بسیار تلاوت
کنی ودر یافعی رحمه الله اورده که هر که مؤمن را کتابت کند بر خرقه سفید در شبی از شبهای صفر که وان نوشته را

ازشارب خمر دراویزد هرگز میل شراب نکند وازان فعل خبیث افسرده خاطر شود و دیگر پیرامون ان
نگردد در دفع ضیق صدر و تحصیل سرور و وسعت قلب و دفع کسل صاحب درر النظیم
اورده که هر که سوره الم نشرح را بر سینه خود یا غیر خود خواند از تنگی و ضیق صدر خلاص شود و هر که
سوره عنکبوت را کتابت کند و محو ساخته اب ویرا بیاشامد سینه وی منشرح گردد و سرور و بهجت در دل
وی پیدا شود و صفت کسالت و کاهلی از وی زایل شود در دفع هموم و غموم صاحب درر النظیم
اورده که هر که در قرائت سوره نوح مداومت کند هر غمی و همی که داشته باشد زایل گردد و هم وی در کتاب [illegible]
در منافع و فضایل سوره یس روایت کرده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم فرموده که هر که صباح
سوره یس را بخواند تا شام در فرح و سرور باشد و هر که شام بخواند تا صباح در فرح و سرور باشد و فرموده‌اند که
که بعض عارفان گفته‌اند که چون ادمی را غمی روی نماید و مهموم و محزون گردد باید که سوره یس را تلاوت کند و چون
ختم کند این دعا را بعد از ان بخواند که سبحان المفرج عن کل مهموم سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان من جعل
خزائنه بین الکاف والنون انما امره اذا اراد الله شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون یا مفرج اللهم فرج یا مفرج اللهم فرج یا مفرج اللهم فرج
انغم و اندوه زایل شود و راقم این حروف از بعض علما استماع دارد که در این دعا بجای لفظ مهموم
لفظ محزون میخوانند و بعد از لفظ النون سه بار سبحان الله میگفتند پس انما امره تا اخر بطریق مذکور
میخوانند در تحصیل صحت و اطمینان باطن و اوصاف کمال و خشوع و خضوع و دفع

اضطراب دوم

اضطراب و خوف در کتاب درر النظیم از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم روایت کرده که هر که سوره
یس را کتابت کند و محو ساخته اب ویرا بیاشامد در باطن وی هزار دوا و هزار نور و هزار صفا و هزار
یقین و هزار برکت و هزار حکمت و هزار رحمت در اید و هر مرضی و صفتی ناخوش که در درون
وی باشد زایل شود و هم یافعی رحمه الله دران کتاب اورده که هر که مداومت کند بر تلاوت سوره قیامت
دل وی از خشوع و خشیة الله تعالی مملو شود و اگر این سوره را بر اب پاک خواند چند بار و نفث کند
وان اب را بر ناهار بیاشامد در وقت سحر سه آیه تلاوت کند صفت خشیه و ترس از حق سبحانه و تعالی ویرا حاصل واکر صح
شود و هر که سوره قاف را کتابت کند و باب باران محو کرده از ان بیاشامد دل او از خوف و اضطراب
خلاص شود و ایمن و مطمئن گردد در تقویت ذهن و ازدیاد قوت حافظه در کتاب
درر النظیم اورده که هشام بن حارث از ابن عباس رض نقل کرده که روزی حضرت رسالت صلعم
فرمود ای پسر عباس میخواهی که ترا هدیه دهم که جبرئیل علیه السلام مرا تعلیم کرده است از برای حفظ گفتم
بلی یا رسول الله فرمود که بنویس بر طشتی بزعفران فاتحة الکتاب و معوذتین و قل هو الله و سوره یس را
تا اخر و سوره ملک تا اخر و سوره حشر تا اخر و سوره واقعه تا اخر و در بعض روایات بجای سوره واقعه
سوره القارعه است پس ان نوشته‌ها را باب زمزم یا اب دریا یا اب باران بشوی و در وقت سحر ناشتا
بیاشام با سه مثقال لبان و سه مثقال عسل و ده مثقال شکر بعد از ان که اشربت را اشامیده باشی
دو رکعت نماز گذار که در هر رکعتی پنجاه بار فاتحه و پنجاه بار قل هو الله بخوانی پس ان روز را روزه دار د ابن عباس

گوید که این عمل نیست بکسی که عمر وی از شصت سال کمتر باشد و من تعلیم گرفتم از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
و من بآن عمل کردم همچنان بود که آنحضرت فرمود و یافعی گوید رحمه الله که زهری این عمل را از برای اولاد خود کرد
و بجا آورد و این شربت را بخورد ایشان میداد و گفته است که ما تجربه کرده ایم و از آن نافع یافتیم و از عاصم نقل کرده
است که وی فرمود من این عمل را بجهة خود بجای آوردم و در آن وقت پنجاه و پنج سال بر من گذشته بود یکماه
بر من نگذشت الا آنکه در خود مشاهده کردم زیادتی حفظ بمرتبه که صفت آن نمیتوانم کرد

در تحصیل ذکاء و فطنت و دفع نسیان و تقویت ذهن و حفظ در کتاب در النظیم آورده که سوره حجر را
کتابت کند بر جام زجاجی ابیض یا چینی سفید و نوشته را باب باران محو ساخته و بیاشامد حق سبحانه و تعالی او را
ذکاء و فطنت را روزی گرداند و نسیان وی بغایت کم شود و هر که سوره اعلی را کتابت کند و با خود
نگاهدارد ذهن وی صاف شود و قوت حافظه وی بیفزاید و نسیان وی نقصان پذیرد

در دفع وساوس دیوان و هواجس جنیان در کتاب در النظیم آورده که هر که بر قرائت سوره جمعه مداومت
نماید از وسوسه دیوان و مزاحمت ایشان ایمن گردد و محفوظ و محروس باشد و هر که سوره دخان را بنویسد
و با خود نگاه دارد از شر دیوان و مزاحمت هر شیطان محفوظ و محروس باشد

در دفع شهوت جماع و احتلام و منع اضغاث احلام در کتاب در النظیم آورده که هر که سوره نور را کتابت کند و آن
نوشته را با خود بجامه خواب برد و نگاهدارد تا آن نوشته با وی در جامه خواب باشد هرگز محتلم نشود
و اگر آن سوره را بر آوند چینی یا زجاجی کتابت کند و باب زمزم بشوید یا بآب طاهر و بیاشامد شهوت

ازوی منقطع شود

کتابت سوره [illegible] ذکاء و فطنت

ع ع ا:

از وی منقطع شود و آن دغدغه بغایت ضعیف گردد و اگر احیانا مباشرت کند از آن حظی و لذتی نبرد و هر که بر
فراش سوره طارق را تلاوت کند آن شب از احتلام ایمن بود و هر که هر شب پانزده بار سوره و اللیل را در وقت رفتن
بفراش تلاوت کند آن شب هیچ خواب پریشان نه بیند و تا صباح خواب ایمن کند و هر که سوره معارج را در شب
وقتیکه بخواب میرود بخواند آن شب از احتلام و جنابت و دیدن خوابهای پریشان تا صباح ایمن بود

در رؤیای صالحه و دیدن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در واقعه صاحب کتاب در النظیم آورده که
هر که سوره مریم را کتابت کند و آنرا در ظرف زجاجی بشوید و در منزل خود نگاه دارد خیر و برکت بسیار بیند
و همیشه در خواب خیری مشاهده کند که موجب فرح و سرور وی باشد و هر که سوره انا اعطیناک را در شب جمعه
هزار بار پیوسته تلاوت کند و بعد از آن بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم صلوات فرستد و بر اکل حلال
و طهارت کامل خواب کند آن شب حضرت مقدس نبوی را صلی الله علیه و آله وسلم در خواب ببیند تمت الکتاب
بعون الملک الوهاب والصلاة علی محمد خاتم النبیین الی یوم الحساب والحمد لله علی اتمامه حرره الداعی
عبد المهدی ابن المرحوم عبد الباقی الحسینی الشوشتری فی صبح یوم الاربعاء العاشر من شهر رجب المرجب سنة ثلاث
وستین بعد المائتین والالف من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله وسلم الذین هم خیر البریه و رزقنا الله تعالی
فیض ظهور خاتم الائمة الاثنی عشر الحجة المهدویه صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین

تم کتاب حرز الامان من فتن الزمان
المسمی

الركبرا فرزند نشود در شب جمعه چنانچه مطلع نشود كسى براو برپاره حلوا نويسد و بخورد زن دهد و با زن مجامعت نمايد حامله شود فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد وجئنا بك على هؤلاء شهيدا يومئذ يود الذين كفروا وعصوا الرسول لو تسوى بهم الارض ولا يكتمون الله حديثا للبغض والتفريق يكتب على خزف الحنطة او الشعير في ساعة المريخ ويلقيه كلبا اسود باسم العاصيين مفترق قال هذا فراق بيني وبينك فلان بن فلان على بغض فلان بن فلان لهلاك العدو

بسم الله الرحمن الرحيم كتبت يا مولاى صلوات الله عليك مستغيثا بك وشكوت ما نزل بي مستجيرا بالله عز وجل ثم بك من امر قد دهمني واشغل قلبي واطال فكري وسلبني بعض لبي وغير خطر النعمة لله عندي اسلمني عند تخيل وروده الخليل وتبرا مني عند ترائي اقباله الى الحميم وعجزت عن دفاعه حيلتي وخانني في تحمله صبري وقوتي فلجأت فيه اليك وتوكلت في المسئلة لله عز وجل ثناؤه عليه وعليك في دفاعه عني علما بمكانك من الله رب العالمين ولي التدبير ومالك الامور واثقا منك بالمسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه في امري متيقنا لاجابته تبارك وتعالى اياك باعطاء سؤلي وانت يا مولاى جدير بتحقيق ظني وتصديق املي فيك في امر كذا وكذا فيما لا طاقة لي بحمله ولا صبر لي عليه وان كنت مستحقا له ولاضعافه بقبيح افعالي وتفريطي في الواجبات التي لله عز وجل فاغثني يا مولاى صلوات الله عليه عند اللهف وقدم المسئلة لله عز وجل جلاله في امري قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبك بسطت النعمة علي واسئل الله جل جلاله لي نصرا عزيزا وفتحا قريبا فيه بلوغ الآمال وخير المبادي وخواتيم الاعمال والامن من المخاوف كلها في كل حال انه جل ثناؤه لما يشاء فعال وهو حسبي ونعم الوكيل پس اين در خير باكل پاك كرفته در چاه عميق يا رود خانه آب روان اندازد و در وقت انداختن بگويد يا عثمان بن سعيد ويا حسين بن روح ويا علي بن محمد السمري ويا محمد بن عثمان سلام الله عليكم اشهد ان وفاتكم في سبيل الله

وانت حي

١٦٧

وانت حي مرزوق وقد خاطبتك في حيوتك التي عند الله عز وجل وهذه رقعتي وحاجتي الى مولانا صاحب الزمان عليه السلم فسلمها اليه فانت الثقة الامين والسلام

فايدة

اگر كسى خواهد كه بداند صحت غايب را معلوم نمايد اين رقوم را بر كاغذ نوشته وقت خفتن زير سر نهد اگر غايب الست ديده باشد زنده است واگر خوابيده باشد مرده است

ع ٥ ا ا ٨ ح ا ا ا ا ا ٨ ا ا ع ا ا ٨ ا ا ا ا لا ع

ح ا ا ٩ ٨ ٩ الف اگر شتر را نخرند ايد عارا براو بخوانند يا بغند برود فروخته شود

بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر [illegible]

صلوة الحاجة صل ركعتين محافظا لادابها وشرائطها كمالها
في جوف الليل تقرء في الاولى بعد الفاتحة التوحيد وفي الثانية
الكافرون فاذا سلمت تسبح الله ثلثا وثلثين تسبيحة وتحمد الله مثل ذلك
مثل ذلك وتكبر الله اربعا وثلثين تكبيرة ثم تقول يا من نواصي العباد بيده
وقلوب الجبابرة لا تمتنع من الكون تحت ارادته يدبرها بتكوينه
اذا شاء كيف شاء ما شاء الله كان انت الله ما شئت من امري يكن
لا حول ولا قوة الا بالله رب قد دهمني ما قد علمت وغشيني
ما لم يغب عنك فان اسلمتني هلكت وان اعززتني سلمت
اللهم اني اسطو بالملاذ بك على كل كبير واتحرز من مهاوي
الدنيا والاخرة بذكري لك في اناء الليل واطراف النهار
اللهم بك اتعزز على كل عزيز وبك اصول على كل جبار
عنيد واشهد انك الهي واله العالمين سيدي انت ابتدئت
بالمنح قبل استحقاقها فاحصصني بتوفيرها واجزالها
بك اعتصمت وعليك عولت وبك وثقت واليك الجأت
الله الله الله ربي لا اشرك به شيئا ولا اتخذ من دونه
وليا

بسم الله الرحمن الرحيم

در بيان طلسمات كه بكواكب سبعه تعلق دارند و شرح خواص انها كه منتخبه
از رسالهٔ برهانيه بدانكه زحل صاحب فلك هفتم است و عمل در طلسم او
بهر نفاق و تمريض و تعويق است اما تعويق بايد طلسم او به روز شنبه
ساعت اول روز بسركه و نيل حروف طلسم زحل را بر جلد خارپشت نوشته و در گذر
ان شخص دفن نمود يا در اب شب حمام اندازد و در تمريض قدری موم
مع اسماء ملك و جان و عون او را
سياه كه ظاهرا قبر باشد بگيرد و صورتی بنام او ميسازد كه شكم او مجوف
باشد در همان ساعت روز اول شنبه و طلسم به با اسم انكس بسركه و نيل
بنويسد و در ميان صورت مينهد و صورت را در ميان لته حبيس پيچيده
در شيشه زجاج گذارد و سر ان بند و بگذارد اتش دفن كند بهمان ساعت
و طلسم و حروف مع اسماء ملائكه و جان و عون و بخور او اينست كه مذكور
بعد طلسم مشتری صاحب فلك ششم است و عمل در طلسم او
جهت سعادت و دوستی نزد قضاة و علماء و اشراف چون روز پنجشنبه
ساعت اول حروف طلسم مشتری را نوشته بر ورق اهو بمشك و زعفران
عنوان و گلاب و در عمامه كه اينند نزد اهل فضل و علم با حرمت باشند
بجهت وسعت عيش و رزق

سه روز روزه بکیره واز روز ۲ شنبه روزه باشد تا ...

ودر روز پنجشنبه که روزه بنیت غسل کند در ساعت اول روز ۵ شنبه وطلسم مرقومه

بمشک وزعفران وعرق بید در ورق اهو بنویسد ونوشته را با خضوع دارد بعده

هر روز چهار رکعت نماز نوده دو رکعت بیک سلام بکزارد ودر هر رکعته

فاتحه یکبار وآیة الکرسی چهل بار بخواند ونوشته را پیش سجده کذارد

ودر روز راست که بعد از فراغ از نماز بر نوشته [illegible] نهد وحاجت بخواهد که مبتدا

اما بو طلسم خوشی باید بموقع وقت عمل واما طلسم مریخی عمل دراز [illegible] مشهور است

چون نه شرح او ونه خود طلسم در نسخه بنده دیکر نوشته شد واما طلسم شمس

صاحب فلک چهارم است اکر خواهد کسی از عشق خود بیزار کنند روز یکشنبه

در ساعت اول مقابل افتاب بر یکقدم باید ایستاده وطلسم بر کر باید کتابت

خواهند باب سبی خود واین اسم یا الله الالهة الرفیع جل له بنام انکی که

واکر [illegible] دشمن خواهند صد دفعه چند وان [illegible] بخورد مطلوب دهد که مکو ثر است

با باید نوشت وبا خضوع داشت وچهل روز [illegible] خواهند همین اسم که یا الله الاله الخ باشد بر کاغذ زر

واین اسماء که یا نور کل شیء وهداه انت الذی فلقت الظلمات

بنوره باشد هر روز صد مرتبه باید خواند مقابل افتاب بیکقدم ایستاده

ایستاد وحاجت که با افتاب هر روز بعد از فراغ از خواندن اسم [illegible]

دشمنی بر اسد که این اسم یا نور کل شیء الخ باید نوشت با [illegible]

بر کاغذ زرد باسم مدعی وهم روزه بعد از خواندن کاغذ را بر جای پاکیزه

[illegible] کنند که اسمان بر او نباشد هر روز دیکر که او سو برون اورند

بنوعیکه اسمان نبیند اورا وبرابر افتاب روند ومشغول بخواندن اسم

کافور نوشته روز ۴ شنبه ساعت اول وقدری کافور [illegible] همین دستور العمل تا چهل روز واما طلسم عطارد اکر اوده باب

نوشته بجوزد مدعی دهند زبان او بسته شود واکر [illegible]

بر دشمنی بخواهند اوده نوشته [illegible]

در ساعت اول ۴ شنبه باب کافور وزعفران نوشته و با اندکی کافور در کوزه نهند

واز ان کوزه اب بان شخص بخوراند واکر عملی شود ان کوزه را در زمین نمناک

باسم ان دشمن دفن کنند که ان کسی را تب سرما کیرد واما طلسم قمر

روز ۲ شنبه ساعت اول اوده نوشته بمشک وزعفران وکلاب بود در بازوی

بندد ویزد باعث برکت میشود واکر نوشته را با خضوع دارد موجب طاعت

عوام الناس کردد واز بهر زبان بندخصمان هم خوب است که با خضوع دارد

طلسم [illegible]

[illegible]

طلسم مشتری

[illegible]

طلسم عطارد

[illegible]

طلسم قمر

کا ۱۱۱ ط ۸۸۸ ح ۱۱۱ مع م و ا م

۱۱۱۱۹ ۱ کم ۹ ۱۱۱۱ لا ح ه ط ۱ و ه ع مه

طلللل کم ۱۱ دا ۱ و ۱۱ ل ۱ ۱ ی ۸ صه ۴

کسعد هو لعاما ما کسی میلے و ها ها ها ما دا

لمطارا لا الحاا ا ری ا ها الا لا ا د کسه محمه

اما قاعدهٔ دیگر در تقسیم حروف بر کواکب و طلسم ایشان با املاک و اعوان و بخور

و بعضی از کواکب و انکه هر کوکبی بکدام روز و بکدام شب تعلق دارد علی سبیل الاجمال

زحل

حروفه اب ج د ملکه کسفیائیل جانه میمون عونه ارتاطائیل

یومه السبت لیله لیلة الاربعاء بخوره لادن اسود طلسمه

بیته جدی دلو طلسمات

بیته جدی

مشتری

حروفه هـ و ز ح ملکه صرفیائیل جانه شمهورش عونه هصطائیل یومه یوم الخمیس لیله لیلة الاثنین

بخوره عود و بنفسج طلسم طلسم بیته قوس و حوت طلسمات الکوکب

بیته الحوت

مریخ

حروفه ط ی ک ل ملکه سمسائیل جانه احمر عونه عشطیوش یومه یوم الثلثا و لیله لیلة السبت بخوره اشق کندر احمر طلسم بیته عقرب حمل

طلسمات الحمل بیت العقرب

شمس حروفه م ن س ع ملکه روقیائیل جانه مذهب عونه ارشطائیل یومه یوم الاحد و لیله لیل الخمیس بخوره زعفران کهربا طلسمه بیته اسد طلسمانه

زهره حروفه ف ص ق ر ملکه عنیائیل جانه ذوبعه عونه قیططروش یومه یوم الجمعه لیله لیلة الثلثاء بخوره حصا لبان عکر سبز و شکر طلسم بیته ثور میزان طلسمات الثور

عطارد

حروفه ش ت ث خ ملکه روقیائیل جانه برقان عونه ملمکائیل یومه یوم الاربعاء لیله لیلة الاحد بخوره سنبل الطیب سنبل الطیب زرقاء طلسم بیته جوزاء سنبله طلسمات الجوزاء سنبله

قمر

حروفه ذ ض ظ غ ملکه جبرائیل جانه ابیض عونه سلقطوش یومه یوم الاثنین و لیله لیلة الجمعه بخوره عنبر کافور ابیض طلسمه بیته سرطان طلسم البیت

[illegible]

تاریخ [illegible]

چهل روز روزی چهل بار بخواند

یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت برحمتك استغیث

من الاوراد لدفع الم الدرد والصداع، سوره ق الم [illegible] سوره طه [illegible] مداومت [illegible] سوره فاتحه

واقعه [illegible] مداومت بر سوره [illegible] صبح [illegible]

مداومت بر سوره مائده [illegible] مداومت بر سوره [illegible] مداومت بر [illegible] سوره یوسف [illegible]

مداومت بر سوره [illegible] ادا [illegible]

علی اصغر [illegible]

[illegible]



